دوازده گفتار مهدوی

مرکز تخصصی مهدویت ـ قم

السلام علیک یا بقیة الله فی ارضه

گردآوری و تنظیم: رحیم کارگر

بسم الله الرحمن الرحيم

دوازده گفتار مهدوی

نویسنده:

رحیم کارگر

ناشر چاپی:

مرکز تخصصی مهدویت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

دوازده گفتار مهدوی

مشخصات کتاب

دوازده گفتار مهدوی

مرکز تخصصی مهدویّت _ قم

گردآوری و تنظیم: رحیم کارگر

ص:۱

اشاره

فهرست مطالب

فصل سوم

ص:۶

فصل هشت

ص:۷

ص:۸

حاصل سخن ۲۴۰

ص:۱۰

مقدمه

امامت خورشید زندگی بخشی است که اعتقاد شیعه با آن گره خورده و باعث شده است تا این گروه، راه خویش را در تاریخ اسلام از کج راهه ها و بیراهه ها جدا کند. حیات، بالندگی و بقای شیعه در گرو این حقیقت بزرگ قرآنی و یادگار سترگ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.

در میان امامان شیعه، امام دوازدهم از ویژگی ها و امتیازهای خاصی برخوردار است. او تنها کسی است که همه جهان را از عدل و داد، سرشار خواهد ساخت؛ همان گونه که از ظلم و بیداد پر شده است.

مهدویت، به دلیل دارا بودن ویژگی های منحصر به فرد، یکی از توانمندترین عوامل رشد جامعه دینی ما است؛ از این رو طرح درست و گسترش این فرهنگ در جامعه، باعث تعالی هرچه بیشتر جامعه و حفظ آن از فرو غلتیدن در ناراستی ها، فسادها و تباهی ها است.

«مهدویت» در اندیشه اسلام و ادیان آسمانی، اندیشه ای فراگیر و پیشینه دار و نقطه اوج و کمال تاریخ بشری است. توجه جهان به این موضوع مهم در عصر حاضر و مطرح شدن اندیشه های موازی و انحرافی در این زمینه، از سوی قدرت های جهانی و اندیشمندان بشری و برداشت های غیر کارشناسانه از آن، ضرورت پاسداری از این اندیشه بنیادین اسلام را چند برابر کرده است.

در این راستا بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز آموزشی تخصصی مهدویت، به منظور ترویج و معرفی بیشتر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و شناساندن فرهنگ مهدویت و آشنا ساختن جامعه _ مخصوصاً نسل نو _ با نقش آن امام عزیز در عصر غیبت و حکومت واحد جهانی و تحکیم پایه های امامت و ولایت، تأسیس شده و اهداف مختلفی را پیگیری کرده است.

یکی از برنـامه هـای مهم این بنیـاد، تـألیف و نشـر کتـاب و نشـریه و تـدوین آثار فرهنگی، علمی و ادبی درباره شخصـیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که تا کنون در بخش کتاب، بیش از چهل عنوان، تدوین و چاپ کرده است.

کتـاب حاضـر که تحت عنوان «دوازده گفتـار مهـدوی» تقـدیم می شود حاصل تلاش جمعی از محققین و نویسـندگان مباحث مهدویّت می باشدکه توسط جناب حجت الاسلام والمسلمین «رحیم کارگر» گردآوری و تنظیم شده است.

لازم به ذکر است مجموعه حاضـر گامی آغازین در این زمینه به شـمار می آیـد؛ امیـد است فرهیختگان با تلاش های جدید و ژرف تر، پژوهش های کامل تر و متنوع تری ارائه دهند و اقدامات پر ثمری در ترویج فرهنگ «مهدویت» به عمل آورند.

قم ــ مرکز تخصصی مهدویت

مجتبی کلباسی

فصل اول: ضرورت وجود امام

اشاره

ص:۱۳

ضرورت وجود امام

اشاره

وجود امـام و خلیفه پیـامبر صـلی الله علیه و آله و پیشوای مسـلمین، مورد قبول همه مـذاهب اسـلامی ــ اعم از شـیعه و سـنّی ــ است. این انگاره به قدری اهمیت دارد که وقتی به اهل سنّت درباره ماجرای سقیفه اعتراض می شود که چرا عده ای از صحابه ــ از جمله خلیفه اول و دوم ــ هنوز بـدن پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله را غسل و کفن نکرده، به مسأله جانشـینی پرداختنـد، می گویند: امامت و رهبری امت اسلامی، مهم تر از تجهیز و کفن و دفن پیامبر صلی الله علیه و آله است!

پس مسأله ضـرورت وجود امام، نه تنها برای شـیعه؛ بلکه حتی برای فرقه های مختلف اهل سـنّت نیز جـدّی و پر اهمیت است و آنان نیز در اینکه امامت و خلافت، امری بایسته و ضروری است، تردید ندارند، منتها در کیفیت و وجوب آن، با شیعه اختلاف دارند

یادآوری: فریقین معتقـد به وجوب امامت هسـتند، ولی در اینکه این وجوب بر خدا است یا بر مردم اختلاف نظر دارند. قول به «وجوب بر خـدا»، وجوب کلامی است که امامیه بـدان معتقـد است؛ ولی قول به «وجوب بر مردم»، وجوب فقهی است که فرقه های اهل سنّت (از آنجا که به حسن و قبح عقلی معتقد نیستند) بر آن دیدگاه هستند.

«مقصود از وجوب کلامی، این است که فعلی، مقتضای عـدل یا حکمت یا جود یا رحمت یا دیگر صـفات کمال الهی است و چون ترک چنین فعلی، مسـتلزم نقص در ساحت خداوند و در نتیجه، محال است؛ پس انجام دادن آن، واجب و ضروری است. البته کسی، آن فعل را بر خداوند واجب نمی کند؛ بلکه او خود، به مقتضای صفات کمال و جمالش، آن را بر خود واجب می کند؛ چنان که فرموده است: (...کتَبَ رَبُّکم عَلی نَفْسِهِ الرَّحْمَهَ...)و نیز فرموده است:

(اِنَّ عَلَینا لَلْهُدی)(۱) و آیات دیگر.

قاعده لطف

انسان برای داشتن زندگی بهتر و ایده آل، نیازمند الگویی کامل و جامع است که از هر نقص و عیبی به دور بوده و بتواند راهنمای خوبی برای او در همه زمینه ها باشد. در زندگی اجتماعی نیز انسان به رهبری محتاج است که او را به سوی خوبی ها و کمال هدایت کند. پیشوایان معصوم علیهم السلام، بهترین الگو برای رسیدن بشر به سعادت و کمال هستند. در دست داشتن چنین معیار و الگویی، بزرگ ترین لطف و مرحمت الاهی برای جامعه انسانی است.

وجود پیشوایی معصوم به منظور پاسداری از اصالت مکتب و خالص بودن برنامه های دینی همواره ضروری است تا از انحرافات و اندیشه های نادرست و خرافات جلوگیری کند. به یقین اگر مذهب و آیین بدون وجود چنین رهبری بوده یا از رهنمودهای هدایت گرایانه او محروم باشد، درمدت بسیار کوتاهی اصالت و خلوص خود را از دست خواهد داد. امام، مکلفان را در به پا داشتن واجبات و بازداشتن از زشتی ها سوق داده و انسان را از اخلال به واجبات و ارتکاب گناهان باز می دارد. امام رضا علیه السلام می فرماید: «امامْ ماه تابان، چراغ فروزان، نور درخشان و ستاره ای است راهنما در شدت تاریکی ها. امامْ آب گوارای زمان تشنگی و رهبری به سوی هدایت و نجات بخش از هلاکت است...؛ هر که از او جدا شود، هلاک می گردد».

تا زمانی که نوع انسان روی زمین باقی است، لازم است همواره در میان آنها فرد کامل و معصوم وجود داشته باشد که تمام کمالاتی که برای بشر در نظر گرفته شده، در او به فعلیت و ظهور رسیده باشد تا بتواند با کردار و دانش خویش، هدایت افراد را بر عهده گیرد. امام باقر علیه السلام می فرماید: «به خدا سوگند خدا از آن زمان که آدم علیه السلام را قبض روح کرد تا حال، هرگز زمین را

۱- سوره اللیل (۹۲)، آیه ۱۲.

بی امامی که مردم به واسطه او هدایت یابند، رها نکرده است و او حجت خدا بر بندگان می باشد. زمین خدا هرگز بی امام باقی نمی ماند تا خدا بر بندگانش حجتی داشته باشد».

تبیین قاعده

یکی از براهین عقلی که متکلّمان شیعه برای وجوب امامت به آن استدلال می کنند، «قاعده لطف» است. «لطف» از صفات فعل خداوند است، نه ذات و مراد از آن، هر فعلی است که خداوند نسبت به مکلفین انجام می دهد (مانند نعمت ها، خیرها و...) و به واسطه آن بندگان را به اطاعت نزدیک می کنند و از معصیت باز می دارد (البته به حدّ جبر نمی رسد.)

اثبات ضرورت امامت بر اساس «قاعده لطف» چنین است.

حال که خداوند، تکالیفی را بر بندگان واجب کرده است، غرض او، اطاعت و پیروی انسان ها از آن تکالیف است تا در سایه آن، به کمال و سعادت مطلوب برسند. این مهم (امتثال) بدون انجام دادن اموری [از جانب خداوند]، مثل نصب امام معصوم، وعد و وعید و... محقّق نمی شود و خدای حکیم، حتماً این امور را انجام می دهد تا نقض غرض در تکلیف لازم نیاید.

پیش فرض های مهم برهان لطف

۱. هدف و غرض اصلی خداوند از تشریع تکالیف، اطاعت و پیروی بندگان است؛ نه اینکه هدف، صرفاً بیان تکالیف باشد (هر چند عدّه اندکی بدون وعد و وعید و یا نصب امام، امتثال می کنند).

قرآن، در موارد گوناگون، این مضمون را بیان می کند که اگر خداوند، دستوری داده، یا لطفی کرده است و یا ضرری را متوجه انسان ها ساخته، هدف انجام دادن، دستورها بوده است تا در سایه آن، به کمال مطلوب برسند. در اینجا به ذکر چند نمونه از آیات بسنده می شود:

(وبلوناهم بالحسنات والسیئات لعلّهم یرجعون).(۱)

ص:۱۶

۱- اعراف (۷)، آیه ۱۶۸.

۲. نصب امـام از مصـادیق لطف می باشـد. شـکی نیست که محـافظت از قوانین و سـایر کارکردهـای امـام انسان ها را به سوی پیروی از دستورات الهی نزدیک می کند و از سرکشی بر کنار می دارد. از طرفی هرگاه جامعه، رهبری داشته باشد که آنان را از تجـاوز و نزاع بـاز دارد و بـه صـلح و عـدل و انصـاف وادارد، چنین جـامعه‌ای، به صـلاح نزدیـک و از فسـاد تبـاهی دور می شود.(۱) حـال اگر چنین رهـبری، از جـانب خـدا بوده و معصوم هم باشـد، دیگر جـای تردیـدی در لطف بودن آن نمی مانـد. نصب پیشوا و امام معصوم الهی، هیـچ گونه مفسـده و مزاحمی نـدارد تا خداوند به جهت آن مفسده و یا تزاحم با امر دیگر، از نصب امام صرف نظر کند.

بایستگی کارشناس دین

با پذیرش خاتمیّت رسالت پیامبر صـلی الله علیه و آله و جامعیت دین اسـلام، این مشکل رخ می دهد که پیامبر صلی الله علیه و آله در طول ۲۳ سال ابلاغ رسالت، فرصت نیافت که همه جزئیات و تفاصـیل بایسـته برای راهنمایی و رهبری امت را تبیین کند و شـیوه هـای آن را در گفتـار و عمـل ارائه دهـد. علاوه بر اینکه مردم نیز توانایی درک بعضـی از معارف را نداشـتند و برخی مباحث و مسائل نیز مورد نیاز نبود تا مردم آن را یاد بگیرند و به دیگران برسانند.

از اینجا مسأله احتیاج به کارشناس بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله (به عنوان امام) مطرح می شود؛ یعنی، کارشناس امر دین که به اشتباه دچار نشود و خطایی از او سر نزند.

این مسأله یک ضرورت عقلی و شیوه پذیرفته شده در میان عقلا است که در هر کاری متخصّص آن را می طلبند و در مواجهه با هر مکتب و طرح پیچیـده ای، کارشـناس آن را جسـتوجو می کنند؛ زیرا بدون متخصّـِص و کارشـناس، رسالت های علمی و دینی، ناتمام می ماند و سرانجام به تباهی کشیده می شود.

آیه الله سبحانی در بحث ادله امامت دلیلی تحت عنوان «الفراغات الهائله بعد النبی فی

ص:۱۷

۱- کشف المراد، ص ۳۶۲.

مجالات اربعه» ذکر کرده است. ایشان در تقریر برهان چنین می گوید:(۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در طول حیات خود، مسؤولیت هایی داشته که عبارت بود از:

۱. شرح و تفسیر آیات الهی و کشف اسرار آنها؛

۲. شرح و بیان احکام مستحدثه در زمان حیات پربرکت خویش؛

۳. دفع شبهات و پاسخ به سؤالات اهل کتاب؛

۴. حفظ دین از تحریف.

اینها امور چهارگانه ای بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حیاتش بدان ممارست می کرد، حال بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله چه کسی باید عهده دار چنین مسؤولیتی باشد؟ سه احتمال وجود دارد:

الف. شارع مقدّس، مسأله را مهمل بگذارد و کاری به بعد نداشته باشد! این احتمال محال است.

ب. مسأله را مهمل نگذارد؛ بلکه امّت بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله مسؤولیت های او را انجام دهد. این هم با توجه به مسائل بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، و حوادثی که بعد از رحلت اتفاق افتاد و جامعه اسلامی را دچار تفرقه و جدایی کرد، قابل پذیرش نیست.

ج. خداوند این مسؤولیت را به شخصی مانند پیامبر صلی الله علیه و آله بسپارد که شئون مختلفی (مثل تفسیر معصومانه از دین و...) داشته باشد.

از این سه، دو احتمال نخست باطل است، و احتمال درست نصب جانشین پیامبر و امام از سوی خداوند است.

اوصاف امام

اوصاف امام دو دسته است: بعضی از اوصاف بین فریقین اتفاقی است؛ نظیر اینکه، امام باید مسلمان، عادل (اجمالا)، حرّ و آزاد باشد (نه بنده)، و... .

۱- الالهیات، صص ۵۲۳ _ ۵۳۳.

دسته دیگر از اوصاف اختلافی است، مثل عصمت. شیعه معتقد است: امام باید معصوم باشد و حال آنکه اهل سنّت معتقد به عصمت امام و یا خلیفه نیستند.

عصمت هم عصمت عملی و ترک گناه را شامل می‌شود و هم عصمت علمی را. عصمت علمی؛ یعنی، معصوم در حوزه علم و معرفت دچار خطا نمی شود. عصمت علمی دارای مراتب و ابعادی است، از جمله:

۱. عصمت در شناخت احکام الهی،

۲. عصمت در شناخت موضوعات احکام شرعی،

۳. عصمت در تشخیص مصالح و مفاسد امور مربوط به رهبری جامعه اسلامی،

۴. عصمت در امور مربوط به زندگی عادی، اعم از مسائل فردی و اجتماعی.

خداوند می‌فرماید: (و اِذ ابتلی ابراهیم ربّه بکلمات فاتمّهُنّ قال انی جاعلك للناس اماماً قال و من ذرّیتی قال لاینال عهدی الظّالمین).(۱)

خداوند در این آیه کسب مقام امامت را از ظالم نفی کرده و فقط غیر او را شایسته مقام امامت می داند. «ظلم» نیز به صورت مطلق آمده و شامل همه ظلم ها و تجاوزها در هر زمان از دوران زندگی می شود. روشن است برای جانشینی رسول خدا، به فرد غیر معصوم نمی‌توان اعتماد و اطمینان کامل داشت.

علم الهی

یکی دیگر از ویژگیهایی که امام واجد آن است علم لَدُنّی (خدادادی) میباشد، مرجعیّت علمی امام و نیاز امت به او، وجود چنین علمی را برای امام ضروری میکند. چنین علمی است که مورد اعتماد کامل مردم قرار میگیرد و آنان با اطمینان و آرامش، بیان امام را میپذیرند زیرا میدانند آنچه میگوید صحیح و درست است.

۱- بقره (۲)، آیه ۱۲۴.

نکته‌ای که نباید از آن غفلت نمود این است که امام علاوه بر اینکه باید علم دین را بداند، لازم است که مخاطب را بشناسد و با توجه به مقدار درک و استعداد و توانایی فهم او، معارف دین را دراختیار او بگذارد.

نصب الهی امام

در مباحث قبل ثابت شد که امام باید دو شرط عصمت و علم را دارا باشد. تشخیص وجود این اوصاف در کسی، از عهده مردم خارج بوده و فقط خدا از آن آگاه است. پس انتخاب امام نیز فقط به وسیله او امکان دارد.

خداوند در آیات متعددی انتخاب امام را به عهده خود دانسته است مانند «وَ إِذِ ابْتَلی إِبْرَهِیمَ رَبُّهُ بِکلِمَتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنی جَاعِلُک لِلنَّاسِ إِمَاما؛ (به خاطر بیاورید) هنگامی که خداوند ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود، و او به خوبی از عهده این آزمایشها برآمد. خداوند به او فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم» (بقره، آیه۱۲۴)

از سیره پیامبر اکرم نیز استفاده میشود که آن حضرت امامت را امری الهی دانسته و انتخاب امام را در اختیار خدا میدانست. در سیره ابن هشام آمده است: بنی عامر بن صعصعه خدمت رسول خدا رسیدند: حضرت آنان را به سوی خدا دعوت نمود. در این هنگام یک نفر از آن گروه به نام بحیره بن فراس گفت: اگر با تو بر اسلام بیعت کردیم و خداوند تو را بر مخالفینت غلبه داد، آیا ما در خلافت بعد از تو سهمی داریم؟ پیامبر فرمود: امر خلافت به دست خداست و هر جا بخواهد قرار میدهد. در این هنگام بحیره گفت: آیا ما جان خود را برای دفاع از تو بدهیم ولی وقتی خداوند تو را بر دشمنان غلبه داد خلافت به غیر ما برسد؟ ما احتیاجی به اسلام تو نداریم (سیره ابن هشام، ج۲، ص۱۳۲_ تاریخ طبری، ج۲، ص۸۴_ سیره ابن کثیر، ج۲، ص۱۵۸و...)

شبیه این داستان در مورد قبیله بنی کنده و عماربن طفیل نیز تکرار شده است (سیره ابن کثیر، ج۲، ص۱۵۹_ ج۴، ص۱۱۴)

معرفی امام

ثابت شد که امام باید از طرف خدا انتخاب شود و توسط پیامبر به صورت واضح و روشن به مردم معرفی گردد.

اکنون جای این سؤال است که: آیا پیامبر، فرد یا افرادی را به عنوان امام و خلیفه پس از خود معرفی کرده است؟

در پاسخ به این پرسش میگوئیم: آری، پیامبر به دو صورت جانشین خود را معرفی نمود:

۱_ به صورت عمومی و معرفی همگی امامان. (شرح این بحث در بخش امام مهدی در روایات خواهد آمد.

۲_ معرفی شخص حضرت علی علیه السلام .

ص:۲۱

فصل دوم: مهدویت در قرآن

اشاره

ص:۲۳

بر اساس روایات بیش از ۲۰۰ آیه قرآن به وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ویژگیها وهمچنین قیام و انقلاب جهانی آن حضرت، اشاره کرده است. (معجم احادیث امام مهدی)

الف. جامعیت قرآن

پیامبر اکرم خاتم سلسله پیامبران است. مهم ترین رخدادی که با ارتحال وجود مقدّس رسول خدا در تاریخ حیات بشری پدید آمد، انقطاع وحی بود. امیرالمومنین علیه السلام می فرماید:

«...اِنْقَطَعَ بِمَوتِكَ ما لايَنْقَطِعُ بِمَوتِ اَحَد»؛(۱) [ای پیامبر!] به واسطه از دست رفتن شما چیزی از بشر قطع گردید (وحی) که به واسطه مرگ احدی قطع نمی شود.

رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؛ یعنی، پایان رسمی تشریع آسمانی و انقطاع وحی تشریعی و نزول قانون تکامل انسانی. بر این اساس و با توجه به اینکه قرآن و دین اسلام جاودانه و همیشگی است، باید کتاب وحی و قانون از جامعیتی بی نظیر برخوردار باشد.

سخن از جامعیت قرآن، امری است که مفسران و دانشمندان با استناد به خود قرآن و استفاده از عقل و نقل، آن را طرح کرده اند. قرآن مجید در این باره می فرماید:

(وَ نَزَّلنا عَلَيكَ ـ الْكِتابَ تِبْياناً لِكلِّ شَیء)،(۲) و بر تو [ای پیامبر!] نازل کردیم کتابی را که در آن تبین هر چیزی [که در هدایت انسان نقش دارد] صورت گرفته است.

ص:۲۴

۱- شیخ مفید، الامالی، ص ۱۰۲، ح ۴.

۲- ر.ک جوامع الجامع، ج ۱، ص۳۸۳،ذیل آیه۵۹سوره انعام.

بر اساس این آیه و آیات دیگر قرآن کتاب «تبیان» و «هدایت» است.(۱) «تبیان» صفت عام و فراگیر قرآن است؛ یعنی، کتابی که برای هدایت همه انسان ها و همه زمان ها نازل شده، بیان «کلِ شَیْء» را عهده دار است.

علامه می فرماید: اگر روایاتی [که دلالت بر وجود علم ما کان و ما یکون و ما هو کائن در قرآن دارند]صحیح باشد، لازم می آیـد که مراد از «تبیان» اعم از آن چیزی باشـد که از طریق دلالت های الفاظ به دست می آیـد. پس شایـد در اینجا اشاراتی _ البته از راهی غیر از دلالت الفاظ _ باشد که اسراری را کشف می کند که با فهم متعارف؛ راهی به سوی آنها نیست.

ب. تأویل و تفسیر

بحث تأویل و تفسیر از مباحث مهم علوم قرآنی است. به مقتضای این بحث، تحلیل و تعریفی را که برای فهم این نوشتار ضروری است، بیان می کنیم.

«اَلتَفْسِیرُ کشْفُ الْقِناعِ عَنْ الْمُشْکلِ»؛ یعنی تفسیر نقاب برگرفتن از چهره الفاظ مشکل است».

در این بیان، تفسیر، مربوط به «ظهر» قرآن می شود و همان طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ما مِنَ الْقُرآنِ آیه اِلّا وَ لَها ظَهرٌ وَ بَطْن»(۲)؛ «هیچ آیه ای در قرآن نیست، مگر آنکه ظهر و بطنی دارد».

در این نگاه، تأویل به معنای «بطن» قرآن است که دلالت درونی قرآن را می رسانـد. با این نگاه تمامی آیات قرآن بطن دارند؛ نه اینکه بطون، مخصوص آیات متشابه باشد.(۳)

۱- ر.ک: سوره بقره (۲)، آیه ۲; سوره مائده (۵)، آیه ۴۴; سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۳۸.

۲- وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۹۶، ح ۳۳۵۸۰.

۳- علوم قرآنی، ص ۲۷۴.

به عبـارت دیگر گـاهی آیـات الهی حـاوی حقـایقی ورای الفـاظ و ظواهر آن است که تنهـا روایـات و گفتار معصومین(علیهم السـلام) از آنها پرده برمی دارد و اسرار آنها را آشکار می سازد. به این مرحله از فهم آیات ــ که دلالت به باطن قرآن دارد ــ «تأویل» گفته می شود. بنابراین برای بهره منـدی جامع و شایسـته، هم باید به ظاهر قرآن و «تفسـیر» آن توجه کرد و هم از باطن آن (تأویل) استمداد جست.

ج. جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه(علیهم السلام)

شکی نیست که کلام وحی و معارف بی کران الهی، اقیانوسـی است که عقل و دانش ناقص و محدود بشـری، توانایی درک و تحلیل تعالیم و مفاهیم بلند و آسمانی آن را به تنهایی، به صورت کامل و صحیح ندارد و ناگزیر از یاری افرادی است که خود از سرچشـمه وحی و علم الهی بهره منـد شده و توانایی لازم برای بیان حقایق آن را داشـته باشـند. این فضـیلت در وجود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت معصومین(علیهم السلام)جلوه گر و متبلور شده است.

خداوند در این باره خطاب به رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

«وَ اَنزَلنـا اِلَیکَ الـذِکرَ لِتُبَیِّنَ لِلنّاسِ مانُزِّل ـ اِلَیهم»؛(۱) «و مـا ذکر (قرآن) را بر تو نـازل کردیم تـا آنچه را که به سوی مردم نـازل شده است برای آنها تبیین کنی». نبی گرامی اسـلام صـلی الله علیه و آله نیز پس از خود، خاندان و اهل بیت عصمت خویش را عهـده دار این وظیفه سـنگین و امر خطیر معرفی می فرمایـد؛ چنان که در حـدیث معروف ثقلین آمـده است؛ «اِنّی تارِکٌ فِیکم الثَّقلَینِ کتابَ اللّهِ وَ عِترَتِی أهل بَیتی...»؛(۲) «من در میان شما دو چیز گران بها و ارزشمند باقی می گذارم، کتاب خدا و عترت و اهل بیتم. و اگر به این دو ثقل چنگ بزنید و تمسک بجویید هرگز گمراه

۱- نحل(۱۶)، آیه ۴۴.

۲- ر.ک: شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۹۳، ح ۳; شیخ مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۲۳۱; شیخ صدوق، امالی، ص ۴۱۵، ح ۱۵.

نمی شوید و این دو هیچ گاه از هم جدا نمی شوند تا در روز قیامت در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.»

این انگاره از آیات دیگر قرآن نیز قابل استفاده است:

(فَاسْألُوا أهْلَ الذِّکرِ اِنْ کنْتُم لا تَعلَمُونَ)(۱)؛

«اگر چیزی را نمی دانید از اهل ذکر (که مصداق اتمّ آن ائمه اهل بیت هستند) بپرسید».

در تفسیر این آیه آمده است:

«نَحْنُ أهْلُ الذّکرِ وَ نَحْنُ الْمَسؤُولُونَ»؛(۲)

«منظور از اهل ذکر ماییم و ما کسانی هستیم که مورد سؤال قرار می گیریم».

راز و رمز حیات و جامعیت قرآن، در همگامی و همراهی آن، با عترت است. قرآن در کنار معصوم، عامل هدایت و مانع از گمراهی است.

پس روشن شد که قرآن، جامع و دارای ظهر و بطن و تفسیر و تأویل است و پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی(علیهم السلام) در تبیین آن نقشی بی بدیل دارند و نه تنها در حوزه متشابهات که در حوزه ظواهر و نصوص نیز بیان آنان حجّت است.

با این مقدمات نتیجه می گیریم که بحث «مهدی علیه السلام در قرآن» را باید فراتر از ظواهر الفاظ دید و به صرف اینکه نام مبارك مهدی علیه السلام در قرآن ذکر نشده، نباید گفت: قرآن از حقیقت «مهدویت» خالی است و ریشه در قرآن ندارد.

د. شیوه های معرفی در قرآن

با همه این تفاصیل، چرا نام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به صراحت در قرآن نیامده تا جلوی انکار خیلی ها گرفته شود؟ آیا اگر نام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر می شد، مردم آن را بهتر و راحت تر نمی پذیرفتند؟ شبیه

۱- نحل(۱۶)، آیه ۴۳.

۲- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۱۰، ح ۳.

همین سؤال درباره ولایت مولا علی علیه السلام نیز مطرح است.

ابتدا به این حدیث توجه کنید: ابو بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام درباره قول خدای عز و جل «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكم – ۵۹ نساء» پرسیدم، فرمود: درباره علی بن ابی طالب و حسن و حسین علیهم السلام نازل شده است. عرض کردم: مردم می گویند: چرا نام علی و خانواده اش در کتاب خدای عز و جل برده نشده؟

فرمود: به آنها بگو: آیه نماز، بر پیغمبر صلی الله علیه و آله نازل شد و سه رکعتی و چهار رکعتی آن نام برده نشد تا اینکه پیغمبر صلی الله علیه و آله خود برای مردم بیان کرد و آیه زکات بر آن حضرت نازل شد و نام برده نشد که زکات از هر چهل درهم یک درهم است، تا اینکه خود پیغمبر آن را برای مردم شرح داد و امر به حج نازل شد و به مردم نگفت هفت دور طواف کنید تا اینکه خود پیغمبر صلی الله علیه و آله برای آنها توضیح داد. و آیه أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكمْ نازل شد و در باره علی و حسن و حسین هم نازل شد، پس پیغمبر صلی الله علیه و آله درباره علی علیه السلام فرمود: «هر که را من مولاـ و آقایم علی مولا و آقاست» و باز فرمود: در باره کتاب خدا و اهل بیتم به شما سفارش می کنم. من از خدای عز و جل خواسته ام که میان آنها جدائی نیندازد تا آنها را در سر حوض بمن رساند، خدا خواسته مرا عطا کرد. (کافی، ج۱، ص۲۸۶)

در ادامه باید گفت: قرآن برای معرفی شخصیت ها به مقتضیات حکمت و بلاغت، از سه راه استفاده کرده است:

۱. معرفی با اسم: نخستین راه این است که شخصیت مورد نظر را با اسم معرفی و مطرح می کند؛ مانند: (وَ ما مُحَمَّدٌ اِلّا رَسُولٌ قَدْ خلَتْ مَنْ قَبْلِه الرُّسُل).(۱)

۲. معرفی با عدد: شیوه دوم، معرفی با عدد و تعداد است که قرآن نقبای بنی اسرائیل را این گونه معرفی می کند: (وَ بَعَثْنا مِنْهُم اَثْنَیْ عَشَرَ نَقِیباً)؛(۲) «و از ایشان دوازده نقیب مبعوث کردیم».

۱- آل عمران (۳)، آیه ۱۴۴.

۲- مائده (۵)، آیه ۱۲.

۳. معرفی با صفت و ویژگی: شیوه سوم معرفی با صفات و ویژگی است؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به این شیوه معرفی کرده است:

(اَلَّذینَ یَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النّبیَّ الاُمیّ... یَأمُرُهُم بِالمَعْرُوفِ وَ یَنْهاهم عَنِ المُنکرِ وَ یَحِلُّ لَهُم اَلطیّباتِ وَ یُحَرِّمُ عَلَیْهِمُ الْخَبائِثَ...)؛(۱)

«کسانی که از پیامبر تبعیت می کنند... که پیامبر ایشان را به کارهای پسندیده دستور می دهد و از کارهای زشت و ناپسند باز می دارد و بر ایشان امور پاکیزه را حلال و بر ایشان امور ناپسند را حرام کرده است.

شناساندن با صفت، بهترین راه معرفی است. این نوع معرفی راه را بر سودجویان می بندد؛ زیرا می توان نام جعلی درست کرد؛ اما بهره برداری از صفات، کار آسانی نبوده و قابل جعل نیست.

نکته دیگر اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هنگامی که فتنه ها چون پاره های شب تاریک، شما را فرا گرفت؛ به قرآن روی آورید». برای راهنما و فصل الخطاب شدن در همه موارد، بیان شاخصه ها، شایستگی ها و ویژگی های صالحان و مفسدان، حقّ و باطل، خوب و بد و... بهترین راه شمرده می شود. بدین سبب قرآن - جز در موارد ضروری - از بردن نام مؤمنان، منافقان، حواریون، پادشاهان، مشرکان... صرف نظر کرده است تا مخاطبان قرآن، به صفات و ویژگی ها - و نه نام ها - توجّه کنند و امکان بهره گیری های نو از قرآن فراهم شود.

پس روشن می شود که تنها راه معرفی، ذکر نام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست و حضرت از راه های دیگر (صفات) معرفی شده است و قرآن به شکل های مختلف به وجود امام زمان علیه السلام و حکومت جهانی او اشاره کرده است.

از طرفی مصالحی در کار بوده که امامان معصوم(علیهم السلام) به نام ذکر نشوند که

۱- اعراف (۷)، آیه ۱۵۷.

می توان به محفوظ مانـدن قرآن از تحریف اشـاره کرد. درست همـان علتی که ایجاب کرد «آیه اکمال دین»(۱) در بین آیات تحریم خبائث و «آیه تطهیر»(۲) در بین آیه «نساء النبی» قرار گیرد تا ضمن ابلاغ پیام به همه حق جویان، مانع از دست بردن در قرآن نیز بشود.

برخی از آیات مهدویت

یک. غلبه اسلام بر جمیع ادیان

(یُریـدُونَ اَنْ یُطفِئُوا نُورَاللّه بـأفواهِهِم وَ یأبَی اللّهُ إلاّ اَنْ یُتِمَّ نُورهَ وَ لَو کرهَ الْکافِرُون. هُوَ الَّذِی اَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُـدی وَ دینِ الحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلی الدِینِ کلِّه وَ لُو کرِه الْمُشرکون.)؛(۳)

«می خواهند نور خدا را با سـخنان خویش خاموش کنند؛ ولی خداوند نمی گذارد تا نور خود را کامل کند، هر چند کافران را خوش نیاید. او کسـی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست فرسـتاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند؛ هر چند مشرکان خوش نداشته باشند».

واژه «یظهره» فعـل مضـارع از بـاب اِفعال است که وقتی همراه با «عَلی» می آیـد، به معنای «یغلبه» و «یعلیه» (غلبه و برتری دادن) است.

خداوند در این آیات اشاره می کند که دشمنان دین و حقیقت می خواهند نور خدا را خاموش کنند؛ در حالی که خداوند نور خود را کامل می کند و تلاش های آنان ره به جایی نمی برد. خداوند وقتی از اراده دشـمنان برای خاموشی نور خدا و نابودی دین خبر می دهد، تنها از جلوگیری این اراده خبر نمی دهد و نمی گوید: ما نمی گذاریم آنان نور خدا را خاموش کنند؛ بلکه از اتمام نور سخن می فرماید: «خدا این نور را تمام می کند». سپس به روشنی می گوید:

۱- سوره مائده (۵)، آیه ۳.

۲- سوره احزاب (۳۳)، آیه ۳۳.

۳- توبه / ۳۲ و ۳۳- فتح / ۲۸- صف / ۸ و ۹.

«خدا رسولش را با هدایت (دلایل روشن و برهان های آشکار) و دین حق (آیینی که اصول و فروعش همه بر اساس واقعیت و حقیقت است) فرستاد». نتیجه چنین هدایت و دینی که با خود دلایل شفاف و مطالب حق و درست به همراه دارد، پیروزی بر همه مکاتب و آیین های دیگر است که خداوند آن را اراده کرده است.

با توجه به اینکه چنین امری هنوز رخ نداده است، این خبر و وعده الهی در آینده به حتم روی خواهد داد. از طرفی قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام امری مسلم و قطعی و یکی از آموزه های دین مقدس اسلام است. قیامی که نتیجه اش نابودی شرک و گسترش دین اسلام در همه جای کره زمین است.

محمد بن فضیل می گوید: «از امام کاظم علیه السلام درباره قول خداوند «لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کلِّه» پرسیدم فرمود: «لِیُظهِرَهُ عَلی جَمیعِ الَادیانِ عِنْدَ قِیامِ الْقائِمِ؛(۱) پیروز می کند خدا دین اسلام را بر همه دین ها هنگام قیام قائم علیه السلام ».

از این روایت استفاده می شود که مراد از پیروزی دین اسلام، پیروزی همه جانبه و حاکمیت این دین بر زمین است.

پس مراد از ظهور و غلبه دین، برتری در زمین است؛ به گونه ای که دیگر جایی برای شرک باقی نمی ماند. به عبارت دیگر، هر چه زمان بیشتر می گذرد و جوامع بشری به هم نزدیک تر و از حال هم آگاه تر می شوند و واقعیت «دهکده کوچک جهانی» ملموس تر می گردد. نیاز به وجود یک مدیر و حاکم عادل و حکیم، با دانایی و توانایی مافوق بشری و با قانونی جامع و کامل، برای سعادت و کمال مادی و معنوی انسان ها، بیش از پیش آشکار می شود؛ چرا که پراکندگی و کوتاه نگری قوانین بشری، با حاکمانی خودسر، خودخواه و هوسران، روز به روز بر سقوط ارزش ها و حذف امنیت و آرامش این دهکده کوچک

۱- کافی، ج ۱، ح ۹، ص ۴۳۲.

افزوده و هراس از آینـده ای تاریـک و مبهم را افزایش داده است و انتظـار یـک منجی و مصـلح عـدالت گستر را در قلب های مضطرب و نگران، افزون ساخته است.

دو. خلافت مؤمنان، وعده الهی

وَعَدَ اللّهُ الـذینَ آمَنُوا مِنْکم وَ عَمِلُوا الصّالِحاتَ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُم فِی الاَرض کما اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مَنْ قَبْلِهم وَ لَیُمَکنَنَّ لَهُم دینَهُم الَّذی ارْتضی لَهُم وَ لَیُبَدِّلَنَّهُم مِن بَعْدِ خَوفِهِم اَمناً یَعْبُدُونَنی لایُشرِکون بی شیْئاً وَ مَنْ کفَرَ بَعْدَ ذلِک فَاولئِک هُمُ الْفاسِقُون؛(1)

خـدا به کسـانی از شـما که ایمان آورده و کارهای شایسـته کرده انـد، وعـده داده است که حتماً آنان را در این زمین جانشـین [خود]قرار دهـد؛ همـان گونه که کسـانی را که پیش از آنـان بودنـد جانشـین خود قرار داد. و آن دینی که بر ایشان پسـندیده است، به سودشان مستقر می کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید، آنانند که نافرمانند.

آیه شریفه از وعده ای بسیار زیبا خبر می دهد؛ خداوند به مؤمنان صالح وعده می دهد که:

۱. برای آنان جامعه ای صالح مخصوص خود درست می کند و زمین را در اختیارشان قرار می دهد.

۲. دینشان را در زمین چیره و برتر می سازد.

۳. امنیت را جایگزین ترسشان می کند.

۴. فقط خدای را عبادت می کنند.

این آیه خطاب به امت پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم بوده و خداوند در آن از تعبیر «وعد» استفاده کرده است و وعده های خدا تخلف بردار نیست. بنابراین، مفاد آن این می شود که خداوند، به گروهی از امت پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله و سلم وعده «استخلاف» روی زمین را داده است. این گروه دو ویژگی مهم و اساسی دارند:

۱- نور / ۵۵.

۱. ایمان، که همه اعماق وجودشان را پر کرده است.

۲. عمل صالح، که همه اعضا و جوارحشان در خدمت و اطاعت مولا است.

حال منظور خداوند از این وعده، شامل چه افرادی می شود؟

برخی از مفسران _ مانند صاحب تفسیر نمونه _ معتقدند: آیه عمومیت دارد و نتیجه آن چنین است که در هر زمان، که پایه های ایمان و عمل صالح در میان مسلمانان مستحکم شود؛ آنان دارای حکومتی ریشه دار و پرنفوذ خواهند شد. البته بی شک، حکومت حضرت مهدی علیه السلام مصداق کامل این آیه است.(۱)

علامه طباطبایی رحمه الله بیان بلندی در این زمینه دارد که خلاصه آن چنین است:

از ظاهر آیه استفاده می شود که آیه مربوط به برخی از افراد امت اسلام است و اینان دارای مجتمعی صالح خواهند بود. این جامعه دارای دین مرضی خدا بوده و دین اسلام به گونه ای در جامعه برقرار می گردد که تزلزلی در آن راه نخواهد یافت و امنیت به گونه ای در آن اجتماع به وجود می آید که دیگر از هیچ دشمنی (خارجی، داخلی، علنی و پنهانی) نمی ترسند [چرا که همه زمینه های خوف از بین می رود و لذا خوف تبدیل به امنیت می شود]. این چنین امنیتی است که جای امتنان دارد؛ چرا که آیه در مقام امتنان و منت گذاشتن بر مردم است و امتنان وقتی مناسب و پذیرفتنی است که جامعه از هر جهت در امان بوده و آزادی برای همه باشد. در این جامعه اخلاص در عبادت عمومیت پیدا می کند و بنیان هر کرامتی غیر از تقوا منهدم می شود. این جامعه با این صفات تا کنون به وجود نیامده است. پس اگر مصداقی داشته باشد، در روزگار امام مهدی علیه السلام می باشد و حق مطلب این است که اگر واقعاً بخواهیم حق معنای آیه را به آن بدهیم، آیه جز با اجتماعی که با ظهور حضرت مهدی علیه السلام تشکیل می شود، قابل انطباق با هیچ مجتمعی نیست.(۲)

۱- تفسیر نمونه، ج ۱۴، ذیل آیه.

۲- تفسیر المیزان، ج ۱۵، ذیل آیه.

امام صادق علیه السلام در روایتی فرمود:

«اِنَّهُ لَمْ یَجِیء تَأویلُ هذِه الآیَهِ وَلَو قامَ قائِمُنا، سَیَری مَن یُدرِکهُ ما یَکونُ مِن تأویلِ هذِهِ الآیَهِ، وَلَیَبْلُغَنَّ دینُ مُحَمَّد صلی الله علیه و آله و سلم ما بَلَغَ اللَّیلُ حَتّی لایَکونَ مُشرِک عَلَی ظَهْرِ الاَرضِ کما قال اللّه تَعالی وَیَعبُدوُنَنِی لایُشرِکونَ بِی شَیئاً»؛(۱)

تأویل و مصداق این آیه هنوز نیامده است. هنگامی که قائم ما قیام کند کسی که او را درک می کند، تأویل این آیه را می بیند: هر آینه دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم به هر جایی که شب برسد، می رسد (همه کره زمین)؛ به صورتی که هیچ مشرکی بر روی زمین نخواهد بود؛ همان گونه که خداوند فرمود: (یعبدوننی...).

سه. بندگان صالح وارثان زمین

(وَ لَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکرِ أَنَّ اْلأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ)؛(۲)

و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد».

همه مفسران بر این باورند که خداوند متعال در این باره به کتاب های انبیا اشاره دارد و می فرماید: در کتاب های پیامبران نوشته ایم که زمین را بندگان صالح به ارث می برند. البته در این اختلاف شده که: آیا خداوند در همه کتاب های پیامبران به این آیه اشاره کرده است یا در بعضی از آنها؟

کلمه «ارض» وقتی به صورت مطلق و بدون قرینه می آید، همه کره زمین را در بر می گیرد و مراد از «وراثتِ زمین» این است که سلطه بر منافع و استفاده از آنها از دیگران، به بندگان صالح منتقل شده و برکات زندگی نصیب ایشان و مختصّ آنان خواهد شد.

۱- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۵، ح ۴۱.

۲- انبیاء (۱۰۵).

«وراثت زمین» طبق آیه شریفه به انسان هایی خواهد رسید که دارای دو صفت بسیار مهم باشند:

۱. «عبد خدا» بوده و هیچ استقلالی برای خود قائل نیستند. همه وجودشان را برای خدا قرار داده اند و مُهر عبودیت بر پیشانی شان می درخشد. اینان به مرز ایمان و توحید واقعی رسیده اند و همه چیز را در شعاع وجود او و برای او و به سوی او می بینند.

۲. «صالح» و شایسته بوده و لیاقت بهره برداری را دارا هستند.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«و قوله (وَلَقَدْ کتَبنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعدِ الذِّکر)قال: اَلکتُبُ کلُّها ذِکر، (وَاَنَّ الاَرضَ یَرِثُها عِبادِی الصالِحُونَ) قالَ: اَلْقائِمُ علیه السلام وَاَصحابُه»؛(۱)

مراد از کلمه «ذکر» در «وَلَقَد کتَبنا...» همه کتاب های [پیامبران]است. و مراد از «اَنّ الاَرضَ...» قائم علیه السلام و یاران او می باشد.

از روایت بالا استفاده می شود که این وعده الهی در همه کتاب های آسمانی بیان شده است.

چهار. وراثت و پیشوایی مستضعفان

(وَ نُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثینَ)(۲)

«و می خواهیم کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند، منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم.

هر چند ظاهر آیه بیان یک قسمت از حوادث روزگار قوم بنی اسرائیل و حضرت موسی علیه السلام است؛ ولی می دانیم که خداوند از گفتن این داستان ها هدف دارد و گویا می خواهد بگوید: مستکبران و زورمداران ادامه حیات و حکومت خود را در استثمار مستضعفان می دانند و به دنبال آنند که به گونه ای از آنان بهره کشی کنند و در نهایت آنها را از هستی و

۱- مجمع البیان، ج ۴، ذیل آیه.

۲- قصص / ۵.

حیات مناسب محروم سازنـد؛ ولی اراده خداونـد بر خلاف خواست قدرتمنـدان است و به بندگان خود کمک می کند. لذا در اینجـا از فعـل مضارع بهره گرفته که دلالت به اسـتمرار دارد و می گویـد: اراده دائمی و سـنت ما چنین است که به مستضـعفان (لایق) کمک کنیم.

این آیه بشارتی است برای همه حق پرسـتان و عدالت خواهان که حکومت ظلم و جور دائمی نیست و در نهایت، پیروزی برای رنـج دیـدگان خواهـد بود. بیشتر از هر چیز دیگر، این آیه، به حکومت جهـانی و انقلاـب نورانی حضـرت مهـدی علیه السـلام مربوط می شود و قیـام امـام زمـان علیه السـلام، مصـداق کامـل و تمام آن قرار می گیرد. امام علی علیه السـلام درباره این آیه فرمود:

«هُمْ آلُ مُحَمَّد یَبْعَثُ اللّهُ مَهدِیَهم بَعدَ جَهْدِهِم فَیَعِزُّهُم وَیَذِّلُ عَدُوَّهم»؛(۱)

این افراد خاندان پیامبرند که خداوند مهدی آنان را... بر می انگیزد و به آنان عزت می دهد و دشـمنانشان را خوار و ذلیل می سازد.

بنـابراین، اراده الهی بر این است که مظلومـان و محرومان، بر جباران و سـتمگران غلبه کرده و وارث زمین و صاحب اختیار آن شوند و با برپایی حکومت عدل، رهبری همیشگی بشریت را بر عهده گیرند و این اراده خدا تخلف ناپذیر است.

پنج. حیات دوباره

اعْلَمُوا أَنَّ اللّهَ یُحْیِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها قَدْ بَیَّنّا لَکمُ الْآیاتِ لَعَلَّکمْ تَعْقِلُونَ؛(۲)

و بدانیـد که خـدا زمین را پس از مرگش زنـده می گرداند. به راستی آیات [خود] را برای شـما روشن گردانیده ایم، باشد که بیندیشید.

خداونـد پس از آنکه مؤمنـان را مورد نکوهش قرار داد که آیـا وقت خشوع نرسـیده است. در ادامه به حیـات زمین اشـاره می کند؛ گویا می خواهد میان قلب هایی که مرده اند و با ذکر

ص:۳۶

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۴.

۲- حدید / ۱۷.

الهی زنـده می شونـد، با زمین مرده ای که به برکت قطرات باران دوباره زنده و سرسبز می شود، شباهت برقرار کند. در اینجا خداونـد می فرماید: چنین حیاتی تحقق می یابد (یُحی الارض). اگر این آیه با آیه قبل ارتباط داشته باشد (که دارد)، می توان استفاده کرد که دل های مرده نیز به خواست او زنده خواهد شد. امام باقر علیه السلام درباره این آیه شریفه فرمود:

«یُحییها اللّهُ عَزَّوَجلَّ بِالقائِمِ علیه السلام بَعدَ مَوتِها، بِمَوتِها: کفرُ اَهْلِها، وَالکافِرِ مَیِّتٌ»؛(۱)

خدای تعالی زمین را به واسطه قائم علیه السلام زنده می کند، پس از آنکه مرده باشد، و مقصود از مردن آن، کفر اهل زمین است و کافر همان مرده است.

شش. امام، نعمت الهی

اشاره

(أَ لَمْ تَرَوْا أَنَّ اللّهَ سَخَّرَ لَکمْ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ وَ أَسْبَغَ عَلَیْکمْ نِعَمَهُ ظاهِرَهً وَ باطِنَهً وَ مِنَ النّاسِ مَنْ یُجادِلُ فِی اللّهِ بِغَیْرِ عِلْم وَ لا هُدًی وَ لا کتاب مُنیر)؛(۲)

«آیا ندانسته اند که خدا آنچه را که در آسمان ها و زمین است، مسخّر شما ساخته و نعمت های ظاهر و باطن خود را بر شما تمام کرده است؟ و برخی از مردم درباره خدا بی آنکه دانش و رهنمود و کتابی روشن داشته باشند، به مجادله بر می خیزند».

خداوند در این آیه به انسان ها خطاب کرده و نعمت های بی پایان خویش را به آنان گوشزد می کند: آیا شما به آسمان ها و زمین نگاه و در نظام شگرف آن تأمل نمی کنید که خدای متعال چگونه سراپای عالم را مسخّر و محکوم این نظام کرده است تا انسان (شریف ترین عضو آن) پدید آید و با استفاده از نعمت ها به کمال برسد. خداوند در این امر سنگ تمام گذاشت و نعمت های ظاهری و باطنی را برای شما گسترش داده و تمام کرده است. «نعمت» برای چیزی استعمال می شود که با طبع و وجود آدمی سازگار باشد. «نعمت»های خدا هم «ظاهری» است

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۵۸، ح ۴.

۲- لقمان / ۲۰.

که انسان به راحتی آنها را حس و درک می کند؛ (مانند اعضای بدن، سلامتی و رزق پاک و طیب، و هم «باطنی» است (مانند: شعور و اراده و عقل). هر چند لطف الهی بسیار روشن و غیر قابل انکار است ولی باز گروهی از مردم به جدال و ستیز در برابر حق بر می خیزند و بی آنکه دارای دانش و یا علمی باشند، به انکار حقیقت می پردازند. اینان بدون تکیه بر حجت های قابل اعتمادی مانند علم و عقل، حقایق و الهام های الهی و کتاب های آسمانی به مجادله روی می آورند و می خواهند حقیقت و واقعیت را منکر شوند!

تأویل آیه

یکی از مصادیقی که برای «نعمت ظاهر» و «نعمت باطن» ذکر شده «امام ظاهر» و «امام غایب» است. محمد بن زیاد ازدی می گوید:

از سرور خودم امام موسی بن جعفر علیه السلام درباره کلام خدا «وَأَسبَغَ عَلَیکم...» پرسیدم، حضرت فرمود: نعمت ظاهری امام ظاهر است و باطنی امام غایب. گفتم: آیا در میان ائمه کسی هست که غایب شود؟ فرمود: آری شخص او از دیدگان مردم پنهان می شود، اما یاد او از قلوب مؤمنان غایب نمی شود و او دوازدهمین ما امامان است. خداوند برای او هر امر سختی را آسان و هر امر دشواری را هموار سازد و گنج های زمین را برایش آشکار کند و هر بعیدی را برای وی قریب سازد و به دست وی تمامی جباران عنود را نابود کند و هر شیطان متمردی را به دست وی هلاک سازد. او فرزند سرور کنیزان است. کسی که ولادتش بر مردمان پوشیده و ذکر نامش بر آنان روا نیست تا آن گاه که خدای تعالی او را ظاهر ساخته و زمین را پر از عدل و داد کند؛ همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد. (۱)

«امام نعمت کامل» خدا است؛ پس ظهور و غیبت او در اصل یاری رسانی به مردم و بهره بردن مردم از او تأثیر زیادی ندارد. بر این اساس، وجودگرامی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام ــ و حتی

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ب ۳۴، ح ۶.

خود امام زمان علیه السلام ــ «امام غایب» را به خورشید پشت ابر تشبیه کرده اند

هفت. ذخیره الهی

(بَقیّهُ اللّهِ خَیرٌ لَکمْ اِنْ کنتُم مُؤمِنینَ وَما اَنا عَلَیکمْ بِحَفیظ)؛(۱)

« ذخیره خدا برای شما بهتر است اگر مؤمن باشید و من نگهبان شما نیستم».

این آیه در ادامه آیـاتی است که دربـاره گفتوگوی شـعیب علیه السـلام بـا قومش در رابطه بـا چگونگی معـامله و مسائل مادی است. در پایـان به آنـان گوشـزد می کنـد که ثروت فراوانی که از راه نادرست به دست آیـد، مفیـد نبوده و هنگام نیاز، به کار نمی آیـد؛ بلکه مال حلال برای شـما بهتر است. این در صورتی است که ایمان داشـته باشـید؛ زیرا این مال باقی بوده و برکات الهی را برای شما به همراه خواهد داشت. درک این واقعیت و کسب برکات، وقتی است که شما به خداوند ایمان داشته باشید.

در روایات متعدد مصداق کامل و تمام «بقیه اللّه» حضـرت مهدی علیه السـلام معرفی شده و این لفظ به آن جناب تأویل گشته است. صدوق رحمه الله در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل می کند:

امام باقر علیه السـلام ضـمن بیان برخی از ویژگی های دوران ظهور و بعضـی از علایم ظهور، به محل قیام حضـرت مهدی علیه السـلام (مکه) اشـاره دارد و چگونگی سـلام دادن اصـحاب و مردم را به آن حضـرت بـازگو می کنـد. در این زمـان خود امام مهدی علیه السلام ابتدا به معرفی جایگاه خویش می پردازد. کلینی رحمه الله در روایتی نقل می کند:

شخصـی از امام صادق علیه السـلام پرسید: آیا به قائم به (لفظ) امیرالمؤمنین سلام گفته می شود؟ حضرت فرمود: نه این اسمی است که خـدا به این اسم امام علی علیه السـلام را نامیـده است. کسـی قبل از او به این نامیـده نشـد و بعـد از او نیز نامیـده نمی شود، مگر کافر. گفتم: فدای شـما بشوم! چگونه بر او سـلام گفته می شود؟ حضـرت فرمود: می گویند: «السَـلامُ عَلَیك یا بَقِیَهَ اللّهِ». سپس

ص:۳۹

۱- هود/ ۸۶.

حضرت این آیه را خواند: (بَقیَهُ اللّه خیرٌ لَکمْ اِن کنتُم مُؤمِنین). (۱)

بـا توجه به لغت و کـاربرد آن (به خصوص در آیه شـریفه)، می توان گفت که «بقیه اللّه»؛ یعنی، هر شـیء مفیـد و نافعی که از طرف خدا (به عنوان موهبت) برای آدمی ذخیره می شود و مایه خیر و سـعادت و فلاح او می گردد. چون حضـرت مهدی علیه السـلام آخرین پیشوا و بزرگ ترین رهبر انقلابـی است، پس یکی از روشن ترین مصادیق «بقیه اللّه» می باشـد و از همه به این لقب شایسـته تر است. به ویژه که او تنها باقی مانده از سلسـله پیامبران و امامان است و خداوند به واسطه او به مؤمنان عزت می دهـد و دشـمنان را خوار و ذلیل می کند: «اَیْنَ مُعزُّ الاولِیاءِ وَمُذِلّ الاَعداءِ» و بناهای شـرک و نفاق را منهدم می کند: «اَینَ هادِمُ اَبنیَهِ الشِّرك وَالنِّفاقِ» و دین را احیا می کند: «اَینَ مُحیِی مَعالِم الدِّینِ وَاَهلِه».(۲)

هشت. غیبت

(قُلْ أَ رَأَیْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ ماؤُکمْ غَوْرًا فَمَنْ یَأْتیکمْ بِماء مَعین)؛(۳)

«به آنها بگو: به من خبر دهیـد اگر آب های مورد اسـتفاده شـما، در زمین فرو رود، چه کسـی می تواند آب جاری در دسترس شما قرار دهد؟!»

واژه «أرأیتم» یک واژه ترکیبی از همزه اسـتفهام و فعل «رأیتم» است. این ترکیب و ترکیب هایی مانند آن، بیش از سی بار در قرآن آمـده و در مواردی به کـار رفته که نیاز به دقت، انـدیشه و توجه دادن مخاطب باشـد (و به معنای) «اخبرونی» (خبر دهید مرا) است..

زمین از دو پوشه تشکیل شده است: یکی «قشر نفوذپذیر» که آب را در خود فرو می برد و دیگری «قشر نفوذناپذیر» که آب را در آنجا نگاه می دارد. تمام چشمه ها، چاه ها و قنات ها

۱- کافی، ج ۱، ح ۲، ص ۴۱۱. این روایت در کتاب های متعـددی ذکر شده است؛ ر.ک: معجم احادیث امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۵، ص ۱۷۶.
۲- سید بن طاوس، الاقبال، ص ۲۹۷.
۳- ملک(۶۷)، آیه ۳۰.

از برکت این ترکیب ویژه به وجود آمده اند؛ زیرا اگر زمین تا اعماق زیاد نفوذپذیر بود، آب ها در زمین فرو می رفتند و دست کسی به آنها نمی رسید و همچنین اگر همه سطح زمین «نفوذناپذیر» بود، آب ها روی زمین می ماندند و باتلاقی بزرگ درست می شد یا به دریاها می ریختند و چیزی به نام ذخایر آب زیرزمینی به وجود نمی آید. این نمونه کوچکی از رحمت عام خداوند است که مرگ و زندگی انسان، سخت با آن گره خورده است.(۱)

در روایات متعدد مصداق آب جاری «وجود مقدّس امام مهدی علیه السلام » دانسته شده است.

از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «این آیه درباره امام قائم علیه السلام نازل شده است. می فرماید: اگر امامتان غایب شود و ندانید که او کجاست، چه کسی امام ظاهری برای شما خواهد آورد تا اخبار آسمان و زمین و حلال و حرام خداوند را برای شما بیاورد؟ سپس فرمود: به خدا سوگند! تأویل این آیه هنوز نیامده است و ناگزیر خواهد آمد.(۲)

نقش امام در جامعه انسانی مثل آب، نقشی مهم و اساسی است و البته شباهت هایی میان این دو وجود دارد:

۱. در قرآن کریم آب منشأ حیات همه موجودات معرفی شده است:

(وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ کلَّ شَیْء حَیٍّ)؛(۳) «و همه چیز را از آب، حیات و زندگی دادیم».

امامت حضرت مهدی علیه السلام نیز مایه حیات فکری و معنوی بشر است؛ چنان که امام باقر علیه السلام فرمود:

«اِذا قامَ قائمُنا وَضَعَ اللّهُ یَدَه عَلی رُؤوسِ العِبادِ فَجَمَع بِها عُقُولَهم وَکمُلَت بِها أَحلامَهُم»؛(۴)

وقتی قائم ما علیه السلام قیام کند، خداوند دست خود را بر سر بندگان قرار می دهد و بدین سبب

۱- تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۳۵۸.

۲- کمال الدین وتمام النعمه، ج ۱، باب ۳۲، ص ۳۲۵، ح ۳.

۳- انبیاء (۲۱)، آیه ۳۰.

۴- کافی، ج ۱، کتاب العقل والجهل، ص ۲۵، ح ۲۱.

خردهای آنان را جمع کرده و عقل ایشان را کامل می کند.

۲. همان گونه که نزول آب از عالم بالا است، موضوع امامت حضرت مهدی علیه السلام و ظهور او نیز امری آسمانی است. قرآن کریم درباره آب فرموده است: (وَأنزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً)(۱) «و خدا از آسمان آب فرو فرستاد» و درباره مسأله امامت می فرماید: ... ولایَنالُ عَهدِیَ الظّالِمینَ(۲)؛ «و پیمان من به ستمکاران نخواهد رسید».

۳. آب سبب پاکیزگی و رفع آلودگی است. حکومت حضرت مهدی علیه السلام نیز مایه پاکیزگی و طهارت دل ها است. در روایتی از امام علی علیه السلام نقل شده است:

«لَو قَد قامَ قائِمُنا... لَذَهَبَتْ الشَّحْناءُ مِن قُلوبِ العِبادِ»؛(۳)

اگر قائم ما قیام کند... کینه [و دشمنی] از دل های بندگان برود.

همان گونه که اگر آب به اعماق زمین برود، هیچ کس به آن دسترسی ندارد و بشر با همه توان خود از رسیدن به آب ناتوان خواهد بود، اگر امام به اراده پروردگار در پس پرده غیبت قرار گیرد، مردم نمی توانند امامی از میان خود برگزینند؛ بلکه نیاز آنان به امام و پیشوای آسمانی باقی است. پس باید در طلب او باشند و از خداوند ظهور او را بخواهند؛ همان گونه که در نبود آب، باید از خداوند طلب کنند که چشمه های آنها را پُر آب کند.

با این بیان روشن می شود که مضمون آیه، می تواند ناظر به دوران غیبت امام مهدی علیه السلام باشد؛ همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی از امامان دوازده گانه پس از خود خبر داد، عمار یاسر از آن حضرت درباره مهدی علیه السلام سؤال کرد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای عمار! خداوند ــ تبارك و تعالی ــ با من پیمان بسته که بیرون می آید از نسل حسین علیه السلام نُه امام و نهمین آنان از میان ایشان غایب می گردد. و این همان سخن خداست که فرمود: «بگو [ای پیامبر] به من خبر دهید که اگر

۱- بقره(۲)، آیه ۲۲.

۲- مراد از پیمان الهی امامت است. ر.ك: تفسیر مجمع البیان و المیزان، ذیل آیه.

۳- شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۶۲۶.

آب مورد استفاده شما در زمین فرو رود، چه کسی می تواند آب جاری در دسترس شما قرار دهد؟!» برای او (مهدی) غیبتی طولانی خواهد بود که گروهی از امامت او باز خواهند گشت و گروهی دیگر بر آن ثابت قدم می مانند و چون آخر الزمان شود، [مهدی علیه السلام] قیام می کند و دنیا را پر از قسط و عدل می سازد؛ همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد.(1)

ص:۴۳

۱- البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ح ۱، ص ۷۹.

فصل سوم: امام مهدی در روایات

اشاره

ص:۴۵

عقیـده به ظهور حضـرت مهـدی با اوصاف معرفی شـده، عقیـده ای است که در متن نصوص اولیه اسـلامی اعلام و عنوان شده است و برحسب احادیث متواتر که شـکی در تواتر و صدور آنها از پیغمبر صـلی الله علیه و آله و سـلم، نیست پیغمبر شـخصا از این ظهور خبر داده، و امت خود را در انتظار این روز بزرگ و ظهور مهـدی موعود گذاشـته است. این عقیـده مثل سایر عقاید اصـیل و اصـلی اسـلامی از طرف خـود پیغمـبر صـلی الله علیه و آله و سـلم، به مردم عرضه شـده است و ایمـان به آن حضـرت مقتضی ایمان و باور به این ظهور است.

اهل سـنت و شـیعه، در طی اعصار و مرور قرن ها، بر این اتفاق داشـته و دارند که در آخرالزمان، یک نفر از اولاد رسول صلی الله علیه و آله و سـلم و فرزندان علی و فاطمه علیه السـلام - که صـفات و علاماتش در احادیث مذکور است - در هنگامی که دنیا پر از ظلم و جور شده باشد، ظهور نماید و جهان را پر از عدل و داد کند. همه او را هم نام و هم کنیه پیغمبر صـلی الله علیه و آله و سـلم و ملقّب به مهدی معرفی کرده اند و همه اتفاق دارند بر اینکه تا او ظهور نکند، سـیر این عالم و این جامعه بشـری به پایان نخواهد رسـید و تا این دادگستر بزرگ و رهبر حکومت عدل جهانی قیام نکرده است، بشـر باید منتظر ظهور او باشد و بدانـد که جهان، محکوم ظلم سـتمگران و فسادگران نیست و سـرانجام همه تباهی ها و نگرانی ها به راحتی و امنیّت و آسایش مبدّل می شود و مستکبران و مفسدان، ریشه کن می گردند» (لطف اللّه صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۱۶۳).

آنچه مورد اختلاف می باشـد این است که آیا از مادر متولـد شـده و هم اکنون در قیـد حیات است، یا در آینده به دنیا خواهد آمد؟ شیعه و گروهی از محققان اهل سنت طرفدار رای نخست

بوده و معتقدند که آن حضرت در سال ۲۵۵ هجری قمری از مادر متولد شده و هم اکنون در قید حیات است، ولی گروهی از اهل سنت می گویند وی در آینده متولد خواهد شد.

منابع روایی درباره حضرت مهدی علیه السلام

اشاره

برای آشنایی بهتر با منابع مهدویت، آنها را به دو دسته شیعی و سنی تقسیم می کنیم. همچنین می توان آنها را در دو مقطع قبل از ولادت و بعد از ولادت امام مهدی علیه السلام دسته بندی کرد.

الف. منابع شیعه

از منابعی که قبل از ولادت امام مهدی علیه السلام نوشته شده می‌توان به کتاب سلیم بن قیس؛ شیخ ابو صادق سلیم بن قیس هلالی عامری کوفی (م ۷۶ ه_.) که نام دیگر این کتاب اسرار آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است، و کتاب الغیبه للحجه؛ عباس بن هشام ابوالفضل الناشری (م ۲۲۰ ه_) اشاره کرد.

و از منابعی که بعد از ولادت امام مهدی علیه السلام نوشته شده می‌توان به کتاب کافی؛ از محمد بن یعقوب بن اسحاق الکلینی الرازی (م ۳۲۹ ه_) که از قدیمی ترین و معتبرترین کتب روایی شیعه است، و کفایه الاثر فی النص علی الأئمه الاثنی عشر علیهم السلام؛ از ابوالقاسم علی بن محمد بن علی خزاز قمی از راویان و فقهای برجسته شیعه، در نیمه دوم قرن چهارم، و الارشاد فی معرفه حجج اللّه علی العباد؛ از شیخ مفید که در بردارنده تاریخ و فضایل ائمه معصومین علیهم السلام است، اشاره کرد.

برخی از منابع و کتاب ها نیز ویژه امام عصر علیه السلام نوشته شده است مانند:

۱. کمال الدین و تمام النعمه؛ محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی مشهور به شیخ صدوق

(ت ۳۰۵ ه_) . او به دعای امام زمان علیه السلام به دنیا آمد و این کتاب را به دستور آن حضرت نوشت که[1] از قدیمی ترین منابع روایی در این زمینه شمرده می شود.

ص:۴۷

۱- کمال الدین و تمام النعمه، مقدمه.

۲. الغیبه؛ از ابن ابی زینب نعمانی. وی از راویان بزرگ شیعه در اوایل قرن چهارم است. این کتاب در سال ۳۴۲ در حلب نگارش یافته و ۴۷۸ حدیث دارد.

۳. الفصول العشره فی الغیبه؛ ابو عبداللّه محمد بن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید. موضوع اصلی آن، پاسخ به مهم ترین شبهاتی است که درباره وجود مبارک امام مهدی علیه السلام در دوران ایشان مطرح بوده است. نام های دیگر این کتاب «الاجوبه عن المسائل العشره» و «المسائل العشره فی الغیبه» است.

۴. کتاب الغیبه للحجه؛ شیخ طوسی. این کتاب از بهترین، مهم ترین و کامل ترین منابع شیعه در مسأله غیبت امام مهدی علیه السلام است. این کتاب شامل دلایل عقلی و نقلی وجود امام مهدی علیه السلام، غیبت، ظهور، علایم ظهور و فضایل و سیره آن امام علیه السلام است.

این کتاب چون در بغداد و با استفاده از دو کتابخانه بزرگ شیعه نوشته شده و مؤلف آن به بسیاری از اصول قدما دسترسی داشته است، اهمیت فراوانی دارد.

۶. معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام ؛ این مجموعه روایی نفیس و ارزشمند، با تلاش برخی از محققان(۱) به انجام رسیده است. این گروه کوشیده اند تا در حدّ توان، روایات مربوط به امام مهدی علیه السلام را از کتاب های فریقین، جمع آوری کنند و در اختیار پژوهشگران و علاقه مندان قرار دهند. حاصل این سعی و تلاش پسندیده، دوره ای پنج جلدی است که روایات را به ترتیب معصومان علیهم السلام از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تا آخرین معصوم فرا روی خوانندگان قرار می دهد.

گفتنی است تعداد کتاب های نوشته شده ــ که تمام یا مقداری از بحث خود را به امام مهدی علیه السلام اختصاص داده اند ــ بیش از اینها است.

۱- اساتید معظم، آقایان کورانی و نجم الدین طبسی و... .

ب. منابع عامه

از کتاب هایی که قبل از تولّد حضرت مهدی علیه السلام روایات مهدویت را ذکر کرده‌اند: الرساله؛ محمد بن ادریس شافعی (م ۲۰۴ هـ)، المصنف صنعانی (م۲۱۱ ه)، الفتن؛ نعیم بن حماد (م ۲۲۹ هـ) و مسند احمد؛ نوشته احمد بن حنبل ابوعبداللّه الشیبانی (م ۲۴۱ هـ).

از منابعی که بعد از ولادت امام مهدی علیه السلام (یعنی سال ۲۵۵ هـ) نوشته شده می‌توان به: سنن ابو داود؛ سلیمان بن اشعث ابو داود السجستانی الأزدی (م ۲۷۵ هـ) که از نکات مهم آن آوردن حدیث دوازده خلیفه در کتاب المهدی است و نشان می دهد از نظر نویسنده، امام مهدی علیه السلام یکی از دوازده خلیفه ای است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معرفی کرده است، و سنن ابن ماجه؛ محمد بن یزید ابوعبداللّه القزوینی (م ۲۷۵ هـ)، و سنن ترمذی؛ محمد بن عیسی ابو عیسی الترمذی السلمی (م ۲۷۹ هـ) اشاره کرد. این کتب از کتب ششگانه مهم عامه است.

از کتاب هایی که ویژه حضرت مهدی علیه السلام نوشته شده: الاربعین؛ ابونعیم اصفهانی (م ۴۳۰ هـ)، البیان فی اخبار صاحب الزمان؛ ابو عبداللّه محمد بن یوسف بن محمد کنجی شافعی (م ۶۵۸هـ)، الفصول المهمّه؛ علی بن محمد بن احمد مالکی مشهور به ابن صباغ (م ۸۵۵ هـ) البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان؛ علاءالدین علی بن حسام الدین مشهور به متقی هندی (م ۹۷۵ هـ)، موسوعه المهدی المنتظر؛ دکتر عبدالعلیم عبدالعظیم البستوی. وی در دو جلد به بررسی ۳۸۸ حدیث مهدوی می پردازد.

برخی از خصوصیات این مصلح جهانی که در روایات اسلامی به نقل آنها پرداخته اند به شرح زیر است:

۱. او از اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و از فرزندان امیرالمؤمنین علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام است.

۲. او نهمین فرزند از اولاد امام حسین علیه السلام است.

۳. عمر او طولانی خواهد بود.

۴. غیبت طولانی خواهد داشت.

۵. به هنگام ظهور او اسلام جهانگیر می شود.

۶. زمین را پر از عدل و داد می کند.

۷. هنگام ظهور عیسی نزول کرده و به امامت او نماز می‌خواند.

معرفی مهدی موعود

روایات نقل شده در مورد امام مهدی علیه السلام را می توان به چهار گروه تقسیم کرد:

الف. روایات تفسیری؛ روایاتی که در ذیل آیات قرآن کریم را نقل شده و آیه ای را بر امام مهدی علیه السلام تطبیق کرده است.

ب. روایات اخباری؛ روایاتی که از آینده خبر می دهد؛ مانند؛ وقوع غیبت، جهان قبل از ظهور، علایم ظهور، بشارت های ظهور، اوصاف ظاهری امام، سیره حضرت، اوصاف یاران حضرت، جریان قیام و سیمای دوران حکومت.

ج. روایات تبیینی؛ روایاتی که بیان کننده علل غیبت، اهمیت انتظار، وظایف منتظران، حکم بردن نام امام و حکم تعیین وقت ظهور است.

د. روایات تاریخی؛ روایاتی که ولادت امام، نسب امام و معجزات امام مهدی علیه السلام را نقل می کند.

با بررسی کتاب های اختصاصی امام مهدی علیه السلام و یا کتبی که بخشی از آنها، به ذکر احادیث آن حضرت اختصاص یافته، به این واقعیت پی می بریم که حداقل حدود شصت تن از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را بدون واسطه از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده اند.

نتیجه

با بررسی روایات بحث مهدویت، دو ویژگی و امتیاز به دست می آید که اهمیت موضوع مهدویت را در میان معارف اسلامی و دینی نشان می دهد. ۱)تواتر احادیث امام مهدی علیه السلام ۲) صحت احادیث امام مهدی علیه السلام ؛ این ویژگی های ارزشمند باعث می شود علاوه بر قبول آن، به

محتوا و مفاد آن نیز توجه شده و به دستورات آنها عمل شود.

امام مهدی در پرتو احادیث

اشاره

در این بخش، نخست به تبیین برخی روایات امامت می پردازیم و چگونگی دلالت آن را بر حضرت مهدی علیه السلام به عنوان یکی از امامان معصوم علیهم السلام بررسی می کنیم. سپس با توجه به روایات خاص «مهدویت»، عرصه های مشترک و اختلافی شیعه و سنی را درباره «مهدویت» مطرح می کنیم.

احادیث عام

اشاره

در این قسمت سه روایت «ثقلین»، «مَنْ ماتَ» و «خلفای دوازده گانه» را مورد بررسی قرار می دهیم:

۱. حدیث ثقلین

حدود ۳۴ تن از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این حدیث را نقل کرده اند و ۱۸۷ نفر از بزرگان اهل سنت (مانند مسلم، ترمذی و احمد بن حنبل) این حدیث را در کتاب های خود آورده اند.(۱)

مسلم در صحیح خود از «زید بن ارقم» نقل می کند: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم روزی در کنار آبی به نام خم (غدیر خم) میان مکه و مدینه خطبه ای ایراد کرد و در آن خطبه خدا را ثنا گفت و مردم را نصیحت نمود. آن گاه چنین فرمود:

«اَلا ـ اَیّها النّاسُ! فَاِنّما اَنَا بَشَرٌ یُوشَکُ اَنْ یَأتِی رَسُولُ رَبّی فَاُجیبُ «وَ اَنَا تارِك فِیکم الثَقلین: اَوّلُهما کتابُ اللّهِ فِیهِ الْهُدی وَ النُّور فخُذُوا بکتابِ اللّه و اسْتَمْسِکوا بِه» فَحَثَّ علی کتاب اللّه و رَغَّبَ فیه ثم قال: وَ اَهلُ بَیْتِی اُذَکرُکم اللّه فِی اَهْلِ بَیْتی اُذَکرُکم اللّه فِی اَهْلِ بَیْتی اُذَکرُکم اللّهَ فِی اَهْلِ بَیْتی».(۲)

۱- عبقات الانوار، ج ۲ و ۱، ص ۸۲۴ و ۸۲۵.

۲- مسلم، صحیح، ج ۴، شماره ۲۴۰۸، چاپ عبدالباقی، ص۱۸۰۳.

از مفاد حدیث ثقلین، این نکته روشن می شود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عترت خویش را در کنار قرآن کریم قرار داده است. اکنون جای این سؤال است که مراد از عترت چه کسانی است؟ و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چه کسانی از عترت خود را در ردیف قرآن قرار داده و ثقل اصغر خوانده است؟ ابن اثیر می گوید:

عترت انسان به خاص ترین و نزدیک ترین خویشاوندان وی گفته می شود و عترت رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم فرزندان فاطمه علیها السلام هستند. قول ابن سیده نیز همین است.(۱)

پیداست، مراد از «عترت» و «اهل بیت» در حدیث ثقلین محدود است و همه منسوبان به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دربر نمی گیرد؛ بلکه مقصود از آن، تنها کسانی اند که به قرینه قرار گرفتن در کنار قرآن، از امتیازات ویژه ای برخوردارند. اینان همتای قرآن و مانند آن ارزشمند هستند و تمسّک به آنان مانع از لغزش و انحراف است؛

بر اساس این حدیث، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دستاورد رسالت خود را دو چیز گران مایه یکی،«کتاب خدا» و دیگری «عترت» آن حضرت که از هم جدایی ناپذیر و عامل راهیابی و رستگاری انسان ها تا روز قیامت هستند. ملازمت بر این دو از مهم ترین وظایف دینی هر مسلمانی است و تا قیامت پایدار است. به بیان دیگر این حدیث شریف و زیبا حاوی نکات ارزشمندی است:

یکم. همان گونه که کتاب خدا جاویدان است و تا پایان عمر دنیا وجود دارد، یک نفر از اهل بیت نیز همیشه در کنار قرآن تا پایان عمر دنیا خواهد بود. این نکته از واژه «لن یفترقا» به خوبی روشن می شود.

همچنان که قرآن حجّت بوده و بر مردم واجب است از آن پیروی کنند؛ همچنین باید از اهل بیت علیهم السلام پیروی و اطاعت کنند. از این رو اهل بیت تنها کسانی اند که شایستگی دارند رهبری، امامت و سرپرستی امور مردم را به عهده گیرند. معنای دو ثقل اکبر و اصغر نیز این

ص:۵۲

۱- نهایه، ج ۳، ص ۱۷۷.

است.

پس طبق حدیث معروف ثقلین، همیشه فردی از اهل بیت علیهم السلام باید در کنار قرآن وجود داشته باشد. اکنون باید بیان کنیم که امام مهدی علیه السلام یکی از افراد اهل بیت علیهم السلام می باشد.

بر اساس احادیث، حضرت مهدی علیه السلام فردی از «عترت»، «اهل بیت» و فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و یکی از دو شیء گران قدری است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در «حدیث ثقلین» بدان سفارش کرده است.

«قالَ رَسُولُ اللّه صلی الله علیه و آله و سلم لاتَنْقَضِی الْاَیامُ وَ لایَذْهَبُ الدَهْرُ حَتّی یَمْلِكَ الْعَرَبُ رَجلٌ مِنْ اَهْلِ بَیْتی اسمه یُواطئُ اِسْمِی»؛(۱)

رسول خدا فرمود: روزگار به پایان نمی رسد و عمر دنیا سپری نمی شود؛ مگر اینکه فردی از اهل بیت من، بر عرب حاکم می شود، نامش هم نام من است.

همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«المهدی من عترتی من ولد فاطمه علیها السلام (۲)»؛ مهدی از عترت من و از فرزندان فاطمه علیها السلام است.

۲. حدیث «من مات»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

«من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیه»؛ هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.(۳)

علامه مجلسی رحمه الله این حدیث را با چهل سند از طرق اختصاصی شیعه در بحارالانوار آورده است.(۴)

۱- مسند احمد، ج۱، ص ۳۷۶، سنن ابو داود، ج ۴، ص ۱۰۷.
۲- عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۳۵.
۳- صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۳؛ صحیح مسلم، ج ۶، ص ۲۱، ۲۲.
۴- بحارالانوار، ج ۲۳، صص ۷۶ _ ۹۵.

علمای اهل سنت این حدیث را در بیش از هفتاد کتاب از منابع حدیثی خود آورده اند که بعضی از آنها عبارت است از ۱. سنن ابوداود؛ ۲. مصنف حافظ عبدالرزاق بن همام صنعانی؛ ۳. سنن سعید بن منصور خراسانی؛ ۴. طبقات الکبری محمد بن سعد کاتب واقدی؛ ۵. مسند حافظ ابوالحسن علی بن جعد جوهری؛ ۶. مصنف ابن شیبه؛ ۷. صحیح بخاری ۸. صحیح مسلم و....(۱)

بخش ابتدایی این احادیث از دو حال خارج نیست: گروهی با «من مات» شروع می گردد و نتیجه عدم شناخت امام زمان را مرگ جاهلی می داند و بخشی دیگر، با الفاظی چون «من خرج» شروع می شود و تمرّد و نافرمانی از امام را به مرگ جاهلی منتهی می داند. امامی که نشناختن او مرگ جاهلی و سرپیچی از دستوراتش جهنم را در پی دارد، امامِ واجد شرایط و دعوت کننده به امر الهی است؛ نه امام کفر و دعوت کننده به آتش و آلوده به انواع فسق و فجور.

با دقت در حدیث «من مات...» و آنچه گفته شد نکات زیر به دست می آید:(۲)

۱. ضرورت اصل امامت و رهبری واجد شرایط در نظام عقیدتی اسلام؛

۲. ضرورت استمرار امامت و وجود امام در هر زمانی؛

۳. تعداد امام برحسب زمان مختلف است، نه بر حسب کشورها و نژادها؛

۴. نفی امامت عموم متصدیان و مدعیان خلافت که شرایط آن را ندارند؛ (به دلیل انطباق نداشتن راه و رسم آنها با امام زمان، و اینکه هیچ کس نشناختن آنان را موجب مرگ جاهلیت نمی داند)؛

با توجّه به قطعی بودن حدیث «من مات» احادیث دیگر درباره تعداد خلفای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان دوازده گانه ائمه، شکی نیست که دوازدهمین امام و خلیفه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حضرت

۱- فقیه ایمانی، شناخت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، صص ۳۰ _ ۴۰.

۲- فقیه ایمانی، شناخت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، صص ۷۸_۸۰.

مهدی موعود علیه السلام است.(۱)

۳. حدیث «اثنا عشر خلیفه»

جابر بن سمره می گوید:

«سمعت رسول اللّه یقول: لایزال الاسلام عزیزاً الی اثنی عشر خلیفه ثم قال کلمه لم اسمعها فقلت لأبی ما قال؟ فقال کلهم من قریش»؛(۲)

شنیدم پیامبر خدا می فرمود: همواره اسلام در سایه دوازده خلیفه« من» عزیز می ماند. سپس کلمه ای فرمود که من نشنیدم، پس به پدرم گفتم: چه فرمود؟ گفت: همه آنان از قریش هستند.

این حدیث را فریقین(۳) در کتاب های حدیثی خود نقل کرده اند و همگی صدور آن را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قبول دارند. بنابراین مهم آن است که بدانیم این دوازده خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چه کسانی اند. از دو طریق می توان به مراد آن حضرت پی برد که یکی مراجعه به روایات و دیگری بررسی تاریخی است.

محمد بن ابراهیم حمّوئی شافعی از عبداللّه بن عباس نقل می کند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خلفا و اوصیای من و حجت های خدا بر خلق پس از من دوازده نفر هستند: اولین آنان برادرم و آخرین آنان پسر من است. گفته شد: ای رسول خدا: برادر شما کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب. سؤال شد: فرزند شما کیست؟ فرمود: مهدی و او همان کسی است که زمین را پر از عدل و داد می کند، همان گونه که سرشار از ظلم و جور شده باشد. (۴)

۱- بر گرفته از شناخت امام و اصالت مهدویت در اسلام از دیدگاه اهل تسنن .

۲- صحیح مسلم، ج ۶، چاپ مصر، ص ۱۰۲.

۳- صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۴۷، ح ۷۹، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۵۳، ح ۵؛ غیبت طوسی، ص ۸۸؛ غیبت نعمانی، ص۷۵.

۴- فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۱۲، ح ۵۶۲.

در این حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای تبیین مراد از دوازده خلیفه، به معرّفی امام اول و امام دوازدهم اکتفاء می کند؛ در حالی که در مواقع دیگر اسامی همه دوازده خلیفه را بیان می کند و حتی اسم پدرانشان را نیز برمی شمرد.

پیامبر اکرم فرمود: جانشین و خلیفه بعد از من علی بن ابی طالب علیه السلام است و بعد از او دو نوه من حسن علیه السلام و سپس حسین علیه السلام هستند. سپس نه فرزند حسین علیه السلام امام خواهند بود. [نعثل]گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم آن نُه نفر را نام ببر. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: وقتی حسین علیه السلام از دنیا رفت، فرزندش علی علیه السلام امام است و هنگامی که علی علیه السلام از دنیا رفت، فرزندش محمد علیه السلام به امامت می رسد و چون محمد علیه السلام از دنیا رفت، پسرش جعفر علیه السلام امام خواهد شد و وقتی جعفر علیه السلام از دنیا برود، فرزندش موسی علیه السلام امام است و هنگامی که موسی علیه السلام درگذشت، پسرش علی علیه السلام و بعد از او فرزندش حسن علیه السلام و بعد از او حجه بن الحسن علیه السلام امام خواهد بود. اینان دوازده امام به عدد نقبای بنی اسرائیل هستند. (۱)

با توجه به این روایات و احادیث دیگر شیعه و سنی، روشن می شود که مراد از دوازده خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، همین امامان دوازده گانه است.

در تاریخ اسلام؛ دوازده خلیفه ای که حافظ و نگهبان عزت اسلام باشند ــ جز دوازده امامی که شیعه به آنان معتقد است ــ نمی توان یافت؛ زیرا دوازده خلیفه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بلافاصله پس از آن حضرت به عنوان خلیفه ایشان معرفی شدند، از طرفی مایه عزّت اسلام بودند و هیچ وقت اسلام بدون آنان نبوده است. چنان که از ظاهر «لایزال» فهمیده می شود.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در هیچ زمانی بدون خلیفه نبوده است. حال باید دید این دوازده نفر کیستند؟ تاریخ زندگی خلفای اموی و عباسی نشان می دهد که آنان هیچ وقت مایه عزّت اسلام نبودند! ولی دوازده امام شیعه علیه السلام ــ که همگی در عصر خود مظهر تقوا و حافظ سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده اند، پیوسته مورد توجه صحابه و تابعین و نسل های بعدی قرار داشتند و به علم و وثاقت

۱- فرائد السمطین، ج ۲، ص ۱۳۳، ذیل حدیث ۴۳۱؛ ینابیع الموده، باب ۷۶، ص ۴۴۱.

معروف بودند.

علاوه بر این، کسی غیر از شیعه، دوازده امامی را که از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تا آخر دنیا استمرار داشته باشد، معرفی نکرده است، اگر تنها مصداق حدیث «اثنی عشر خلیفه» را بپذیریم، با مراجعه به تاریخ می بینیم که یازده امام آمده و شهید شده اند و اکنون دوران امامت و خلافت دوازدهمین امام _ حضرت مهدی علیه السلام _ است.

مجموع اخباری که با عنوان «اثنی عشر خلیفه» و تعابیر همانند آن آمده، نشانگر این است که:

۱. امامان دوازده نفر هستند.

۲. امامت آنان تا پایان دنیا مستمر است؛ (با توجه به جمله «لایزال الاسلام و لاینقضی»).

۳. غیر از شیعه کسی چنین ادعایی ندارد.

۴. حضرت مهدی علیه السلام، دوازدهمین امامی است که از سال ۲۶۰ امامت را بر عهده دارد.

پس آن ثِقل همدوش قرآن که باید به آن تمسّک نمود و خلیفه ای که در پرتو امامت او، اسلام عزیز می گردد و نشناختن او باعث خروج از اسلام می شود، همان حضرت مهدی علیه السلام است.

احادیث خاص

در جوامع روایی، بیش از دو هزار حدیث در این باره نقل شده است. برای نمونه مؤلف منتخب الاثر با استفاده از ۱۵۷ منبع شیعی و سنی، قریب ۹۰۰ روایت را بدون تکرار و به طور کامل ذکر می نماید.

عرصه های مشترک

اشاره

در زمینه «مهدویت» مسائلی مورد اتفاق شیعه و اهل سنت است که به برخی اشاره می‌کنیم.

۱_ اصل مهدویت

یکی از موارد اتفاقی بین شیعه و اهل سنت در قضیه مهدویت، اتفاق بر اصل آن است.

ص:۵۷

امت اسلامی ــ به غیر از گروهی اندک از غربزدگان و روشنفکرنمایان مانند احمد امین مصری ــ بر این مسأله اتفاق دارند که در آخر الزمان شخصی به نام مهدی علیه السلام از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ظهور کرده و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد.

شهید صدر در این باره می گوید: به راستی اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام به عنوان پیشوای منتظَر برای تغییر جهان به عالمی بهتر، در احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به طور عموم و به ویژه در روایات اهل بیت علیهم السلام آمده است. در روایات فراوان، به طور جدی بر این مسأله تأکید شده که جای هیچ شکی را برای انسان باقی نمی گذارد.(۱)

حافظ ابن حجر عسقلانی می گوید: تواترت الاخبار بان المهدی من هذه الامه(۲)؛ اخبار به حد تواتر دلالت دارد بر اینکه مهدی علیه السلام از این امت (اسلام) است.

۲- وجوب اعتقاد به امر مهدی علیه السلام

در روایات شیعه و سنی منکر خروج مهدی علیه السلام، کافر شمرده شده است. جابر بن عبداللّه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«من انکر خروج المهدی علیه السلام فقد کفر بما انزل علی محمد صلی الله علیه و آله و سلم »؛(۳) کسی که منکر خروج مهدی علیه السلام است به آنچه بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده، کافر گردیده است.

امام صادق علیه السلام در روایتی در بیان مصادیق غیب ــ که ایمان به آن لازم است ــ می فرماید:

«متقین، شیعیان امام علی علیه السلام هستند، [و یکی از مصادیق] غیب نیز همان حجت غایب است؛ یعنی، مهدی منتظَر».(۴)

شیخ ناصر الدین البانی وهابی می گوید:

ص:۵۸

۱- بحوث حول المهدی، ص ۶۲ و ۶۳.
۲- فتح الباری، ج ۵، ص ۳۶۲.
۳- الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۸۳.
۴- کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴.

ان عقیـده خروج المهدی عقیده ثابته متواتره عنه صـلی الله علیه و آله و سـلم یجب الایمان به لانها من امور الغیب و الایمان بها من صـفات المتقین؛ همانا عقیده به خروج مهدی علیه السـلام عقیده ای ثابت و متواتر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که ایمان به آن واجب است؛ زیرا این عقیده از اموری است که ایمان به آن در قرآن، از صـفات پرهیزکاران شمرده شده است.(۱)

۳- جهانی بودن دعوت و حکومت مهدی علیه السلام

امام باقر علیه السـلام می فرماید: امام مهدی علیه السلام ۳۰۹ سال حاکم بر زمین می شود، همان مقدار که اصـحاف کهف در غارشان درنگ کردند، و زمین را پر از عدل و داد می کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد. خداوند برای او شـرق و غرب عالم را فتح می کند تا تنها دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم بر روی زمین باقی بماند.(۲)

حاکم نیشابوری از ابو سـعید خدری نقل می کند که پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم فرمود: زمین از سـتم و ظلم پر می شود. در این هنگام شخصـی از عترتم خروج کرده، مـدت هفت یا نه [سال]مالک کل زمین خواهـد شد و در این هنگام زمین را پر از عدل و داد می کند.(۳)

۴- نزول عیسی و اقتدا به امام زمان علیه السلام

ابوبصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

«و ینزل روح اللّه عیسی ابن مریم علیه السلام فیصلی خلفه...»؛(۴) نازل می شود روح اللّه عیسـی بن مریم، پس نماز می خواند پشت سر او (امام مهدی علیه السلام) .

ابوهریره از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

۱- مجله التمدن الاسلامی، ش ۲۲، ص ۶۴۳.
۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰، ح ۲۱۲.
۳- مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۵۵۸.
۴- کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۵، ح ۳۱.

«کیف انتم اذا نزل ابن مریم فیکم و امامکم منکم»؛(۱) چگونه اید زمانی که فرزند مریم فرود می آید، در حالی که امام شما فردی از خودتان است؟

۵- خسف بیداء

جابر گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: پس فرود می آید امیر لشگر سفیانی [همراه با لشگرش] به [زمین]بیداء، پس منادی از آسمان ندا می دهد: ای [زمین] بیداء نابود کن قوم (لشکر) را. پس آنها را در خود فرو می برد.(۲)

عایشه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است: لشگری آهنگ کعبه می کنند، پس هنگامی به زمین بیداء در آمدند، [زمین] همه آنها را فرو می برد.(۳)

۶- اتفاق بر لقب «مهدی» علیه السلام

از ابوسعید خراسانی نقل شده است: به امام صادق علیه السلام گفتم: مهدی و قائم یک نفر است؟ فرمود: آری. پس پرسیدم: چرا او را مهدی نامیدند؟ فرمود: چون هدایت می شود به هر امر مخفی.(۴) کعب گوید: به درستی که او را مهدی علیه السلام نامیدند، زیرا هدایت می کند (یا هدایت می شود) به امری که مخفی است.(۵)

۷- مهدی علیه السلام از فرزندان فاطمه علیها السلام

ام سلمه در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«المهدی من عترتی من ولد فاطمه»؛(۶)«مهدی از عترت من از فرزندان فاطمه علیها السلام است».

۱- صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۲۷۲، ح ۳۲۶۵.
۲- غیبت نعمانی، ص ۲۷۹، ح ۶۷.
۳- صحیح بخاری، ج ۲، ص ۷۴۶، ح ۲۰۱۲.
۴- غیبت طوسی، ص ۴۷۱.
۵- الجامع معمر بن راشد، ج ۱۱; مصنف صنعانی، ص ۳۲۷، ح ۲۰۷۷۲.
۶- سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۷، ح ۴۲۴۸; غیبت طوسی، ص ۱۸۵.

۸- هم نام با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«القائم من ولدی، اسمه اسمی و کنیته کنیتی و شمائله شمائلی و سنته سنتی...»؛(۱) «قائم از فرزندان من است، اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است، و شمایل و خصوصیات او شمایل من و سنت و روش او، سنت من است».

عبداللّه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«لاتذهب أو لاتنقضی الدنیا حتی یملك العرب رجل من اهل بیتی یواطیء اسمه اسمی»؛(۲) «دنیا به پایان نمی رسد یا دنیا تمام نمی شود تا اینکه مردی از اهل بیتم ــ که هم نام من است ــ بر عرب حاکم می شود».

۹- بیعت بین رکن و مقام

جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نقل می کند: بیعت می کنند با قائم بین رکن و مقام سیصد و چند نفر به تعداد اهل بدر.(۳)

احمد حنبل در روایتی از وجود مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند: با مردی بین رکن و مقام بیعت می کنند.(۴)

عرصه های اختلافی

همان گونه که گذشت دو مذهب شیعه و سنی، در محورهای مختلفی درباره مهدویت اشتراک نظر دارند؛ با این وجود گروهی از اهل سنت در بعضی موارد دیدگاهی متفاوت با

۱- کمال الدین، ج ۲، ص ۴۱۱، ح ۶.

۲- سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۶، ح ۴۲۸۲.

۳- غیبت طوسی، ص ۴۷۶.

۴- مسند احمد، ج ۲، ص ۲۹۱، ح ۷۸۹۷.

شیعیان دارند.

آنچه که در این عرصه قابل توجه است، موضوع ولادت آن حضرت است. در میان اهل سنت دو نظر وجود دارد: گروهی از آنان، عقیده ای مطابق با نظر شیعیان دارند و معتقدند که امام مهدی علیه السلام در سال ۲۵۵ به دنیا آمده است و برخی دیگر (اکثریت) آن را انکار می کنند.

ص:۶۲

فصل چهارم: غیبت

اشاره

ص:۶۳

غیبت

مفهوم غیبت

اولین نکته قابل طرح آن است که غیبت به معنی «پوشیده بودن از دیدگان» است نه حاضر نبودن. بنابراین در این بخش، سخن از دوره ای است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از چشمان مردمان غایب است و آنها او را نمی بینند و این در حالی است که آن بزرگوار در بین مردم حضور دارد و در کنار ایشان زندگی می کند. این حقیقت در روایات امامان معصوم به عبارات گوناگون بیان گردیده است.

امام علی علیه السلام فرمود:

«سوگند به خدای علی، حجّت خدا در میان مردم هست و در راهها (کوچه و بازار) گام برمی دارد؛ به خانه های آنها سر می زند؛ در شرق و غرب زمین رفت و آمد می کند؛ گفتار مردم را می شنود و برایشان سلام می کند؛ می بیند و دیده نمی شود تا وقت [معین] و وعده [الهی].»(۱)

البته نوع دیگری از غیبت نیز برای آن حضرت بیان شده است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«در صاحب این امر سنت هایی از انبیاء وجود دارد... اما سنّت او از یوسف علیه السلام، پنهان بودن است. خداوند بین او و مردم حجابی قرار می دهد [به گونه ای که] مردم او را می بینند ولی

۱- الغیبه نعمانی، باب ۱۰، ح ۳، ص ۱۴۶.

نمی شناسند.»(۱)

بنـابراین دربـاره حضـرت مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف غیبت به دو گـونه روی می دهـد: آن بزرگوار در مواردی از دیدگان پنهان است و در مواردی دیگر دیده می شود ولی شناخته نمی گردد اما در هر حال در میان مردم حضور دارد.

پیشینه غیبت

غیبت و نهان زیستی، پدیده ای نیست که برای اولین بار و تنها درباره آخرین حجّت پروردگار روی داده باشد بلکه از روایات فراوان اسـتفاده می شود که تعـدادی از پیامبران بزرگ الهی، بخشـی از زندگی خود را در پنهانی و غیبت بوده اند و این امر به جهت حکمت و مصلحت خدایی بوده و نه یک خواسته شخصی و یا مصلحت خانوادگی.

بنابراین غیبت یکی از سنّت های(۲) الهی است که در زندگی پیامبرانی همچون ادریس، نوح، صالح، ابراهیم، یوسف، موسی، شعیب، الیاس، سـلیمان، دانیال و عیسـی علیهم السلام جریان یافته است و هر یک از آن سفیران الهی به تناسب شرایط سالهایی را در غیبت بسر برده اند.(۳)

به همین دلیل است که در روایات از غیبت حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف به عنوان یکی از سـنت های پیامبران یاد شـده است و یکی از دلایل غیبت آن حضـرت، اجرا شـدن سـنّت انبیاء علیهم السـلام در زنـدگی حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شمرده شده است.

۱- کمال الدین، ج۲، باب۳۳، ح۴۶، ص۲۸.

۲- قرآن کریم در سوره های متعددی از جمله غافر، آیه۵۸؛ فتح، آیه۲۳ و اسراء، آیه۷۷ سخن از سنّت الهی مطرح کرده است و از مجموع اینها اسـتفاده می شود که مقصود از سـنّت الهی قوانین ثابت و اساسی الهی است که هرگز دگرگونی در آن روی نمی دهد. این قوانین هم بر اقوام گذشـته حاکم بوده است و هم بر اقوام امروز و آینده حکومت خواهد کرد. (تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۳۵، با تلخیص)

۳- کمال الدین، ج ۱، باب اول تا هفتم، ص ۲۵۴ تا ۳۰۰.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«به راستی که برای [امامِ] قائم از ما غیبتی است که مدت آن طولانی خواهد بود. راوی گوید: دلیل این غیبت چیست ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ؟»

حضرت می فرماید:

«خداوند می خواهد سنت های انبیاء در غیبت هایشان درباره آن حضرت روی دهد.»(۱)

حکمت ها و فلسفه غیبت

اشاره

غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یکی از پدیده هایی است که با اراده و تدبیر خداوند رخ داده است؛ پس به طور حتم دارای حکمت و مصلحتی مهم و قابل توجه است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم حقیقت سر بودن این امر را اینگونه بیان فرموده است:

«یا جابر! ان هذا الامر امر من امر الله وسر من سر الله، مطوی عن عباد الله، فایاک والشک؛ فان الشک فی الله کفر؛(۲)

ای جابر! همانا این امر؛ امری است از امر خداوندی و سری است از سر خدا که بر بندگان او پوشیده است. پس برحذر باش که دچار تردید نشوی. همانا شک در مورد خدا کفر است.»

عبداللّه بن فضل هاشمی می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «صاحب الامر، غیبتی دارد که ناگزیر اتفاق می افتد و ناراستان و طرفداران باطل به شک می افتند». عرض کردم: «فدایت شوم چرا چنین می شود؟» فرمود: «به خاطر چیزی که ما اجازه نداریم، آن را برای شما بازگو کنیم». عرض کردم: «حکمت و فایده این غیبت چیست؟» فرمود: «حکمت غیبت او، همان حکمت غیبت آن عده از حجت های خداوند است که قبلاً از آنها یاد شده

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ح ۳، ص ۹۰.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، موسسه النشر الاسلامی، ج ۱، ص ۲۸۷.

است؛ حکمت این غیبت نیز تا بعد از ظهور آن حضرت، بر مردم معلوم نخواهد شد؛ همان طور که حکمت کارهایی که خضر انجام داد، تا قبل از جدا شدنش از موسی، معلوم نشد. ای پسر فضل! این امری الهی است و سرّ آن و جهات پنهانی آن نیز، الهی و به خدا مربوط است و هنگامی که ما می دانیم خداوند عزّوجل حکیم است، قبول و اعتراف می کنیم که تمام کارهایش، عین حکمت و درستی است؛ هر چند که علت و چرایی آن کارها، برای ما روشن نشده باشد»(۱).

بر اساس این حدیث، علّت و حکمت اصلی «غیبت»، برای ما معلوم نیست و پس از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آشکار می گردد؛ ولی در روایات متعدد دیگر، اسرار و عللی برای غیبت آن حضرت بیان شده که قابل توجّه است و می تواند ما را نسبت به وقوع غیبت و لزوم آن به اطمینان بیشتری برساند. در اینجا عوامل و حکمت های غیبت - بر اساس یک دسته بندی جدید و جامع - بیان می شود؛ بنابراین تقسیم، غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم از جانب خدا و به خواست و اراده او بوده است و هم مردم، حاکمان ظالم و شیعیان در آن نقش و تأثیر داشته اند.

یک. اراده و خواست خداوند

اشاره

طبق بیان روایات، غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از ناحیه خدا و بر اساس مشیّت، حکمت و اراده او بوده است. خداوند با غیبت حجت خود، اهداف و اغراض زیر را در نظر داشته است:

۱-۱. آزمون و امتحان مردم

یکی از حکمت الهی در مسئله «غیبت حجت»، امتحان و آزمایش انسان ها - به خصوص شیعیان - است؛ یعنی، امتحان و آزمایش گروهی که ایمان محکمی ندارند تا باطنشان ظاهر شود. کسانی هم که ایمان در اعماق دل آنان ریشه دوانده، به واسطه انتظار و صبر بر شداید و ایمان به غیب، ارزش و قدرشان معلوم می گردد و به درجاتی از ثواب نایل می آیند. زراره بن

۱- اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۸۸، ج ۲۱۷

اعین می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «... و هو المنتظر غیر انَّ اللهِ یُحبّ ان یمتحن الشیعه، فعند ذلک یرتاب المبطلون»؛(۱) «او منتظر است؛ اما خداوند دوست دارد شیعه را آزمایش کند؛ آن گاه معتقدان و طرفداران باطل به شک می افتند».

جابر گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم، فَرَج شما چه هنگام خواهد بود؟ فرمود: «هیهات! هیهات!: لایکونُ فَرَجُنا حتّی تُغَربلوا ثُمَّ تُغَربلوا حتی یذهب الکیدر و یبقی الصفو»؛(۲) «دور است، دور است؛ فرج ما پیش نخواهد آمد تا اینکه غربال شوید، باز غربال شوید... تا اینکه ناخالصی از بین برود و صافی باقی بماند». بر این اساس آزمایش مردم از دو جهت صورت می گیرد:

الف. چون اصل غیبت بسیار طولانی می شود، بیشتر مردم در شک و تردید می افتند و برخی در اصل ولادت و بعضی نیز در بقای آن حضرت شک می کنند.

ب. شدت ها و پیشامدهای ناگوار، باعث می شود که حفظ ایمان و استقامت در راه دین، بسیار دشوار گردد و ایمان افراد در مخاطرات سخت واقع شود(۳). اگر کسی اعتقاد خود را به امام علیه السلام از دست ندهد و یا در مشکلات و سختی ها استقامت داشته و مؤمن باشد، از این امتحان سربلند بیرون می آید.

۲-۱. اتمام حجّت

با غیبت طولانی ولی الهی، همه گروه ها، افراد، اندیشه ها و نظام ها، امکان حکومت بر مردم و مدیریت جامعه را پیدا کرده و ضعف و ناتوانی خود را در اداره جامعه و رفع مشکلات و گسترش عدالت بروز می دهند. این در حالی است که حکومت و ولایت بر مردم، شایسته و بایسته اولیای الهی - به خصوص دوازده امام معصوم - است و خداوند می خواهد

۱- اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۷۲، ح ۱۵۰

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۳

۳- امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۳۵۱ و ۳۵۲

بـدین ترتیب با مردم اتمام حجت کند و توجّه و خواست آنان را به حکومت معصومان جلب نماید. امام صادق علیه السـلام در این زمینه می فرمایـد: «ما یکون هذا الامر حتّی لا یبقی صـنفٌ من النّاس الا و قد ولّوا علی الناس حتی لا یقول قائلٌ: اِنّا لو وَلَّینا، لَعَـِدَ لنا؛ ثمّ یقومُ القائم بالحقّ و العدل»؛(۱) «ظهور تحقق نمی یابـد تـا اینکه گروهی نمانـد، مگر اینکه بر مردم حکومت کرده باشد تا کسی نگوید: اگر ما حکومت داشتیم؛ عدالت را (می گستراندیم)! آن گاه قائم به حق و عدل قیام می کند».

۳-۱. تطابق و همسانی با پیامبران

خداونـد بنـابر مصـالحی، انبیـای گذشـته را برای مـدّتی از بیـن مردم مخفی می کرد؛ پس خـواست که این موضـوع را دربـاره حضـرت مهدی هم پیاده کند تا آن حضـرت، آخرین غیبت را انجام دهد و این سنّت الهی به طور کامل و تمام، به منصّه ظهور رسد. حنان بن سدیر به نقل از پدرش از امام صادق علیه السـلام نقل می کند: «قائم ما غیبتی دارد که طولانی می شود»، عرض کردم: «ای فرزنـد رسول خـدا! علّت آن چیست؟ فرمود: «انّ الله عزوجل أبی الاّ ان یجری فیه سـنن الانبیاء فی غیباتهم و انّه لابدّ له... من استیفـاء مـدد غیباتهم: قال الله عز و جل: «لتَرَکبُنَّ طَبقاً عن طبق»؛ اَی سـنّنا علی سـنن من کان قبلکم»(۲)؛ «خداوند نمی خواهـد این امر انجـام شود؛ مگر اینکه تمام سـنت هایی را که پیامبران در غیبت هایشان داشـته انـد، در این غیبت قرار دهـد... بنابراین بایـد تمام مـدّت، مجموع غیبت های پیامبران، در این غیبت وجود داشـته باشـد. خداونـد می فرمایـد: «لترکبُنّ طبقاً عن طبق»؛ مقصود این است که سنت های گذشتگان، در مورد شما جاری خواهد شد».

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۴

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۲؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۸۶، ح ۲۱۲؛ الخرائج، ج ۲، ص ۹۵۵

۴–۱. هدایت بخشی مداوم

همان طور که در مباحث گذشته اشاره شد، امامان واسطه فیض الهی و منبع هدایت و راهنمایی مردم هستند. خداوند به منظور استمرار هـدایت مردم – وقتی آنان در برهه ای از زمان نعمت بی نظیر الهی (امام معصوم) را قـدردان نبودند – طبق مصـلحت، وجود او را در پس پرده غیبت قرار می دهـد تا علاوه بر حفظ نظام عالم، نزول فیض و رحمت حق از طریق او به بنـدگان ادامه یابـد و راه هدایت و رسـتگاری بر روی مردم باز باشد. به نظر می رسد با توجّه به وجود مشـکلات زیاد فراروی امامان، غیبت، بهترین وسیله این هدایت بخشی باشد.

امیر مؤمنـان علیه السـلام فرموده است: «لاـ تخلوا الأرضُ من قائم لِلهِ بِحُجَّه اَمّا ظاهراً مشـهوراً و اِمّا خائِفاً مغموراً لئلّا تبطُلَ حُجَجُ اللهِ و بيّناته... »؛(۱) «زمین هیـچ گاه از حجت الهی خالی نیست که برای خـدا با برهان روشن، قیام کنـد (به صورت) آشـکار و شنـاخته شـده و یـا بیمنـاک و پنهـان؛ تـا حجت خـدا باطـل نشود و نشـانه هایش از میان نرود (دلیل های روشن هـدایت از بین نروند)».

۵–۱. ظهور نسل مؤمن از صلب کافر و منافق

طول غیبت، باعث می شود که در اصـلاب فاسدان و منافقان و کافران، اگر مؤمنی باقی باشد، همه به دنیا بیایند؛ چنان که شیوه امامان معصوم نیز چنین بوده و حتی پیش بینی هایی در مورد بعضـی از افراد منافق و ناصبی داشـتند. بعد از مدتی نیز از صـلب آنـان، افرادی مؤمن و دوسـتدار اهـل بیت علیه السـلام به دنیا می آمدنـد. ابراهیم کرخی می گویـد: به امام صادق علیه السـلام عرض کردم: خداونـد سـالمت بـدارد؛ آیا علی علیه السـلام در دین خـدا قوی نبود؟ فرمود: آری چنین بود: گفتم: پس چگونه مردم بر او چیره شدند و او جلوی ایشان نایستاد؟ چه چیزی باعث شد جلوی آنها را نگیرد؟ فرمود: آیه ای از قرآن، او را از این کار بازداشت. گفتم: آن آیه کدام است؟ فرمود: «لَوْ

۱– نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷

تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كفَرُوا مِنْهُمْ عَذاباً أَلِيماً»؛(۱). خداونـد عز و جـل فرزنـدانی مؤمن، در پشت افرادی از کافران و منافقان قرار داده است و حضـرت علی، پـدران کـافر یا منافق را نمی کشت تا اینکه این امانت های الهی از پشت آنان خارج شونـد و وقتی این فرزنـدان از صـلب آنـان خـارج می شدنـد، بر هر کـدام که دست می یـافت، با آنها می جنگیـد. قائم ما اهل بیت نیز چنین است، تا تمام امانت های الهی از پشت پدرانشان (کافران و منافقان) خارج نشوند، ظهور نکرده و کسـی را نمی کشد. اما وقتی امانت ها خارج شدند، بر کافران و منافقان مسلّط شده، آنان را می کشد»(۲).

دو. نقش و تأثیر مردم

اشاره

یکی از عوامـل مهم غیبت امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف، عـدم همراهی و تمکین مردم از آن حضـرت و سـستی و قصور در یـاری امام علیه السـلام است؛ چنان که امامان پیشـین، از این ناحیه آسـیب های فراوانی دیدنـد و مرارت ها کشـیدند. نتیجه این معصـیت و نافرمانی بزرگ مردم، کشـته شدن و شهادت همه آنان و از دست دادن حکومت بوده است! بر این اساس غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف بیشتر از ناحیه خود مردم بوده است؛ نه از سوی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف، خواجه نصیر الدین طوسی می گوید: «وجوده لطفٌ و تصرّفه لطف آخر و عدمه منّا»؛(۳) «وجود امام، لطف است (از سوی خـدا) و تصـرّف او (در امور) لطفی دیگر است و غیبت او، مربوط به خود ما است»؛ یعنی، عدم حضور امام و غیبت او و از نـاحیه خود مـا و مشـکلات و موانعی است که ما به وجود آورده ایم. در مورد نقش مردم در غیبت امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می توان به چند مورد اشاره کرد:

۱–۲. تأدیب و متنبّه شدن

وقتی مردم به وظایف و مسئولیت های خود، در برابر امام و پیشوای بر حق خود، پایبند

۱– فتح (۴۸)، آیه ۲۵

۲– اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۸۹، ح ۲۲۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۷، ح ۹

۳– کشف المراد، ص ۲۸۵

نباشند و از اطاعت و یاری او سرپیچی کنند و از جان و مالش محافظت نکنند؛ روا است که خداوند، آن امام را برای مدتی از مردم جدا سازد و تأدیبشان کند. در این صورت مردم از بسیاری از مواهب و الطاف امام معصوم علیه السلام، بی بهره مانده و از برکات ظاهری وجود او محروم می شوند و این نشانگر غضب و خشم الهی است. محمد بن فرج می گوید: امام ابوجعفر علیه السلام برایم نوشت: «اذا غضب الله – تبارک و تعالی – علی خلقه نحاناً عن جوارهم»؛(۱) «وقتی خداوند متعال بر مردم خشم گیرد، ما را از کنارشان دور می سازد».

۲–۲. ستمکاری و نادانی مردم

ظلم و ستمی که مردم هم بر خود و هم بر دیگران روا می دارند و از حجت الهی، به جهت جهل و نادانی شان بهره کافی نمی برند، موجب غیبت امام علیه السلام شده است. حضرت علی علیه السلام در این زمینه می فرماید: «واعلموا انّ الارض لا تخلوا من حجّه الله ولکنّ الله سیعمی خلقه منها بظلمهم وجورهم و اسرافهم علی انفسهم»؛(۲) «ای مردم بدانید که زمین هرگز از حجّت الهی خالی نمی ماند، اما پروردگار، مردم را به جهت ظلم و ستمی که مرتکب می شوند و نیز به جهت اسراف و زیاده روی های که در حق خود انجام می دهند، از دیدن حجّت خودش (امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) محروم می سازد».

۲–۳. جلوگیری از کشته شدن

یکی از موانع و چالش های اساسی فراروی امامان معصوم علیه السلام، وجود حاکمان ظالم، دشمنان جاهل و کینه جو و نفاق پیشگان دنیا دوست بوده است. این امر منجر به غصب خلافت، کشته شدن امامان، انزوا و محدودیت، فشارهای مالی و اقتصادی، جلوگیری از ارتباط با مردم و... شده بود.

۱– اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۴۷، ح ۳۸؛ کافی، ج ۱، ص ۳۴۳

۲– بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۳، ح ۸

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز با همه این خطرات رو به رو بود و حکمت الهی اقتضا می کرد که آن حضرت از دیدگاه ها غایب شود. با توجه به این امر بدیهی، عوامل زیر در غیبت آن حضرت نقش و تأثیر زیادی داشته است:

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «بنی امیه و بنی عباس، شمشیرهای خود را برای ما تیز کردند؛ زیرا خوب می دانستند که آنها در خلافت حقی ندارند. آنان از ترس اینکه خلافت به جای خود برگردد و در میان صاحبان اصلی اش مستقرّ شود، به کشتن اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و از بین بردم سلاله آن حضرت، همت گماشتند تا شاید از ولادت حضرت قائم جلوگیری کنند و یا او را به قتل برسانند؛ ولی خداوند اراده کرد که او را بر احدی از دشمنان آشکار نکند و نور خود را به اتمام رساند؛ اگر چه مشرکان خوش ندارند»(۱). زراره می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «یا زراره لابُدّ للقائم من غیبه»؛ «به درستی که برای قائم غیبتی هست». پرسیدم: برای چه: فرمود: «یخاف علی نفسه»؛«بر جان خویش می ترسد»(۲) .در اینجا بیان دو نکته خالی از فایده نیست:

الف. ترس حضرت بر جان خود، برای آن است که او، آخرین ذخیره الهی است که باید برای تحقق عدالت جهانی - که وعده حتمی خداوند است - باقی بماند؛ وگرنه او نیز مانند پدران بزرگوارش، از شهادت در مسیر تحقّق اهداف الهی، استقبال می کند.

ب. خداوند متعال، هر چند قادر و توانا است که در هر زمان و هر ساعت، آن حضرت را ظاهر و به طور قهر و غلبه، بر تمام ملل و حکومت ها - پیش از فراهم شدن اسباب - غالب سازد؛ ولی چون جریان این جهان را بر مجرای اسباب و مسبّبات قرار داده و تا زمانی که اسباب چنان ظهوری فراهم نشود، قیام آن حضرت به تأخیر خواهد افتاد و اگر پیش از

۱- منتخب الاثر، ص ۲۹۱

۲- کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۱، ح ۷

فراهم شدن اسباب و مقدمات ظاهر شود، از حفظ قتل مصون نخواهد ماند(۱).

۴-۲. بیعت نکردن با حاکمان

یکی از عواملی که در روایات بسیار به آن اشاره شده، عدم بیعت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با خلفای جور و طاغوت ها است، آن حضرت به جهت اینکه مثل پدرانش مجبور به بیعت با آنان نشود، به فرمان خدا از چشم مردم مخفی شد. «بیعت، نوعی عقد و قرارداد دو سویه بین حاکم و فرمانبرداران است که از یک سو خلیفه را متعهد به اداره جامعه... می کند و از طرف دیگر بیعت کنندگان متعهد می شوند، ضمن شنیدن و اطاعت از خلیفه، از او حمایت کنند»(۲).

آن حضرت زمانی که ظهور می کند، بیعت هیچ کس و هیچ حکومت غاصب و ستمگری را - حتی به عنوان تقیه - بر گردن ندارد. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خود در این زمینه مرقوم فرموده است:

«...و اما علّهُ ما وقَعَ مِنَ الغیبهِ، فانّ الله عزّ و جل یقول: «یا ایها الذین آمنوا لا تسئلوا عن اشیاء... »؛ انّه لم یکن احَد من آبائی الاّ وَقعت فی عنقه بیعته لطاغیه زمانِهِ و انّی اَخرُجُ حین اخرج و لا بیعه لِاَحدِ الطواغیت فی عُنُقی... »؛(۳) «اما در مورد علت غیبت، خدای متعال می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید، هرگز نپرسید از مسائلی که اگر فاش شود، شما را اندوهگین سازد...» هر یک از پدران من بیعتی از طاغوت های زمان به گردن داشت، ولی من به هنگامی ظهور خواهم کرد که بیعت احدی از طاغوت ها، بر گردنم نباشد».

امام صادق علیه السلام می فرماید: «یقومُ القائمُ و لیسَ لِاَحَد فی عُنقِهِ عهدٌ و لا عقد و لا بیعه»؛(۴) «قائم ما در حالی ظهور می کند که در گردن او، برای احدی، عهد و پیمان و بیعتی نباشد».

امام علی علیه السلام در این باره فرموده بود: «هنگامی که قائم ما قیام کند، برای احدی در گردن او

۱- ر.ک: امامت و مهدویت، ج ۳، ص ۳۴۷

۲- نظام سیاسی و دولت در اسلام، ص ۸۹

۳- یوم الخلاص، ج ۱، ص ۲۰۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲

۴- الغیبه النعمانی، ص ۸۹ و ۱۰۰؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴۲

بیعت نخواهد بود. از این جهت ولادت او مخفی می شود و خود از دیده ها پنهان می باشد»(۱).

۵-۲. آماده شدن جهان و افکار عمومی

یکی از علت های مهم غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و طولانی شدن پنهان زیستی آن حضرت، آماده ساختن جامعه بشری، برای رسیدن به مقصد نهایی و الهی خود است. آمادگی جهان عبارت است از: بالا رفتن سطح آگاهی مردم و درک نیاز به پیشوایی عادل و عالم، به وجود آمدن امکانات و زمینه های مناسب برای تشکیل یک حکومت جهانی، به ستوه آمدن مردم از ظلم و بیدادگری و خواست جهانی و مردمی برای گسترش و احیای عدالت، معنویت و امنیت جهانی. تا این زمان (آمادگی جهانی) فرا رسد، حضرت در غیبت خواهند بود؛ زیرا وظیفه حضرت، تحقّق فراگیر و گسترده تمامی اهداف و برنامه های پیامبران و اولیا است و اقدامات و اصطلاحات او، نیازمند درک بالا و شعور مترقی از سوی مردم است.

شیخ طوسی می گوید: «فلسفه غیبت فقدان قدرت لازم امام است که باید مردم به آن همت گمارند؛ در واقع تا هنگامی که مردم زمینه اقتدار او را فراهم سازند، غیبت تداوم خواهد یافت؛ چرا که خداوند خواستار تقویت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به وسیله بشر است، نه فرشتگان»(۲).

۶-۲. آماده سازی و تربیت شیعیان

یکی از حکمت های «پنهان زیستی» امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، این بود که شیعیان ضعیف و کم ظرفیت، تربیت شده و سطح آگاهی و تحمّل و آمادگی آنها بالا برود.

علی بن یقطین از امام کاظم نقل می کند که: «شیعیان با آرزوها، تربیت می شوند» پدرم یقطین به من گفت: چه آنچه راجع به سلطنت بنی عباس به ما گفته شده بود، انجام شد؛ ولی آنچه که به شما درباره فرج اهل بیت گفته شده بود، انجام نشد؟

۱- بشاره الاسلام، ص ۵۲؛ اعلام الوری، ص ۴۰۰؛ منتخب الاثر، ص ۲۵۱

۲- تلخیص الشافی، ج ۱و۲، ص ۹۵ (نشر عزیزی)

به او گفتم: آنچه که به ما و شما گفته شده بود، هر دو از یک جا صادر شده است؛ نهایت اینکه وعده ای که به شما داده شد، سر رسید اما وعده ما - چون زمانش حتی نبود - هنوز نرسیده است. در عین حال ما را با ایجاد امید و آرزوی آن دوران تربیت کردند؛ چون اگر از همان نخست، به ما می گفتند که: فرج بیت، تا سال دویستم یا سیصدم انجام می شود، هر آینه مردم قساوت قلب می گرفتند و عموم آنان از اسلام بر می گشتند! اما همیشه به ما گفته اند: به همین زودی و با سرعت این کار انجام می شود تا قلب های مردم حفظ شود و فرج را نزدیک بدانند»(۱)

۱- مرآه العقول، ج ۴، ص ۱۷۶، ج ۶ (به نقل از: مطلع الفجر

فصل پنجم: فوائد امام غایب

اشاره

ص:۷۷

یکی از مطالبی که در مورد امام زمان علیه السلام، مطرح می شود این است که: امام غایب رهبر و پیشوا است و وجود رهبر در صورتی می تواند مفید باشد که حضور عادی در میان پیروان خود داشته باشد. امامی که دیده نمی شود، چگونه می تواند نقش رهبری را در جامعه ایفا کند؟

به تعبیر دیگر زندگی امام در دوران غیبت به منزله چشمه آب زلالی است که در ظلمات بوده و کسی را توان دسترسی به آن نیست.

وجود مخفیانه آن چشمه چه سودی برای عموم مردم دارد و مردم چگونه از وجود پنهان او بهره مند می شوند؟ این سؤال تنها امروز برای ما مطرح نیست بلکه از روایات استفاده می شود که حتی پیش از تولد حضرت مهدی علیه السلام در عصر امامان نیز مطرح بوده و ائمه اطهار با آغوش باز به آن پاسخ می داده اند.

نمونه های روائی

۱. جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پرسید: آیا شیعه در زمان غیبت از فیوضات قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم برخوردار می شوند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «آری، قسم به پروردگاری که مرا به پیامبری برگزید! از وی نفع می برند و از نور ولایتش کسب نور می کنند، همچنان که از خورشید استفاده می کنند هنگامی که در پشت ابرها قرار گیرد.» (۱)

۲. از امام سجاد علیه السلام پرسیدند: شیعیان در زمان غیبت از وجود حضرت ولی عصر علیه السلام چگونه استفاده می کنند؟ فرمود: «آنچنان که از خورشید استفاده می شود، هنگامی که در پشت ابرها پنهان گردد.»

۳. امام باقر علیه السلام فرمود: «از روزی که خداوند متعال حضرت آدم را آفریده تا روز قیامت

زمین خالی از حجت نبوده و نخواهد بود، یا حجت ظاهر و روشن و یا غایب و پنهان.» راوی پرسید از امام غایب چگونه استفاده می شود؟ فرمود: «آن چنان که از خورشید هنگامی که پشت ابر است استفاده می شود.» (۲)

۴. در توقیع مبارکی که از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام توسط دومین نائب خاص، محمد بن عثمان به اسحاق بن یعقوب صادر شده است چنین نوشته شده: «اما چگونگی استفاده مردم از من مثل استفاده آنها از خورشید هنگامی که در پشت ابر پنهان شود می باشد.» (۳)

نکته اساسی این جاست که چرا امام زمان علیه السلام در زمان غیبت به خورشید پنهان در پشت ابر تشبیه شده است؟

وجوه شباهت امام زمان علیه السلام به خورشید پشت ابر

۱. خورشید در منظومه شمسی مرکزیت دارد و کرات و سیارات به دور او در حرکتند، چنان که وجود گرامی حضرت حجت علیه السلام در نظام هستی مرکزیت دارد. «ببقائه بقیت الدنیا و بیمنه رزق الوراء و بوجوده ثبتت الارض و السماء؛ (۴)

به بقای او دنیا باقی است و به یمن وجود او بقیه موجودات روزی داده می شوند و به واسطه وجود او زمین و آسمان پایدارند.»

۲. خورشید در این مجموعه منافع فراوانی دارد مانند: جاذبه که مایه ثبات و بقای نظام است، گرما و حرارت که پشت انبوه ابر غلیظ نیز به زمین می رسد و نیز باد و باران، روئیدن گیاهان و امثال آن از برکت تابش خورشید است که ابرگرفتگی در آن اثر مهمی ندارد. بله، نورافشانی از پشت ابر کمتر خواهد بود. بدین ترتیب ابرگرفتگی فقط یکی از منافع آفتاب را تقلیل می دهد، نه این که از بین ببرد. امام زمان علیه السلام نیز غیر از حضور عادی اش در میان مردم منافع فراوانی برای مردم دارد که در پرتو وجود حضرتش از وجود او استفاده می برند.

غیبت امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف دهها فایده دارد که در اینجابه طور اختصار به چندفایده آن اشاره می کنیم:

ـ وجود امام غایب به پیروانش امید می بخشد و آنهارا دلگرم می کند که دارای چنین

رهبری هستند، با توجه به اینکه امید؛ آن هم امیدی این چنین سازنده است، غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پیروانش را قدم به قدم آماده می سازد تا آن حضرت رااز عزلت بیرون آورند.

ــ آن حضرت در عین اینکه غایب است گاه در مسایل مهم با فقها و بزرگان اسلام تماس می گیرد و آنهارا راهنمایی می کند.

ــ آمادگی ها و زمینه های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی و بالاخره نظامی در همه جا پیدا می شود و به این ترتیب زمینه ظهور حضرت مهّیا می گردد.

ــ از طرفی طول غیبت و دوری از مردم از رهبر مصلح و عادل، موجب فساد در تمام زمینه ها شده و همین فساد موجب خستگی و نارضایتی و ناراحتی مردم می شود و در دل این فساد، جرقه های انقلاب بروز می کند و مردم تشنه مصلح واقعی و عدالت می شوند؛ چرا که مردم تا رنج و ستم و فساد نبرند، آماده درک لذت عدالت و اصلاح نخواهند شد. چنان که در روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بسیار آمده که: « يَمْلَاءُ ٱلْاَرْضَ عَدْلا وَ قِسطاً وَ نُوراً كما مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوراً وَ شَرّاً.»

«نعمت در پرده غیبت»

خلاصه آنکه می توان گفت، که ریشه اصلی این مطلب به درک اولیه ما از مفهوم «غیبت» باز می گردد؛ به گونه ای که مروری دوباره بر معنای صحیح این واژه، راهگشای ما، در رسیدن به پاسخ صحیح خواهد بود.

واژه «غیبت» معمولاً ـ در عرف عام در برابر «حضور» به کار می رود و کلمه «غایب» در برابر «حاضر». بنابراین، هرگاه گفته می شود کسی غایب است، در عرف یعنی «حاضر نیست».

بر پایه این معنا، بسیاری میان غایب بودن امام دوازدهم و ظهور دیگر امامان، تفاوت جدّی قائل می شوند و غیبت را عدم حضور تلقی می کنند و شاید از همین جاست که به نتایج متفاوتی هم در این زمینه می رسند.

ص:۸۰

برخی گمان می کننـد، حاصل غیبت الزاما تحیر و سـر گردانی بشـر است. گروهی آن را اساسا برابر با عـدم امکان فهم صـحیح دین می دانند که برای دسترسی به این فهم، چاره ای جز انتظار نیست.

بعضـی، غیبت را محرومیت از فیض مجـالست بـا امـام و بهره بردن از محضـرش تلقی می کننـد که تنها می توان بر آن افسوس خورد و گروهی نیز غیبت را مانع کسب اجر و مجاهده در رکاب امام دانسته اند.

اما نگاهی به سیر تاریخ امامت روشن می کند که بسـیاری از این امور که حاصل غیبت دانسـته شده، در زمان ائمه گذشـته نیز اتفاق افتاده است.

شواهـدی در قرآن، تاریخ و روایات، بر آن دلالت دارد که در شـرایطی که غیبت نامیده می شود، امکان بهره گیری از برکات و منافع وجود حجت الهی و استفاده از او ممکن و چه بسا قطعی است.

برای نمونه آن جا که قرآن، داسـتان حضـرت یوسف علیه السـلام را نقل می کند می بینیم که در مقطعی از زمان، آن حضرت به طور ناشـناس بـا مردم زنـدگی می کرد و مشـکلات جـامعه را برطرف می نمود، از تعبیر خواب پادشاهی که او را به زنـدان انداخته، تا برنامه ریزی اقتصادی برای تأمین ارزاق... حتی زمانی که بر مسـند قدرت بود، برادرانش که به او ستم کرده بودند، به نرمی سـخن می گفت، نیازشـان را برآورده می کرد و آنهـا را مورد محبّت خود قرار می داد... تـا زمـانی که خداونـد به او اجازه داد که خود را معرفی کند. ناشناخته بودن حضرت در این مدت، هرگز مانع بهره بردن مردم از برکات وجودش نگردید.

امام صادق علیه السـلام درباره امام دوازدهم می فرمایـد: این امت چرا باور ندارد که خداوند عزوجل با حجت خود همان کند که بـا یوسف کرد؟ که در بازارهایشان آمـد و شـد کنـد و بر زیر انـدازهایشان گام نهـد؛ در حالی که او را نمی شناسـند... تا زمانی که خداوند اذن دهد و خود

ص:۸۱

را به ایشان بشناساند؛ چنان که به یوسف اجازه داد...(۱)

باکنکاشی در متون روایات می توان این فواید را به دو دسته تقسیم نمود:

۱) فوایدی که به نفس وجود امام برمی گردد؛

۲) فوایدی که حاصل رفتارها و عملکرد امام می باشد.

در واقع دسته نخست، از جمله سنت های الهی یا قوانینی هستند که خداوند متعال در عالم قرار داده و قرآن و روایات از آن سخن گفته اند(۲)؛ اموری که فاعل آن خداوند است، امّا براساس حکمت الهی از طرق و مجاری خاصی اجرا می گردد.

آن دسته از سنت های الهی، که از کانال وجودی امام جاری می شود، همان چیزی است که، آن را فواید «بود» امام می نامیم. مهم ترین این فواید، «اصل بر پایی عالم، و بقا و استمرار خلقت به سبب وجود امام و حجت الهی» است.

همان طور که پا بر جایی هر خیمه به ستون و محور آن وابسته است و استمرار برپایی و بقاء آن نیز منوط به استواری همان ستون می باشد، عمود خیمه عالم هستی نیز، وجود حجت الهی است؛ چنان که در روایات متعددی آمده است: لوبقیت الارض یوما بغیر امام لساخت.(۳)

عالم، تا زمانی برپاست که حجت الهی در روی زمین باقی باشد. جعلهم الله ارکان الأرض ان تمید بأهلها...(۴)

بقای جهان تحقق نمی گیرد.

از امام رضا علیه السلام پرسیدند: آیا زمین به غیر امام باقی می ماند؟ فرمودند: خیر، باقی نمی ماند، در این صورت فرو می ریزد.(۵) بر این اساس، بر پایی عالم و حیات خود ما و استفاده از برکات

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ابن بابویه (صدوق)، ص ۳۴۱.
۲- حکمت این سنت های الهی، خود بحث دیگری است که مجالی گسترده تر می طلبد.
۳- امام صادق علیه السلام، اصول کافی، کلینی، ج ۱، ص ۱۷۹، ح ۱۰.
۴- امام باقر علیه السلام، اصول کافی، کلینی، کتاب الحجه، ح ۱۲.
۵- امام رضا علیه السلام، اصول کافی، کلینی، کتاب الحجه، ح ۱۱.

عالم، مهم ترین اثر وجودی و فایده ای است که با بودن آن حضرت بر ما و جهان خلقت جاری است و این سنت و قانون الهی تغییرناپذیر می باشد.

دومین فایده «بود» امام، بقا و قوام دین است. در روایات متعدّدی آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: لایزال هذا الدین قائما حتی یکون علیکم اثنی عشر خلیفه(۱)

روایت معین شده، پس از یازدهمین ایشان، پایداری دین به وجود آخرین امام خواهد بود.

حضرت امیر علیه السلام در کلامی، وجود امام ظاهر یا غایب را در هر زمان، رمز عدم بطلان حجت ها و بیّنات الهی می داند: اللهم بلی، لاتخلو الارض من قائم لله بحججه امّا ظاهرا مشهورا او خائفا مغمورا، لئلّا تبطل حجج الله و بیّناته(۲)

یافتگان به حق در کره خاکی، مدیون و وابسته به امام است.

سومین فایده: در بسیاری از روایات، امام واسطه رسیدن فیض الهی به بشریت معرفی شده است؛ یعنی آنچه از برکات، نعمت ها، رحمت و لطف خداوند بر عالم نازل می گردد، به واسطه امام و از کانال وجودی او است.

این مفهوم اساسی بارها در سخنان ائمه علیه السلام تکرار شده است. امام سجاد علیه السلام می فرمایند؛ خداوند به واسطه ما رحمت را منتشر می سازد و به ما باران می فرستد و برکات را از زمین بیرون می آورد.

و امام صادق علیه السلام می فرماید: بنا اثمرت الاشجار و أیعنت الثمار وجرت الأنهار و ینزل الغیث. گویا طبیعت نظام خلقت، دارای مراتبی همانند هرم است که در رأس آن، وجود حجت الهی است، برکات و فیض و رحمت پروردگار، نخست، بر آن قُله نازل شده و سپس از آن جا بر همه جوانب، تا قاعده هرم سرازیر می گردد.

چهارمین فایده وجود حجت الهی، مسئله رفع عذاب و امان اهل زمین می باشد. یکی از

۱- میزان الحکمه، ج ۱، الامامه، ص ۱۳۳.

۲- میزان الحکمه، ج ۱، باب ۱۴۰، ص ۱۱۸.

سنت های الهی آن است که وجود یک فرد مؤمن و صالح در یک جمع، باعث دور کردن عذاب و حفظ همه آن جمع می گردد. جابربن عبدالله از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«خداوند به واسطه صلاح فرد مسلمانی، فرزندان و فرزندان فرزندان و اهل خانه و خانه های اطرافش را نگه می دارد و همه آنان در پناه خداوندند تا زمانی که او در میان ایشان است.»(۱)

روایات معصومین علیه السلام مؤید این است که به برکت وجود حضرت، بسیاری از عذاب ها از جامعه بشری رفع می گردد.

از امام باقر علیه السلام سؤال شد: أبالناس حاجه الی الامام؟ در پاسخ فرمود: أجل لیرفع العذاب عن اهل الارض، سپس به آیه قرآنی استشهاد کردند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را مخاطب قرار داده و حضرت را عامل رفع عذاب از امّت معرفی می کند: ((و ما کان الله لیعذبهم و انت فیهم))(۲).

عظیم ترین فایده وجودی امام که همان وظیفه اصلی اوست، مسئله «هدایت» می باشد.

این مسئولیت در زمان همه ائمه علیه السلام در رأس اهتمامات ایشان بوده و هرگز متوقف نشده است و لازمه انجام آن نیز شناخت چهره امام و ارتباط مستقیم با او نبوده است.

نقل شده که اسحق کندی، از فلاسفه معروف عرب، در عصر امام حسن عسکری علیه السلام کتابی به نام تناقضات قرآن نوشت. امام از طریق یکی از شاگردان اسحق و با طرح سؤالاتی او را متوجه اشتباهاتش می نماید.

تا جایی که او به حقیقت اعتراف می کند و با ندامت، کتابش را می سوزاند.(۳) به این ترتیب علی رغم فاصله مکانی و بدون دیدار با امام، از راهنمایی حضرت بهره مند می گردد.

این حقیقت تاریخی نشان می دهد که گستره هدایت ائمه علیه السلام به کسانی که حتی آنها را ندیده یا نمی شناخته اند نیز، از طرق وسایل گوناگون می رسیده است و هیچ مانعی وجود ندارد

۱- تفسیر المیزان، علامه طباطبائی، ج ۴، ص ۱۰۹.

۲- سوره انفال، آیه ۳۲.

۳- بحارالانوار؛ علامه مجلسی، سیره امام حسن عسکری.

که این امر در زمان غیبت نیز جریان داشته باشد.

چه بسیار راه های فهم دین و تمیز آن از مسیرهای انحرافی که به واسطه امام گشوده می شود و چه بسیار قلب های آماده پذیرش حق و اذهان جست و جوگری که با عنایت امام به سر چشمه های هدایت متصل می گردند، هر چند که خود منشاء این فیض را ندانند و نیابند.

در واقع هدایت انسان ها، شغل و وظیفه ای نیست که امام گاه گاهی به آن بپردازد، بلکه فلسفه وجودی و لازمه امامت اوست. همان گونه که هر مادری به حکم محبت ها و مجموعه فداکاری هایی که برای فرزندش انجام می دهد، «مادر» نامیده می شود و معنای مادری در همان رفتارها نهفته است.

به طوری که بدون آن مجموعه، سمت مادری بی معناست، صفت «هادی» بودن برای امام نیز به همین گونه است؛ لذا در زیارات خطاب به ایشان می گوییم:

السّلام علیك یا نورالله الذی یهتدی به المهتدون(۱)

سیره ائمه گذشته، همواره امام را در کنار مردم و یاور و حامی آنان در سختی ها و مصایب می بینیم.

ادای دین قرض داران، شفای بیماران، رفع نیازهای نیازمندان... همه را امام به حکم امامت انجام می داده است و تحقق این امور هیچ گاه مشروط به شناخته شدن حجت الهی نبوده است، فقرایی که شبانه از امام سجاد علیه السلام طعام دریافت می کردند، به دلیل پوشیده بودن چهره امام او را نمی شناختند و بسیاری از یتیمان کوفه پس از شهادت علی علیه السلام دانستند که چه کسی هر شب به دیدارشان می رفته است. آیاتی از قرآن کریم در سیره حجت های پیشین نیز گواه این معنا است.

در داستان حضرت خضر علیه السلام در سوره کهف(۲) سخن از کارهایی است که آن ولی خدا در

۱- مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر در روز جمعه.

۲- سوره کهف، آیات ۷۹ تا ۸۲.

حالی که مردم او را نمی شناختند، برای حل مشکلات آنان انجام می دهد.

بنابراین، در زمان غیبت نیز، امام جدا از مشکلات، گرفتاری ها و رنج و اندوه مردم نیست و نشناختن حضرت به چهره، مانع از بهره مندی مردم از کمک های ایشان نمی گردد. به همین دلیل است که در زیارت جامعه کبیره خطاب به همه ائمه علیه السلام می گوییم:

«بکم ینفسّ الهم و یکشف الضر... و فرّج عنّا غمرات الکروب.»

بهره مندی از دعاهای امام

فایده مهم دیگر، دعای امام است. مطابق روایات متعدد، اعمال انسان ها دائما، به حجت الهی در هر عصر عرضه می شود و هرگز آن امام از وضعیت مردم غافل نیست، بلکه به حکم مسئولیتش نسبت به این اعمال نگران است.

امام علی علیه السلام می فرماید: هیچ مؤمنی نیست که اندوهگین شود؛ مگر آن که به جهت اندوه او اندوهگین می شویم و دعایی نکند مگر این که برای او آمین می گوییم و ساکت نماند مگر آن که برایش دعا می کنیم.

بنابراین، دعای امام همواره و در هر حال شامل حال افراد می گردد.

نقل شده است که همسایه امام رضا علیه السلام روزی خدمت امام رسیده و عرض کرده: از شما می خواهم که برای من و خانواده ام دعا کنید. حضرت فرمودند: آیا من این کار را انجام نمی دهم؟ همانا اعمال شما در هر صبح و شام بر ما عرضه می شود.(۱) و چون سؤال کننده از این پاسخ متعجب شد، امام به آیه قرآن استشهاد فرمود: قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المؤمنون.(۲)

در مجموع فواید وجود امام زمان علیه السلام را می توان به دو قسم تکوینی و تشریعی تقسیم نمود.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۸۷، ح ۵.

۲- سوره توبه، آیه ۱۰۵.

فواید تکوینی امام زمان علیه السلام مانند واسطه فیض؛ فایده های تشریعی امام غایب مانند پاسداری از آئین خدا.

ص:۸۷

فصل ششم: انتظار

اشاره

ص:۸۹

از جمله موضوعـاتی که در انـدیشه شـیعی جایگـاه مهم و تعیین کننـده ای دارد، انتظار دولت آرمانی و حکومت عادلانه خاتم الاوصیاء امام مهدی علیه السلام است.

دوران غیبت دوران تحرک و پویـایی و انتظـار منشور سترگ و تابنـاک حرکت و درس مبـارزه است. انتظار دیـدن روزنه امید برای رهایی است. انتظار دیـدن افق فردا و فرداهاست. امیـد به آینده است. اشتیاق رسـیدن به بهترین وضع است و نه تنها تلاش برای تثبیت وضع موجود نیست بلکه تلاشـی است برای بهتر شـدن، تکامـل یـافتن و همیشه پویـا زیسـتن. بنابراین جامعه منتظر، جـامعه ای است پویـا، رو به تکامـل و متمایل به بهتر و انسانی زیسـتن و فرد منتظر بایـد همیشه در حال گریز از وضع موجود و تلاش برای فردایی بهتر از امروز باشـد بایـد بر علیه هرچه شـر است بشورد تا جامعه برای ظهور و حضور آن انسان کامل آماده باشد.

معنای انتظار

انتظـار در لغت، به معنـای درنـگ در امـور، نگهبـانی، چشم به راه بـودن و نوعی امیـد داشـتن به آینـده است.(۱) بـا مطالعه ی فرهنـگ هـای لغت در می یـابیم که انتظـار یک حالت روانی به همراه درنگ و تأمل است؛ اما از این معنا دو نوع برداشت می توان کرد.

۱. این حالت روانی و چشم به راهی، انسان را به اعتزال و انزوا بکشانـد و منتظر، دست روی دست بگذارد، وضـعیت موجود را تحمل کند و به امید آینده ی مطلوب، بدون هیچ گونه تلاشی فقط انتظار بکشد.

ص:۹۰

۱- التحقیق فی کلمات القرآن، حسن مصطفوی، ج ۱۲، ص ۱۶۶.

۲. این چشم به راهی و انتظار سبب حرکت، پویایی و عمل و آمادگی وسیع تر گردد.

با مراجعه به متون روایی، مشاهده می شود که معصومان(علیهم السلام) خیلی روشن و صریح با ارائه تصویری مناسب از انتظار، روی برداشت نخست، خط بطلان کشیده اند و برای این که هرگز آن معنا به ذهن مخاطب خطور نکند، انتظار را عمل نامیده اند، آن هم برترین اعمال(۱) یا آن را عبادت خوانده اند، آن هم محبوب ترین عبادت.(۲)

اساساً این یک قاعده ی عقلی و منطقی است؛ آن کس که وضعیت موجود را نمی پذیرد و تحمل نمی کند، در انتظار گشایش است و برایش آماده می شود؛ من انتظر أمراً تهیّأ له.

ابعاد انتظار

اشاره

انسان از زوایای مختلف دارای ابعاد گوناگون است: از سویی از بُعد نظری و عملی برخوردار است و از سوی دیگر دارای بُعد فردی و اجتماعی است و از زاویه ای دیگر در کنار بُعد جسمی، بُعد روحی و روانی دارد. بدون تردید در همه ابعاد یاد شده نیاز به چارچوبِ مشخصی است تا در قالب آن راه صحیح زندگی باز شود و مسیرهای انحرافی به روی آدمی بسته گردد. و آن راهِ درست همان مسیر انتظار است.

انتظار موعود جهانی در همه ابعاد زندگی منتظر تأثیر می گذارد. در بعد فکری و نظری که زیر بنای اعمال و رفتار انسان است، باورهای اساسی حیات آدمی را در حصار خود حفظ می کند. به بیان دیگر انتظار صحیح می طلبد که منتظر، بنیان های اعتقادی و فکری خود را تقویت کند تا در دام مکتب های انحرافی گرفتار نشود و یا به خاطر طولانی شدن دوره غیبت

۱- «أفضل اعمال امتی انتظار الفرج من الله عزوجل»، «انتظارالفرج من أعظم العمل» . کمال الدین، ج ۲، باب ۵۵، ح ۱; بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۲- «انتظار الفرج عباده»، «سُئِل عن علی(علیه السلام) رجل أیّ الاعمال أحبّ الی الله عزوجل؟ قال علی(علیه السلام): انتظار الفرج» . کمال الدین، ج ۲، باب ۵۵، ح ۱.

امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به چاه یأس و ناامیدی سقوط نکند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«روزگاری بر مردم خواهد آمد که امام ایشان غایب خواهد شد پس خوشا به حال آنان که در آن زمان، بر امرِ (ولایت) ما ثابت و استوار بمانند.»(۱)

یعنی در دوره غیبت که دشمنان با انواع شبهه ها می کوشند تا اعتقادات درست شیعیان را از بین ببرند به برکت قرار گرفتن در سنگر انتظار مرزهای عقیدتی حفظ می شود.

در بُعد عملی، انتظار به همه اعمال و رفتار انسان جهت می دهد. منتظر باید در میدان عمل بکوشد تا زمینه های ظهور دولت حق فراهم گردد. بنابراین، منتظر در این بخش هم به ساختن خود و هم به سامان دادن جامعه همت می گمارد. در بُعد فردی هم به حیات روحی و روانی خود و کسب فضیلت های اخلاقی روی می آورد و هم به تقویتِ جنبه جسمی و بدنی می پردازد تا نیرویی کار آمد برای جبهه نور باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«... کسی که دوست دارد از یاران قائم علیه السلام باشد پس منتظر باشد و در حال انتظار پرهیزگاری پیشه کند و به اخلاق نیکو آراسته گردد...»(۲)

ویژگی «انتظار» آن است که آدمی را از محدوده خود فراتر می برد و او را با تک تک افراد جامعه مرتبط می سازد. یعنی انتظار نه تنها در زندگی فردی منتظر مؤثر است که در حوزه رابطه فرد با جامعه نیز طرح و برنامه دارد و او را به تأثیر گذاری مثبت در جامعه وا می دارد و از آنجا که شرط ظهور دولت حق آمادگی جمعی است، هر کسی به اندازه توان خود برای اصلاح جامعه می کوشد و در برابر ناهنجاری های اجتماعی ساکت و بی تفاوت نمی ماند، چرا که منتظر مصلح جهانی در اندیشه و عمل، مسیر صلاح و راستی را طی می کند.

۱- کمال الدین، ج ۱، ح ۱۵، ص ۶۰۲.
۲- الغیبه نعمانی، باب ۱۱، ح ۱۶، ص ۲۰۰.

کوتاه سخن اینکه «انتظار» جریان مبارکی است که در تمام مویرگهای حیات فرد و اجتماع منتظر جاری است و در همه عرصه های زندگی، رنگ الهی به انسان و حیات او می بخشد و چه رنگی از رنگ الهی بهتر و ماندگارتر؟!

قرآن کریم می فرماید:

((... صِبْغَهَ اللّه وَ مَنْ اَحْسَن مِنَ اللّه صِبْغَهً...))(۱)؛

رنگ الهی (بگیرید) و چه چیز از رنگ الهی داشتن نیکوتر است؟!

بر این اساس، انتظار فرج، فراتر از انتظار معمولی است؛ یعنی انتظاری همراه با آگاهی، بصیرت، درایت، معنویت، آمادگی، حق گرایی، عدل خواهی و... به عبارت روشن تر، انتظار فرج، شناخت حق و شناختن رهبر و امام حقّ و انتظار یاری رساندن به او است. چنین شخصی در غیبت امام، چنان رفتار می کند که گویا در زمان ظهور و حضور او زندگی می کند. به همین جهت شیعه تمامی دشواری ها و کاستی ها را پشت سر نهاده و از خطر انقراض و زوال به دور مانده است. این نوع انتظار است که دارای فضیلت و ارزش بی شماری است.

امام سجّاد علیه السلام می فرمود: «انتظار الفرج من اعظم الفرج»(۲)؛ «انتظار فرج، خود از بزرگ ترین گشایش ها است».

به صراحت می توان گفت: از مهم ترین رازهای نهفته بقای تشیّع همین روح انتظاری است که کالبد شیعه را آکنده ساخته و پیوسته او را به تلاش، کوشش، جنبش و جوشش وا می دارد.

«انتظار»، ظرفیت و توانایی فراوانی برای تحقّق جامعه آرمانی اسلام ایجاد می کند و رفتارها و برنامه ها را بدان سمت سوق می دهد. اگر مفهوم انتظار به درستی فهمیده شود، معلوم می گردد بین انتظار موعود و حیات پویا و ظلم ستیزی و ریشه کنی فساد از زمین،

۱- سوره بقره، آیه ۱۳۸.

۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ح ۴

ملازمه هست و روایات فراوانی که فضیلت انتظار و مقام منتظران را بیان می کند، این تصویر زیبا را ارائه کرده است. در پرتو انتظار موعود، حرکت های اصلاحی شکل می گیرد و به برکت آن، حیات انسانی، مفهوم و جایگاه الهی خود را پیدا می کند و بشر را به سوی اهداف والای انسانی به پیش می برد.

کسی که منتظر و چشم به راه ظهور و قیام جهانی نجات دهنده بزرگ و موعود امت ها است، بایسته است از نظر عملی، فکری و اعتقادی نیز انتظار و آمادگی خود را نشان دهد. تنها با لقلقه زبان و ادعای چشم به راه بودن، نمی توان خود را منتظر واقعی دانست!! البته مرحله نخست «انتظار سازنده»، باور به وجود منجی و اعتقاد به ظهور او و برپاداشت انقلاب جهانی به دست او است. سپس نوبت به اصلاح و همسوسازی رفتارها، گفتارها و پندارها با این اعتقاد و باور است. وقتی انسان حقیقتاً منتظر کسی باشد، تمام رفتارها و سکناتش نشان از منتظر بودن او دارد. به عنوان مثال اگر منتظر میهمان باشد، حتماً خانه را تمیز و مرتب می کند، وسایل پذیرایی را آماده می کند و با لباس مرتّب و چهره ای شاداب، در انتظار می ماند. چنین کسی می تواند ادعا کند که منتظر میهمان است. اما کسی که نه خانه را مرتّب کرده و نه وسایل پذیرایی را آماده نموده است و نه لباس مرتّب و تمیزی پوشیده و نه اصلاً به فکر میهمان بوده است؛ اگر ادعا کند که در انتظار میهمان است. همه او را ریشخند کرده، بر گزافه گویی او خواهند خندید!!

بعضی از بایسته ها و وظایف منتظران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را چنین می توان شمارش کرد:

یک. وظایف فردی و اخلاقی

۱-۱. سنخیت با امام

منتظران واقعی، وضعیت فکری، روحی و عملی خود را به گونه ای سامان می بخشند که سنخیت کاملی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف داشته باشد. به طور کلی هر انسانی دارای سه مرتبه وجودی

(افکار، صفات و اعمال) است و هیچ انسانی از این قاعده مستثنا نیست. اگر کسی بخواهد به انسان دیگری نزدیک شود، چاره ای ندارد جز اینکه بکوشد نوع اعتقاد، باورها، صفات و رفتار خود را به ایشان نزدیک سازد تا از این طریق شیعه و پیرو واقعی او باشند.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا»(۱)؛ فرمود: «اصبروا»، یعنی صبر کنید بر ادای واجبات و «صابروا»، یعنی شکیبا باشید بر اذیّت دشمنان و «رابطوا»، یعنی رابطه ناگسستنی با امام خود، مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف داشته باشید(۲)»

۲-۱. پرهیزکاری و تزکیه نفس

یکی از وظایف و بایسته های مهم منتظران، آراستن درون با فضایل انسانی و چنگ زدن به مکارم اخلاقی است؛ یعنی، همان طور که قرآن می فرماید: «اگر می خواهید محبوب خدا باشید، تقوا پیشگی کنید»؛ این قانون در مورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز هست.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «برای صاحب الامر، غیبتی طولانی است؛ در این دوران هر کس باید تقوا پیشه سازد و به دین خود چنگ زند» (الغیبه النعمانی، ص ۲۵۰، باب ۱۴، ح۵).

۳-۱. یاد یار

منتظر حقیقی، کسی است که از یاد و نام محبوب خود غافل نمی شود و پیوسته در فکر و اندیشه او است.

روایت شده است: وقتی امام موسی بن جعفر علیه السلام از امام غایب و نعمت باطنی خدا یاد کرد، فردی پرسید: آیا از امامان کسی غایب می شود؟ فرمود: «نعم یغیبُ عن اَبصارِ النّاس شخصُهُ و لا یَغیبُ عن قُلوبِ المؤمنین ذِکرُهُ و هو الثّانی عَشر منّا»(۳)؛ «بلی، شخص او از دیدگاه های مردم

۱- آل عمران (۳)، آیه ۲۰۰

۲- منتخب الاثر، ص ۵۱۵، ج ۸؛ الغیبه النعمانی، ص ۱۹۹؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۳۴

۳- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۰

غایب می شود؛ ولی یاد او از دل های مؤمنان نهان نمی شود و او دوازدهمین نفر از ما است».

بزرگداشت یاد و نام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مصادیق و شکل های مختلفی دارد مانند برپاخاستن به هنگام شنیدن نام ایشان؛ نکوداشت روزهای منسوب به آن حضرت؛ مانند نیمه شعبان و اعیاد چهارگانه اسلامی: فطر، قربان، غدیر و جمعه؛ آغاز کردن هر روز با سلام به پیشگاه امام علیه السلام ؛

۴-۱. اظهار محبّت و مودّت

یکی از اوصاف منتظران شیعیان خالص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، مهرورزی و محبّت سرشار به آن حضرت است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره لزوم دوستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید:

«مَن اَحَبّ اَن یَلقی اللّه و قَد کمل ایمانُهُ و حَسُنَ اِسلامُهُ فَلیَتَوَلَّ الحُجّه صاحب الزمان المنتظر»(۱)؛ «هر کس دوست دارد خدا را ملاقات کند؛ در حالی که ایمانش کامل و اسلامش نیکو باشد، پس باید دوستدار حضرت حجّت، صاحب الزمان منتظر باشد».

خود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز مردم را به کارهایی سفارش فرموده که موجب ازدیاد محبّت و مودّت می شود: «هر یک از شما باید به اموری بپردازد که او را به محبّت ما نزدیک کند و از کارهایی که ناخوشایند ما است، دوری جوید؛ زیرا ظهور ما به صورت ناگهانی فرا می رسد(۲)»

البته این محبت و مهرورزی دو طرفه است؛ زیرا امام معصوم نیز شیعیان و یاران خود را دوست دارد و شفیق و دلسوز آنها است: « (الامام) الانیسُ الرفیق و الوالِدِ الشفیقُ و الاخُ الشفیق... »(۳)؛ «امام همدم و رفیق، پدر مهربان و برادر دلسوز است».

۵-۱. حزن و اندوه و ندبه

محزون بودن در فراق امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ندبه و اظهار شوق به لقای او از اوصاف منتظران

۱- بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۲۹۶، ح ۱۲۵

۲- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶

۳- کافی، ج ۱، ص ۱۹۱، ح ۱

عاشق پیشه است.

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «لا تزالُ شیعتنا فی حُزنٍ حتّی یظهَر وَلَدی الّذی بشّر به النبی صلی الله علیه و آله و سلم »(1)؛ «شیعیان ما در یک اندوه دائم به سر می برند تا فرزندم - که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نوید ظهورش را داده است - ظاهر شود».

۶-۱. اظهار اشتیاق و چشم به راه بودن

شور طلب و علاقه دیدار یار و اظهار شیدایی و اشتیاق به محبوب، از ویژگی های بارز منتظران است؛ چنان که در دعای ندبه آمده است: «لیتَ شِعری اَینَ استَقرّت بِک النّوی بَل اَی ارض تُقِلُّک اَو ثَری ابرضوی ام غیرها ام ذی طوی... »(2)؛ «ای کاش می دانستم در چه جایی منزل گرفته ای و چه سرزمین و مکان تو را در بر گرفته است! آیا در کوه رضوی هستی و یا در جای دیگر و یا در ذی طوی هستی...».

۷-۱. صبر و بردباری

در روایات زیادی توصیه به صبر و بردباری در این دوران شده و برای منتظران صابر، پاداش ها و ثواب های چندی بیان گشته است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «من دین الائمه الورع و العفّه و الصلاح و انتظارُ الفرج بالصّبر»(3)؛ «از آیین امامان است: تقوا، عفّت، صالح بودن و انتظار فرج با صبر و شکیبایی».

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «خوشا به حال شکیبایان در غیبت و محبّت او، که آنان را خدای تبارک و تعالی، در کتابش چنین توصیف فرموده است: «هُدی لِلْمُتَّقِینَ الَّذِینَ

۱- یوم الخلاص، ج ۱، ص ۳۹۲، ح ۴۴۵

۲- اقبال الاعمال، ص ۲۹۸

۳- منتخب الاثر، ص ۴۹۸

يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»(۱)؛ در روایات دیگر نیز «متقین» به شیعیان و «غیب» به حجّت غایب تفسیر شده است(۲).

همچنین روایت شده است: «کسی که منتظر امر ما باشد (ظهور مهدی) و بر آنچه در این راه از آزار و ترس و وحشت می بیند، صبر کند، فردا (روز رستاخیز)، در جرگه ما خواهد بود»(۳).

دو. وظایف دینی و اعتقادی

۱-۲. ثبات قدم در دین داری

پیروی از پیشوایان معصوم، پای فشردن بر شاخص های زندگی سالم، اجرای حدود الهی، حق مدار ماندن، تقویت ایمان و اعتقاد و داشتن ثبات قدم در دین داری، گرفتار نیامدن در دام بدعت ها و انحرافات و... از بایسته های اساسی عصر غیبت است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: سوگند به آن که مرا به حقّ برانگیخت! فرزند به پا خاسته من غایب خواهد شد... پس هر که روزگار غیبت وی را درک کند؛ بر ریسمان محکم دین خدا چنگ زند و بر ابلیس خبیث راهی نگشاید که با افسونِ شک و تردید، او را از آیین من، دور و از دین من بیرون سازد»(۴).

امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید: «به خدا سوگند! او غیبتی خواهد داشت که در آن، تنها کسانی از هلاکت نجات می یابند که خداوند آنان را بر قول امامتش ثابت قدم داشته و در دعا برای تعجیل فرجش، موفّق کرده است»(۵).

ص:۹۸

۱- یوم الخلاص، ج ۱، ص ۳۵۶، ح ۳۶۱

۲- الزام الناصب، ص ۱۳۷

۳- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶

۴- اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۵۹

۵- بحارالانوار، ج ۵۱، ۷۲؛ کتاب الغیبه طوسی، ص ۱۷۶

۲-۲. دعا

مؤثّرترین وسیله برای ایجاد رابطه روحی بـا امـام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف و نیز عامل مؤثر در ظهور آن حضـرت، دعـای مردم برای فرج آن حضـرت است. در کتـاب مکیال المکارم، برای دعا در فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف صد فایده مهم نقل شده است؛ از جمله:

۱. دعا برای فرج، موجب فرج خواهد بود.

۲. موجب زیاد شدن نعمت پروردگار می شود.

۳. سبب ناراحتی و اضطراب شدید شیطان می گردد.

۴. باعث کامل شدن ایمان است.

۵. با ارزش ترین اعمال و اجر رسالت پیامبر است.

۶. موجب دعا کردن متقابل امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای دعا کننده است.

۷. موجب نجات از فتنه های آخرالزمان و سالم ماندن از هلاکت روحی است و...(۱).

۲-۳. شناخت و معرفت امام

یکی از وظـایف و بایسـته هـای مهم منتظران، شـناخت امـام علیه السـلام و آشـنایی و ارتباط هر چه بیشتر با آن حضرت است. شناخت امام علیه السـلام به حدی ضرورت دارد که در روایات معتبر شیعه و سنّی آمده است: «هر کس بمیرد و امام زمانش را نشـناسد، به مرگ جاهلی مرده است»(۲). این معرفت هم شامـل نـام و نسب می شود و هم شامـل اوصـاف و ویژگی هـا و هم اهـداف و برنامه ها می باشـد. به همین جهت در یکی از دعاهای معتبر و معروف می گوییم: «اللهم عرّفنی نفسَک فانّك ان لم تُعرّفنی نفسَّك لم اعرف نبیّـك، اللّهم عرّفنی رسولَـك فانّـك ان لم تعرّفنی رسولـك، لم اعرف حجّتك، اللّهم عرّفنی حجّتك فانّك اِن لم تُعرّفنی حُجّتك ضللتُ عن

۱- ر.ك: مکیال المکارم، ج ۱، ص ۶۲۶ - ۶۴۹

۲- کمال الدین، ج ۱، ص ۳۷۱؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰؛ ینابیع المودّه، ج ۲، ص ۳۷۲

دینی»؛(۱).

۴-۲. ارتباط و پیوند با ولایت

حفظ و تقویت پیوند قلبی با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و تجدید دایمی عهد و پیمان با آن حضرت، یکی دیگر از وظایف مهمی است که هر شیعه منتظر در عصر غیبت بر عهده دارد.

۵-۲. توسّل و زیارت آن حضرت

بایسته است شیعیان منتظر در همه حالات - به ویژه هنگام شداید و سختی ها و تهاجم دشمن - به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، متوسّل شوند و رفع مشکل خود را از مولای خود بخواهند؛ چنان که توصیه شده هنگام سختی گفته شود:

«یا صاحب الزمان اغِثنی: یا صاحب الزمان ادرکنی»(۲).

در این رابطه زیارت روز جمعه، زیارت یاسین، دعای عهد و... را بخوانند(۳) و با امام خود، ارتباط قلبی و انس درونی فراهم سازند.

۶-۲. صدقه و زیارت از طرف امام علیه السلام

صدقه دادن برای سلامتی آن حضرت از اوصاف منتظران و دوستداران حقیقی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. اعمالی چون قرائت قرآن، حج، طواف، زیارت مرقد ائمه علیه السلام و هر کار خیر دیگری را می توان به نیابت از آن حضرت به جای آورد و ضمن اظهار ارادت و دوستی واقعی خود، یاد و نام او را همیشه در دل و جان خود زنده نگه داشت. سید ابن طاووس در کشف المحجه سفارش می کند: «صدقه دادن از سوی آن جناب را، پیش از صدقه دادن از سوی خود و عزیزانت، قرار ده و دعا برای آن حضرت را، بر دعا کردن برای خودت مقدّم بدار و نیز در

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۵؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۲

۲- مختصر نجم الثاقب، ص ۱۳۳

۳- ر.ک: سیمای آفتاب، ص ۲۹۲ و ۲۹۳

هر کار خیری که مایه وفای به حق آن حضرت است، آن بزرگوار را مقدّم بدار که سبب می شود به سوی تو توجّه فرماید و به تو احسان کند»(۱).

۷-۲. تسلیم بودن و عدم تعیین وقت

روزی مهزم به امام صادق علیه السلام، عرض کرد: فدایت شوم! خبر ده مرا از این امری که منتظرش هستیم کی خواهد بود؟ امام فرمود: «ای مهزَم! تعیین کنندگان وقت دروغ می گویند و عجله کنندگان هلاک می گردند و تسلیم شدگان نجات اند»(۲).

همچنین در تفسیر آیه «أَتی أَمْرُ اللَّهِ فَلا تَسْتَعْجِلُوهُ»؛(۳)، فرمود: «این امر ما است، خدای عزّوجل امر فرموده که در آن عجله نشود تا اینکه سه لشکر آن را تأیید کنند: فرشتگان، مؤمنان و

رعب؛ خروج قائم، همانند خروج رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خواهد بود...»(۴)

سه. وظایف سیاسی و اجتماعی منتظران

اشاره

عرصه سیاست و اجتماع، مهم ترین میدان بروز و ظهور بایسته های انتظار و مؤثرترین زمینه در جهت تحقق اهداف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت و قبل از قیام ایشان است. بعضی از وظایف و بایسته های سیاسی و اجتماعی منتظران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف عبارت است از:

۱-۳. مبارزه و امر به معروف و نهی از منکر

علاقه مندان و یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، هیچ گاه نباید سیره و روش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت او را فراموش کنند؛ بلکه باید همواره آن را در نظر داشته و آماده پیوستن به قیام جهانی

۱- کشف المحجه، ص ۱۵۲

۲- کافی، ج ۱، ص ۳۶۸

۳- نحل (۱۶)، آیه ۱

۴- الغیبه النعمانی، ص ۱۰۴

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشند و در عین حال خود علیه ظلم و ستم و فساد، مبارزه کنند.

رسول گرامی اسلام فرمود: «لا یزالونَ قومٌ من امّتی یُقاتلون علی الحقّ ظاهرین الی یوم القیامه»؛(۱) «همواره گروهی از امت من تا روز رستاخیز، پیروزمندانه در راه حق نبرد می کنند».

۲-۳. حق خواهی و حق مداری

تاریخ، صحنه حضور و نزاع دو گروه حقّ و باطل و دو اندیشه طغیان گری و حق گرایی است؛ راه حقّ و صلاح، راه پیامبران و صالحان و راه باطل و کفر، راه شیاطین و سردمداران زر و زور و تزویر است. این دو گروه و نبرد میان آنها، همیشه در جامعه بوده و همه منتظران واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، باید پیرو و طرفدار حق و مخالف و دشمن باطل باشند. با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، جهان شاهد مصاف نهایی حق و باطل و پیروزی و غلبه حق به رهبری آن حضرت خواهد بود و منتظران ظهور نیز در هر حال باید برای چنین مصافی آماده باشند و خود نیز باید حق و حق خواهی را محور و مدار برنامه ها و فعالیت هایشان قرار دهند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این زمینه می فرماید: «لا تَزالُ طائفه مِن اُمّتی علی الحَقّ ظاهرین حتّی یأتی امرُ اللّه»؛(۲) «گروهی از امت من همواره حق را آشکار می کنند تا فرمان خدا (امر ظهور) فرا رسد».

۳-۳. استقامت و ایستادگی در سختی ها

«انتظار ظهور»، یکی از بزرگ ترین عوامل پایداری، استقامت و مقاومت در برابر سختی ها و مشکلات عصر غیبت است. انتظار مسلمانان - به ویژه شیعیان - را در برابر ظلم ها، فسادها، زورگویی ها و انواع بلاها و سختی ها، ثابت و پا برجا نگه می دارد و به آنان دل و

۱- نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۵۱۶؛ منتخب الاثر، ص ۵۱۴

۲- نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۵۱۶؛ منتخب الاثر، ص ۵۱۴؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۲

جرأت می دهـد تا در برابر تهدیـدها، تطمیع ها و سـخت گیری های دشـمنان اسـلام، خود را نبازند و از هیچ چیز و هیچ کس نهراسند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به مسلمانان صدر اسلام فرمود: «بعد از شما قومی خواهد آمد که پاداش هر یک از آنها برابر پـاداش پنجاه نفر از شـما است». گفتنـد: ای رسول خـدا! مگر نه این است که ما در حضور شـما، در بـدر و احـد و حنین شرکـت کردیـم و قرآن در میـان مـا نـازل شـد؟! فرمـود: «اگر آنچه بر آنهـا روی خواهـد داد، بر شـما روی می داد؛ شـما نمی توانستید چون آنها صبر و شکیبایی را پیشه خود سازید»(۱).

امام حسین علیه السلام نیز در این باره می فرماید:

«... امّا الصابر فی غیبته علی الاذی و التکذیب، بمنزله المجاهد بالسیف بین یدی رسول اللّه»؛(۲) «... کسانی که در زمان غیبت او در مقابل آزار و تکذیب، استقامت می کنند، مانند کسانی اند که در حضور رسول خدا شمشیر زده اند».

۴–۳. کسب آمادگی برای ظهور

امام صادق علیه السـلام نیز فرموده است: «هر یک از شما باید برای خروج حضرت قائم (سلاحی) مهیّا کند – هر چند یک تیر باشد – خدای تعالی هرگاه بداند کسـی چنین نیتی دارد، امید آن است که عمرش را طولانی کند تا آن حضـرت را درک کند (و از یـاران و همراهانش قرار گیرد(۳)». پس برای ظهور حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف و یاری آن حضـرت، بایـد در هر لحظه ای آمـاده بود و خود را مهیّا نگه داشت و این شامـل آمـادگی نظامی، جسـمانی و... می شود؛ اما مهم تر از همه آمادگی فکری، علمی و سیاسی در عصر غیبت است.

ص:۱۰۳

۱– منتخب الاثر، ص ۵۱۵؛ الغیبه طوسی، ص ۲۷۵

۲– بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳

۳– الغیبه النعمانی، ص ۳۲۱، ح ۱۰

۵-۳. اتحاد و همدلی

مهم ترین چیزی که در عصر غیبت واجب است، یکپارچگی و اتحاد شیعیان و پای بندی به عهدشان با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. هرگونه اخلال در صفوف متحد منتظران، منافی با وظایف دینی آنان و کمک به دشمنان آن حضرت است.

امام رحمه الله در توقیع معروف خود به شیخ مفید رحمه الله می نویسد: «ولو انّ اشیاعنا – وفقهم الله لطاعه – علی اجتماع من القلوب فی الوفاء بالعهد علیهم لما تأخّر عنهم الیمن بلقائنا و لتعجلت لهم السعاده بمشاهدتنا علی حق المعرفه منهم بنا»؛(۱) «اگر شیعیان ما – که خداوند به اطاعت خویش موفقشان بدارد – در وفا به پیمانی که با ما دارند، یکپارچه می شدند و هرگز از میمنت ملاقات ما محروم نشده و ظهور ما به تأخیر نمی افتاد و البته سعادت حضور در محضر ما، با معرفتی حقیقی هر چه زودتر نصیبشان می شد».

۶-۳. رعایت حقوق دیگران

از مهم ترین امور در زندگی محبّان و منتظران قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف رعایت حقوق برادران و مسلمانان و کمک به آنان است. انسان منتظر، نمی تواند به گونه ای زندگی کند که حقوق دیگران بر عهده اش باشد و در عین حال خود را دوستدار و منتظر مهدی موعود بداند؟!

امام باقر علیه السلام به جابر جعفی فرمود: «ای جابر! آیا کسی که ادعای تشیّع می کند، برای او این قول که دوست اهل بیت هستم، کافی است؟! سوگند به خدا، شیعه ما نیست، مگر کسی که پرهیزگار بوده و اطاعت از خداوند کند. شیعیان ما را به این صفات بشناسید: تواضع، خشوع، امانت داری، بسیار در یاد خدا بودن... ای جابر! به ولایت و دوستی ما، جز از راه عمل و پرهیزگاری نمی توانی برسی(۲)». به همین جهت امام صادق علیه السلام وظایف شیعیان را در رابطه با

۱- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷، ح ۸

۲- کافی، ج ۳، ص ۷۴

برادران مسلمان خود، چنین معرّفی می کند: آنچه را برای برادر مسلمانت دوست بداری که برای خودت دوست می داری؛ از خشمگین کردن برادر مسلمان دوری کنی و آنچه را که مورد رضایتش است، انجام دهی و اوامرش را اطاعت کنی؛ چشم و راهنما و آیینه او باشی و... وقتی چنین کردی، دوستی خود را، به دوستی او و دوستی او را به دوستی خود پیوند داده ای(۱)».

۷-۳. اطاعت از نایبان امام علیه السلام

عصر غیبت، دوران پنهان زیستی امام و عدم دسترسی به او است؛ در این صورت برای اخذ احکام و تعالیم دینی و عمل به وظایف و تکالیف سیاسی، اجتماعی و عقیدتی، باید به نایبان عام آن حضرت مراجعه کرد و به ولایت و رهبری آنان گردن نهاد. فقها و علما، به عنوان جانشینان امام معصوم علیه السلام، راهبران جامعه و هادیان امت و محل رجوع مردم هستند و احکام دینی را با اجتهاد و تفقه خود، به آنان ابلاغ می کنند

وظایف خاص کارگزاران منتظر

اشاره

در قرآن، آیاتی وجود دارد که ویژگی های برشمرده آنها را، می توان بر اساس آنها وظایف خاص کارگزاران و مسؤولان جامعه منتظر را تبیین کرد. قرآن می فرماید:

((یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا مَنْ یَرْتَدَّ مِنْکمْ عَنْ دِینِهِ فَسَوْفَ یَأْتِی اللَّهُ بِقَوْمٍ یُحِبُّهُمْ وَ یُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ أَعِزَّةٍ عَلَی الْکافِرِینَ یُجاهِدُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَ لا یَخافُونَ لَوْمَةَ لائِمٍ ذلِک فَضْلُ اللَّهِ یُؤْتِیهِ مَنْ یَشاءُ وَ اللَّهُ واسِعٌ عَلِیمٌ))(۲)؛

براساس این آیه خداوند در آینده جمعیتی را برای حمایت دین بر می انگیزد و اوصاف کسانی را که باید این رسالت بزرگ را انجام دهند، چنین شرح می دهد:

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۶۹

۲- مائده (۵)، آیه ۵۴.

۱. آنان عاشق خدا بوده و جز به خشنودی او نمی اندیشند. هم خدا آنها را دوست دارد و هم آنان خدا را دوست دارند. «صلی الله علیه وسلم يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ»

۲. در برابر مؤمنان خاضع و فروتن هستند. «صلی الله علیه وسلم أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ»

۳. در برابر ستمکاران قدرتمند هستند. «أَعِزَّةٍ عَلَى الْكافِرِينَ»

۴. جهاد در راه خدا برنامه همیشگی آنهاست. «يُجاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»

۵. ثابت قدم بوده و از ملامت کنندگان باکی ندارند. «وَ لا يَخافُونَ لَوْمَةَ لائِمٍ»

در پایان می فرماید: «به دست آوردن این امتیازات (علاوه بر کوشش شخصی)، مرهون فضل الهی است که به هر کس شایسته باشد، داده می شود. «ذلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشاءُ وَ اللَّهُ واسِعٌ عَلِيمٌ».در روایتی از امام صادق علیه السلام اوصافی برای یاران حضرت مهدی بیان شده که با اوصاف مذکور در آیه هماهنگ است(۱).

به طور کلی می توان وظایف ومسؤولیت های کارگزاران منتظر را براساس ویژگی های یاران خاص حضرت را در روایات چنین شمارش کرد:

۱. خلوص اعتقاد و توحیدگرایی

«کأنّ قلوبهم زبرالحدید لایشوبها شکّ فی ذات اللّه أشدّ من الحجر»

یاران حضرت حجت در اعتقاد خود باید چنان از درجه بالای خلوص برخوردار باشند که لحظه ای شکّ و تردید در دل آنها سایه نگسترد و کنج قلبشان را به تسخیر نیاورد؛ بلکه با سراسر وجود او را ادراک کرده و در همه حال خود را در حضور او یابند؛ از اشعه آفتاب توحیدشان هیچ زاویه مبهم و تاریکی بی بهره نماند و حصار قلب توحیدی اینان چنان پاره های آهن باشد که یغماگران شرک و کفر و بی مبالاتی در آن هیچ راهی نداشته باشند.

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸

۲. توانمندی و قدرت اراده

باورداران حضرت باید چنان قوی و با اراده و ذوفنون باشند که اگر بر کوه ها یورش برند، آنها را از بن بر کنند. در راه پیشبرد اهـداف و اغراض خود چنـان سـخت عزم باشـند که اگر کوه هـا از جا کنـده شود، اینان خم به ابرو نمی آورنـد و چرا اینگونه نباشـند که اهل تقوایند و «إنّ التقوی أعزّ عزّ؛ فیه نجاه کل هارب و درک کل طالب و ظفر کل غالب»(۱) و این اکسیر تقواست که زنـدگی قدرتمندانه را به ارمغان می آورد که: «من اتّقی اللّه عاش قویا»(۲)، البته بدیهی است که هیچ قدرتی بی فیض علم صورت تحقّق نمی بندد، پس یاران آن حضرت از لحاظ دانش همه در مرتبه والایند.

۳. عشق والا به امام علیه السلام

مهمـترین گـام برای قرار گرفتن در مسـیر انتظـار صـحیح، ارادت و عشـق به حضـرت مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف و پایبنـدی به راه و آرمان ایشان است. کارگزارن در جامعه مهـدوی، باید ارتباطشان با مولای خود بیشتر از همه و ولایت مداری و تولای آنان قوی تر از همه باشد.

۴. از خودگذشتگی و ایثار

باورداران حضرت حجت علیه السلام با دل و جان، باید در راه تعالی آمران های دینی و آموزه مهدویّت بکوشند جان را فدای آن جانان کنند، که جان تحفه ناقابلی است.

۵. داشتن کفایت کافی و وافی

باورداران حضـرت مهـدی باید کفایت زیادی جهت انجام وظایف محوله داشـته باشـند؛ چرا که کفایت، مشـروب از زلال علم است و آن یاد گرفتن دانش های لازم، کارها را به نحو

ص:۱۰۷

۱- بحارالانوار، ج۷۷، ص۳۷۴، از حضرت علی علیه السلام .

۲- بحارالانوار، ج ۷۰، ص۲۱۳، از حضرت علی علیه السلام .

احسن و اتم، انجام دهند و مراد حضرتش را در داشتن یک جامعه الهی، حاصل نمایند.

۶. شجاعت و دلاوری

منتظران واقعی حضرت بایـد شـیران روز باشـند و پگـاه را بر فراز سـمندهای تیز پـای خود پیشواز کننـد و از هرگونه بطـالت و اهمال و لهو و لعب به دور باشـند. و در انجام کارها شـجاعت، توانایی و جـدیت به خرج دهنـد. در فرهنگ دینی، تلاش پربار واژه ای است که ژرفنـاک ترین معانی را حمل می کنـد. آری مصـداق بارز فرمایش مولای متقیان انـد که «و أمّا النهار فحلماء علماء أبرار و أتقیا».(۱)

۷. عبادت خالصانه

یاران آن حضـرت بایـد شـیفته عبادت باشـند. به خاطر خـدا رو به قبله عشق آورند و از عبادت تجارت پیشـگان و برده صـفتان سخت احتراز می جویند. اینان محصول کمال را از سـرزمین زرافشان سـجاده درو می کنند و از خمخانه آن، هر فضـیلت دیگر را صـبغه الهی می زننـد و صـفای انـدرون را که لیاقت هم صـحبتی و انس و یادگیری حضـرتش را ارزانی می دارد، از میخانه سجاده حاصل می کنند.

۸. فرمانبری و اطاعت محض

کارگزاران نظام دینی بایـد بر اطاعت بی چون و چرای مولای خود کمر بندنـد و دل در رضای او بسپرندو هر آنچه او بخواهد آن را حق محض و محض حق شـمرند. اینان ولایتمداران سـر سپرده و بی همتایند که به هیچ رو از خط فرمان ولی خود سـربر نمی تابند و از دستورات و تعالیم او تبعیت می کنید.

۱- همان، ص۶۱۳.

۹. روشنگری و هدایت بخشی

کارگزاران در جامعه منتظران بایـد چراغ های روشن هـدایت باشـند و سرچشـمه های حکمت در اثر تقوای محض از سـرزمین قلبشان بر زبانشان جاری باشـد و سراسـر وجودشان بارقه لطف ازل را نمایان سازد و در ظلمت انـدیشه ها از قندیل قلبشان پرتو افشانیها کند.

۱۰. خدمت گزاری

مهم ترین ره تـوشه راه انتظـار، خـدمت گزاری به خلق خـدا و تلاـش و کوشـش در جهت برآوردن حوایـج آنـان است به این خواسته ای است بحق که به طور کامل در عصر ظهور، تحقق خواهد یافت.

پاداش منتظران

بجـاست که در بخش پایـانی از فصل انتظار، از فضـیلت و رتبه بی نظیر جرعه نوشان جام انتظار سـخن بگوییم و نمونه هایی از کلمات پیشوایان دین را بیاوریم.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«خوشا به حال شـیعیان قائم ما (اهل بیت)، آنها که در دوران غیبت او، ظهورش را انتظار دارنـد و در ایام ظهورش سـر به فرمان او می آورند. آنها دوستان خدایند که هیچ ترس و اندوهی برای ایشان نخواهد بود.»(۱)

و چه افتخـاری از این برتر که مـدال دوسـتی پروردگـار را بر سـینه دارنـد. و چرا بایـد گرفتـار غم و انـدوه شونـد و حـال آنکه زندگی و مرگ آنها ارزشی گران پیدا کرده است.

امام سجاد علیه السلام فرمود:

«کسی که در زمان غیبت قائم ما بر ولایت ما استوار باشد خداوند پاداش هزار شهید از

۱- کمال الدین، ج ۲، باب ۳۳، ح ۵۴، ص ۳۹.

شهدای جنگ بدر و احد را به او خواهد داد.»(۱)

آری آنان که در دوران غیبت بر ولایت امام زمان خود باقی بماننـد و عهـد و پیمان خود با آن بزرگوار را اسـتوار دارنـد مانند رزمندگانی هسـتند که در رکاب پیامبر صـلی الله علیه و آله و سلم به نبرد با دشمنان خدا پرداخته و در آن صحنه به خون خود غلطیده اند!

منتظرانی که جان بر کف به انتظار یاری فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ایستاده اند از هم اکنون در خیمه جنگ و در کنار امیر جبهه حق هستند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«اگر کسـی از شـما (شـیعیان) بمیرد در حالی که منتظر امر (فرجِ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف) باشد همانند کسی است که در کنـار قـائم عجـل الله تعـالی فرجه الشریف و در خیمه اش بوده است! سـپس انـدکی درنگ کرد و فرمود: نه بلکه مانند کسـی است که در کنار حضـرت جنگیده و شمشـیر زده است! سـپس فرمود: نه به خدا قسم؛ بلکه مثل کسـی است که در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به شهادت رسیده باشد.»(۲)

این گروه همـان جمـاعتی هسـتند که قرن هـا پیش، پیـامبر بزرگ خـدا آنهـا را برادران و رفقاء خود خوانـده است و دوستی و مودّت قلبی خود را نسبت به ایشان اعلام کرده است.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«روزی پیـامبر در حضـور گروهی از اصـحاب خـود فرمـود: خـدایا برادران مرا بـه مـن نشـان ده! و این جمله را دو بـار فرمـود: اصحاب حضرت گفتند: ای رسول خدا آیا ما برادران تو نیستیم؟!

فرمود: خیر، شـما اصـحاب من هستیـد و برادران من قومی هسـتند در آخرالزمان؛ که به من ایمان می آورند و حال آنکه هرگز مرا ندیـده انـد! خداونـد آنها را به اسم خود و پـدرانشان به من معرفی کرده است... اسـتواری هر یک از ایشان در دین خود از کندن خارهای گون در شب تاریک و به دست گرفتن آتش گداخته، سخت تر است. آنها مشعل های هدایت هستند

۱- کمال الدین، ج ۲، باب ۳۱، ح ۶، ص ۵۹۲.
۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶.

که خداوند آنها را از فتنه های تیره و تار نجات می بخشد.»(۱)

و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«خوشا حال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کند و حال آنکه پیش از قیامش به او اقتدا کرده باشد. با دوستان او دوستی و از دشمنان او بیزاری جسته باشد و امامان پیش از او را نیز دوست داشته باشد. آنها رفقای من و صاحبان دوستی و مودت من و گرامی ترین امت من نزد من هستند.»(۲)

و اینان که به چنین مقام و رتبه ای نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دست یافته اند به شرف خطاب حضرت دوست مشرف می شوند! آن هم ندایی که مملوّ از محبّت و عشق است و حکایت از نهایت تقرّب و نزدیکی آنها به محضر حضرت حق دارد.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«روزگاری بر مردم می آید که امامشان غایب خواهد بود پس خوشا حال آنان که در آن زمان بر امر (ولایت) ما استوار بمانند. به راستی که کمترین پاداش آنها این است که حضرت پروردگار آنها را ندا می دهد که: ای بندگان من، به سرّ من (و امام غایب) ایمان آوردید و او را تصدیق کردید پس شما را بشارت باد به پاداش نیکوی من، شما به حقیقت بندگان من هستید. اعمال شما را می پذیرم و از خطاهای شما می گذرم و به (برکت) شما باران را بر بندگانم نازل می کنم و بلا را از ایشان می گردانم و اگر شما (در میان مردم) نبودید حتماً عذاب خود را [بر مردم گنهکار] می فرستادم.»(۳)

ولی به راستی چه چیز منتظران را آرام می کند و انتظار آنها را پایان می دهد؟ چه چیز روشنی چشم ایشان است و دل بی قرار آنها را قرار و آرام می بخشد؟ آیا آنان که عمری به

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳.
۲- کمال الدین، ج ۱، باب ۲۵، ح ۲، ص ۵۳۵.
۳- کمال الدین، ج ۱، باب ۳۲، ح ۱۵، ص ۶۰۲.

جادّه انتظار چشم دوخته اند و در همین مسیر با همه سختی هایش راه پیموده اند تا به دشت سر سبز موعود منتظر پای گذارند به پاداشی کمتر از هم نشینی با محبوب و معشوق خود راضی می شوند؟! و چه فرجامی از این زیباتر و چه لحظه ای از این باشکوه تر!

امام کاظم علیه السلام فرمود:

«خوشا حال شیعیان ما، آنان که در زمان غیبت قائم ما به ریسمان دوستی ما، چنگ زنند و بر دوستی، و بیزاری از دشمنانمان استوار بمانند. آنها از ما هستند و ما از آنها. آنها به پیشوایی ما راضی شدند (و امامت ما را پذیرفتند) و ما نیز به شیعه بودن آنها راضی و خشنود شدیم. خوشا حال ایشان!! به خدا قسم اینان در قیامت با ما و در رتبه و درجه ما خواهند بود.»(۱)

ص:۱۱۲

۱- کمال الدین، ج ۲، باب ۳۴، ح ۵، ص ۴۳.

فصل هفتم: تعلیم و تربیت

اشاره

ص:۱۱۳

تعلیم و تربیت

اشاره

یکی از پرسش های اساسی در مورد «عصر ظهور»، چگونگی تعلیم و تربیت مهدوی و امکان اصلاح اخلاقی و تغییر و تحولات روحی و معنوی در انسان ها و دوری آنان از معصیت، فسادگری، جنایت و بیداد است؛ یعنی، آیا انسان ها واقعاً خوب و صالح می شوند و در چه ابعادی امکان الگوبرداری از آن ممکن است؟

بر اساس روایات پاسخ این سؤال، روشن و مثبت است؛ یعنی، در سایه تعلیم و تربیت و دانایی و پارسایی، آنان گام در جاده راستی و درستی می نهند و به رشد فکری و اخلاقی می رسند. در واقع اصلاح کامل و همه جانبه رفتار، اخلاق، پندار و گفتار انسان ها به دست امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و در پرتو دولت اخلاقی مهدوی صورت می گیرد و جلوه های ویژه ای از تعلیم و تربیت دینی آشکار می شود.

بیان چرایی و چگونگی این دگرگونی روحی و انقلاب اخلاقی، می تواند راهگشای بسیاری از نگرش ها و رویکردهای معرفتی درباره امکان اصلاح انسان و رفع مشکلات عدیده بشر و تعلیم و تربیت او در همه سطوح باشد. بحث تعلیم و تربیت، منحصر در فعالیت های رسمی آموزش و پرورش ـ آن هم در سطح گروه سنی کودک و نوجوان ـ نیست؛ بلکه انسان در هر حال نیاز به تعلیم و تربیت دارد و این رسالت عظیم پیامبران و امامان بوده است. در نگاه روشن بینانه ادیان آسمانی، مهم ترین مانع رشد و تعالی انسان و فرو رفتن وی در کاستی ها و ناراستی ها، عدم تعلیم و تربیت صحیح و الهی است و تنها راه نجات و سعادت او، قرار گرفتن تحت تعلیم و تربیت دینی است. تعلیم و تربیت صحیح و واقعی، در صدر اسلام و به

دست نبی مکرّم و عترت پاک او، به اوج رسیده و در عصر ظهور و به دست امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، شکوفا و بارور می شود؛ یعنی، انسان در پرتو رشد فکری و اخلاقی راه کمال و سعادت را می پوید و از گردنه های سخت کژی و انحراف عبور می کند. دست رحمت و نجات بخش الهی، انسان ها را از ورطه فساد و تباهی خارج می کند و در ساحل معنویت و نورانیت قرار می دهد.

انسان تربیت یافته و خردورز، پیشوایی و امامت منجی موعود را مغتنم شمرده و به آن می بالد. در پرتو ارشاد و هدایت گری او، روحی تازه در کالبد قلوب مرده و طغیانگر دمیده می شود و زخم های ناراستی و شهوت آلودگی جامعه منحط، ترمیم می شود و....

خداوند در قرآن کریم در مورد یکی از حکمت های نبوت می فرماید:

((وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالأَغْلَالَ الَّتِي كانَتْ عَلَيْهِمْ))(۱)؛ «پیامبر زنجیرها و مشقت ها (جهالت و هواپرستی) را از آنها (مردم) بر می دارد».

در اینجا منظور از زنجیر و مشقّت، بندها و زنجیرهای مادی نیست؛ بلکه مقصود زنجیرهای نادانی و فساد است که پیامبر اکرم با هدایت ها و تلاش های فراوان فرهنگی، آن ها را از انسان ها بر طرف ساخت. در عین حال از هدایت های تکوینی ویژه ای نیز استفاده کرد و در دل و جان مردم مشرک و فاسد نفوذ معنوی داشت و تأثیرات عمیقی بر آنان گذاشت.

قرآن در این رابطه می فرماید:

((هُوَ الَّذِی بَعَثَ فِی الْأُمِّيِّينَ رَسُولاً مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كانُوا مِن قَبْلُ لَفِی ضَلَالٍ مُّبِينٍ))(۲)؛ «او است که در میان قوم بی کتاب، پیامبری از میان خودشان بر انگیخت که آیات او را بر آنان می خواند و پاکیزه شان می دارد و به آنان کتاب و حکمت می آموزد».

۱- اعراف (۷)، آیه ۱۵۷.

۲- جمعه (۶۲)، آیه ۲.

بر اساس این آیه، تکامل وجود انسان از جنبه های علمی و عملی و تزکیه و تهذیب او، به عنوان هدف نهایی بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معرّفی شده است و یکی از زمینه ها و بستر های رسیدن به این هدف، بصیرت بخشی و علم آموزی به انسان است. امام علی علیه السلام می فرماید:

«خداوند فرستادگان خود را در میان مردمان بر انگیخت و پیامبران خویش را پیاپی روانه کرد تا از آنان رعایت میثاق فطری الهی را باز طلبند و نعمت های فراموش شده خدایی را به آنان یاد آور سازند و نیروهای پنهان عقل آدمی را آشکار کنند (یثیروا لهم دفائن العقول) و آیات بهنجار آفرینش را به مردمان بنمایانند...».(۱)

بر این اساس نقش اصلی دعوت پیامبران، گسترش دانایی و آموزش و تعلیم است و ایمان و معرفت، خود از شاخه های دانایی به شمار می رود. پیامبران به انسان ها، راه و رسم زندگی و هدف و نتیجه آن را می آموختند و ارزش انسان و والایی مقام و نقش برجسته او در کائنات و توانایی و ظرفیت وجودی او را در رسیدن به تکامل فراگیر و تعالی روحی، به وی یادآور می شدند. در پرتو چنین تعلیمی، نیروی تفکر و خردورزی را در او بیدار می کردند و به اندیشه درباره مبدأ و معاد و کشف رموز و اسرار آیات الهی وا می داشتند. البته در کنار این و فراتر از آن، به تزکیه و تهذیب او اهمیت داده و راه رسیدن به کمال را در اخلاق متعالی و معنویت دینی می دانستند.

عصر ظهور، عصر شکوفایی و بالندگی انسان، در پرتو تعلیم و تربیت واقعی و رسیدن او به بصیرت اخلاقی است و آن با ساز وکارها و شیوه های گوناگونی محقق می شود که مهم ترین آنها تربیت عقلانی است؛ یعنی، شکوفا کردن عقل و خرد آدمی (برای باور عمیق و ژرف نسبت به آموزه های دینی و عشق به مکارم اخلاقی) و نیز بالنده کردن فطرت و سرشت پاک آدمی و تزکیه نفس آلوده. در واقع چند مؤلّفه مهم اخلاقی ـ فکری در این نظام قابل شناسایی

۱- نهج البلاغه، خطبه ۳۳.

است.

انقلاب بزرگ فرهنگی و اخلاقی؛

بالابردن سطح دانایی و خرد ورزی انسان؛

ریشه کنی عوامل فساد و تباهی فرد و اجتماع؛

کمک گرفتن از عقل و خرد در جهت شناخت مبدأ و معاد و نیکی ها و زشتی ها؛

کمک به قدرت انتخاب گری مردم در جهت دادن به آنها برای تغییر وضع نابسامان خود؛

رشد توأم فکری و اخلاقی انسان (تزکیه و تعلیم مردم)؛

مهذب کردن اخلاق مردم و آشنا ساختن آنان با فضایل انسانی و....

روشن است برای نجات انسان ها از گرداب ضلالت و جهالت و اصلاح جوامع و کاستن از مشکلات عدیده، باید سازوکارها و شیوه های مختلفی به کار گرفته شود و از ابزار و امکانات مناسبی استفاده گردد. در عصر ظهور از همه امکانات و مکانیسم های ممکن برای بهْ سازی اخلاق و پاک زیستی انسان و ایجاد محیط سالم و متعالی بهره گرفته خواهد شد و این در پرتو عنایات الهی و شخصیت، قدرت و درایت ویژه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ممکن خواهد بود. در این قسمت سازوکارها و مکانیسم های برگرفته از روایات و منابع دینی، ذکر می شود:

۱. شکوفاسازی عقول انسانی

مهم ترین مکانیسم رسیدن به بصیرت اخلاقی، کمال فکری است؛ یعنی، توجه ویژه دین به شکوفا کردن عقل و خرد آدمی و بالا بردن سطح دانایی و روشن بینی او. پس نخستین و اساسی ترین مکانیسم، شکوفایی بعد فکری و عقلی انسان ها است.

عقل، پایه و اساس انسانیت، حجت باطنی خداوند، وسیله فهم و دریافت معارف اعتقادی و یکی از منابع استنباط احکام فقهی اسلام است. شکوفا سازی و تربیت این موهبت ارجمند الهی، رسالت تمامی ادیان آسمانی، به ویژه دین اسلام بوده است.

اسلام، به عقل و تعقل بسیار اهمیت داده و تربیت اخلاقی را به نوعی تربیت عقلانی و

ص:۱۱۷

بازپروری قوه استدلال می داند. فلاسفه و متکلمان شیعی ــ از جمله شیخ طوسی، شیخ مفید، فارابی، بو علی سینا و... ــ بر این باورند که عقل آدمی، توان شناسایی حسن و قبح افعال را داراست و عقلی دانستن حسن و قبح را نیز به این معنا می دانند که عقل آدمی، می تواند در ابتدا به حسن و قبح عملی پی ببرد.

محتوای برخی از روایات، این است که اساساً زیربنای اخلاق، وابسته به عقل و خرد است؛ زیرا عقل است که آدمی را از ارتکاب اعمال زشت و رفتار ناپسند باز می دارد و او را به پاکی گزینی و روشن بینی ایمانی و اخلاقی دعوت می کند. به عبارت دیگر عقل همانند پیامبر بیرونی است که انسان ها را از ارتکاب اعمال زشت باز می دارد. امام علی علیه السلام می فرماید:

«العاقِلُ مَنْ تَوَرَّعَ عَنِ الذُّنُوبِ و تَنَزَّهَ مِنَ العُيُوبِ»(۱)؛ «خرد مند کسی است که خود را از گناهان بر حذر داشته، خود را از عیوب پاک سازد.»

و نیز:

«العاقِلُ مَنْ قَمَعَ هَواه بِعَقْلِهِ»؛ «خردمند کسی است که در پرتو عقلش، بر هواهای نفسانی پیروز گردد».

با توجه به سخنان امام علی علیه السلام عقل عبارت است از: نیروی تشخیص و ادراک حق و باطل در «قلمرو نظر» و خیر و شرّ در «قلمرو عمل» از یک سو و بازدارنده از اعمال گناه و هدایت کننده به اعمال صالحه از سوی دیگر.

پس برای برخورداری از روحیات متعالی و اخلاقی ، در درجه اول باید به پرورش خرد و عقل پرداخت. طبیعی است وقتی علت، پرورده باشد، معلول نیز قوی تر و استوارتر به وجود خواهد آمد. امام صادق علیه السلام می فرماید:

«دَعامَهُ الاِنسانِ العَقْلُ و العَقْلُ مِنه الفطنْه و الفَهْمُ الحِفظُ والعِلمُ»؛ «ستون وجودی انسان، عقل است و هوشمندی و فهم و حفظ و دانش از عقل

۱- غرر الحکم .

سرچشمه می گیرند».(۱)

وصول به کمالات اخلاقی در پرتو نیروی خرد و عقل امکان پذیر است و هر مقدار عقل دچار رکود گردد، به همان نسبت امکان رشد اخلاقی ممتنع خواهد بود. رسول خدا در روایتی می فرماید:

«اِنّما یُدرَک الخَیْرُ کلَّهُ بِالعَقْلَ»؛ «همانا همه نیکی ها و کمالات در پرتو عقل عاید انسان می گردد».

البته آنچه در امر تربیت عقلانی از اهمیت برخوردار است، بذل توجه به پرورش عقل الهی است؛ چرا که انسان سعادتمند در مکتب اسلام، کسی است که علاوه بر تربیت یافتن در عقل معاش، عقل معاد نیز در وی رشد یابد. به نظر مرحوم نراقی: عقل برترین قوه وجود آدمی است و با پیروی از آن است که دیگر قوا تعدیل شده و به فضایل مربوط دست می یابند.(۲)

در روایت بسیار قابل توجهی، به این بعد از کمال فکری و عقلی بشر _ که در عصر ظهور در حد بالایی خواهد بود _ اشاره شده است. امام باقر علیه السلام می فرماید:

«اِذا قامَ قائِمُنا وَضَعَ یَدَهُ عَلی رُؤُوسِ العِبادِ فَجَمَعَ بِه عُقُولَهُم وَ کمُلَت بِهِ اَحْلامَهُم»(۳)؛ «وقتی قائم قیام کند، دست (عنایتش) را بر سر بندگان می نهد و بدین وسیله عقل آنها زیاد شده و فهمشان بالا می رود (کامل می گردد)».

به نظر می رسد این جمله، کنایه از تربیت امت اسلامی توسط امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد و تعبیر از «رؤوس» (سرها)، به آن دلیل است که مردم سر را مرکز خرد و اندیشه می دانند و دست بر سر نهادن کنایه از اقناع و تربیت است و فرقی نمی کند که خداوند مربی باشد و یا مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ؛ زیرا قانون مهدوی، همان قانون الهی است و تربیت او، آیت تربیت پروردگار بلند مرتبه می باشد. بدین ترتیب نتیجه طبیعی و مطلوب تربیت _ که عبارت از گرد آمدن عقل ها

۱- مبانی اخلاق اسلامی، ص۱۲۵.

۲- علم اخلاق اسلامی، ص۹۶.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج۱، ص ۲۵، ج۱.

و تکامل اندیشه ها است ـ به بار می نشیند.(۱)

در این صورت معنا چنین می شود: در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، با آفت زدایی از درخت عقل و خرد و ایجاد بستر و زمینه مناسب برای رشد و شکوفایی عقول مردم، رحمت و نعمت خداوند بر مردم نازل می شود و همه آنان هدایت می یابند و به سر منزل مقصود (کمال) می رسند.

۲. فرهنگ سازی جامع

عصر ظهور، دوران گسترش فرهنگ سالم و انسانی در همه سطوح جامعه و زدودن خرافات، پیرایه ها و آداب و رسوم ناسالم و غیر مفید است. همچنین عصر فعالیت های گسترده فرهنگی است؛ یعنی، بعضی از مشکلات و کاستی های جامعه، از طریق فرهنگی (تبلیغی و آگاهی بخشی و ارشادی)، قابل حل است و اقدامات حکومت جهانی نیز، بیشتر ماهیت فرهنگی و ارزشی دارد. در این برهه نورانی، انسان ها به عمق و زشتی مفاسد اخلاقی و کژتابی های فکری و عملی پی می برند و از آلودگی ها بی زار می گردند و این تنها در سایه ترویج و تعمیق «فرهنگ برتر دینی» و یا «فرهنگ سازی جامع» است؛ یعنی، فرهنگ سالم دینی در همه سطوح گسترش می یابد و ماهیت امور فرهنگی می شود.

در روایتی می فرماید:

«یَدْعوا النّاسَ اِلی کتابِ اللهِ وُ سُنَّهِ نَبیِّه...»(۲)؛ «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف » مردم را به سوی کتاب خدا، سنت پیامبر و... دعوت می کند».

۳. تأثیرگذاری معنوی (ولایت تکوینی)

این نفوذ و اثرگذاری ژرف و درونی، بر اساس ولایت هدایت و پرورش معنوی امام

۱- ر.ک: سید محمد صدر، تاریخ پس از ظهور، ص ۴۶۰.

۲- محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج۲، ص ۵۷، ج۴۹.

معصوم علیه السـلام صورت می گیرد. هـدایت معنوی و ارتقا و پرورش فرد و جامعه، بر عهده پیامبران و امامان است (جَعَلْناهُم اَئِمَّهً یَهْدُونَ بِأَمْرِنا) و مستلزم اختیارات ویژه و قدرت نفود درونی و سلطه و ولایتی خاص است که به وسیله آن، احیای دل های مرده و زنگار گرفته و ارتقای ارواح و پرورش قلوب و هدایت معنوی انسان ها، برای امام میسور می گردد.

در شـرایط سـختی که موانع و مشکلات فراوانی فراروی مصلحان الهی قرار دارد؛ ناگزیر حکمت الهی ایجاب می کند که امام از قـدرت ویژه ای برخوردار باشـد تا بتواند علی رغم ظلمات، موانع و حجاب ها، از یک سو در عمق جان های مرده و وجدان هـای خفته و فطرت هـای زنگـار گرفته، نفوذ کنـد و در آنها تصـرف نموده و تحول ایجاد کنـد و از سوی دیگر در وجـدان و تفکر عمومی جامعه، روح و حیاتی جدید بدمد و فرد و جامعه را در سیر تکاملی قرار دهد.(۱)

در روایت دیگری آمده است:

«وَضَعَ یَدَهُ عَلی رُؤُوسِ العِبادَ و فَلایَبْقی مُؤمِنٌ اِلّا صارَ قَلْبُهُ اشـد من زبر الحدید...»(۲)؛ «... و دسـتش را بر سر بندگان خدا می نهد و دل هر مؤمنی از پاره های آهن محکم تر می شود...».

۴. تزکیه و تهذیب نفوس

پالایش درون در قرآن، با عنوان «تزکیه» و «تزکی» مطرح شده است. این دو از نظر لغوی به معنای پاک نمودن و یا پاک شدن از آنچه که بایـد از آن پـاک شـد و از نظر اصـطلاحی، پـاکیزه ساختن نفس از شـرور و آلودگی ها است. بزرگ ترین هـدف پیـامبران، تهـذیب و تزکیه نفوس انسـانی بوده است. پالاـیش نفوس؛ یعنی، سوق دادن انسـان هـا به خود سازی، کسب فضایل اخلاقی، ریشه کنی گناهان و قرار دادن در میدان جهاد اکبر و ریاضت های شرعی و پاکسازی

۱- ر.ک: عمید زنجانی، فقه سیاسی، ج۲، ص ۳۲۸.

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۰، صدوق، کمال الدین، ج۲، ص ۶۵۳.

قلب از خود خواهی، هوس بازی، قساوت و معصیت.

عصر ظهور به راستی، دوران تزکیه و تطهیر نفوس است؛ هم بـا برنامه های پیامبرانه امام زمان و هم با آگاهانـدن و سوق دادن مردم به آن. در روایتی طهارت انسان ها در آن دوران چنین مطرح شده است:

«وَ فی اَیّامِ دُولَتِه تَطُیبُ الدُّنیا و اَهْلُها»(۱)؛ «در دوران حکومت او، دنیا پاکیزه شده و اهل دنیا (مردم) ظاهر و نیک می کردند».

و نیز:

«لَذَهَبَتِ الشَّحْناءُ مِنْ قُلوُبِ العِبادِ...»(۲)؛ «کینه ها و دشمنی ها از دل مردم بیرون می رود... ».

«یَفْتَحُ حُصُونَ الضَّلالَهِ و قُلُوباً غُفُلًا»(۳)؛ «قلعه های گمراهی و دل های غفلت گرفته را، باز می کند».

«هنجـار پـذیری»، فرآینـدی است که منجر به انتقـال آموزه های اخلاقی و مکارم انسانی و تثبیت آنها در افراد می شود. در این فرآیند (همچون جامعه پذیری)، ارزش های اخلاقی تبیین و تشریع می گردند و ضمن آگاه کردن انسان ها از آنها، زمینه های علاقه قلبی آنان و کشش درونی به آنها را فراهم می سازند. مهم ترین ویژگی هنجار پذیری انسان، فهم و پذیرش قوانین ثابت اخلاـقی و تلاـش برای گسترش و حـاکمیت این اصول است؛ یعنی، مزین شـدن به اصول ارزشـی و پایبنـدی با معرفت به آنها. مهم ترین برنامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، حاکمیت ارزش های اخلاقی و آگاهی بخشی به مردم در این زمینه است:

«یُشیرُ بِالتُّقی وَ یَعْمَلُ بِالهُدی...»(۴)؛ «تقوا و پرهیزگاری را مطرح می کند و بر

۱- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه . ج۲، ص ۴۹۳.

۲- محمد تقی مجلسی، بحار الانوار، ج۵۳، ص ۳۱۶.

۳- سلیمان قندوزی، ینابیع الموده، ج۲، ص ۵۸۸.

۴- محمد تقی مجلسی، بحار الانوار، ج۵۲، ص ۲۶۹.

اساس هدایت گری رفتار می کند».

«دَعاهِمَ اِلی حَقّه وَ اَنْ یَسیرَ فیهِمْ بِسیرهِ رَسولِ اللهِ وَ یَعْمَلُ فیهِم بِعَمله»(۱)؛ «... او مردم را به حق (راه حق) فرا می خوانـد و به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در میان مردم رفتار کرده و عمل او را مبنا قرار می دهد».

۵. مانع زدایی و تغییر ساختارهای فرهنگی

خودکامگی، فسادگری، هواپرستی، غفلت، استکبار، شیطنت و... موانع و سدهای بزرگی در راه رشد و تعالی انسان ها است و تا این موانع وجود داشته باشد، امکان رشد و بالندگی معنوی برای انسان ها فراهم نیست. موانع رشد و تعالی انسان ها در چند بعد قابل شناسایی است:

الف: بعد فرا انسانی؛ مهم ترین مانع برای شکوفایی انسان و رسیدن او به قرب و بندگی خداوند متعال، شیطان و اعوان و انصار او در گمراه سازی، اغواگری و افسادگری است. تا این منشأ اصلی آلودگی از بین نرود، بسیاری از جنایت ها، خیانت ها، حق کشی ها و معصیت ها و عبودیت های غیر الهی باقی خواهد ماند و با دفع او، وسوسه گری هایش نیز از بین خواهد رفت و این تنها در عصر ظهور و به دست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود:

وهب بن جمیل می گوید: از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم: اینکه خداوند به شیطان فرمود: ((اِنّک مِنَ الْمُنْتَظِرینَ اِلی یَومِ الوَقْتِ المَعلومِ))، این وقت معلوم چه زمانی است؟ آن حضرت فرمود:

«خداوند تا روز قیام قائم ما، به شیطان مهلت داده است. وقتی [قائم قیام می کند]، به مسجد کوفه می رود. درآن هنگام شیطان ــ در حالی که با زانوان خود راه می رود ــ به آنجا می آیـد و می گویـد: ای وای بر من از امروز!! پس حضـرت مهدی عجل الله تعـالی فرجه الشـریف پیشـانی او را می گیرد و گردنش را می زنـد و آن هنگام، روز وقت معلوم است که مهلت شـیطان به پایان می رسد»(۲).

۱- مفید، الارشاد، ج۲، ص ۳۸۲.

۲- تفسیر عیاشی، ج۲، ص ۲۴۳.

ب. بعـد ساختاری؛ بسیاری از ساختارها و نهادهای فرهنگی و اجتماعی، نه تنها برنامه های بایسـته و شایسـته هنجاری و تربیتی ندارنـد؛ بلکه یـا به طور نـاقص و معیوب یـک سـری آداب و رسوم خشـک را ترویـج می کننـد یـا اینکه ایـده هـای ناسـالم و رویکردی شالوده شکن فرهنگی دارند و یا خود کانون فساد و تباهی اخلاقی هستند.

با حذف و تغییر این ساختارهای ضد فرهنگی و نهادهای مشـکل زا و اصلاح برنامه ها و رویکردهای فرهنگی و نابودی کانون هـای فسـاد، می توان امیـدوار به حـل بعضـی از کـاستی هـا ی جوامع بود؛ همـان گونه که در دوران ظهور چنین خواهـد شـد. روایات در این باره می گویند:

«یَفْتَحُ مَدائِنَ الشِّرک»؛(۱) «کانون های شرک را می گشاید».

ج. بعـد انسـانی؛ پـاره ای از آلودگی هـا و ناهنجاری های جامعه، ناشـی از فعالیت افسادگران و شـیاطین انسـی است؛ اشـرار و ملحـدانی که تمـام همت خود را مصـروف ستیزه بـا دین، هنجار زدایی، باطل گرایی، ترویـج فساد و فحشا، دنیاگرایی، منفعت گرایی خشونت آمیز و... دارنـد و کـانون هـا و رسـانه های وابسـته به آنها نیز، مرکز اشاعه منکرات و ولاابالی گری هسـتند. با حـذف یا اصـلاح این طراحان فساد و تباه گران، جوامع رو به اصـلاح و پاکی خواهنـد رفت؛ امری که به یقین در عصـر ظهور اتفاق می افتد:

«... تُهْلَکُ الَاشرارِ و تُبْقَی الَاخْیارِ»(۲)؛ «اشرار و بدان نابود می شوند و نیکان و اخیار باقی می مانند».

و «یُبیرُ به کـلَّ جَبّارِ عَنیـدٍ و یُهْلَکُ عَلی یَدِهِ کلَّ شَـیْطانٍ مُریـد»(۳)؛ «به دست او هر جبـار عنـودی نـابود می شود و هر شـیطان سرکشی هلاک می گردد».

ص:۱۲۴

۱- اربلی، کشف الغمه، ج۲، ص ۴۷۰.

۲- صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۵۹۲، ج۴.

۳- صدوق، کمال الدین، ج۲، ص ۳۶۸، ح۶.

۶. شکوفایی فطرت انسانی

همه انسـان هـا، بر سـرشت پـاک و فطرت الهی به دنیا می آینـد و هر چنـد دارای غرایز و نیروهای غریزی و بهیمی هسـتند؛ اما ملکات انسانی و نیروهای قدسـی آنان قوی تر و ماندگار تر است. اگر انسان تحت تربیت صحیح قرار گیرد و دچار اغواگری و شیطنت ابلیس نشود، توانایی رشـد و بالندگی روحی و معنوی فوق العاده ای دارد. پس باقی ماندن بر فطرت پاک یا بازگشـت به این سـرشت و سـیرت الهی، بایسته ترین راه برای رسیدن انسان به کمال و تعالی واقعی، رشد روز افزون و شکوفایی واقعیت هـای انسـانی است. این اصل مسـلّم، رکن پایـدار انـدیشه مهـدویت و از مکانیسم های مهم تربیتی، برای خارج کردن انسان از حالت بهیمی و مادی محض و رساندن او به اوج «طهارت» و «قدسی بودن» است:

«... حَتّی یَکونَ النّـاسُ عَلی مِثْلِ اَمْرِهِمِ الاوّلِ لا یُوقظُ نائِمَاً و لا تهرقُ دَماً»(۱)؛ «مردم به فطرت خویش باز می گردنـد، نه خونی به ناحق ریخته می شود و نه خوابیده ای را بیدار می کنند».

آنچه در «شکوفایی سرشت انسان» مهم است، خروج او از زندگی سطحی، نازل و فرومایه و فعال سازی استعدادهای درونی او و گام گذاشتن در زندگی شریف و باکر امت است.

۸. کنترل و نظارت فراگیر

برای اینکه بتوان رفتار و پندار انسان ها را دگرگون کرد و آنها را در مسیر اصـلاح و سازندگی واقعی قرار داد، باید برنامه ای پایـدار و اثر گذار برای او ارایه نمود و در ضـمن آن، نظارت جامع و کاملی بر رفتارها و هنجار شـکنی های وی داشت. علاوه بر این بایـد بر حسن اجرای برنـامه های تربیتی و اصـلاحی، مراقبت جـدی داشت و در صورت ضـرورت، از مکانیسم «انـذار و تخویف» و «تنبیه» استفاده کرد. همچنین در اجرای دستورات دینی (در زمینه های

ص:۱۲۵

۱- مجلسی، بحار الانوار، ج۵۲، ص ۴۷۲.

مختلف)، جدیت به خرج داد و در برابر طغیان و قانون شکنی کوتاه نیامد.

در صورتی که برنامه های فرهنگی، تحت انضباط و نظم دینی قرار گیرد، بسیار مؤثر و کاربردی خواهد بود. این نظارت جامع برای هدایت و رهنمونی انسان ها، به صلاح و تقوا و جلوگیری از هنجار شکنی و افسادگری در عصر ظهور، با ظرافت خاص و برنامه ای فراگیر صورت خواهد گرفت:

«یُنْصَبُ لَهُ عَمُودٌ مِنْ نُورٍ فِی الأَرْضِ اِلَی السَّماءِ یَری فیه اَعمالَ العِبادِ»(۱)؛ «برای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عمودی از نور از زمین تا آسمان، نصب می شود که اعمال بندگان را در آن می بیند».

۹. درمان بیماری های روحی

همان گونه که اشاره شد، منشأ اعمال، حرکات، گفتارها و خوبی ها و بدی های انسان، «نفس» است. اگر نفس اصلاح شد، دنیا و آخرت انسان تأمین و آباد می شود و اگر به فساد کشیده شد، منشأ بدی ها بوده و اجتماع را از نظم معنوی و سامان بهینه دور می کند.

آفت ها و عیوب روحی و معنوی (شرور)، دارای اقسامی است:

الف. آفت ها و عیوب اعتقادی؛ مانند: کفر، نفاق، شرک، شک، جهل، ریا و....

ب. آفت ها و عیوب عاطفی؛ مانند: یأس، سستی، بی حالی، غرور، فریفتگی، فخر، حسرت و....

ج. آفت ها و عیوب رفتاری؛ مانند: دروغ، غیبت، تهمت، تجسس، استهزا و....(۲)

هر فتنه، فساد، خیانت و جنایتی که از افراد دیده می شود، سببش یک نوع بیماری روانی است که او را وادار به کردار غیر انسانی نموده است. همان طور که انسان در بیماری های جسمی، محتاج درمان است، در دفع امراض روحی نیز به معالجه و رجوع به اخلاق محتاج تر

۱- کامل سلیمان، یوم الخلاص، ج۲، ص ۶۴۷؛ الزام الناصب، ص ۶.

۲- ر.ک: آسیب شناسی رفتاری انسان از دیدگاه قرآن، ص۱۴۷.

است؛ چه اینکه بیماری روح، انسان را از رسیدن به لذت ابدی و سعادت سرمدی باز می دارد.

حضرت علی علیه السلام درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

«... طَبیبُ دَوّارٌ بِطِبِّهِ قَد اَحْکَمَ مَراهِمَه وَ احْمِی مَواسِمَهَ یَضْعُ ذلِکَ حَیْثُ الحاجَهَ اِلَیهِ مِنْ قُلُوبٍ عُمْیٍ وَ اَذانٍ صُمّ و اَلْسِنَهٍ بُکم، مُتَتبع بِدَوائِه مَواضِعَ الغَفْلهِ وَ مَواطِنِ الحَیرهِ»(۱)؛ «او طبیبی است دوّار (سیار) که با طب خویش همواره به گردش می پردازد. مرهم هایش را به خوبی آماده ساخته، حتی برای مواقع اضطرار و داغ کردن محل زخم ها، ابزارش را گداخته است.... برای قلب های نابینا، گوش های ناشنوا (از حق) و زبان های گنگ با داروی خود در جست و جوی بیماران فراموش شده و سرگردان است».

این درست همان کاری است که مصلح کل بشر انجام خواهد داد:

«سَیَلَکَ بِکم مَناهِجَ الرَّسُولِ فَتَداوَیتُم مِنَ العَمی وَ الصُمّ و اُلبکمِ»(۲)؛ «شیوه پیامبر خدا را در پیش می گیرد و شما را از کوری، کری و گنگی (بیماری های روحی) نجات می دهد».

۱۰. تقویت آموزه های اعتقادی

بر اساس این سازوکار، برای اینکه انسان بتواند اعمال و رفتار درست و با اعتدالی بروز دهد، باید زیربناهای فکری و معرفتی اش استوار و فخیم گردد؛ یعنی، تا انسان شناخت درست و باور عمیقی نسبت به مبانی اعتقادی خود (به خصوص توحید)، نداشته باشد و آنها را با دل و جان نپذیرد، کمتر هنجار پذیر شده و به سمت کمالات واقعی خود حرکت می کند. پس رشد فکری و اخلاقی بشر، مترتب بر تعمیق باورهای دینی و آشنایی عمیق با آغاز و فرجام خود و حاملان وحی (انبیا) و راهبران طریق (امامان) است. همان گونه که مهم ترین برنامه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، جایگزینی توحید، به جای شرک و بنیاد نهادن تمدن توحیدی بود؛ آن هم با

۱- نهج البلاغه، خطبه۹۸.

۲- کلینی، کافی، ج۸، ص ۶۶.

تغییر در باورهای اعراب جاهلی. در عصر ظهور نیز تقویت و بنیان های فکری و اعتقادی مورد توجه خاصی خواهد بود:

«یَدعُو الناس اِلی کتابِ اللهُ وَ سُنّهِ نَبیّهِ وَ الوِلایَهِ لِعلیّ بنِ اَبیطالِب و الْبراءَهِ مِنْ عَدُوّهِ»(۱)؛ «مردم را به سوی کتاب خدا، سنت پیامبر، ولایت علی بن ابی طالب و بیزاری از دشمنان او دعوت می کند».

«لا یَبْقی فِی الاَرضِ اِلّا نُودِیَ فیها شَهاده لا اِله الاالله»(۲)؛ «هنگامی که او قیام می کند، زمینی باقی نمی ماند، مگر آنکه گلبانگ توحید در آن بلند گردد».

۱۱. بازسازی هویت و منزلت انسانی

انسان، دارای منزلت و مقامی والا و ستودنی است؛ منزلتی بس عظیم و شکوهمند. او خلیفه الله و وجود برگزیده الهی است. این دایره از انسان و با انسان آغاز شده و با انسان، به انسان باز می گردد. شیخ اشراق می نویسد:

انسان موجودی قدسی، صاحب علم و اراده و فناناپذیر است. او از عالم علوی به این عالم سفلی سفر کرده و به زندان گرفتار آمده است. او موجود برگزیده خداوند است و لباس کرامت الهی را بر تن دارد. او در دوران حیات باید کرامت خویش را ارج نهد و پاس بدارد و از هر چه به این کرامت لطمه می زند، بگریزد. صداقت، عدالت، ایثار و مانند آن باعث بقا و ارتقای این کرامت است و دنیا طلبی، خود بینی، ذلّت و اسارت در چنگال غضب و شهوت، موجب زوال این کرامت است.(۳)

کرامت و عزت نفس، نقطه ای است که اسلام، برای احیای اخلاق انسانی و سوق دادن انسان به سوی رشد و تعالی، بر آن تأکید کرده است. کرامت نفس، پایه و محور همه تعلیمات اخلاقی است؛ یعنی، محترم شمردن نفس برای دوری از گناهان و مفاسد؛ چنان که مولا علی علیه السلام می گوید:

۱- عیاشی، تفسیر عیاشی، ج۲، ص ۵۷، ح۴۹.
۲- عیاشی، تفسیر عیاشی، ج۱، ص ۱۸۳.
۳- سهروردی، مجموعه مصنفات، ج۲، ص ۲۷۰، ج۳، ص ۴۰۴.

«آن که در خود احساس کرامت و بزرگواری کند، مخالفت با شهوات حیوانی برای او آسان می گردد».(۱)

این امر در عصر ظهور، محقق شده و انسان کرامت یافته، به اوج منزلت خود می رسد:

«تَعظم الاُمّهَ وَ یُعزّهم»(۲)؛ «مردم بزرگ داشته شده، و عزت می یابند» و «یُخْرِجُ الذلَّ مِنْ اَعْناقِکم»(۳)؛ «خداوند به وسیله او، ذلت را از گردن های شما بر می دارد».

۱۲. تطهیر و نورانی کردن جامعه

انسان در محیطی زندگی می کند که هم بعد مادی دارد و هم جنبه فرامادی و ملکوتی. آنچه که او با دیده ظاهر بین مشاهده می کند، زندگی فرو بسته دنیایی است؛ با آلایش ها و آرایش های متعدد و آنچه که او را از حقیقت وجودی اش و آن فضای معنوی و ملکوتی دور می سازد (و در فضای آلوده و ظلمانی قرار می دهد)، توجه وافر به مادیات، نفسانیات و وهمیات است. در واقع جامعه آلوده، جامعه ای است آکنده از امواج منفی و ویرانگر، افکار و اندیشه های آلوده و کشنده، رویکردهای شهوانی و حیوانی، انواع تحریکات و فریبایی های جنسی و...!! در واقع انسان ــ به خصوص در عصر حاضر ــ در فضای ظلمانی و زهرآگین زندگی می کند که بر روح و روان و فکر او اثر منفی و مخرّبی می گذارد (مستقیم و یا غیر مستقیم).

برای رهایی ذهن و روان انسان ها از این سموم روحی و مغناطیس های ضد فرهنگی، باید فضا را پاک کرد و آنان را در یک محیط امن فرهنگی و جامعه نورانی قرار داد. در این صورت است که انسان می تواند در یک محیط سالم (هم در ظاهر و هم در باطن)، به پرورش

۱- نهج البلاغه، حکمت ۴۴.
۲- متقی هندی، کنز العمال، ج۱۴، ح ۳۸۷۰۰.
۳- طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۶.

و شکوفایی خود بپردازد و جامعه پاک اخلاقی داشته باشد. روایات تصویر بسیار زیبایی از این طهارت و پاکی محیط و نورانیت جهان در عصر ظهور ارائه می دهند:

«تَطیُب الدُّنیا و اَهْلُها فی اَیّام دُولَتِه»(۱)؛ «در روزگار او، دنیا پاکیزه می شود و اهل آن نیک و (طاهر) می گردند».

«یُطَهِّرُ اللّهُ بِهِ الأرَضَ»(۲)؛ «خداوند به وسیله مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زمین را طاهر و پاک می گرداند».

۱۳. برپاداشت سیاست فاضله (حکومت قدسی)

«امامت» در اعتقاد شیعه، پیشوایی، زعامت و ولایت چند بعدی شخص معصوم است که از سوی خداوند، به این مقام منصوب شده است. این یک مقام والای معنوی و دینی است که علاوه بر رهبری حکومت اسلامی، هدایت همه جانبه را در امر دین و دنیا بر عهده دارد. در واقع سیاست و حکومت داری، می تواند سه گونه باشد: سیاست الهی، سیاست شیطانی، سیاست صوری (روز مره). سیاست شیطانی، بیشتر برنامه ها و خط مشی ها را در جهت از خودبیگانگی و جهالت انسان ها و غرق کردن آنها در تباهی، فساد و خوش گذرانی و غفلت قرار می دهد و منشأ بسیاری از جنایت ها و رذالت ها و جنگ ها است. سیاست صوری، برنامه های عادی و معیشتی حکومت ها است که به شکل های مختلف، بیشتر در صدد اداره امور روز مره بشر و تکیه بر جنبه های مادی و ظاهری زندگی است و نه تنها کاری با رشد و بالندگی معنوی مردم ندارد؛ بلکه گاهی منشأ ناراستی های اخلاقی نیز می باشد. سیاست الهی، همان سیاست فاضله است که علاوه بر توجه به امور معیشتی و دنیوی و ارائه راه کارهای مناسب جهت ایجاد تعادل و پیشرفت در این زمینه ها، بیشتر به ابعاد معنوی و روحی انسان ها نظر دارد و به هدایت، تربیت و رشد همه جانبه و سعادت واقعی آنان همّت می گمارد . این

۱- اربلی کشف الغمه، ج۴، ص ۴۹۳.
۲- صدوق، کمال الدین، ج۲، ص ۳۷۲.

سیاست فاضله، همان امامت است که به قول خواجه نصیر الدین طوسی، «غرض از آن تکمیل خلق بود و لازمش نیل سعادت».(1)

این سیاست الهی، استمرار برنامه پیامبران _ به خصوص نبی مکرّم اسلام و عترت پاک او _ است؛ چنان که آن حضرت می فرماید:

«اَلمَهْدیُّ یَقْفُو اَثَری لا یُخْطِیء»(2)؛ «مهدی روش من را دنبال می کند و هرگز از روش من بیرون نمی رود».

«اِذا قامَ... سارَ بِسیرهِ عَلّیّ»(3)؛ «زمانی که قائم قیام کند، بر سیره علی علیه السلام عمل می کند».

۱۴. نقش اثرگذار صالحان و پاکان

وجود انسان های فرهیخته، پارسا و عالم در میان مردم و حضور پر رنگ آنان در اجتماع و به دست گرفتن امور فرهنگی، علمی و حتی سیاسی، موجب رشد و ارتقای آن جوامع و تربیت صحیح نفوس است. اینان الگوهای عملی مردم، معلمان و مربیان اخلاق، راهبران دل ها و عقل ها به سوی ایمان و معرفت و جلب کننده برکات و حجت های الهی هستند؛ مانند پیامبران، امامان، دانشمندان پارسا، عارفان و... تأثیرات مثبت و سازنده حضور کیفی و کمی آنها در جوامع و کارآیی آنان در اصلاح گری و انسان سازی، به حدی است که امام سجاد علیه السلام می فرماید:

«هلَکَ مَنْ لَیْسَ لَه حکیمٌ یُرْشِدُه»(4)؛ «آن کس که فرزانه ای ارشادگر ندارد، هلاک خواهد شد».

در عصر ظهور نیز امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و انسان های بسیار وارسته و برگزیده همراه او، چنین

۱- اخلاق ناصری، ص ۳۰۰.

۲- صافی، منتخب الاثر، ص ۶۲، ح ۲.

۳- کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۴۱.

۴- مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۵۸.

نقش پویا و مانایی را ایفا خواهند کرد. بازگشت پیامبر صالح خدا عیسی مسیح علیه السلام، حضور حضرت خضر و الیاس، رجعت مالک اشتر، سلمان فارسی، مقداد، ابودجانه انصاری، اصحاب کهف، یاران موسی و یوشع وصی موسی و...(۱) بی حکمت نیست و خبر از تحولات بسیار گسترده و شگفت آوری می دهد و نقش بارز مردان الهی را در تطهیر فضای جامعه و انسان سازی نشان می دهد.

علاوه بر اینها انسان های صالح و شایسته ای نیز جزء یاران خاص امام و از گلچین های الهی برای یاری او و راهبری مردم هستند و ایشان به عنوان حاکمان جهان و مسؤولان سیاسی و فرهنگی، امور تعلیم و تربیت جهانی را سامان می دهند:

«لَهُ رِجالٌ اِلهیّونَ یُقیمُونَ دَعْوَته و یَنصِرُونَه هُمُ الْوزَراءُ لَه یَتَحمَّلُونَ اَثْقالَ المَمْلِکهِ عَنه و یعیُنونَه عَلی مَا قَلّدَه اللّهُ»(۲)؛ «گروهی از مردان الهی، دور او گرد می آیند، دعوتش را سرپا نگه می دارند و او را یاری می کنند. آنان وزیران او هستند که سنگینی مسائل کشوری را بر عهده می گیرند و او را در مسؤولیت بزرگی که خداوند به عهده اش گذاشته، یاری می کنند».

۱۵. غنای واقعی بشر

یکی از سازوکارهای بسیار مهم در تغییر و تحوّلات روحی انسان ها و فروکاستن از آمال مادی صرف و خواسته ها ی فزاینده دنیوی و تجملاتی، استغنای روحی انسان ها است. بالارفتن ظرفیت های فکری و درونی مردم، توجه به نیازهای اصیل و فطری و ماندگار، پایین آوردن سطح خواسته ها و تمایلات متنوع و فزاینده مادی و غریزی، در اولویت قرار ندادن امور نازل و فانی و... نشانه های غنای روحی و معنوی اند. اینها با مدیریت و هدایت دقیق و درست، عامل حل بسیاری از کاستی ها و ناهنجاری ها خواهند بود؛ امری که در عصر ظهور به صورت

۱- ر.ک: مفید، الارشاد، ج۲، ص ۳۸۶.

۲- کاظمی، بشاره الاسلام، ص ۲۹۷.

کامل و تمام محقق خواهد شد.

در روایتی درباره بی نیازی قلبی مردم در عصر ظهور می فرماید:

«وَ یَجْعَلُ اللهُ الغِنی فِی قُلوبِ العِبادِ»(۱)؛ «خداوند بی نیازی را در دل های این امت قرار می دهد».

۱۶. بهسازی اخلاق کارگزاران

یکی از مکانیسم های تأثیرگذار در رشد فکری و اخلاقی مردم، تقدم اصلاح رفتاری و معرفتی بازیگران عرصه سیاست و مدیریت جهان بر دیگران است. اگر کارگزاران امور، از نظر اخلاقی سالم و پاک باشند و در عمل به وظایف خود از مسیر حق، عدالت و اعتدال خارج نشوند، بسیاری از انحرافات و کژتابی های اخلاقی و رفتاری جهان کاسته خواهد شد و مردم نیز تابع آنان خواهند بود؛ چنان که فرموده اند:

«النّاسُ عَلی دینِ مُلُوکهم»؛ «مردم بر دین حاکمان خود هستند».

گام اول در اصلاح و بهسازی اخلاق کارگزاران امور و مدیران و مجریان، نظارت شدید بر آنها و سخت گیری در برابر قانون شکنی و هنجار ناپذیری آنان است. همچنین دقت در گزینش مسؤولان متعهد و وظیفه شناس که بتوانند در حرکت مردم به سوی کمال و تعالی، اثر گذار باشند و جلوتر از آنان، این مسیر رشد و بالندگی را طی کنند. بشر هر لحظه در معرض اشتباه و انحراف است و برای جلوگیری از آن، رهبر می باید نظارت کامل بر زمامداران جامعه داشته باشد. هر چند وقت آنان را نصیحت و راهنمایی کند و از انحراف و لغزش منع فرماید؛ چنان که حضرت علی علیه السلام، کاربردی ترین و دقیق ترین نظارت ها را بر کارگزاران خود داشت و حضرت مهدی علیه السلام نیز چنین خواهد بود:

«اَلمهْدیُّ... شَدیدٌ عَلَی العُمّالِ رَحیمٌ بِالمَساکین»(۲)؛ «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف .. بر مسوولان

۱- اربلی، کشف الغمه، ج۲، ص ۴۷۴.

۲- طبری، بشاره المصطفی، ص۲۰۷.

کشوری بسیار سخت می گیرد و بر بینوایان بسیار رئوف و مهربان است».

و نیز:

«یَأْخَذُ الوالی مِنْ غَیْرِها عُمّالها عَلی مُساوِئ اَعْمالِها»(۱)؛ «عمال و کارگزاران حکومت ها را بر اعمال بدشان کیفر خواهد داد».

مهم ترین دستور حضرت به یاران خود بر پاداشت عدالت و احسان و نیکی با مردم است:

«یُفَرّقُ المَهدیّ اَصحابَه فِی جَمیع البُلْدان وَ یَأْمُرهم بِالْعَدْلِ و الاِحْسان...»(۲)؛ «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یارانش را در همه شهرها پراکنده می سازد و به آنان دستور می دهد که عدل و احسان را شیوه خود سازند».

حضرت پیش از انتخاب و فرستادن آنان، پیمانی سخت و دشوار از آنها می گیرد که بسیاری از مفاد آن، اخلاقی و در جهت تزکیه و تهذیب آنان است:

- «... با مهدی بیعت می کنند که هرگز دزدی نکنند؛

- زنا نکنند؛

- مسلمانی را دشنام ندهند؛

- خون کسی را به ناحق نریزند،

- به آبروی کسی لطمه نزنند،

- به خانه کسی هجوم نبرند؛

- طلا، نقره، گندم و جو ذخیره نکنند؛

- مال یتیم را نخورند؛

- در مورد چیزی که یقین ندارند، گواهی ندهند؛

- مشروب نخورند؛

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

۲- علی دخیل، الامام المهدی، ص ۲۷۱.

- حریر و خز نپوشند؛

- در برابر سیم و زر سر فرود نیاورند؛

- راه را بر کسی نبندند؛

- راه را نا امن نکنند؛

- گرد همجنس بازی نگردند؛

- خوراکی را از گندم و جو انبار نکنند؛

- طرفدار پاکی باشند؛

- از پلیدی گریزان باشند؛

- به نیکی فرمان دهند؛

- از زشتی ها بازدارند؛

- جامه های خشن بپوشند؛

- خاک را متکای خود سازند؛

- در راه خدا حق جهاد را ادا کنند و...».(۱)

۱۷. حاکمیت اندیشه قرآنی

قرآن، برنامه جامعه و کامل برای ساختن جامعه ای سالم و آباد، انسانی فرهیخته و متعالی و آینده ای رو به رشد و مترقی است. وجود آموزه های وحیانی قرآن، به عنوان مبنا و معیار درستی و نادرستی اندیشه ها و افکار و تربیت کننده و اصلاح گر نفوس و دل ها، عامل رستگاری و نجات همه انسان ها در هر سطح و منزلتی است.

افکار و آرای گوناگون فلسفی و سیاسی و اندیشه های ناقص و دنیا گرایانه، عامل برخی از انحرافات، ارزش ستیزی ها، دنیاگرایی ها، تشویش ها و حتی بی عدالتی ها و جنگ ها است.

۱- ر.ک: صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۵۸۱، نگارنده، آینده جهان، ص ۲۴۳ و ۲۴۴.

حضرت علی علیه السلام در باره اینکه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نظرات، قوانین و خواست ها را مطابق با قرآن می کند، می فرماید:

«یَعْطِفُ الهَوی عَلَی الهُدی اِذا عَطفوا الهُدی عَلَی الهَوی و یَعْطِفُ الرَأی عَلَی القُرآنِ اِذا عَطفوا القُرآن عَلَی الرَّأیِ...»(۱)؛ «او خواسته ها را تابع هدایت وحی می کند، هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس های خویش قرار می دهند و در حالی که به نام تفسیر، نظریه های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می کنند، او نظریه ها و اندیشه ها را تابع قرآن می سازد».

«... یُعَلّم النّاسَ القُرآنَ عَلی ما اَنزَلَ اللهُ جَلَّ جَلالَه»(۲)؛ «قرآن همان گونه که خداوند نازل کرده و به مردم یاد داده می شود».

«اِسْتَأنَفَ بِکم تَعْلیمَ القُرآنِ وَ شرایعِ الدّینِ... کما اَنْزَلَ اللهُ عَلی مُحمّدٍ»(۳)؛ «وقتی قائم قیام می کند، قرآن و احکام دین را همان گونه که بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است، از نو به شما می آموزد».

۱۸. پر رنگ کردن ماهیت «عبادی» انسان

از دیدگاه قرآن و روایات و نیز فلسفه متعالی تاریخ، حرکت و سیر تاریخ، به سوی عبودیت و حاکمیت ارزش ها و متعالی شدن انسان است. هدفی که قرآن برای کاروان بشریت ترسیم می کند«عبادت و عبودیت » است ((وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ))(۴)؛ یعنی، انسان آفریده شده است که خدا را پرستش کند و پرستش خود هدف است... طبعاً به این معنا، در منطق اسلام هدف اصلی از زندگی، جز معبود، چیز دیگری نمی تواند باشد. یکی از مشکلات بنیادین بشر، خروج از ولایت و عبودیت الهی و قرار گرفتن در ولایت شیطان است. این طغیان و انحراف، منجر به خود پرستی، تکبر، غفلت، کفر و شرک می شود و هر آینه

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

۲- مفید، الارشاد، ج۲، ص ۳۸۶.

۳- حر عاملی، اثبات الهداه،ج۳، ص ۵۶۰، ح ۶۲۸.

۴- ذاریات، (۵۱)، آیه ۵۶.

انسان را به جهت این کژتابی بزرگ، در معرض لغزش ها، جنایت ها و ستم ها قرار می دهد و تنها راه چاره آن، بازگشت انسان به دایره عبودیت و عبادت گری است.

عصر ظهور، دوران شکوفایی بعد عبادی انسان و زمان خروج کامل او از ولایت شیطان و قرار گرفتن در عبودیت رحمان است. کسی که در ولایت حق قرار گرفت و به مقام بندگی و پرستش گری دست یافت، درهای رحمت، وسعت و حکمت روی او گشوده می شود و دارای بصیرت اخلاقی و مقام رحمانی می گردد.

این بشارت غیبی برای همه انسان های حقیقت جو و طالب کمال است:

«اَبْشِرُوا بِالمَهْدیّ... یَمْلَأُ قُلوبَ العِبادِ عِبادَةً وَ یَسَعُهُم عَدْلُه»(۱)؛ «بشارت باد به آمدن مهدی... او دل های بندگان را با عبادت و اطاعت پر می کند و عدالتش همه را فرا می گیرد».

«اَلملْكُ لِلهِ... لکنْ اِذا قامَ القائِمُ لَمْ یُعْبَدُ الّا الله عَزَّوجَلّ»(۲)؛ «پادشاهی از آن خدا است... لکن هنگامی که قائم ما قیام کند، جز خدای تبارک تعالی پرستیده نمی شود».

«یُقْبِل الناسُ عَلَی العِباداتِ»(۳)؛ «مردم رو به عبادت می آورند و...».

۱۹. رفع نیازهای مادی و تعدیل خواسته ها

اگر انسان دنیا را هدف زندگی خود قرار دهد و همه چیز را در مادیات خلاصه کند، به آن حرص می ورزد و هر چه به دست می آورد، باز بیشتر می خواهد.این شیفتگی به دنیا زمینه را برای هر گناه و آفت و رذیله ای فراهم می سازد؛ دنیا خواهی و دنیا طلبی، صفات اخلاقی زشت را به آرامی در انسان ایجاد می کند و کبر، حرص و حسد، نمودهای مهم آن و عامل انحراف انسان ها در طول تاریخ است. تنها راه درمان این فزون خواهی، تزکیه و تربیت

۱- طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۷۹.
۲- بحرانی، المحجه فی ما نزل فی القائم الحجه، ص ۲۷۵.
۳- صافی، منتخب الاثر، ص ۴۷۴.

عقلانی بشر و قرار دادن او در مسیر پیامبران و امامان است.

با این حال دین در صدد رفع نیازهای مادی انسان نیز می باشد تا از این بابت، دغدغه خاطری نداشته باشد و زمینه های حرص و آز و طمع در او کم رنگ شود. با برنامه هایی چون خمس، زکات و صدقه از یک طرف در صدد رفع فقر از جامعه برمی آید و از طرف دیگر جلوی ثروت اندوزی و اسراف و تجمل گرایی را می گیرد و مانع انباشت بی رویه مادیات می شود. این آموزه در عصر ظهور به طور کامل کاربردی می‌شود. بر اساس روایتی:

«ثروت های روی زمین و منابع زیر زمین، نزد آن حضرت گرد می آید. آن گاه حضرت به مردم خطاب می کند: بیایید بگیرید، بگیرید آنچه را که برایش خویشاوندی را قطع می کردید و به خون ریزی و گناهان دست می زدید (قَطَعْتُم فیه الارْحام و سَفَكتُم فیهِ الدّمَ الحَرامِ وَ رَكبْتُم فیهِ المَحارِمِ!!) او چنان اموال را می بخشد که کسی پیش از او چنان نکرده است».(۱)

همچنین آمده است:

«یُسَوّی بَیْنَ النّاسِ حَتّی لاتُری مُحتاجاً اِلی الزّكاهِ»(۲)؛ «او اموال را میان مردم چنان به تساوی قسمت می کند که دیگر نیازمندی یافت نمی شود تا به او زکات دهد».

۲۰. وحدت و الفت انسان ها

دوری و اختلاف انسان ها از همدیگر و کینه ورزی نسبت به هم، چند پارگی فرهنگی و عقیدتی، خواست ها و اهداف متضاد و چندگانه، ارزش ها و هنجارهای گوناگون و... از تهدیدات مهم جامعه بشری و عامل رکود و خمودگی فکری و فرهنگی است. این مسأله به حدی است که برخی از متفکران انسان را گرگ انسان می دانند.(۳)

۱- صدوق، علل الشرایع، ج۱، ص ۱۶۱، ح۳.

۲- مجلسی، بحار الانوار، ج۵۲، ص ۳۹۰.

۳- ر.ک: توماس هابز، لویاتان .

یکی از برنامه های اساسی پیامبران، نزدیک ساختن انسان ها به همدیگر، تألیف قلوب، تعمیق مهرورزی و محبت است؛ یعنی، تشکیل امت واحده و بازگرداندن انسان ها به فطرت و سیرت واقعی خود. در پرتو این اتحاد و همدلی است که انسان ها، یک فرهنگ و آیین واحد را پذیرا بوده و یک هدف و برنامه برای زندگی خواهند داشت. اگر انسان ها در جامعه واحد جهانی گرد هم نیایند و بر تنازع ها و تعارض های فرهنگی و سیاسی و... پافشاری کنند، هیچ برنامه تربیتی و فرهنگی مؤثر نخواهد بود و مشکلات انسان ها همچنان باقی خواهد ماند.

«... لَیَرْفَعُ عَنِ المِلَلِ وَ الْادیانِ الِاختلافِ»(۱)؛ «اختلافات و پراکندگی را از ملت ها و ادیان بر می دارد».

آن حضرت الفت و دوستی در دل مردم ایجاد می کند و بغض و خصومت را برطرف می سازد:

«یُؤلِّفُ بَینَ قُلُوبٍ مُخْتَلِفَه»(۲)؛ «... بین قلب های گوناگون الفت ایجاد می کند».

«اِذا قامَ القائِمُ جائَتِ المُزامِلَهُ...»(۳)؛ «زمانی که قائم قیام می کند، دوستی واقعی و صمیمیت حقیقی پیاده می شود».

۲۱. فراگیری و همگانی شدن تعلیم و تربیت

یکی از انگاره های اهمیت دار در تربیت و بالندگی اخلاقی و روحی انسان ها، فراگیری و شمول آن به همه افراد اجتماع است؛ یعنی، همگان باید در سطوح و مراحل مختلف زندگی، از برنامه های تربیتی و اخلاقی برخوردار شده و به تزکیه و تهذیب نفس و حکمت آموزی و خردورزی بپردازند. اگر بخش هایی از اجتماع ـ ولو اندک ـ از طهارت نفس و اخلاق فاضله بی بهره باشند، آن را به تباهی کشانده و مانع تأثیر برنامه های تربیتی می شوند. مهم تر از آن، افراد

۱- مجلسی، بحار الانوار، ج۵۳.
۲- صدوق، کمال الدین، ج۲، ص ۶۴۶.
۳- مجلسی، بحار الانوار، ج۵۲، ص ۳۷۲، ح۱۶۵.

هنجار شکن و تباه گر، خود از موانع اصلی تعلیم و تربیت بوده و همواره درصدد انحراف و اغوای دیگران و افساد جوامع بر می آیند. به همین جهت تعلیم و تربیت واقعی، آن است که شامل همه افراد بشر بوده و برای همگان، راه کارهای مناسب اصلاح و بازسازی اخلاقی ارائه دهد.

در روایات آمده است:

«لایَبْقی کافِرٌ الاّ اَمَنَ و لاطالِحٌ الاّ صَلَحَ»(۱)؛ «روی زمین کافری باقی نمی ماند جز اینکه ایمان می آورد و شخص ناشایستی نمی ماند، جز اینکه به صلاح و تقوا می گراید».

۲۲. ارشاد و نصیحت گری

یکی از مؤلفه های مهم و تأثیرگذار در تعلیم و تربیت، بهره وری از نصایح و پند های هشدار دهنده و داشتن کلام نافذ و تأثیرگذار و بیان صریح و مهرورزانه خواسته ها و ایده ها است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در شیوه تربیتی خود، از روش کلامی مستقیم بهره کاملی می برد و با سخنان نورانی و رسای خود، بر روح و روان مخاطبان، تأثیر گذاشته و تا ژرفای وجود آنها نفوذ می کرد. این شیوه، همواره مورد توجه بوده و به خصوص از سوی اساتید اخلاق و مربّیان نفوس به کار گرفته می شد. بیان صمیمی و شفاف نکات اخلاقی و تربیتی و آگاهی بخشی درباره خیر و شرّ، سعادت و ضلالت، نور و ظلمت، راستی و کژی، ارزش ها و ناهنجاری ها و... موجب رشد فکری و اخلاقی انسان شده و او را از غفلت، بی خبری و جهالت خارج می کند.

در روایات آمده است:

«یَدْعُو النّاسَ اِلی کتابِ اللهِ و سُنّه نَبِیِّه و الوِلایَهِ لِعَلیّ بنِ اَبی طالِبِ...»(۲)؛ «او مردم را به سوی کتاب خدا، سنت پیامبر و ولایت علی بن ابی طالب ... دعوت می کند».

۱- طبرسی، الاحتجاج، ج۲، ص ۲۹۰.

۲- محمدبن مسعود، تفسیر عیاشی، ج۲، ص ۵۷، ح۴۹.

«... يُحِقَّ الحَقَّ بِكلِماتِه وَ يَقْطَعُ دابِر الكافرين»(۱)؛ «او حق را با کلماتش تأیید می کند و پشت کافران را در هم می شکند».

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از مکه به هنگام نماز عشا ظهور می کند؛ در حالی که پرچم و پیراهن و شمشیر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به همراه دارد و چون نماز عشا را خواند، فریاد بر می آورد: ای مردم! شما را به ذکر خدا و به ایستادنتان در برابر خدا [در روز قیامت] متذکر می شوم؛ در حالی که حجتش را [در دنیا] بر شما تمام کرده است و پیامبران را مبعوث نموده و قرآن را فرو فرستاده است. خداوند به شما فرمان می دهد که به او شرک نورزید و فرمانبر او و پیامبرانش باشید. آنچه را قرآن امر به احیای آن کرده است، احیا و زنده کنید و آنچه را که امر به نابودی آن کرده است، نابود سازید و یاوران راه هدایت باشید و بر تقوا و پرهیزگاری همکاری نمایید؛ زیرا دنیا، فنا و زوالش فرا رسیده و نفخه وداع سرداده است. من شما را به سوی خدا و رسولش و عمل به کتاب او و نابودی باطل و احیا و زنده ساختن سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دعوت می کنم. آن گاه در میان ۳۱۳ نفر از یارانش ظهور می کند»(۲).

«... يَمْحوُ اللهُ بِه البِدَعَ كلَّها و يُميتُ الفِتَنَ»(۳)؛ «خداوند همه بدعت ها را به وسیله او نابود می سازد و همه فتنه ها را به دست او از میان بر می دارد».

«يَذْهَبُ الشَرُّ وَ يَبْقَى الخَيْرُ ... يَذْهَبُ الزِّنا و شُرْبُ الخَمْرِ و يَذْهَبُ الربا»(۴)؛ « شرّ از بین می رود و خیر باقی می ماند...زنا و شراب خواری و ربا ریشه کن می شود».

«... يَعْمَلُ بِكتابِ اللهِ لايَرى فِيكم مُنْكراً اِلاّ اَنْكرَه»(۵)؛ «... او به کتاب خدا عمل می کند و زشتی در شما نمی بیند؛ مگر اینکه از آن نهی می کند».

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۴، ح۳۵.

۲- ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۴؛ مقدسی شافعی، عقدالدرر، ص۱۴۵؛ صراط المستقیم، ج۲، ص۲۶۲.

۳- کامل سلیمان، یوم الخلاص، ج۲، ص ۶۰۳.

۴- صافی، منتخب الاثر، ص۵۹۲، ح۴.

۵- کلینی، کافی، ج۸، ص۳۹۶، ح۵۹۷.

«... تَعْـدِمُ الفِتَنَ و الغارات و یَکثُر الخَیرُ و البَرکات»(۱)؛ «[به وسـیله مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف]، فتنه ها و چپاولگری ها از بین می رود و خیرات و برکات بسیار می شود».

«بِهِ یَمْحَقُ اللهُ الکذِبَ وَ یَذْهَبُ زَمانُ الکلِب...»(۲)؛ «خداوند به دست او دروغ گویی را از بین می برد و روزگار سخت را برمی اندازد».

۲۳. اجرای تعالیم و قوانین الهی

پایبندی به دسـتورات و تکالیف دینی (قوانین الهی)، راز پویایی و ماندگاری جوامع و راه درخشان بهْ روزی و رستگاری انسان هـا است. عـدم اجرای کامل و بهینه آنها، یا به کار بسـتن ناقص و ضـعیف آنها در اجتماع، موجب زوال و فروکاهیـدگی آن و زندگی مضطرب، نابسامان و غیر الهی می شود.

«لایَبقی مُوضِعُ قَدَمِ اِلّا وطئهُ و اَقامَ فیه الدّینَ الواجِبِ لِلهِ»(۳)؛ «جای پایی در روی زمین نمی ماند جز اینکه به آنجا گام می نهد و آیینی را که از سوی خداوند واجب گشته، اقامه می کند».

«... یُمَهّدُ الاَرضَ و یُحیی السُنَّهَو الفَرْضَ»(۴)؛ «زمین را مهد [زندگی] می سازد و سنّت و واجبات [دینی] را زنده می کند».

«... یُقیم حُدُودَ الله و یَحْکمُ بِحُکمِ اللهِ»(۵)؛ «مهدی حدود الهی را اجرا می کند و به حکم خداوندی، حکم می نماید».

ص:۱۴۲

۱- صافی، منتخب الاثر، ص۲۰۹، ح۴۹.

۲- طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۵.

۳- صدوق، کمال الدین، ج۲، ص ۴۱۱.

۴- صافی، منتخب الاثر، ص ۲۱۰.

۵- صدوق، کمال الدین، ج۱، ص ۱۵۵.

فصل هشت: شرایط و نشانه های ظهور

اشاره

ص:۱۴۳

شرایط و مقدمات ظهور

واژه «مقدمات »، در لغت عبارت است از «اموری که برای شروع در امری لازم هستند»، (۴) و در اصطلاح، «مقدمات ظهور» به اموری گفته می شود که وجود آنها پیش از ظهور منجی موعود، حضرت حجه بن الحسن العسکری علیهما السلام، بایسته است؛ چرا که با فراهم آمدن این مقدمات، مقتضیات ظهور فراهم گشته و موانع آن برطرف می گردد.

یکی از مطالب مهمی که در میان آیات نورانی قرآن، بارها، مورد تصریح قرار گرفته، مسئله «قانون های حاکم بر جهان هستی و تاریخ و جامعه » است.

طبق آیات فروانی، تاریخ بشر و سرنوشت انسان ها در دایره نظام خاصی رقم می خورد که در آن، هرگونه دگرگونی و انقلابی، تابع یک سلسله قوانین مشخص و معینی است که به اراده خداوند برای تدبیر جهان به اجرا در آمده است. در تعابیر قرآنی، از آن ها، با عنوان «سنت های الهی » یاد شده است. (۱۰)

شاید بتوان یکی از این سنت ها را «سنت دریافت پاداش به اندازه تلاش و کوشش » نامید. طبق این سنت، بهره مندی از نعمت های الهی به میزان سعی و تلاش آدمی بستگی دارد و این انسان ست که در پرتو اختیار، با عمل خویش، یا جامعه را به پیش می برد و تاریخ را تکامل می بخشد و یا به خاطر سستی و عدم تلاش، قابلیت دریافت نعمت های الهی را از دست می دهد و در سرازیری سقوط قرار می گیرد. قرآن کریم، در رابطه با این سنت، چنین می فرماید: «و ان لیس للانسان الا ما سعی × وان سعیه سوف یری × ثم یجزاه الجزاء الاوفی »

ص:۱۴۴

(۱۱)؛ (برای انسان، بهره ای جز سعی و کوشش او نیست، و تلاش او، به زودی، دیده می شود سپس به او جزای کافی داده خواهد شد).

البته باید در نظر داشت که در کنار این سنت، قانون امداد رسانی و تاییدات غیبی خداوند که در مواقع لزوم برای یاری انسان های پاک و مصلح به اجرا در می آید، تحت الشعاع واقع نمی شود، بلکه هر گاه ایشان به وظایف خویش در قبال تکالیف الهی عمل کنند، آن سنت نیز به اجرا در خواهد آمد. خداوند متعال، در آیه هفتم سوره محمد صلی الله علیه و آله می فرماید: «یا ایها الذین ءامنوا ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم »؛ (ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر [آیین] خدا را یاری کنید، شما را یاری می کند و گام هایتان را استوار می دارد).

بنابراین، یک انسان مؤمن، در عین حال که معتقد به امدادهای غیبی و یاری رسانی خداوند متعال است، هیچ گاه این مطلب اساسی را فراموش نمی کند که جهان هستی، عالم اسباب و مسببات است و انسان برای رسیدن به مقصود خویش باید کمر همت را ببندد و از طریقی که سنت الهی است، مطلوب خویش را به دست آورد. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «ابی الله ان یجری الاشیاء الا باسباب (۱۲)؛ اراده خداوند، چنین تعلق گرفته که هیچ چیزی جز بواسطه اسباب اش محقق نشود.».

این، نکته ای است که امام باقر علیه السلام در بخشی از سخنان خود به بشیر نبال متذکر آن می شوند. بشیر می گوید: هنگامی که به مدینه رسیدم، به امام باقر علیه السلام عرض کردم: «آنان می گویند: "هنگامی که مهدی علیه السلام قیام کند، کارها، به خودی خود، برای او سامان می گیرد و حتی به اندازه حجامتی هم خون نمی ریزد".». حضرت فرمود: «هرگز چنین نیست! سوگند به آن که جان ام به دست او است! اگر قرار بود کارها برای کسی به خودی خود سامان بگیرد، هر آینه، برای رسول خدا سامان می گرفت، در آن روز که دندان هایش شکست و صورت اش مجروح گشت! نه! قسم به آن که جان ام به دست او است! چنین نخواهد شد تا آن که ما و شما، عرق و خون را از چهره خود پاک کنیم.»، سپس به پیشانی خود دست کشید. (۱۵)

البته بایـد توجه داشت که هـدف، هر قـدر بزرگ تر و با ارزش تر باشد، رسـیدن به آن نیز سـخت تر و مشـکل تر خواهد بود؛ زیرا، پر واضـح است که حاکمان جهان خواری که زیر سایه سـرپرستی شـیطان، در طول تاریخ، ظلم ها و بیدادگری های خود را در پهنه زمین به اجرا در آوردنـد، در راه پایداری و اسـتمرار تشـکیلات شـیطانی خویش، از هیچ کوششـی دریغ نکنند و در برابر برپـا کننـدگان حکومت الهی به مخالفت برخواهنـد خاست و با ایشان به ستیز می پردازنـد، آن هم در موقعیتی که شـبکه بیـدادگری متمردان و مسـتکبران دنیا، هر چه به زمان قیام امام عصـر علیه السـلام نزدیک تر می شود، گسترده تر و قوی تر می شود.

در حـدیثی از امام باقر علیه السـلام این نکته حایز اهمیت، چنین مورد اشاره قرار گرفته است: ابوحمزه ثمالی می گوید: از امام باقر علیه السـلام شـنیدم که می فرمود: «همانا، هنگامی که صاحب این امر [حضـرت مهـدی علیه السـلام] ظهور کند، از جانب مردم؛ با همان چیزی روبه رو می شود که رسول خدا روبه رو شد، بلکه ناملایماتی را که او می بیند بیش تر است.». (۱۶)؛

ضرورت زمینه سازی

با اینکه اساسـی ترین وظیفه انبیاء و اولیاء و حجتهای الهی را، هدایت جامعه بشـری به سوی کمال مقصود و رهایی از منجلاب پست حیوانی و نجات از چنگال حاکمان سـتم پیشه شـیطان مدار، باید ارزیابی کرد و یکی از مهمترین راههای رسیدن و پیش رفت در جهت نیـل به آن را از طریق به دست گرفتن زمام امور جامعه بایـد دانست، اما باز هم مشاهـده می شود که وقتی برای برخی از امامان معصوم (علیهم السـلام) مساله عهـده داری حاکمیت ظاهری بر مردم مطرح می شود، ایشان از پـذیرش آن سـر بـاز زده و از قبول آن امتنـاع می کننـد؛ بـا دقت در روایـات و بررسـی منـابع تـاریخی، به این نکته می توان پی برد که یکی از اساسـی ترین و عمـده ترین علتهـای عـدم پـذیرش حـاکمیت و به دست گیری زمـام امور جامعه در برهه های خاصـی از زمان توسط امامان از اهل بیت پیامبر (علیهم السلام)، عدم وجود زمینه مناسب بوده

است؛ چرا که اقدام به تشکیل و برپایی حکومت، پیش از فراهم آمدن زمینه های مناسب آن، ثمره ای جز برباد رفتن طرح و نقشه هـای سری و روبه رو شدن با شکست و ناکامی را در پی نخواهد داشت که به دنبال آن از بین رفتن نخبگان نهضت و قدرت و صلابت و هیبت بیشتر یافتن جبهه ستمگران نمایان می شود.

ایشان در برخی از روایات، اقدام پیش از موعد و بدون ایجاد تمهیدات لازم را، به پرواز کردن جوجه ای نورس که هنوز پر و بال لازم جهت پریدن را پیدا نکرد، تشبیه نموده اند.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «مثل خروج القائم منا اهل البیت، کخروج رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، و مثل من خرج منا اهل البیت قبل قیام القائم، مثل فرخ طار فوقع من وکره فتلاعبت به الصبیان » (قیام قائم ما اهل بیت، همانند قیام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است [که آن حضرت بعد از انجام مقدمات لازم، از مردم یثرب پیمان بر ایجاد حکومت در مقابل مشرکان را گرفت] و آن کس که از ما خاندان، قبل از قیام قائم، به پا خیزد، بسان جوجه ای می ماند که [بدون داشتن بال پرواز] پرواز کند و از آشیانه خود فرو افتد و در نتیجه دستخوش بازیچه کودکان گردد). (۲۰)

اما در این باره باید توجه داشت که «برپایی یک حکومت جهانی با رنگ الهی، آن هم در تمام زمینه ها، نیازمند چه عوامل و شرایط و اسباب و زمینه هایی است که با حاصل شدن آن ها، پی ریزی و تشکیل چنین حکومتی امکان خواهد داشت؟».

شاید بتوان شرایط ظهور و اسباب برپایی حکومت عدل جهانی را در چهار عامل خلاصه کرد:

۱ - قانون مدون و جامع و حکیمانه ای که بتواند منشور اداره جامعه بشری قرار گیرد.

۲ - رهبر عادل و مدبر و توان مندی که انقلاب را هدایت کند، به پیروزی برساند و پیرو آن اداره حکومت جهانی را بر عهده گیرد.

۳ - آمادگی پذیرش جامعه جهانی و فراهم بودن زمینه های مناسب اجتماعی در جهت پشتیبانی از حکومت.

۴ - تعداد کافی فرمانبرداران ویاوران آگاه و کارامد برای کمک رسانی به رهبری و

تشکیل و اداره هسته مرکزی حکومت.

انقلاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یک انقلاب در سطح جهان است و محدود به منطقه یا کشور خاص و یا قومیت و ملیت خاصی نیست و انقلابی فراگیر برای ریشه کن کردن تمام ابعاد ظلم و جور در گستره جهان است. قیام حضرت مثل تمامی انبیاء از طریق و مجاری طبیعی است و معجزه در روند برنامه های اصلاحی حضرت ایشان راهی ندارد یا به ندرت صورت می گیرد. هر انقلاب و ایجاد دگرگونی حتی در ابعاد بسیار کوچکتر برای موفقیت و پیروزی، بستر مناسب و شرایط مساعد و افراد و نیروهای آماده می خواهد، چه رسد به یک انقلاب عظیم.

شرایط ظهور و قیام

یک. قانون و برنامه کامل و جامع

یک انقلاب برای در هم شکستن وضع موجود و برقراری وضع مطلوب به دو برنامه نیاز دارد:

۱. برنامه ای جامع برای مبارزه با مشکلات و تغییر وضع موجود.

۲. قانون متناسب برای حرکت جامعه به طرف وضعیت مطلوب و براساس نیازهای واقعی جامعه.

قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز این شرط لازم را دارد. برنامه انقلاب جهانی آن حضرت مبارزه پیگر و جدی با حکام جور و سردمداران فکری و نظامی جامعه بشری و نابودی کامل فساد و ظلم و کفر است. آن حضرت هم دارای این برنامه و هدف است و هم براساس پیش بینی های قرآنی و روایی موفق و پیروز خواهد بود. برنامه حضرت در قسمت دوم نیز، براساس عمل به کتاب خدا و سنت پیامبر است که کامل ترین و بهترین برنامه زندگی انسانی است. این قانون جامع، متناسب با همه نیازهای جامعه و ضامن تمام حقوق فردی و اجتماعی در یک نظام عادلانه حکومتی است.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «سیره و سنت او، سنت من است مردم را بر دین و آیین من به پا

خواهد داشت و آنان را به کتاب پروردگارم دعوت می کند» (کمال الدین، ج ۲، ب ۳۹، ح ۶).

دو. رهبری مقتدر و توانمند

شرط دیگر برای پیدایش یک انقلاب وجود رهبر و پیشوایی آگاه، توانمند و دلسوز است تا با آشنایی کامل از اهداف، برنامه ها، زمینه ها و موانع، با مدیریتی صحیح و قاطع، حرکت انقلابی را راهبری کند و تا آخرین نفس ادامه دهد. هم چنین بتواند فرمان روایی جهان را در دست گرفته و عدالت را در آن گسترش دهد. انقلاب عظیم مهدوی، به یقین دارای این شرط است. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با توجه به مقام امامت شان، مسلماً شایستگی چنین منصبی را دارد و می تواند چنین مسئولیتی را بر عهده بگیرد.

سه. یاران ایثارگر و مجریان توانمند

شرط دیگر یک انقلاب وجود یارانی فداکار است که با آشنایی نسبت به برنامه ها و اهداف و اعتقاد به آنها تا آخرین لحظه، از رهبر و انقلاب دست بر ندارند و آماده هر گونه فداکاری باشند.

قیام جهانی امام مهدی نیز نیاز به یارانی دارد که ضمن آشنایی و اعتقاد به امام و دین تا آخرین لحظه فداکاری کنند. این جمعیت خالص و مخلص که اصحاب حضرت را تشکیل می هند، نقش جدی و قابل توجهی در رهبری سپاه و فتح کشورها و اداره مناطق و سرزمین ها ایفا خواهند کرد.

امام جواد علیه السلام در این زمینه می فرماید: «اصحاب مهدی به سوی او اجتماع می کنند که سیصد و سیزده نفراند؛ به تعداد اهل بدر از نقاط مختلف زمین... وقتی این عده جمع شدند، خدا امر او را ظاهر می کند و چون عده کامل شد که ده هزار نفراند، به اذن خدا خروج می کند».(۱)

چه بسا این شرط هنوز تحقق نیافته و تعداد یاران آن حضرت - به خصوص اصحاب

۱- کمال الدین، ج ۲، باب ۳۷، ح ۲

خاص - کامل نشده است تا قیام نیز صورت گیرد.

چهار. آمادگی عمومی و بالارفتن سطح رشد و فهم مردم

یکی دیگر از شرایط یک انقلاب و تحقق آن، پذیرش مردمی و قابلیت آنان است، اگر مردم آن را نخواهند، و شرایط فکری و روانی فراهم نباشد، آن قیام به سرانجام نمی رسد؛ چنان که نهضت الهی امام حسین علیه السلام به جهت عدم همراهی مردم در ظاهر شکست خورد و آن حضرت به شهادت رسید.

قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز این شرط را لازم دارد. مردم باید به حدی از رشد و آگاهی رسیده باشند که پذیرای حرکت اصلاحی و قیام بزرگ منجی عالم بشریت باشند. وجود این آمادگی از شرایط بسیار مهم برای ظهور مصلح موعود است؛ چرا که با وجود آن، حرکت اصلاحی حضرت به نتیجه خواهد رسید.

از میان چهار شرط یاد شده، دو شرط فراهم است و آن طرح و برنامه کامل برای اداره جهان و وجود رهبر شایسته و کارآمد است. اما شرط سوم و چهارم نیز لازم است فراهم شود و مردم آمادگی پذیرش انقلاب او را داشته باشند.

براین اساس می توان تفاوت های میان شرایط و علایم ظهور را چنین شمارش کرد:

۱. رابطه ظهور با شرایطش واقعی است. یعنی تا آنها نباشند ظهور هم اتفاقی نمی افتد حال آن که علایم، دلالت بر ظهور می کنند و از امکان و نزدیکی وقوع چنین حادثه عظیمی خبر می دهند.

۲. شرایط ظهور همگی با هم باید در یک زمان محقق باشند حال آنکه علایم ظهور، به طور طبیعی طی ماه ها و سال ها و قرن ها رخ می دهند. و نیز لازم نیست که همه شان رخ بدهند و تنها حدوث علایم حتمی کافی است

۳. شرایط ظهور باید مداومت داشته باشند و شرط بقای ظهورند، حال آنکه نشانه های ظهور در زمانی خاص رخ می دهند و نه لزوم و نه امکان دارد که آن شرایط در مدت زمانی

طولانی واقع شوند و وقوع آنها ادامه یابد.

عوامل مهم زمینه ساز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

از آنجا که انقلاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان انقلاب اسلامی است؛ منتهی در سطح وسیعتر و عمیق تر و از آنجا که این انقلاب تکمیل کننده انقلاب پیامبر اسلام ص است چند عامل مهم در زمینه سازی انقلاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقش بسزایی دارند!

۱_ جاذبه قرآن و حقانیت اسلام

همان گونه که در مثلها آمده «سرانجام حقیقت جای خود را باز می کند» تکیه بر حقایق نورانی و استوار و منطقی قرآن و اسلام، این مکتب زنده و غنی و حیاتبخش و سازنده، یکی از عوامل مهم پیروزی است.

۲_ علم و اندیشه و به کار انداختن آن

در این مورد اسلام اکیداً سفارش فرموده است. پیامبر خدا ص فرمود:

هر چیز اساس و پایه ای دارد. پایه این دین (اسلام) فهم و شناخت است و موضع گیری یک مسلمان فهیم و دارای شناخت در برابر شیطان و هرگونه فساد، محکمتر و بیشتر از هزاران مسلمان بدون شناخت است.

۳_ استقامت و پایداری و شجاعت

در صدر اسلام؛ استقامت و پایداری و شهامت پر توان مسلمانان در برابر تندبادهای حوادث، از عوامل پیروزی بود. اینک نیز برای پیروزی در نیل به تکمیل اسلام به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیاز به صبر و پایداری است.

۴_ زهد و رعایت اخلاق و حقوق

رعایت اخلاق نیک نسبت به یکدیگر در برخوردها و تمام ابعاد زندگی و رعایت حقوق

جانی و مالی و عرضی و... که عالیترین نقش را در جذب دیگران و نفوذ در دلها دارد، از عوامل مهم گسترش اسلام در صدر اسلام بوده است. اخلاق پیامبر ص و امامان علیه السلام و شاگردانشان بسیاری از گردنکشان را به سوی اسلام پر مهر و صفا جلب کرد و موجب تقویت مسلمانان گردید.

۵_ ایمان و توکل به خدا

روحیه قوی و اطمینان قلب و اعتماد به نفس از عوامل سازنده و پیش برنده و زمینه ساز و سوزاننده موانع سر راه است، یک چنین روحیه و آرامش و استواری قلب در سایه ایمان به خدا و توکل به او به دست می آید که دعا و مناجات و نماز و روزه تقویت کننده چنین ایمان و توکلی است.

۶_ تعاون و همکاری

۷_ برخوردها و روشهای منطقی با یکدیگر

۸_ توجّه به طبقه و قشر مستضعف

۹_ اتحاد و انسجام مسلمانان

۱۰_ رهبر شایسته

۱۱_ لزوم برنامه ریزی

گروه «زمینه سازان» در منابع اسلامی

در روایات زیر، گروه زمینه سازان به مناطق فوق منتسب شده اند:

۱. زمینه سازان مشرق

«حاکم» در مستدرک صحیحین از عبدالله بن مسعود نقل کرده است که وی گفت:

«[روزی] رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم با شادمانی تمام به سوی ما آمد، به گونه ای که برق شادی در نگاهش می درخشید. هر چه می پرسیدیم، پاسخ می گفت، وهرگاه سکوت می کردیم، خود شروع می فرمود؛ تا آن که گروهی از جوانان بنی هاشم – که امام حسن وامام حسین علیهما السلام – در میانشان بودند، آمدند که از مقابل ما بگذرند. حضرت همین که آنان را دید در آغوششان کشید واشک از دیدگان مبارکش جاری شد. گفتیم: ای فرستاده خدا! چیست که پیوسته در چهره شما چیزی می بینیم که خوش نداریم. فرمود: ما خاندانی هستیم که خدای تعالی آخرت را در مقابل دنیا برای ما برگزیده است. پس از من خاندانم رانده وآواره شهرها گردند تا آن که پرچم هایی سیاه در مشرق سربلند کنند. حق را طلبند وبدیشان ندهند، در برهه ای دیگر حق را طلب کنند وبدیشان ندهند، وباز نیز چنین شود، پس آن گاه نبرد کنند وپیروز شوند. [سپس فرمود:] هر که از شما یا فرزندان تان چنین روزی را درک کرد نزد امامی که از خاندانم می باشد حاضر شود – اگرچه جامه به خود پیچد وبر برف گام نهد – زیرا این پرچم ها پرچم های هدایتند که آنها را به مردی از خاندانم تقدیم کنند.» (۱)

ابی خالد کابلی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کند که فرمود: «گویا می بینم مردمی را که در مشرق قیام کرده اند وحق را می طلبند وبدیشان داده نمی شود، ولیکن از پای نمی نشینند. از این رو سلاح بر می گیرند، در نتیجه آنچه می خواستند بدیشان داده می شود، اما نمی پذیرند تا آن که قیام می کنند و حکومت را به کسی جز صاحب شما [امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف] تحویل نمی دهند. کشته شدگان از آنان، شهیدند. آگاه باشید که اگر من در آن زمان حضور داشتم، وجودم را وقف صاحب این امر می کردم.» (۲)

علامه مجلسی در بحارالانوار روایت کرده است:

ص:۱۵۳

۱- مستدرک الصحیحین، حاکم نیشابوری، صفحات ۴، ۴۶۴ و۵۳۳.

۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳، (دار احیاء التراث العربی ومؤسسه التاریخ العربی، لبنان)؛ ونیز غیبت نعمانی، انتشارات صدوق، باب ۱۴، ح ۵۰.

«رجـل من اهـل قم یـدعو النـاس الی الحـق یجتمع معه قوم کزبر الحدیـد، لاـ تزلهم الریـاح العواصف، لاـ یملون من الحرب ولا یجبنون وعلی الله یتوکلون والعاقبه للمتقین.»(۱)

«مردی از اهـالی قم مردم را به حق می خوانـد، گروهی که دل های آنان چون پاره های آهن است گرد او جمع شونـد، طوفان های سـخت نلرزاندشان، از جنگ خسته نشوند وبیمی به خود راه ندهند، بر خدا توکل کنند وعاقبت [نیک] از آن پرهیزگاران است.»

نخستین چیزی که در این قشر جلب نظر می کند، صـلابت، نیرومندی واسـتواری آنان است. بنابراین آنان قوی وزورمندند که زمین را برای ظهور امام علیه السلام آماده می سازند.

حضـرت امـام جعفرصـادق علیه السـلام در روایتی که محمـد بن یعقوب کلینی آن را در ذیـل آیه «فاذا جاء وعـد اولاهما بعثنا علیکم عبادا لنا اولی باس شدید»(۲) آورده، «بندگان سخت نیرومند» را به همین قشر تفسیر کرده است.

چنان که در روایت، به صفت عجیب «قلوبهم کزبر الحدید، لا تزلهم الریاح العواصف » ،(۳) توصیف شده اند. با آن که دارای «دل » هستند وطبیعت دل، نرمی ورافت است، لیکن این دل ها در رویارویی با طاغوت ها وستمگران به تکه های آهن بدل می شوند که دیگر نرمی ورقت نمی شناسند.

برنامه زمینه سازی

آماده سازی دنیا برای انقلاب امام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف وظیفه ای گسترده، بزرگ وپیچیـده است که این گروه در رویارویی با ستمگران وطاغوت های مستکبر وسردمداران کفر بدان اقدام می کند.

از این رو گروهی که عهده دار آماده سازی جهان برای ظهور امام عصر علیه السلام است به ناچار

۱- بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶؛ ونیز سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۶.

۲- سوره اسراء (۱۷) آیه ۵: «پس آن گاه که وعـده تحقق نخستین آن دو فرارسـد، بندگانی ازخود را که سـخت نیرومندند بر شما می گماریم....»

۳- دل هاشان همچون پاره های آهن است که طوفان ها آنان را نلرزاند.

می باید در رویارویی با این نیروها از همان تشکیلاتی که جبهه استکبار جهانی برخوردار است، برخوردار باشد. بلکه با تربیت ایمانی وجهادی وآگاهی سیاسی از دشمن پیشی گیرد.

بنابراین، طرح زمینه سازی برای قیام امام عصر علیه السلام که گروه زمینه سازان تدارک می بینند، دارای دو جنبه خواهد بود:

جنبه اول

رشد ایمانی، جهادی وآگاهی سیاسی، این، دقیقا همان چیزی است که جبهه مقابل فاقد آن است.

جنبه دوم

[ایجاد] تشکیلات سیاسی، نظامی، اقتصادی، اداری واطلاعاتی که به ناچار در مانند چنین نبردی باید موجود باشد.

این تشکیلات سیاسی، نظامی، اقتصادی واطلاعاتی بدون وجود نظام سیاسی ودولت در جهان محقق نخواهد شد، واین، همان دولت زمینه سازان است که روایات زیادی مژده برپایی آن را داده اند وبه ناچار شکل گیری چنین نیرویی در زمین، ظهور امام علیه السلام را نزدیک می گرداند، وبدون آن، عوامل طبیعی ظهور امام فراهم نمی آید. کسب چنین نیرویی نیازمند عمل وحرکت در متن زندگی است وفقط «مترصد» بودن وبه «انتظار» نشستن، به معنی منفی آن، دردی را درمان نمی کند.

علایم و نشانه های ظهور امام مهدی علیه السلام

«ظهور» در فرهنگ مهدویت به معنای فرجام پنهان زیستی و آغاز بزرگ ترین تحول تاریخ به دست موعود امت ها و ملت ها و آخرین ذخیره الهی، حضرت مهدی علیه السلام است.

عصر روشن ظهور را می توان به مراحل ذیل تقسیم نمود:

۱. نخست همان مرحله ظهور و آشکار شدن است که به مجرد پاره شدن پرده

غیبت حاصل می شود و پس از آن، حضرت به معرفی خویش، برنامه های الهی و جمع آوری یاران می پردازد که در این فاصله، رخدادهایی به وقوع می پیوندند.

۲. در این مرحله نوبت به قیام و مبارزه با دشمنان می رسد. ایشان هرگز قطره خونی به ناحق بر زمین نخواهد ریخت و اوست که زمین را پر از عدل و قسط خواهد نمود.

پس از سپری شدن این مراحل، نوبت به مرحله پایانی می رسد که آن هم حاکمیت انسان کامل بر جامعه انسانی است که این مژده تمامی سفیران الهی بوده است.

زمان ظهور

در بسیاری از روایاتی که از پیامبر گرامی اسلام، صلی الله علیه وآله، و امامان معصوم علیهم السلام، نقل شده، این نکته مورد تاکید قرار گرفته که ظهور نیز همانند قیامت، ناگهانی و غیرمنتظره فرا می رسد و زمان آن را هیچکس جز خداوند حکیم نمی داند. از جمله در روایتی که امام رضا علیه السلام، به واسطه پدران بزرگوارش از پیامبر اکرم، صلی الله علیه وآله، نقل می کند چنین آمده است: ان النبی، صلی الله علیه وآله، قیل له: یا رسول الله متی یخرج القائم من ذریتک؟ فقال علیه السلام : مثله مثل الساعه التی «لا یجلیها لوقتها الا هو ثقلت فی السموات و الارض لا یاتیکم الا بغته ». به پیامبر، صلی الله علیه وآله، عرض شد: ای رسول خدا آن قائم که از نسل شماست چه وقت ظهور می کند؟ آن حضرت فرمود: ظهور او مانند قیامت است. «تنها خداوند است که چون زمانش فرا رسد آشکارش می سازد. فرارسیدن آن بر آسمانیان و زمینیان پوشیده است. جز به ناگهان بر شما نیاید». این دسته از روایات از یک سو هشداری است به شیعیان که در هر لحظه آماده ظهور حجت حق باشند و از سویی دیگر تذکری به همه کسانی که در پی تعیین وقت برای ظهورند.

از طرفی تعیین وقت برای ظهور جایز نیست و بر اساس روایات معصومین علیهم السلام، ما وظیفه داریم کسانی را که به تعیین وقت برای ظهور می پردازند تکذیب کنیم. امام صادق علیه السلام، در روایتی

خطاب به محمدبن سلم می فرماید: یا محمد، من اخبرک عنا توقیتا فلاتهابن ان تکذبه، فانا لانوقت لاحد وقتا. ای محمد! هر کس برای تو خبری از ما درباره تعیین وقت [ظهور] نقل کرد در تکذیب او درنگ نکن؛ زیرا ما [اهل بیت] برای هیچکس وقت ظهور را تعیین نکرده ایم. همچنین در توقیعی که از ناحیه مقدسه صاحب الزمان علیه السلام، در پاسخ به پرسشهای «اسحاق بن یعقوب » وارد شده چنین می خوانیم: و اما ظهور الفرج فانه الی الله تعالی ذکره، و کذب الوقاتون. اما آشکار شدن فرج، به اراده خداوند است و آنان که [برای ظهور] وقت تعیین می کنند دروغ می گویند.

بررسی نشانه های ظهور

بخش عمده ای از روایاتی که در زمینه مهدویت و انتظار از پیامبر گرامی اسلام، صلی الله علیه وآله، امامان معصوم علیهم السلام، نقل شده مربوط به نشانه های ظهور است. که این نشانه ها عبارتند از برخی رویدادهای اجتماعی مانند جنگها، شورشها، کشته شدن افرادی خاص، زوال برخی حکومتها و...؛ برخی رویدادهای طبیعی مانند، سیلهای ویرانگر، قحطی، خشکسالی، خورشیدگرفتگی و ماه گرفتگی غیر عادی و... و همچنین برخی حوادث غیرعادی مانند برخاستن ندایی در آسمان که نام قائم علیه السلام، را در همه جا طنین انداز می سازد. چنان که در روایات تصریح شده وقوع برخی از نشانه های یاد شده حتمی است و تا آنها واقع نشوند ظهور رخ نخواهد داد. برخی از آنها نیز غیر حتمی بوده و چه بسا که واقع نشوند. این نشانه ها از یک سو هشدار و آماده باشی برای منتظران و از سویی راهی برای شناخت ادعاهای بی اساس و مدعیان دروغین مهدویت و به عبارت دیگر وسیله ای برای حفظ مردم از درافتادن در خطا و اشتباه است. بنابراین همه ما وظیفه داریم که نشانه های ظهور را بر اساس روایات صحیح و قابل اعتماد بشناسیم و از کم و کیف آنها بدرستی آگاه شویم تا هر ادعایی را بدون دلیل نپذیریم.

ص:۱۵۷

آخر الزمان و نشانه های آن

آخر الزمان، اصطلاحی است که در فرهنگ اغلب ادیان بزرگ دنیا به چشم می خورد و به ویژه در ادیان ابراهیمی از برجستگی و اهمیت خاص برخوردار است. این اصطلاح معمولاً به روزگار پایانی دنیا و رویدادهایی که ممکن است در این بخش از زندگی جهان به وقوع بپیوندد، گفته می شود. ادیان بزرگ، درباره آخر الزمان پیش گویی هایی کرده اند. برای مثال در «انجیل» چنین آمده است «... و این را بدان که اوقات صعب در زمان آخر خواهد رسید، زیرا که مردم خود دوست و زرپرست و مغرور و متکبر و کفرگو و نافرمان والدین و حق ناشناس و بی دین و بی الفت و بی وفا و خبث کننده و بی پرهیز و بی حلم و با خوبان بی اعتنا و خائن و کم حوصله و عبوس خواهند بود و عیش را برخدا ترجیح می دهند. »(۱)

در معارف ارزشمند اسلامی این اصطلاح در دو معنای کلی به کار رفته است:

۱. مدت زمانی طولانی که با ولادت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم آغاز و با شروع رستاخیز بزرگ پایان می یابد. از این رو آن پیامبر الهی را پیامبر آخر الزمان نیز نامیده اند.

۲. مدت زمانی که با ولادت واپسین جانشین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آغاز می شود. این گستره زمانی زمان غیبت و ظهور را در برگرفته، با شروع قیامت به انجام می رسد.

این محدوده زمانی نشانه هایی دارد که اصطلاحاً «علائم آخرالزمان» خوانده می شود. علاوه بر اصطلاح رایج علائم آخر الزمان در فرهنگ مسلمانان، اصطلاح مشابه دیگری به نام «اشراط الساعه» وجود دارد. این اصطلاح که بیش تر نزد اهل سنت رایج است، به نشانه های وقوع قیامت اختصاص دارد، ولی روایاتی که ذیل این عنوان ذکر شده، نشان می دهد بسیاری از نشانه های آن چون نشانه های آخر الزمان است و می توان بسیاری از نشانه های آخرالزمان را نشانه های قیامت دانست.

۱- کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، نامه دوم پولس حواری به تیموتیوس، باب سوم

هماگونه که اشاره شد، آخرالزمان به دو بخش متفاوت تقسیم می شود. براساس روایات، بخش اول بسیار دشوار خواهد بود. بخشی از مشخصه های این عصر عبارت است از:

پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ویژگی های انسان های این دوران را این گونه بر شمرده است: زمانی بر مردم خواهد آمد که دینشان درهم هایشان خواهد بود و زنان، قبله هایشان، برای طلا و نقره، رکوع و سجود به جا می آورند. آ ن ها همواره در حیرت و مستی خواهند بود. نه بر مذهب مسلمانی اند و نه بر مسلک نصرانی.(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: زمانی بر امت من می آید که در آن زمان، درون های مردم پلید می شود، ولی ظواهرشان به طمع مال دنیا آراسته می گردد.

به آن چه در پیشگاه خداوند است، دل نمی بندند، کارشان ریا و تظاهر است، خوف از خدا به دلشان راه نیابد و خداوند آن ها را به عذابی فراگیر دچار سازد.

آن ها چون انسانی در حال غرق شدن، خداوند را می خوانند، ولی خداوند دعایشان را مستجاب نمی کند.(۲)

یکی دیگر از ویژگی های دوران آخر الزمان، امتحاناتی است که انسان ها در این دوران پشت سر می گذارند. با این آزمون ها مردم به دو گروه کاملاً متفاوت تقسیم می شوند: موفق ها و ناموفق ها.

امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره نجات یافتگان این دوران می فرماید: و آن زمانی است که از فتنه ها نجات نمی یابد، مگر مؤمنی که بی نام و نشان است. اگر در حضور باشند، شناخته نشوند و اگر غایب گردند، کسی سراغ آن ها را نمی گیرد. آن ها برای سیرکنندگان در شب ظلمانی جامعه ما، چراغ های هدایت و نشانه هایی روشنند. نه مفسده جو هستند و نه فتنه انگیز، نه در پی اشاعه فحشایند و نه مردمی سفیه و لغوگو! ایناانند که خداوند درهای

۱- محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۷۹.
۲- شیخ کلینی،کافی، ج ۸، ص ۳۰۶۵.

رحمتش را به رویشان باز می کند و سختی ها و مشکلات را از آن ها برطرف می سازد.(۱)

نشانه های ظهور

هر مسئله ای که اهمیت و مقبولیت عمومی داشته باشد، مخاطرات و تهدیدها نسبت به آن از ناحیه سودجویان و فرصت طلبان بیشتر خواهد شد؛ از جمله این مسائل که دارای شاخصه های جهانی و همگانی است، ظهور منجی است که به منزله اعتقاد و باور عمومی در همه ادیان مطرح شده است. طبیعی است افرادی که به دنبال منفعت و سودجویی فردی اند با آزمندی بسیار و با ظاهر سازی فریبنده به اغفال مردم می پردازند تا به نیت سوء خود برسند. از اینرو بیان نشانه ها و علایم ظهور، ضروری است و رهبران و بزرگان دین، برای جلوگیری از این انحرافها و کج رویها و برای حفظ باورهای اصیل مردم، باید منجی و مصلح آخر زمان را با تمام شاخصه ها و خصال معرفی نمایند و برای ظهور و قیام او نشانه ها و علایمی را بیان کنند تا مردم در تمیز سره از ناسره در تحیر و تردید نمانند.

از همین رو در روایات و احادیث بسیاری منجی آخر زمان (حضرت مهدی علیه السلام) و کیفیت ظهور او، با تمام علایم و نشانه ها بیان شده است.

در رویکرد کلی و کلان، می توان نشانه ها و علایم ظهور امام زمان علیه السلام را به انواع مختلف تقسیم کرد که به یکایک آنها خواهیم پراخت:

الف) نشانه های عام و خاص

۱. نشانه های عام

آن دسته از نشانه ها و علایمی که شاخصه های کلی و عمومی دارند یعنی در قالب پدیده خاص، در برهه خاص و در افراد خاصی متصف نشده اند، «علایم عمومی » نامیده می شوند؛

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳

نظیر احادیث و روایاتی که از احوال و اوضاع مردمان آخر زمان خبر می دهند و از انحرافات و کج رویهایی که در آن دوره رخ می دهد سخن به میان آورده اند که در واقع، نوعی بیان علایم و نشانه های ظهور امام زمان علیه السلام است، اما در قالب و معیار کلی و عمومی.

۲. نشانه های خاص

اشاره

بعضی از نشانه ها و علایم ظهور، به صورت خاص و با شاخصهای ویژه در افراد متعین، تبلور می یابد؛ مثلا نشانه هایی نظیر فرو رفتن سفیانی در بیداء، قیام یمانی، خراسانی، سفیانی، دجال، قتل نفس زکیه، نشانه های حتمی و غیر حتمی

۱. نشانه های حتمی

علایم و نشانه هایی که به طور قطع قبل از ظهور حضرت، رخ خواهند داد و در واقع، هیچ گونه قید و شرطی در ایجاد آنها لحاظ نشده است علایم حتمی نامیده می شوند و شاید بتوان گفت که ادعای ظهور قبل از تحقق آنها کذب و دروغ است.

۲. نشانه های غیر حتمی

اشاره

بعضی از نشانه های ظهور قبل از ظهور، بطور مشروط رخ می دهند؛ یعنی اگر مقتضی آنها موجود و موانع مفقود باشد، تحققشان حتمی خواهد بود. در میان نشانه ها و علایم، آنچه حتمی شمرده شده، جزء محتومیات هستند و غیر از آنها که گروه بسیاری از علایم را تشکیل می دهند جزء علایم غیر حتمی شمرده می شوند.

به هر حال از روایات فراوانی که در میان آنها روایت صحیح نیز وجود دارد، حتمی بودن نشانه های پنج گانه ذیل استفاده می شود:

۱. خروج سفیانی

از سخنان معصومین علیهم السلام استفاده می شود که پیش از قیام حضرت مهدی علیه السلام، مردی از نسل ابوسفیان در منطقه شام خروج می کند و بخش گسترده ای از سرزمین های اسلامی را به تصرف

خود در آورد و پس از اتفاقاتی، در پایان به دست حضرت مهدی علیه السلام، به قتل می رسد.(۱)

۲. خروج یمانی

یکی دیگر از نشانه های ظهور حضرت مهدی علیه السلام، خروج سرداری از اهل یمن است که مردم رابه حق و عدل دعوت می کند. این نشانه در منابع اهل سنت نیز مورد اشاره قرار گرفته است و از پرچم او به عنوان هدایت گرترین پرچم یاد شده است.(۲)

۳. خسف به بیداء

خسف به بیداء، به معنای فرو برده شدن در سرزمین بیداست. مقصود از این نشانه آن است که لشکر سفیانی به قصد جنگ با مهدی علیه السلام عازم مکه می شود و در بین مکه و مدینه، در محلی که سرزمین بیدا نامیده می شود، به گونه ای معجزه آسا و به امر خداوند در زمین فرو می روند.(۳)

۴. قتل نفس زکیه

نفس زکیه، یعنی فرد بی گناه، پاک و کسی که قتلی انجام نداده است. در آستانه قیام حضرت مهدی علیه السلام و در گیرو دار مبارزات زمینه ساز انقلاب مهدی علیه السلام، فردی پاک باخته، مخلصانه در راه امام تلاش می نماید و مظلومانه به شهادت می رسد.(۴)

۵. ندای آسمانی

یکی دیگر از نشانه های حتمی ظهور، ندای آسمانی است؛ صدایی که در بین زمین و آسمان تولید می شود و به گوش تمامی انسان های روی زمین می رسد.(۵)

۱- ر. ک: کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۱؛ نعمانی، الغیبه، ص ۲۷۹.

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۴.

۳- نعمانی، الغیبه، ص ۲۷۹..

۴- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۴۵.

۵- ر. ک: کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۲.

دیگر نشانه ها

خروج دجّال

دجّال، از ریشه‌ی «دجل» به معنای «دروغگو و حیله گر» است . اصل داستان دجّال، در

کتاب‌های مقدس مسیحیان آ مده است (رساله یوحنا، باب ۲، آیه‌ی ۱۸ و ۲۲) . در انجیـل، این واژه، بارها به کار رفته است، و از کسانی که منکر حضرت مسیح و یا «پدر و پسر» را انکار کنند، به عنوان دجال یاد شده است. به همین جهت، در ترجمه‌ی انگلیسی کتاب‌های مقدس مسیحی، واژه‌ی آنتی کریست (Anti christ) یعنی ضد مسیح، به کار رفته است.

در روایات زیادی از اهل سنّت، خروج دجّال از نشانه‌های برپایی قیامت دانسته شده است (سـنن ترمذی، ج۴، ص۵۰۷تا ۵۱۹؛ سنن ابی‌داوود، ج۴، ص۱۱۵؛ صحیح مسلم، ج۱۸، ص ۴۶ تا ۸۱). امـا درکتب روایی شـیعه، تنها دو روایت در باره‌ی خروج دجّال، به عنوان یکی از علائم ظهور حضـرت مهـدی (علیه السـلام) آمده است (کمال‌الدین، صدوق، ص۵۲۵، ۵۲۶) که هیچ کدام از این دو روایت، از نظر سـند، معتبر و قابل قبول نیست. بنابراین، از نظر منابع شیعی، دلیل معتبری بر این که خروج دجّال یکی از علایم ظهور باشد، وجود ندارد، امّا در عین حال، با توجه به روایات زیادی که در منابع اهل سنّت آمده است، احتمال دارد اصل قضیه دجّال، به طور اجمال، صحت داشته باشد، امّا بدون تردید بسیاری از ویژگی‌هایی که برای آن بیان شده است، افسانه‌هایی بیش نیست. حال به فرض پذیرش، این سؤال مطرح است که مقصود از دجّال چیست؟

دو احتمال اساسی در این زمینه وجود دارد:

۱ – با توجه به معنای لغوی دجال، مقصود از آن، نام شخصـی معینی نباشد، بلکه هر کسی که با ادعاهای پوچ و بی اساس و با تمسک به انواع اسباب حیله گری و نیرنگ، در صدد فریب مردم باشد، دجال است. بر این اساس، دجّال‌ها، متعدد خواهند بود. وجود روایاتی که در آن، سخن از دجّال‌های متعدد رفته است، این احتمال را تقویت می کند. مانند: «قال رسول

الله: یکون قبل خروج الدجال نیّف علی سبعین رجالاً ؛ پیش از خروج دجال، بیش از هفتاد دجال، خروج خواهد کرد.» (کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۰۰). بنابراین احتمال، در حقیقت، قضیه ی دجال، نشانه‌ی این مطلب است که در آستانه‌ی انقلاب امام مهدی (علیه السلام) افراد فریب‌کار و حیله‌گری، برای نگهداشتن فرهنگ و نظام جاهلی، همه‌ی تلاش خود را به کار می‌گیرند و با تزویر و حیله‌گری، مردم را نسبت به اصالت و تحقق انقلاب جهانی منجی، دل‌سرد و یا دو دل می‌کنند.

این که در همین روایات تأکید شده است: «هر پیامبری، امت خویش را از خطر دجّال بر حذر داشته است». خود تأییدی دیگر بر همین احتمال است که مقصود از دجّال، هر شخص حیله‌گر و دروغگویی است که قبل از خروج حضرت مهدی (علیه السلام) در صدد فریب مردم است.

۲- دجال، کنایه از کفر جهانی و سیطره‌ی فرهنگ مادی بر همه جهان باشد. استکبار، با ظاهری فریبنده و با قدرت مادی و صنعتی و فنی عظیمی که در اختیار دارد، سعی می‌کند مردم را فریب دهد و مرعوب قدرت و ظاهر فریبنده‌ی خود کند. بر این اساس، این که پیامبران، امت‌های خود را از فتنه‌ی دجال بیم داده‌اند ما بعث الله نبیّا الاّ و قد انذر قومه الدجال ...؛ هیچ پیامبری مبعوث نشد، مگر آن که قوم‌اش را از فتنه‌ی دجال بر حذر داشت (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۵) به این معنا است که آنان را از افتادن به دام مادیت و ورطه‌ی حاکمیت طاغوت و استکبار جهانی برحذر داشته‌اند. پس احتمال می‌رود، منظور از دجال، با آن شرایط و اوصافی که در این روایات برای او شمرده شده، همان استکبار جهانی باشد. در اوصاف دجال گفته شده «کوهی از طعام و شهری از آب، به همراه دارد». این، کنایه از امکانات عظیم و گسترده‌ای است که استکبار در اختیار دارد.

برای آگاهی بیش‌تر به چشم به راه مهدی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات قم، جمعی از نویسندگان، ص ۲۸۹ و دادگستر جهان، ابراهیم امینی، مراجعه شود.

خسوف و کسوف غیر عادی

از نشانه های ظهور، «کسوف در نیمه رمضان» و «خسوف در آخر یا اول همان ماه» است. کسوف در روزهای نخست و روزهای آخر ماه و خسوف در روزهای میانی ماه، طبیعی و عادی است، ولی خورشید گرفتگی در وسط ماه یا ماه گرفتگی در اوایل یا آخر آن، ظاهراً امری غیر عادی است و رؤیت آن امکان ندارد. فلسفه این نشانه غیرعادی همانند برخی نشانه های دیگر، می تواند بیدار شدن مردم از خواب غفلت و یقین به امر ظهور باشد. به عبارت دیگر، خداوند در آستانه ظهور، برای اقامه حجت بر مردم و مطمئن ساختن یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به ظهور آن حضرت، چنین پدیده هایی را برخلاف معمول و به گونه معجزه، محقق می سازد. البته این نشانه، از نشانه های حتمی ظهور نیست و در روایات، به ناگزیر بودن آن اشاره نشده است.

جمع بندی

برخی از علما معتقدند: همان گونه که غیبت دو مرحله ای بود و غیبت صغری برای ایجاد آمادگی مردم برای ورود به غیبت کبری لازم بود، ظهور نیز ممکن است دو مرحله ای باشد و با ظهور صغری که در انقلاب اسلامی ایران تجلی یافته است، مردم با حقیقت قیام امام زمان آشنایی بیشتری پیدا کرده اند و برای ظهور اصلی و قیام جهانی حضرت آماده می شوند.

حرکت عمومی کشورها و جوامع به سمت وحدت و همگرایی و به عبارت دیگر توجه به تشکیلات بین المللی و اتحادیه های منطقه ای و فاصله گرفتن از جزءگرایی، ملت ها را به این نتیجه رسانده که برای آینده ای بهتر، باید مرزها را به حداقل رساند و جهان را دهکده ای کوچک دانست. این رویداد، آمادگی مردم برای برای پذیرش یک حاکمیت فراگیر، بیشتر کرده است. البته استکبار جهانی تئوری دهکده جهانی را در جهت حفظ منافع خود و تک

قطبی شدن جهان پی گیری می کند اما چه بسا اراده الهی به دست دشمنان خدا نیز انجام گیرد.

اجحاف و تجاوز بیش از حد و روز افزون دولت های استکباری به کشورهای فقیر به شکل های گوناگون از یک سو و لجام گسیختگی فرهنگی و فکری و علمی؛ مانند بحران هویت، بحران مشروعیت، بحران مدنیت از سوی دیگر، باعث هرج و مرج در زندگی بشر شده است.

این گونه مسائل و مباحث این واقعیت را اثبات می کند که آینده روشن فقط در سایه حاکمیت فردی آسمانی است که احتمالاً ظهورش نزدیک است.

ص:۱۶۶

فصل نهم: حکومت جهانی امام زمان

اشاره

ص:۱۶۷

۱. یاری امام حق

اشاره

رسـیدن به منزلت منتظر بودن و یاری قائم آل محمـد علیه السـلام برترین کمال ها را می طلبـد و بایستی در بی بدیل ترین فراز کمـال و عشق بود تـا به این خلعت عالی مخلع گردیـد. بـدین تشـریف هر کسـی را مشـرف نمی گرداننـد، بایـد گوهری پاک داشت و اهل حال بود و ریاضت کش کوی عشق که:

گوهر پاک بباید که شود قابل فیض ورنه هر سنگ و گلی لؤلؤ و مرجان نشود

سیمای حکومت جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

سه دوران مشخّص در مورد انقلاب بزرگ تاریخ بشر، (قیام حضرت مهدی علیه السلام) وجود دارد:

۱. دوران آمادگی و انتظار و نشانه های ظهور.

۲. دوران تحقّق انقلاب و مبارزه با ظلم و فساد.

۳. دوران حکومت جهانی (دولت حقّ و عدالت)

در اندیشه مهدوی مباحث متعدد و متفاوتی مطرح می شود. یکی از مهم ترین آنها، مسأله «حکومت جهانی مهدوی » است که دامنه گسترده ای هم دارد و به همین جهت تعبیرهـای مختلفی از این دولت در ادبیـات دینی (به خصوص ادبیات شـیعه) شـده است که هر کدام از تعبیرها به جنبه ای از جنبه های متعدد حکومت مهدویت اشاره دارد.

برخی از تعبیرهایی که در روایات در مورد دولت و حکومت امام مهدی علیه السلام آمده به شرح زیر است :

ص:۱۶۸

۱. «دولت جهانی » که اشاره به قلمرو حکومت دارد؛

۲. «دولت عدالت » که اشاره به بسط عدالت در زمان حاکمیت این دولت دارد؛

۳. «دولت کریمه » که اشاره به محوریت کرامت انسان در این دولت دارد و به طور مشخص بیان شده که کرامت مداری یعنی عزت اسلام و مسلمین از یک سو و ذلتِ نفاق و منافقان از سوی دیگر؛

۴. «دولت صالحان » که اشاره به صالح بودن زمامداران آن است ؛

۵. «دولت حق » که اشاره به حق مداری این دولت و نتیجه آن ؛ یعنی بسط حق و رفع باطل است ؛

۶. «دولت مستضعفان » که اشاره به حاکمیت یافتن کسانی دارد که از سوی صاحبان زر و زور و تزویر به استضعاف کشیده شده اند؛

۷. «دولت امنیت » که اشاره به امنیت فراگیر در آن دولت است ؛ امنیتی که هم اجتماعی است و هم ایمانی ؛

۸. «دولت رفاه » که اشاره به فراگیری رفاه در پهنه زمین است و...

مهم ترین و اساسی ترین اقدام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از پیروزی و سیطره بر سراسر جهان، تشکیل دولت و به دست گرفتن حکومت و فرمانروایی دنیا است. مردم جهان در عین حال که شاهد نابسامانی، جنگ ها، فساد، بی عدالتی، ناامنی و الحادگرایی در جهان بوده اند؛ دولت ها، احزاب و سازمان های بسیاری را نیز دیده اند که مدعی خدمت به جهانیان و ایجاد آرامش، صلح و امنیت و بهبود وضع اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی در دنیا بوده اند! اما در عمل چیزی جز تباهی و ستم و جنگ مشاهده نکرده اند؛ با این حال روزگاری فرا می رسد که معنویت و عدالت، به دست توانای مرد الهی و در دولت کریمه اهل بیت علیهم السلام برقرار می شود و رفاه، امنیت، عدل و یکتاپرستی در همه جای عالم گسترش می یابد. روشن است که این تنها با تشکیل دولت و انسجام در امور، به دست می آید. امام باقر در تفسیر آیه ((الذین ان مکناهم فی الارض...)) می فرماید:

این آیه در حق آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران او است که خداوند آنها را مالک شرق و غرب جهان نموده، آیین اسلام را پیروز می کند و بدعت ها و باطل ها را به دست او و یارانش نابود می سازد ــ چنان که [قبلاً] سفیهان حقّ را لگدمال کرده باشند ــ تا اینکه از ستم نشانه ای نمی ماند.(۱)

این دولت بهترین، کامل ترین و مردمی ترین دولت ها ــ پس از نابودی و پایان فرصت دولت های دیگر ــ خواهد بود. در این زمینه روایتی آمده است:

همانا دولت ما آخرین دولت ها است و برای هیچ خاندانی دولتی نیست؛ مگر اینکه قبل از ما حکومت کند؛ تا هنگامی که ما به قدرت رسیدیم کسی نگوید ــ وقتی روش حکومتی ما را دیدند ــ اگر ما نیز به قدرت می رسیدیم، این چنین رفتار می کردیم. و این گفتار خداوند است که: عاقبت برای تقوا پیشگان است.(۲)

از بررسی اهداف، کارویژه ها وعملکردها، پیامدها، نتایج مثبت، ویژگی ها وشاخص ها وبرنامه های دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به دست می آید که پس از قیام وپیروزی بر گروه باطل ونابودی آنها، ظلم وستم از بین رفته وامنیت برقرار می شود. اما برای تغییر در بینش، روش ومنش ناسالم مردم ــ که سالیان سال با آن خو گرفته اند ــ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ؛ رشد وکمال یابی انسان ها را سرلوحه برنامه های خود قرار داده وبر تزکیه نفوس، تتمیم مکارم اخلاقی، دعوت به خیرات عامه وفضایل (عدالت، راستی، قسط، پاکی و...) اقدام خواهد نمود. و این تنها در سایه تشکیل دولت اخلاقی مبتنی بر ساختار امامت امکان پذیر است؛ یعنی، دولتی که رشد اخلاقی و عقلی مردم را هدف اصلی خود قرار داده و آنها را به کمال مطلوب و واقعی می رساند.

در نتیجه مردم به آن غایت اصلی وبنیادین خود (عبادت وعبودیت) وتقرّب به خداوند سوق داده می شوند و در پرتو آن، به زدودن رذایل وآراستن فضایل، موفّق خواهند شد. این

۱- تفسیر قمی، ج۲، ص۸۷؛ تأویل الآیات، ص۳۳۹.

۲- کتاب الغیبه، ص ۴۷۳؛ الارشاد، ج۲، ص۳۸۵.

دولت، سیاست، اجتماع، اقتصاد وفرهنگ را به سمت فضیلت های اخلاقی و خیرات می کشاند و با پیوند میان سیاست و اخلاق، در تعالی وتکامل اخلاقی و عقلی مردم می کوشد. در این راستا، علم، دانش، صنعت وتکنولوژی در مسیر درست خود قرار می گیرد و رابطه مردم با خدا، با خود، با دیگران و با طبیعت تصحیح می شود و قدرت نیز در خدمت آنان قرار می گیرد. در این عصر سرچشمه اخلاق، دین و وحی الهی و شریعت آسمانی است که تکلیف و وظیفه مردم را به شکل مطلوبی تبیین می کند و....

این وعده قطعی و حتمی خداوند، تخلف نمی پذیرد و حقّ با تمام توان و شکوه به پیروزی می رسد. از مجموع آیات و روایات استنباط می شود که قیام مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین مرحله از مبارزات حقّ در برابر باطل است. او تحقق بخش آرمان ها و خواسته های همه پیامبران و اولیای الهی است. به گفته شهید مطهری: «از آیات قرآن استفاده می شود که ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، حلقه ای است از حلقات مبارزه اهل حقّ و اهل باطل که به پیروزی نهایی اهل حقّ منتهی می شود. سهیم بودن یک فرد در این سعادت، موقوف به این است که آن فرد عملاً در گروه اهل حقّ باشد. آیاتی که بدان ها در روایات استناد شده است، نشان می دهد که مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف مظهر نویدی است که به اهل ایمان و عمل صالح داده شده است؛ مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان»(۱).

«در طول تاریخ گذشته و آینده، نبردهای انسان تدریجاً بیشتر جنبه عقیدتی و مسلکی پیدا کرده و می کند و انسان تدریجاً از لحاظ ارزش های انسانی، به مراحل کمال خود؛ یعنی به مرحله انسان آرمانی و جامعه آرمانی نزدیک تر می شود تا آنجا که در نهایت امر، حکومت و عدالت؛ یعنی حکومت ارزش های انسانی ــ که در تعبیرات اسلامی از آن حکومت مهدی تعبیر شده است ــ مستقر خواهد شد و از حکومت نیروهای باطل و حیوان مآبانه و خود

۱- قیام و انقلاب مهدی، ص۵۴.

خواهانه و خودگرایانه اثری نخواهد ماند».(۱)

پیروزی حق بر باطل با انقلاب جهانی مهدوی

در روایات به زیبایی، صحنه پیروزی حقّ بر باطل تصویر تصویر شده است:

– در این هنگام فجر دولت حقّ می دمد و تاریکی باطل را صحنه گیتی برچیده می شود (فعندها تیلألؤ صبح الحقّ وینجلی ظلام الباطل)(۲)؛

– زمانی که قائم قیام کند، هر دولت باطلی از بین می رود (اذا اقام القائم، ذهبت دوله الباطل)(۳)؛

– خداوند حقّ را به دست آنان، ظاهر می کند و باطل را با شمشیرهایشان نابود می سازد (یظهر الله الحق بهم و یخمد الباطل بأسیافهم)(۴)؛

– خداوند به دست او، حقّ را پایدار و پیروز و باطل را نابود می کند (یحقّ الله به الحقّ و یزهق الباطل)(۵)؛

– خداوند آنان (مهدی و یارانش) را مالک شرق و غرب جهان نموده، آیین اسلام را پیروز می گرداند و بدعت ها و باطل ها را به دست او و یارانش نابود می سازد (یملّکهم الله مشارق الارض و مغاربها و یظهر الدین و یمیت الله ــ عزّوجل ــ به و باصحابه البدع و الباطل)(۶)؛

– زمین را از دشمنان من پاک و میراث دوستانم می کند (اطهّر الارض من اعدائی و

۱- قیام و انقلاب مهدی، ص۴۴.

۲- کمال الدین، ج۲، ص۴۴۸.

۳- کتاب الغیبه طوسی، ص۲۳۹.

۴- امالی طوسی، ص۳۵۲، ج۷۲۶.

۵- احتجاج طبرسی، ج۲، ص ۶۰.

۶- تفسیر قمی، ج۲، ص۸۷.

اورثها اولیائی)(۱)؛

بر اساس پاره ای از احادیث قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زمانی رخ خواهد داد که سعید و شقی (گروه حقّ و باطل) به نهایت کار خود رسیده باشند؛ یعنی، هر چه این حرکت تاریخ رو به جلو می رود، هم شقی شقی تر و هم سعید سعیدتر می شود. شیخ صدوق روایتی از امام صادق علیه السلام نقل می کند بر اینکه: این امر تحقق نمی پذیرد؛ مگر اینکه هر یک از شقی و سعید به نهایت کار خود برسد.

پس سخن در این است که گروه «سعداء» و گروه «اشقیاء»، هر کدام به نهایت کار خود برسند، نه اینکه سعیدی در کار نباشد و فقط اشقیاء به منتها درجه شقاوت برسند. در روایات اسلامی، سخن از گروهی زبده است که به محض ظهور امام به آن حضرت ملحق می شوند. به هر حال از مجموع آیات و روایات استنباط می شود که «قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف »، پایان بخش عمر گروه باطل و اهل شقاوت است و در این دوران صالحان وحق پویان، به رهبری آن حضرت، اهل نجات و ظفرمندی خواهند بود.

شکل گیری انقلاب جهانی

انقلاب مهدوی ابتدا حالت تهاجمی و جنگی ندارد، بلکه نهضت مقدسی برای رهایی انسان ها و فرو کاهیدن از آلام و رنج بشری و سوق دادن آنان به کمال نهایی و سعادت سرمدی است. پیام واضح و آشکار این انقلاب «معنویت، عدالت و عقلانیت» است که همگان به آن دعوت می شوند.

از امام زین العابدین علیه السلام نقل شده است: «سپس در حالی که مردم اطرافش گرد آمده اند، به سمت مکه خروج می کند... [آنجا] قیام کرده، می گوید: ای مردم! من فلانی، فرزند فلانی هستم، من پسر رسول خدا هستم. شما را به همان چیزی دعوت می کنم که پیامبر خدا، شما را

۱- امالی صدوق، ص۶۳۲، ح۴.

به آن فراخوانده است».(۱) از امام صادق علیه السلام نیز نقل است که فرمود: «... به نزد مقام ابراهیم می آید و مردم را به حق فرا می خواند».(۲) صاحبان زرو زور و تزویر و طرفداران باطل (جبهه کفر و نفاق و فساد)، هجومی گسترده علیه انقلاب جهانی آغاز می کنند و خواهان نابودی آن هستند. اما وقتی امام دعوت عمومی خویش را شروع می کند، مردم رنجدیده و از همه جا مأیوس گرداگردش حلقه می زنند و با او بیعت می کنند. در اندک زمانی، سپاه انبوهی از مردان شجاع و فداکار و اصلاح گر جهان برایش مجهزّ می شود. در روایتی آمده است: « [یاران قائم] شرق و غرب جهان را می گیرند و تمامی موجودات جهان را مسخّر می کنند. هر یک از آنان نیروی چهل مرد دارد و قلوبشان از پاره های آهن سخت تر است؛ به طوری که اگر در راه هدف به کوه های آهن برخورند، آنها را پاره می کنند و تا وقتی که خشنودی خدا فراهم نشود، دست از قیام نمی کشند».(۳)

امام کاظم علیه السلام درباره تفسیر آیه ((وله اسلم من فی السموات و الارض طوعا و کرها)) می فرماید: «این آیه درباره قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف فرود آمده است؛ هنگامی که علیه یهود، نصارا، صابئین، مادی گرایان و برگشتگان از اسلام و کافران در شرق و غرب کره زمین قیام می کند و اسلام را به آنان پیشنهاد می نماید...».(۴)

امام رضا علیه السلام می فرماید: «به خدا قسم! وقتی قائم ما قیام کند، خداوند همه شیعیان ما را از تمام مناطق به دور او جمع خواهد کرد».(۵) حضرت باقر علیه السلام می فرماید: «گویا قائم را می بینم که سربازانش را به سراسر جهان گسیل می دارد».(۶) و نیز «مهدی علیه السلام، یاران خود را برای گرفتن

۱- امالی صدوق، ص ۵۸۲، ح ۷۷۱.

۲- امالی صدوق، ص۵۸۳، ح۷۷۹.

۳- کمال الدین، ج۲، ص۶۷۳.

۴- تفسیر عیاشی، ج۱، ص۱۸۳؛ اثبات الهداه، ج۳، ص۵۴۹.

۵- اثبات الهداه، ج۳، ص۵۲۴، ح۴۱۵.

۶- ارشاد مفید، ص۳۴۱؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۳۷.

بیعت، به سراسر جهان می فرستد و ستم و ستمگران را نابود می کند و شهرهای گشوده شده، برای او تثبیت می گردد و خداوند به دست مبارکش، قسطنطنیه را می گشاید».(۱)

با وحدت و انسجامی که در صفوف انقلابیون به وجود می آید و رهبری بی بدیل امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیروز و موفقیت کامل نصیب حق طلبان می شود و صالحان و شایستگان جانشین مجموعه قبلی می شوند.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مرحله آغازین پیروزی، همه حکّام جور و ستم را بر کنار می کند و صالحان حق طلب و عدالت گستر را به جای آنها منصوب می نماید: «... لیعزلَنَّ عنکم امراء الجور ولیطهرنَّ الارض من کلّ غاش»؛(۲) «... حکمرانان ستم پیشه را عزل می کند و زمین را از هر انسان نیرنگ باز و فریبکار پاک می سازد». امام باقر علیه السلام می فرماید: «هنگامی که امام قائم قیام می کند، دولت باطل بر چیده می شود (اذا قام القائم ذهبت دوله الباطل) »(۳) و «همانا نابودی پادشاهان ستمگر و ظالم به دست قائم ما است (ان زوال ملك الجبابره و الظلمه علی ید القائم منّا) ».(۴) به این ترتیب همه شهرها و کشورهای جهان را یک به یک از دست حکام فسادگر و ظالم خارج می کند و انقلاب جهانی خود را به همه جای عالم گسترش می دهد. این خیزش و جنبشی است که حق طلبان و مستضعفان عالم را در خود جای می دهد و در نتیجه اتحاد فراگیر و کنش جمعی و همگانی، به پیروزی می رسد. آنچه در این قیام نمود بیشتری دارد، شمول نجات بخشی و حق گستری آن، به همه طبقات و گروه های جامعه و به تمامی کشورها و مناطق عالم است. این نشانگر گسترده بودن وضعیت انقلابی و در نتیجه حتمی بودن انتقال قدرت است.

۱- ملاحم، ابن طاووس، ص۶۴.

۲- بحار الانوار، ج۵۱، ص ۱۲۰.

۳- منتخب الاثر، ص۵۸۷، ح۴۰۳.

۴- کمال الدین، ج۲، ص۳۵۴، ح ۵۱.

از نتایج درخشان انقلاب مهدوی، به وجود آمدن وحدت و انسجام پایداردر جهان است. در روایتی درباره امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده است: «هو الذی یجمع الکلم و یتّم النعم»(۱)؛ «او کسی است که وحدت کلمه را ایجاد می کند و نعمت را کامل می سازد».

ویژگی های حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

بعضی از مؤلفه ها و ویژگی های حکومت جهانی را می توان چنین برشمرد:

۱. جهان شمولی

حکومت حضرت مهدی جهان شمول و فراگیر بوده و جامع و شامل تمامی افراد بشر ــ در شرق و غرب زمین ــ است. هیچ یک از طبقات و گروه های انسانی از گستره آن خارج نبوده و هیچ بعدی از ابعاد زندگی (فرهنگ، سیاست، اجتماع، اقتصاد و ...) مورد غفلت قرار نگرفته است. در حالی که در سایر نظریه ها چنین نبوده و تنها طبقه و گروه خاصی مورد نظر بوده است؛ برای مارکس، «طبقه کارگر و پرولتاریا»، برای هگل، «نژاد برتر آلمانی»، برای یهود، «قوم برگزیده بنی اسرائیل»، برای فوکویاما، «جهان غرب» و ... واجد اهمیت است.

در روایات فراوانی درباره عصر ظهور آمده است: «زمین با نور پروردگارش منوّر می شود، سلطنت او، شرق و غرب جهان را در برمی گیرد»(۲)

۲. عدالت گرایی

عدالت؛ یعنی، برقراری مساوات و برابری؛ تقسیم عادلانه ثروت و نعمت؛ رفع ظلم و ستم و برپایی آیین دادگری و حق گرایی؛ ایجاد تعادل در همه امور (به خصوص رفتارها و پندارهای انسان ها) و قرار دادن هر چیز و هر کس در جای مناسب خود. «عدالت»، امری

۱- یوم الخلاص، ج۲، ص۶۶۳.

۲- کمال الدین، ج۱، ص ۲۸۰.

جامع و کامل است و منحصر در قسط و دادگری نیست، به همین جهت در سیاست، حقوق، اقتصاد _ و به خصوص اخلاق _ جایگاه ویژه ای دارد و تأمین فراگیر آن، وجه ممیّزه یک نظریه و آموزه برتر و موفق است.

«مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چنان عدالتی در جامعه برپا می کند که زندگان آرزو می کنند کاش مردگانشان زنده می بودند و از عدالت او بهره مند می شدند»(۱) و نیز: «چون قیام کند، به عدالت داوری می کند و در زمان او ستم ریشه کن می شود و ...».(۲)

۳. معنویت گرایی و کمال بخشی

تفسیر و تصویر راهبردی از عرصه های اساسی حیات بشر و نگرش جامع و کامل به امور، ایجاب می کند که ریشه و بنیاد تمامی مشکلات بشر، شناسایی و برای آن راه حل ارائه شود. با توجّه به آموزه های وحیانی و روایی و تجربه های زندگی بشری، انسان ها، بیش از آنکه از بی عدالتی، ناامنی، فقر، تبعیض و ... سختی ببینند؛ از فساد اخلاق و تباهی فکر رنج برده اند! ریشه تمامی جنگ ها، ظلم ها، بیدادگری ها، بت پرستی ها، حق کشی ها، طغیان ها و ناراحتی ها، عدم تزکیه و تربیت واقعی انسان ها و نداشتن رشد فکری و اخلاقی بوده است! اگر انسان به کمال و بلوغ عقلی و اخلاقی برسد و به کرامت و ارزش واقعی خود و دیگران پی ببرد؛ به هیچ عنوان در صدد استثمار و بهره کشی، ظلم و تبعیض، جنگ و خون ریزی و فساد و طغیان گری برنخواهد آمد و به حقوق دیگران تجاوز نخواهد کرد. در این صورت او به استغنای روحی و جسمی خواهد رسید و در اندیشه تکامل و تعالی همه جانبه خواهد بود.

از طرفی بر اساس آموزه های دینی بشر به دنبال کمال نهایی خود (تقرّب به خدا) است و این تنها در صورتی ممکن است که معنویت گرایی و رشد فکری و اخلاقی انسان ها و تزکیه

۱- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۵۰؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۶۳۹.

۲- ارشاد، ج۲، ص ۳۸۴؛ کشف الغمه، ج۲، ص ۴۶۵.

و تهـذیب و تعلیم آنـان، در اولویت نخست باشـد. بر این اسـاس زیربنایی ترین و بایسـته ترین برنامه ها و ایـده ها در حکومت جهـانی توجّه به ابعـاد معنوی و روحی انسان ها و کمال بخشـی او است؛ چنان که در روایت زیبایی آمـده است: «چون قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می گذارد و عقول آنها را متمرکز ساخته و اخلاقشان را به کمال می رساند».(۱)

برای تحقّق این ایـده، حضـرت به سـیرت و بـاطن انسـان هـا توجّه می کنـد و کیمیـای وجود آنان را نورانی و اخلاق و رفتار و پندارشان را الهی می سازد.

۴. حق گرایی (و ریشه کنی نمودهای باطل)

حیات سیاسی ـ اجتماعی انسان ها، همواره شاهد نزاع و ستیزش پیوسته حق و باطل همواره پیامبران و پیروانشان، مخالفت خود را با کفر و سـتمگری سـردمداران زر و زور و فساد، اعلام کرده و منافع نامشـروع و باطل آنها را به چالش کشـیده انـد. دعوت آنان به یکتاپرستی، حق گرایی و دادگری بوده که با منافع فراوان باطل گرایان تعارض داشـته است. اما سـرانجام تاریخ ـ طبق سنّت الهی ـ از آن حق و حق طلبان است تا تمامی موانع کمال و تعالی انسان برطرف گردد و حاکمیت خط توحید، بر تمامی قلوب و نفوس تحقّق یابد.

((جاء الحق و ذهب الباطل)) و چیرگی مهدی موعود، عصـر حاکمیت حق است. بر این اساس در «آموزه مهدویت» حق گرایی و باطل ستیزی، محور قرار می گیرد و جبهه توحید و ایمان، تقویت می شود. کفر و الحاد، شـرك و بت پرستی، افساد و طغیان گری و تزویر و زرمـداری، مهم ترین نمودهای «باطل گرایی» است که بر اساس این دکترین، ریشه کن شـده و شـریران از بین می رونـد؛ چنان که امام هادی علیه السـلام می فرمایـد: «خداونـد حق را به دست او تحقّق می بخشد و باطل را نابود می کند». آن گاه حضرت آیه ((بقیه الله خیرٌ لکم)) را قرائت کرد و

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص۳۳۶؛ منتخب الاثر، ص۴۸۲.

فرمود: «به خدا سوگند! بقیّه الله او است».(۱)

۵. تحقّق عبودیت و یکتاپرستی

تاریخ بشر، به جای اینکه آکنده از خداپرستی، عبادت و بندگی باشد، شاهد استکبار، عصیان گری و عبادت ستیزی بوده است! پرچمدار و نماد کامل این گمراهی و نافرمانی، شیطان و اعوان او هستند. شیطنت و گمراه گرایی ابلیس، باعث دوری انسان ها از مسیر واقعی تاریخ و ابتلای آنان به انواع انحراف ها و فسادها است. او برای پیشبرد مقاصد خود، در هر دورانی، از حربه ها و شیوه های مختلف بهره برده و در عصر حاضر شیطنت و عبادت ستیزی را به حد اعلای خود رسانده است! برای رسیدن انسان ها به قله های کمال و تقرّب و تحقق عبودیت و بندگی آنان، باید این مانع برداشته شود و آیین یکتاپرستی و پرستش گری، حاکم گردد. بر اساس «اندیشه مهدویت»، جامعه باید از آسیب ها و موانع نزدیکی انسان به خدا پیراسته و زمینه ها و بسترهای عبادت و عبودیت او فراهم شود. با نابودی شیطان در عصر ظهور و حاکمیت کامل توحید و خدا محوری، این امر محقّق خواهد شد.

در روایات آمده است: «مهدی، دل های بندگان را با عبادت و اطاعت پرمی کند»(۲) و «همه مردم بر عبادت خدا گراییده، به اجرای احکام شریعت و دیانت روی می آورند(۳)» و نیز: «زمانی که قائم قیام می کند، جز خدا را عبادت نمی کنند»(۴) و «زمینی باقی نمی ماند، مگر آنکه گل بانگ توحید در آن بلند می گردد».(۵)

۱- یوم الخلاص، ج۲، ص۶۶۳.

۲- کتاب الغیبه، ص ۱۷۹.

۳- منتخب الاثر، ص ۵۹۲، ح۴.

۴- تأویل الآیات الظاهره، ص ۳۶۹.

۵- تفسیر عیاشی، ج۱، ص ۱۸۳.

۶. خشونت ستیزی (ظلم، جنگ، ناامنی و ...)

یکی از مشکلات زندگی بشری، جنگ ها، ناامنی ها، بیدادگری ها و ظلم ها است. تاکنون هیچ مکتب و اندیشه ای نتوانسته این معضل و دشواری را از مقابل انسان ها بردارد و جهان را به ساحل ثبات و صلح برساند. پس از جنگ های دهشتناک اول و دوم جهانی، بیشتر کشورها با تشکیل جامعه ملل و سازمان ملل متحد، امید به آرامش و صلح جهانی داشتند! اما همین سازمان ها، خود تبدیل به حربه اشغال گری و جنگ شدند و بر بیشتر نزاع های جهانی و منطقه ای مهر تأیید نهادند (مثل اشغال عراق) و یا از حل کوچک ترین منازعات، ناتوان ماندند.

در رویکرد صحیح و جامع، هم باید ریشه آن (استکبار، شهوت، مقام پرستی و جنایت گری) خشکانده شود و هم تمامی عاملان آن از بین بروند. تربیت و تعلیم مردم نیز باید طوری باشد که از تجاوزگری و خون آشامی روی گردان بوده و خود عامل ایجاد صلح و دوستی باشند. این نگره، تنها در پرتو «آموزه مهدویت» قابل ارائه و دستیابی است و از وجوه ویژه آن نیز، ایجاد صلح دائمی و جهانی است: «کینه ها از دل مردم بیرون می رود و درّندگان و چهارپایان در صلح زندگی می کنند»(۱) و نیز: «در آن روز اختلاف های میان ملّت ها و دین ها رفع می شود».(۲)

تمامی منازعات و ستیزش های مستمرّ ــ به خصوص میان گروه حق و باطل ــ با قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به پایان خواهد رسید و پیروزی از آن حق گرایان و صلح طلبان خواهد بود.

۷. تأمین رضامندی و خشنودی مردم

در حکومت جهانی مهدوی توجّه به خواسته های واقعی مردم و جلب رضایت آنان، در

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶؛ منتخب الاثر، ص ۵۹۲.

۲- بحارالانوار، ج۵۳، ص ۲.

اولویت قرار دارد و برنامه ها و ایده های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی آن، در راستای تأمین همه نیازهای مادی و معنوی مردم و رفع تمامی مشکلات و کاستی ها است.

در واقع مردم در طول حیات دیرین خود، بر روی زمین، هیچ وقت شاهد رفع تمامی مشکل ها و تهیه نیازمندی های خود نبوده اند؛ اما این امر در «عصر ظهور» محقّق شده و موجبات خشنودی و شادی همگان فراهم خواهد شد.

گفتنی است بنا به ادعای فوکویاما، لیبرال ــ دموکراسی، مترقّی ترین و آخرین نظام مطلوب بوده و این فرجام (خوش) تاریخ است! در حالی که نهایت هنر آن، تأمین منافع طبقه خاصی در جامعه و جلب رضایت (مادی و ظاهری) اکثریت بوده است. اقلیت در این نظام، از بسیاری از امکانات و ابزار رفاه و رضامندی محروم بوده و آوازه عدالت برای آنان بیگانه است! در صورتی که در «آموزه مهدویت»، تمامی اقشار و گروه ها و همه خواسته های مشروع و به حق، مورد توجّه بوده و برنامه های بسیاری برای خدمت رسانی به مردم و جلب رضامندی آنان، اجرا خواهد شد.

در روایات آمده است: «در خلافت و رهبری مهدی، ساکنان زمین، آسمان و پرندگان در هوا، راضی و خشنودند»(۱) و «اهل آسمان و زمین، (به وجود او) شادمانند»(۲) و نیز: «همه از او خشنود و راضی می شوند».(۳)

۸. شایسته سالاری (حکومت صالحان و مستضعفان)

«شایسته سالاری» یکی از شاخصه های مهم حکومت جهانی و ویژگی برجسته حکومت گران و سیاست ورزان است. تا زمانی که عرصه سیاست، جولانگاه فرومایگان،

۱- کشف الغمه، ج۲، ص ۴۶۹.

۲- دلائل الامامه، ص ۲۵۰.

۳- کتاب الغیبه، ص ۱۷۸.

زورمندان، تزویرگران و ... باشد ـــ که تاکنون نیز چنین بوده است ـــ هیچ مشکلی از جامعه برطرف نخواهد شد و آتیه جهان، تیره و تار خواهد بود! اما آموزه مهدویت این نوید را می دهد که «یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مردانی اند که خدا را ـــ آن چنان که شایسته است ـــ شناخته اند»(۱) و «آنان در طریق عبودیت، اوّل جدیت و تلاش اند»(۲) و نیز «آنان خوبان امت اند... ».(۳)

و در تفسیر آیه ((أن الارض یرثها عبادی الصالحین)) آمده است: «منظور از اینکه زمین را بندگان صالح خدا به ارث می برند، مهدی قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران او هستند(۴)».

۹. دگرگونی های مثبت و سازنده

تاریخ زندگی بشر، شاهد تحوّلات و دگرگونی های بسیاری بوده و مراحل مختلفی را پشت سر نهاده است. معمولاً در هر مرحله ای، امور جدیدی حادث شده و تحوّل شگرفی رخ داده است. مهم ترین ویژگی این تحوّلات ـــ به خصوص در عصر حاضر ـــ دگرگونی های مادی و پیشرفت های صنعتی و تکنولوژیکی است. حال ممکن است این پرسش رخ نماید که نتیجه این تحوّلات چیست و نقطه پایانی و اوج آن کجا است؟ و آیا این نوسازی، همیشه تأثیر های مثبت و سازنده ای بر زندگی انسان ها داشته است، یا نقاط منفی و چالش برانگیزی نیز در آنها وجود دارد؟

در پاسخ گفتنی است که این تغییر ات هم جنبه مثبت دارد و هم جنبه منفی. در وجه مثبت آن، زندگی مادی انسان ها بهبود یافته و آنان از مزایای بهداشت، سوادآموزی، صنعت و ... بهره مند شده اند. حتّی فرهنگ و هنجارهای جوامع تغییریافته و الگوهای هم سان و یک پارچه، ترویج شده است. اما وجوه منفی این تحوّلات ـــ به خصوص ابعاد دین ستیزانه،

۱- منتخب الاثر، ص ۶۱۱.

۲- یوم الخلاص، ص ۲۲۴.

۳- یوم الخلاص، ص ۲۲۴.

۴- تفسیر قمی، ج ۲، ص ۷۷.

تبعیض آمیز، حق گریزانه و فسادگرایانه آن ـ کام بشر را تلخ کرده و سطح رضامندی او را پایین آورده است.

امروزه مـدرنیسم، به عنوان نماد کامل تجدّد و تحوّل، دچار چالش های اساسـی و بحران های فراوانی (از قبیل بحران معنویت، هویت، مشارکت و ...) شده است و سرنوشت پسندیده ای برای آن متصوّر نمی شود.

از طرفی فساد و ناکارآمدی در ساختارهای مختلف قدرت، نفوذ کرده و موجب بی ثباتی و از هم گسـیختگی سیاست، اقتصاد و فرهنگ شده و مناسـبات ناعادلانه ای به وجود آورده است. و «آموزه مهدویت» عهده دار ترسیم مناسبات صحیح و انسانی و تحوّل و دگرگونی گسترده در همه ساحت ها و عرصه ها است.

۱۰. ایجاد انسجام و همدلی

یکی از وجوه بایسـته حکومت جهـانی، تحقّق هماهنگی، هم سانی و انسـجام در جامعه بشـری و میان آحاد مردم است. در این رویکرد، اختلاف ها، تمایزات، تکثّرات، تبعیضات و... از بین می رود و انسـجام، وحدت، یکرنگی و هم دلی کامل ایجاد می شود.

برنامه های حکومت

حکومت جهان اسلام به رهبری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دارای روح و ماهیت ویژه ای است که دیگر حکومتها از آن بی بهره انـد. مـاهیت حکومت اسـلام، آموزه هـای وحیانی است که به او تعلیم می دهـد که خـدای او یکی است و فقط باید در برابر او عبادت و کرنش کند و در رفتار و کردارش از دایره بندگی خدا بیرون نرود زیرا فرمود: «یعبدوننی لا یشـرکون بی شـیئاً» این حکومت پیامی دارد که در بستر عمل به ارزشـهای وحیانی، دنیای بهتری را به وی ارزانی بدارد و متأسـفانه آنچه در حکومت امروز بشـری کمتر یـا اصـلاً به چشم نمی خورد خـداست و عـدم پای بنـدی به وحی و اخلاق و ارزشـهای معنوی است.

ص:۱۸۳

اساساً تاروپود حکومت مادی بر سرمایه اندوزی، مال پرستی و سود بیشتر از هر طریق و ترفندی بناگذاری شده است. و این تاروپود جای عشق به خوبی ها، ارزشها، ایثار و مجاهدت ها و بالأخره زیبائیهای زندگی را اشغال کرده به طوری که جامعه انسانی را از گردونه خوبی ها حذف نموده.

استاد شهید مرتضی مطهری در این باره می نویسد: «فکر خدا و زندگی اخروی را باید کنار گذاشت... باید رأفت و رقت قلب را دور انداخت، رأفت از عجز است. فروتنی و فرمانبرداری از فرومایگی است. حلم و حوصله، عفو و اغماض، از بی همّتی و مستی است. مردانگی باید اختیار کرد. بشر باید به مرحله مرد برتر برسد، عزم و اراده داشته باشد این است روح حکومت مادی غرب که از باب نمونه به آن اشاره کردیم.»

آنان که به اصلاح جوامع بشری می اندیشند، و برای رفع عوامل بی عدالتی، ظلم، فساد و تباهی برنامه ریزی می کنند، به خوبی می دانند که سیمای ارائه شده در قرآن و احادیث اسلامی از وضعیت دوران پس از ظهور، الگویی کامل و عملی برای همه انسان های دوره غیبت است، که می توانند ساختار زندگی فردی و اجتماعی خود را بر اساس آن سامان بخشند و علی رغم، همه محدودیت ها، سمت و سوی حرکت اصلاحی خود و جامعه را، در جهت اصلاحاتِ عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام قرار دهند.

با نگاهی گذرا به آیات و روایات عصر حکومت امام زمان علیه السلام به دو ویژگی مهم و اساسی اصلاحات امام مهدی علیه السلام پی می بریم:

اول، این که اصلاحات و سامان بخشی های حکومتی امام زمان علیه السلام، جهانی است و در بردارنده سعادت، امنیت و آرامش برای همه انسان ها، در جای جای این کره خاکی خواهد بود.

دوم، آن که، اصلاحات مهدی علیه السلام مطابق با فطرت و ذات خداجوی انسان هاست و در قوانین آن، هیچ گونه تبعیض و برتری نژادی وجود ندارند و تمامی جامعه بشری، در برابر آن، یکسان اند.

ص:۱۸۴

ابعاد مختلف اصلاحات مهدی علیه السلام

اشاره

به طور کلّی، اصلاحات عصر ظهور را به سه بخش عمده می توان تقسیم کرد:

الف. اصلاحات اقتصادی

یکی از برنامه ها و اقدامات مهم مهدی علیه السلام اصلاحات اقتصادی و معیشتی و پدید آوردن رفاه در جامعه بشری است. آیات و احادیث مربوط به عصر ظهور، حاکی از آن است که در سراسر زمین، جامعه ای یکپارچه و منسجم تشکیل می شود که همه افرادش مثل یک خانواده با هم و در کنار هم در کمال صمیمیت، زندگی می کنند.

تردیدی نیست که بدترین اسارت برای بشر، فقر و گرسنگی است که لحظه ای آسایش و آرامش برای وی باقی نمی گذارد و زمینه های رشد و تکامل علمی و معنوی او را نابود می سازد، و همواره انسان را در اندیشه سیر کردن شکم و پوشاندن بدن و دستیابی به سایبان و بهبودی از درد و بیماری، گرفتار می کند و فرصتی باقی نمی گذارد تا انسان به نیازهای روحی و معنوی بیندیشد و برای رشد علمی خویش اقدامی انجام دهد. با اصلاحات اقتصادی حضرت مهدی علیه السلام، بشر، از این اسارت جانسوز فقر و تبعیض رهایی می یابد.

طبق احادیثی که از پیشوایان دینی درباره حکومت امام زمان به ما رسیده است، تأمین زندگی و رفاه در عصر ظهور به حدّی می رسد که مردم، زکات مالشان را در کیسه ها می گذارند و کنار کوچه قرار می دهند، ولی کسی پیدا نمی شود که آنها را بردارد و استفاده کند. ثروت های غصب شده نیز از غاصبان گرفته می شوند و مهدی، حقّ هر حقداری را می گیرد و به او می دهد، حتی اگر زیر دندان غاصبان باشد.[۱]

به طور کلی، اصلاحات اقتصادی امام مهدی علیه السلام را می توان در سه محور اصلی خلاصه نمود:

۱. به استخدام گرفتن ثروت های زمین و بهره برداری از آنها به نفع فرد فرد جامعه جهانی.

۲. باز پس گیری ثروت های غصب شده و اموال بادآورده و استفاده از آنها برای ارتقای سطح زندگی انسان های زمین.

ص:۱۸۵

۳. برقراری عدالت اجتماعی و مساوات، همراه با برنامه ریزی درست و صحیح برای آسایش و آرامش انسان ها.

ب. اصلاحات دینی و فرهنگی

اشاره

برای تشکیل جامعه واحد جهانی، وحدت دینی مردم جهان، یکی از ضروریات است. زیرا دین و جهان بینی، زیربنای تفکّر و روابط اجتماعی انسان است. بر همین اساس، اصلاحات دینی و فرهنگی امام مهدی علیه السلام در راستای تشکیل حکومت واحد جهانی، بر سه اصل، استوار است:

۱. اصلاح انحراف های فکری

یکی از مهم ترین بخش های اصلاحات دینی و فرهنگی امام مهدی علیه السلام، مقابله با انحرافات، کج روی ها و بدعت های دینی (بویژه در جوامع اسلامی) است.

۲. اصلاحات دینی

بعد از ظهور امام زمان علیه السلام و مبارزه ایشان با انحرافات فکری و عقیدتی (از طریق روشنگری و استدلال و تسخیر قلب ها و گستردن عدالت و محبّت) و نیز نزول حضرت عیسی علیه السلام و اقتدا نمودن او به مهدی علیه السلام در بیت المقدس، تقریبا تمامی مسیحیان و بسیاری از پیروان دیگر ادیان، به اسلام مهدی، ایمان می آورند۳ و در زمانی اندک، دین واحدی بر جهان، حاکم خواهد گشت و پرچم اسلام در تمامی نقاط جهان به اهتزاز درخواهد آمد.

مهدی علیه السلام با حاکم کردن توحید و فرهنگ اسلامی بر جامعه جهانی و از بین بردن زمینه های ظلم و فساد و فقر، در ساختن جامعه یگانه بشری به توفیقی بزرگ و بی مانند، دست می یابد.

۳. اصلاحات علمی فکری

یکی از زیباترین مراحل اصلاحات دینی و فرهنگی حکومت مهدی، رشد عقلی انسان ها و تکامل علم و دانش است. انسان در بعد عقلی و رشد فرهنگی، سیری طولانی داشته و زحمات

زیادی در این راه، متحمل شده و دستاوردهایی نیز حاصل نموده است؛ ولی کوشش انسان در مسیر تکامل و رشد، بیشتر به بُعد مادی جهان و زندگی انسان، معطوف بوده و در مسائل ماورای طبیعی، پیشرفت چندانی نداشته و همچنان مجهولات بی شماری پیش روی وی قرار دارد.

بدون شک، این مهم در زمان ظهور مهدی علیه السلام تحقّق می یابد و بشر به محضر استاد و معلّمی راه پیدا می کند که اوّلاً به خاطر اتّصال به منبع علم، هیچ مجهولی در عالم برایش وجود ندارد و ثانیا هدف او پرده برداری از مجهولات و ارتقای انسان ها تا اوج تکامل علمی و عقلی است.

ج. اصلاحات اجتماعی

بدیهی است حکومتی که بر اساس احادیث اسلامی، در مدتی کوتاه، بر دشواری ها چیره می گردد و نا به سامانی ها را از بین می برد و بذر امید در دل ها می کارد، از پشتیبانی همه جانبه مردمی برخوردار خواهد شد. نظامی که آتش ظلم و ستیز را خاموش کند و آسایش و امنیت و صلح و مهرورزی را چنان به جامعه بازگرداند که حیوانات نیز از آن، بهره مند شوند، این چنین حکومتی، اصلاحات اجتماعی وسیعی خواهد داشت.

ص:۱۸۷

فصل دهم: مدیریت مهدوی

اشاره

ص:۱۸۹

مدیریت و اداره جامعه منتظر، در صورتی کارآمد و مقبول خواهد بود که براساس الگوی مهدوی صورت گیرد. روایات و احادیث به روشنی مؤلفه ها و ویژگی های مدیریت مهدوی را بیان کرده اند

۱. ایجاد وفاق بین امّت

دولت مردان وظیفه دارند با الگو گرفتن از حضرت مهدی علیه السلام درصدد ایجاد وفاق ملّی و اتحاد اسلامی باشند همان گونه که روش حکومت حضرت مهدی علیه السلام این چنین است.

از امام صادق علیه السلام درباره حضرت مهدی علیه السلام نقل شده که فرمود:«... یظهر الله عزّوجلّ الحقّ و العدل فی البلاد و یحسن حال عامه العباد و یجمع الله الکلمه و یولّف بین قلوب مختلفه»؛(۱) «خداوند عزّوجلّ به واسطه او حق را ظاهر و عدل را در شهرها گسترش می دهد و حال عموم مردم را بهبود می بخشد و وحدت کلمه پدید آورده و بین قلب های گوناگون اُلفت ایجاد می کند.»

در دعای ندبه نیز آمده است: «این جامع الکلمه علی التقوی»؛(۲) «کجاست آن کسی که سخن ها را بر تقوا جمع می کند.»

و نیز از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «فوالله یا مفضل لیرفع عن الملل و الادیان الاختلاف و یکون الدین کلّه واحداً»؛(۳) «به خدا سوگند! ای مفضل به طور حتم از ملت ها و دین ها اختلاف را برمی دارد و تمام دین یکی خواهد شد.»

۱- کمال الدین، ص ۶۴۷، ح ۷ ; بحارالانوار ج ۵۲، ص ۱۲۸، ح ۲۰.

۲- اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۵۰۹.

۳- بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۴.

۲. پناه مردم بودن

مسئولان کشور اسلامی باید در شداید و مشکلات پناهگاه مردم باشند.

در روایتی آمده است: «یأوی الی المهدی امّته کما یأوی النحله الی یعسوبها...»؛(۱)«امّت مهدی به او پناه می برند، همان گونه که زنبور به دور ملکه خود می گردد.»

و نیز در روایتی نقل شده است: «یخرج المهدی فی امّتی، یبعثه الله غیاثا للناس»؛(۲)«از میان امّت من مهدی ــ علیه السلام ــ قیام می کند، خداوند او را برای فریادرسی مردمان بر می انگیزاند.»

۳. جاذبه داشتن

مسئولان باید سعی کنند برای مردم و حتّی غیر مسلمانان جاذبه داشته و با سخنان و عملکرد خود مردم را به اسلام جذب نمایند همان گونه که عملکرد حضرت مهدی علیه السلام چنین خواهد بود.

در روایتی آمده است: «فاذا نظرت الیه الیهود اسلمت الاّ قلیلا منهم»؛(۳) «چون یهود بر او نظر کند به جز اندکی، ــ همه ــ اسلام خواهند آورد.»

۴. سبقت گرفتن در کارهای نیک

دولت مردان اگر بخواهند جامعه مهدوی گردد و زمینه ساز عملی حکومت او باشند، باید به آن حضرت و اصحابش اقتدا کرده و در خوبی ها از دیگران سبقت بگیرند.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که در تفسیر آیه (فاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ ما تَكونُوا...)؛(۴) «در نیکی ها و اعمال خیر، بر یکدیگر سبقت جویید، هر جا باشید...» فرمود:

۱- الحاوی للفتاوی، سیوطی، ج ۲، ص ۷۷.

۲- کشف الغمّه، ج ۲، ص ۲۷۰.

۳- البرهان، ص ۱۵۷.

۴- سوره بقره، آیه ۱۴۸.

«نزلت فی القائم و اصحابه»؛(۱) «این آیه در شان حضرت قائم ــ علیه السلام ــ و اصحاب او نازل شده است.»

۵. کوشش برای گسترش عدالت

دولت مردان باید نهایت سعی و کوشش خود را در گسترش عدل که یکی از اهداف حضرت مهدی علیه السلام است، به کار گیرند.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که در باره حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «... یملأ قلوب عباده و یسعهم عدله»؛(۲) «... دل های بندگان را پر از عدالت کرده و عدلش فراگیر می شود.»

در حدیثی آمده است: «اما والله! لیدخلنّ علیهم جوف بیوتهم کما یدخل الحرّ و القرّ»؛(۳) «آگاه باشید به خدا سوگند! به طور حتم عدالت او داخل خانه های آنان خواهد رفت همان گونه که گرما و سرما چنین خواهد کرد.»

۶. بی نیاز کردن مردم با معنویات

مسئولان باید سعی کنند تا مردم را با معنویات و نورانیّت دل بی نیاز کنند. در روایتی می خوانیم: «انّ قائمنا اذا قام اشرقت الأرض بنور ربّها و استغنی الناس»؛(۴) «چون قائم ما قیام کند زمین به نور پروردگارش روشن می گردد و مردم همگی طلب بی نیازی می کنند.»

۷. جلب رضایت مردم

کسانی که به حکومت و یا پست و مقامی رسیدند باید در حدّ امکان رضایت ارباب رجوع را به دست آورده و آنان را خشنود سازند.

ص:۱۹۲

۱- غیبت نعمانی، ص ۲۴۱، ح ۳۷.

۲- بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۷۴، ح ۲۴، الغیبه، طوسی، ص ۱۷۹، ح ۱۳۷.

۳- بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲، ح ۱۳۱، الغیبه، نعمانی، ص ۲۹۷.

۴- الغیبه، طوسی، ص ۴۶۸، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۰، ح ۵۲.

درباره حکومت حضرت مهدی علیه السلام می خوانیم: «یرضی فی خلافته اهل الارض و اهل السماء و الطیر فی الجوّ»؛(۱) «در ایام خلافتش اهل زمین و آسمان و پرندگان هوا راضی خواهند شد.»

و در روایتی دیگر آمده است: «یرضی عنه ساکن السماء و ساکن الارض»؛(۲) «از او ساکنان آسمان و زمین راضی گردند.»

و نیز آمده است: «یحبّه ساکن السماء و ساکن الارض... یتمنی الحیاء الاموات لیروا العدل و الطمانینه...»؛(۳) «اهالی آسمان و زمین او را دوست می دارند... و زنده ها آرزو می کنند که ای کاش مرده ها زنده بودند تا عدالت و آرامش را به چشم خود می دیدند.»

۸. حفظ ارتباط مردمی

مسئولان و دولت مردان گرچه به جهت مسایل امنیتی و اشتغالات زیادی که دارند نمی توانند زیاد با مردم ارتباط نزدیک داشته باشند ولی وظیفه دارند تا ارتباط مردمی را حفظ کرده و از درد دل آنان آگاهی پیدا کنند، همان گونه که حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت صغری ارتباط خود را با مردم از راه وکلاـ و سفیران حفظ نمود، ولی چون از این راه سوءاستفاده ها شد و مدعیان سفارت پدید آمدند و برای مردم و امام مشکل ساز شدند، لذا نظام سفارت و وکالت برچیده شد و بعد از آن، خود حضرت در مواقع ضروری به فریاد شیعیان رسیده و رفع گرفتاری نمودند.

امام مهدی علیه السلام در توقیع خود به شیخ مفید می فرماید: «إنّا غیر مهملین لمراعاتکم، و لا ناسین لذکرکم، و لولا ذلک لنزل بکم اللأواء و اصطلمکم الأعداء»؛(۴) «ما از رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده ایم که اگر جز این بود دشواری ها و

۱- کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۹، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۸۰.

۲- کشف الغمه، ج ۳، ص ۴۷۱.

۳- کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۹.

۴- احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۳ ; الخرائج و الجرائج، ج ۲، ص ۹۰۳ ; بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵، ح ۷.

مصیبت ها بر شما فرود می آمد و دشمنان، شما را ریشه کن می نمودند.»

۹. معیار اخلاص در انتخاب وزیران

رئیس دولت اسلامی وظیفه دارد در انتخاب وزیران دو صفت را معیار قرار دهد، یکی اخلاص در عمل و دیگری برتری در علم. در حدیثی از امام جواد علیه السلام نقل شده که فرمود: «... فاذا اجتمعت له هذه العده من اهل الاخلاص اظهر الله امره...»؛(۱) «... چون برای حضرت این تعداد از مخلصین فراهم شود، خداوند امر او را ظاهر خواهد نمود...».

۱۰. دستور به عمران و نیکی

رئیس دولت اسلامی باید به وزیران خود دستور دهد تا به مردم نیکی کرده و شهرها را آباد نمایند. در حدیثی درباره حضرت مهدی علیه السلام آمده است: «یفرّق المهدی اصحابه فی جمیع البلدان و یأمرهم بالعدل و الاحسان و یجعلهم حکاما فی الأقالیم و یأمرهم بعمران المدن»؛(۲) «... حضرت مهدی ـ علیه السلام ـ اصحاب خود را به تمام شهرها می فرستد و آنان را به عدل و نیکی فرمان داده و حاکمان در کشورهای اسلامی قرار می نماید و فرمان می دهد تا شهرها را آباد سازند.»

۱۱. انتخاب افراد نجیب

در انتخاب وزرا باید نجیبان را برگزید، همان گونه که حضرت مهدی علیه السلام در انتخاب وزیران چنین می نمایند.

امام صادق علیه السلام در روایتی اصحاب حضرت مهدی علیه السلام را این چنین تعریف می کند: «... و هم النجباء...»؛(۳) «... آنان افرادی نجیب می باشند...».

۱- کمال الدین، ص ۳۷۸، ح ۲، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۳، ح ۱۰.

۲- یوم الخلاص، ج ۲، ص ۶۵.

۳- دلائل الامامه، ص ۵۵۵.

۱۲. سخت گیری بر وزیران و کارگزاران

رئیس دولت اسلامی وظیفه دارد که بر وزیران خود سخت گیر بوده و از آنان حساب بکشد. در حدیثی آمده است: «المهدی... رحیم بالمساکین، شدید علی العمّال»؛(۱) «... مهدی ــ علیه السلام ــ بر مساکین رحیم و بر مدیران کشور سخت گیر است.»

از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «... یأخذ الوالی من غیرها عمّالها علی مساوی أعمالها و تخرج له الأرض افالیذ کبدها...»؛(۲) «... فرمانروایی که از این طایفه ــ امویان ــ نیست، عاملان حکومت را به جرم کردار زشتشان بگیرد ــ و عذری از آنان نپذیرد ــ. زمین گنجینه های خود را برون آورد.»

و نیز درباره حضرت مهدی علیه السلام نقل شده: «... لیعزلنّ عنکم امراء الجور»؛(۳) «... از بین شما فرماندهان و امیرانِ ظالم را عزل خواهد کرد.»

۱۳. عدالت در تقسیم بودجه

وظیفه دولت اسلامی است که بودجه کشور را علی السویه بین تمام استان ها و نقاط کشور و بین افراد گوناگون تقسیم نماید. همانگونه که حضرت مهدی چنین خواهد کرد.

در حدیثی آمده است: «فیبعث الله عزوجل عند ذلک مهدینا... ارحمهم بالرعیه و اعدلهم بالسویّه».(۴) «خدای عزوجل در آن هنگام مهدی ما را می فرستند... او که از همه بیشتر به رعیت خود رحیم بوده و از همه بیشتر به طور مساوات عدالت را اجرا می کند».

و در حدیثی دیگر آمده است: «اذا قام قائم اهل البیت قسّم بالسویّه و عدل فی الرعیه...»؛ «چون قائم اهل بیت قیام کند به طور مساوی بودجه را تقسیم کرده و در بین مردم به عدالت

۱- بشاره المصطفی، ص ۳۱۸، ح ۳۱.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۰، ح ۲۵.

۳- بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.

۴- بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۰۷، باب ۴۱.

رفتار خواهد نمود...».

۱۴. ایجاد اشتغال

دولت مردان وظیفه دارند تا برای مردم شغل فراهم ساخته و آنان را به کار و کسب مشغول سازند تا از این راه زندگی آبرومندانه ای را برای خود فراهم نمایند.

در حدیثی از امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام درباره حضرت مهدی علیه السلام چنین آمده است: «... یظهر صاحب الرایه... یمهّد الأرض...»؛(۱) «... صاحب پرچم ــ مهدی علیه السلام ــ ظهور می کند... و زمین را [برای کار کردن بر روی آن] آماده می سازد...».

۱۵. خدمت بی منّت

مسئولان و دولت مردان در نظام اسلامی نباید در خدمتگذاری به مردم بر آنان منّت گذارند. درباره حضرت مهدی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که فرمود: «یکون عند انقطاع من الزمان و ظهور الفتن رجل یقال له المهدی، عطاؤه هنیئا»؛(۲) «هنگام گذشتِ بخشی از زمان و ظهور فتنه ها مردی خواهد آمد که به او مهدی می گویند، عطاهای او گواراست.»

گوارا بودن عطای حضرت مهدی علیه السلام ممکن است کنایه از بی منت بودن آن باشد زیرا که اگر کسی چیزی را با منت به شخصی دهد برای او گوارا نخواهد بود.

۱۶. ساده زیستی

مسئولان و دولت مردان نظام اسلامی باید ساده زیست بوده و رعایت حال مستضعفان جامعه را بنمایند همان گونه که حضرت مهدی علیه السلام ــ اگر چه جهان را فتح می کند و تمام امکانات جهان به دست او می رسد ــ خودش ساده زیست است.

از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «فوالله ما لباسه الاّ الغلیظ و لا طعامه الاّ

ص:۱۹۶

۱- منتخب الأثر، ص ۲۱۰.

۲- بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۸۲و۹۲.

الجشب»؛(۱) «به خدا سوگند! که لباس حضرت غلیظ و غذایش خشک است.»

۱۷. دل نبستن به غیر خدا

دولت مردان باید مشغول خدمت به خلق خدا باشند و بر پست و مقام و هیچ چیز دیگری جز خدا دل نبندند، زیرا که همه چیز به دست باکفایت اوست.

از امام علی علیه السلام نقل شده که درباره اصحاب و کارگزاران حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «... و لا ـ یفرحون بأحد...»؛(۲) «... به کسی ــ جز خدا ــ دل نمی بندد.»

۱۸. اطاعت از دستورات رهبر

مسئولان نظام اسلامی باید گوش به فرمان رهبر بوده و مطیع دستورات او باشند.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «کأنّی أنظر الی القائم و اصحابه فی نجف الکوفه، کانّ علی رؤوسهم الطیر»؛(۳) «گویا به قائم و اصحاب او در نجفِ کوفه نظر می کنم، گویا [از شدت توجه به امام خود] بر سرهایشان پرنده نشسته است.»

و نیز در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «یتمسّحون بسرج الامام علیه السلام یطلبون بذلک البرکه و یحفوّن به، یقونه بأنفسهم فی الحروب، و یکفونه ما یرید فیهم»؛(۴)«به زین امام علیه السلام دست می کشند و از آن طلب برکت می نمایند و دور او می چرخند، و با جان های خود از او در جنگ حفاظت می کنند و آنچه را که از آنان می خواهد خودشان به تنهایی انجام می دهند.»

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «یکون لصاحب هذا الامر غیبه فی بعض هذه الشعاب. ثم أومأ بیده الی ناحیه ذی طوی، حتی اذا کان قبل خروجه بلیلتین انتهی المولی الذی یکون بین

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۲۳۹.

۲- مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۵۴.

۳- اثباه الهداه، ج ۳، ص ۵۸۵، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶.

۴- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، باب ۲۶.

یـدیه حتی یلقی بعض أصـحابه فیقول: کم انتم هاهنـا؟ فیقولون نحن من اربعین رجلًا، فیقول: کیف انتم لوقـد رأیتم صاحبکم؟ فیقولون: والله! لو یأوی بنا الجبال لأویناه معه، ثم یأتیهم...»؛(۱) «برای صاحب این امر غیبتی است در برخی از درّه ها. آنگاه به دسـتش به نـاحیه ای از ذی طوی اشـاره نمود. و چون دو شب قبـل از خروج او می شود یکی از موالیان امام برخی از اصـحاب حضـرت علیه السـلام را ملاقات می کنـد به او می گویـد: شـما چند نفرید در اینجا؟ می گویند: حدود چهل نفر. او می گوید: اگر صاحب خود را ببینیـد چه حالی داریـد؟ می گوینـد: به خـدا سو گنـد! اگر ما را بخواهد به کوه ها ببرد ما همراه او خواهیم بود، در آن هنگام است که حضرت به سراغ آن ها می آید...».

از امام صادق علیه السـلام نقل شده که فرمود: «له... رجال کانّ قلوبهم زبر الحدید... هم أطوع له من الأمه لسیّدها»؛(۲) «برای حضـرت مهـدی علیه السـلام ... مردانی است که قلب هـای آن هـا گویـا پـاره های آهن است، آنان نسـبت به امامشان از کنیز نسبت به مولایش مطیع ترند.»

۱۹. انتخاب کارگزاران باانگیزه

حاکم اسلامی باید به دنبال نیروهای باانگیزه و با اخلاص باشد هر چند تعداد آنان کم باشد چرا که این گونه نیروها می توانند اثرگذاری بیشتری داشته باشند همان گونه که حضرت مهدی علیه السلام حکومت جهانی را با ۳۱۳ نفر از یاران باانگیزه شروع خواهد کرد.

از امام صادق علیه السـلام نقل شده که فرمود: «... و قد وافاه ثلاثمائه و بضـعه عشر رجلا فیبایعونه...»؛(۳) «... سیصد و سیزده نفر خدمت او رسیده و با او بیعت می کنند...».

ص:۱۹۸

۱- بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۱.

۲- بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۳- بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷، ح ۷۷.

۲۰. توجیه مردم در کارها

مسئولان باید قبل از شروع در هر کاری مردم را در مورد آن کارها توجیه نمایند همان گونه که حضرت مهدی علیه السلام نیز چنین خواهد نمود.

از امام باقر علیه السلام نقل شده که حضرت مهدی علیه السلام در خطبه ای هنگام ظهورش می فرماید: «... اذکرکم الله ایّها الناس و مقامکم بین ربّکم، و قد اکدّ المحجّه و بعث الانبیاء و انزل الکتاب، یأمرکم ان لا تشرکوا به شیئا و ان تحافظوا علی طاعته و طاعه رسوله صلی الله علیه و آله و سلم، و ان تحیوا ما احیا القرآن و تمیتوا ما امات، و تکونوا اعوانا علی الهدی و وزراء علی التقوی»؛(۱) «... ای مردم! شما را به یاد خدا می اندازم و به جایگاه شما نزد پروردگارتان یادآوری می کنم، او بر حجت تاکید کرده و انبیا را مبعوث نموده و قرآن را نازل کرده است. شما را دستور می دهد که به او هیچ گونه شرک نورزید و بر اطاعت او و رسولش صلی الله علیه و آله و سلم محافظت داشته باشید، و آنچه را که قرآن احیا کرده، زنده کنید، و آنچه را از بین برده زنده نکنید و کمک کار مردم بر هدایت و تاکید کننده بر تقوا باشید.»

۲۱. عمل به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حکومت داری

مسؤولان باید سعی و کوشش خود را به کار برده تا با الگوگیری از حضرت مهدی علیه السلام در پیروی از سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم احیاگر سیره آن حضرت باشند.

از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که درباره حکومت حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «... ثم تکون خلافه علی منهاج النبوه...»؛(۲) «... سپس خلافتی خواهد بود که بر روش نبوت و سیری نبوی است...».

ص:۱۹۹

۱- الملاحم و الفتن، ص ۱۳۷، باب ۳۰.

۲- مسند احمد، ج ۴، ص ۲۷۳.

۲۲. عقب نشینی از مواضع اصولی ممنوع

وظیفه هر شخصیت سیاسی و دینی آن است که بر مواضع اصولی خود پافشاری کرده و هرگز از آن ها عدول ننماید مگر در جایی که مصلحت اهمّی در میان باشد.

از امام علی علیه السلام نقل شده که حضرت مهدی علیه السلام در کنار کوه صفا با اصحاب خود چنین عهد می بندد: «انا معکم علی ان لا تولّوا...»؛(۱) «من با شما همراهم در صورتی که از مواضع خود برنگیرد...».

۲۳. ارتباط دائم با وزیران

حاکم اسلامی در صورتی که افراد تحت امر خود را مطیع یافت باید با آنان ارتباط ویژه برقرار کرده و اجازه دهد تا هر وقت که خواستند به ملاقاتش بیایند.

از امام علی علیه السلام نقل شده که حضرت مهدی علیه السلام بعد از پیمان هایی که با کارگزاران خود می بندد می فرماید: «... فاذا فعلتم ذلک فعلی ان لا اتخذ حاجباً»؛(۲) «... چون چنین نمودید بر من است که برای خود دربان و پاسداری قرار ندهم [تا هر وقت که خواستید با من ملاقات داشته باشید].»

۲۴. رحمت، قبل از خشونت

حاکم اسلامی وظیفه دارد تا با الگوگیری از حضرت مهدی علیه السلام، قبل از دست زدن به هر گونه اقدام عملی، افراد شرور را دعوت به بازگشت و توبه از کارهای زشت نماید و در صورتی که این طریق جواب نداد دست به اقدام عملی بزنند.

از امام باقر علیه السلام نقل شده که امام زمان علیه السلام قبل از ظهورش کسی را به سوی اهالی مکه می فرستد و به او دستور می دهد که به مردم بگو: «یا اهل مکه! انا رسول فلان الیکم و هو

۱- منتخب الأثر، ص ۱۵۴.

۲- منتخب الأثر، ص ۱۵۴.

یقول لکم: انّا اهل بیت الرحمه و معدن الرساله و الخلافه...»؛(۱) «ای اهالی مکه! من فرستاده فلان شخص [حضرت مهدی علیه السلام] به سوی شمایم و پیام او به شما این است که ما اهل بیت رحمت و معدن رسالت و خلافتیم...».

۲۵. استحکام حکومت با بر طرف کردن ظلم

وظیفه دولت مردان اسلامی در جامعه مهدوی نابودی ظلم و تعدّی و تجاوز و عدالت محوری است و این که سعی کنند تا با ظالم برخورد کرده و ریشه او را بخشکانند، از این طریق است که اهالی کشورها با میل و رغبت به او تمایل خواهند نمود، همان گونه که حضرت مهدی علیه السلام با ریشه کردن ظلم و اهلش، کشورها را تصرف خواهد کرد.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که درباره حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «... ویبعث المهدی جنوده الی الآفاق و یمیت الجور و اهله و تستقیم له البلدان...»؛(۲) «... مهدی لشکرش را به اطراف می فرستد و ظلم و اهلش را نابود کرده و [اهالی] کشورها مطیع او می گردند...».

مسئولان قضایی نظام اسلامی و قضات باید چنان عدالت گستر باشند که کسی جرأت ظلم و تعدی به افراد را نداشته باشد.

از امام رضا علیه السلام نقل شده که درباره حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «... و هو صاحب الغیبه قبل خروجه، فاذا خرج أشرقت الأرض بنوره، و وضع میزان العدل بین الناس فلا یظلم احدٌ احداً...»؛(۳) «... و او قبل از خروجش غائب گردد، و چون ظهور نماید زمین را به نورش پرتوافکنی نماید، و ترازوی عدل را بین مردم قرار دهد تا مردم به یکدیگر ظلم نکنند...».

۱- بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

۲- الفتاوی الحدیثیه، ص ۳۱.

۳- اکمال الدین، ص ۳۷۱، باب ۳۵.

۲۶. تشویق کارگزاران مخلص

دولت مردان اسلامی وظیفه دارند تا با الگوگیری از حضرت مهدی علیه السلام کارگزاران مخلص و متعهد را تشویق و تمجید نمایند.

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در توقیعی به شیخ مفید (رحمه الله) فرمود: «للأخ السدید، و الولی الرشید، الشیخ المفید، أبی عبدالله محمّد بن محمّد بن النعمان، أدام الله اعزازه... امّا بعد: سلام علیک أیّها الولی المخلص فی الدین، المخصوص فینا بالیقین...»؛(۱) «به برادری که مورد تأیید بوده و دوست رشید ما، ابوعبدلله محمّد بن نعمان که خداوند عزّتش را مستدام گرداند... امّا بعد، سلام بر تو ای دوست دینی مخلص ما و کسی که در راه ما به یقین مخصوص رسیده ای...».

همچنین در ادامه نامه آمده است: «... و نُعْلِمک _ أدام الله توفیقک لنصره الحق و أجزل مثوبتک علی نطقک عنّا بالصدق _ انّه قد أُذِن لنا فی تشریفک بالمکاتبه، و تکلیفک ما تؤدّیه عنّا إلی موالینا قِبَلک...»؛(۲) «... به تو اعلام می دارم _ خداوند توفیقت را برای یاری حق مستدام گردانیده و به جهت صداقت در گفتارت تو را جزای خیر دهد _، به ما اجازه داده شده تا شما را مشرّف به نوشتن نامه نماییم و در آن تو را مکلّف به ادای وظایفی کرده ایم که باید به شیعیانمان برسانی...».

۲۷. خبر گرفتن از احوال مردم

مسؤولان بلندپایه نظام اسلامی گرچه به جهت وظایف سنگینی که بر عهده دارند و نیز به جهت مسایل امنیتی که در نظر می گیرند نمی توانند با مردم ارتباط نزدیک داشته باشند ولی وظیفه دارند تا اطلاعات دقیقی از وضعیت و مشکلات مردم داشته و از آن ها آگاه باشند.

۱- احتجاج، ص ۴۹۵.

۲- احتجاج، ص ۴۹۵.

از امام زمان علیه السلام نقل شده که در توقیعی به شیخ مفید (رحمه الله) فرمود: «نحن و ان کنّا نائین بمکاننا النائی عن مساکن الظالمین، حَسْبَ الذی اراناه الله تعالی لنا من الصلاح و لشیعتنا المؤمنین فی ذلک ما دامت دوله الدنیا للفاسقین، فانّا نحیط علماً بأنبائکم، و لا یعزب عنّا شیء من اخبارکم و معرفَتِنا بالذلّ الذی اصابکم...»؛(۱) «... ما گرچه به جهت دور ماندن از مکان های ظالمین از شما دوریم به جهت مصلحتی که خداوند متعال برای ما تدارک دیده است، ولی اطلاع کامل از احوال شما داشته و هرگز چیزی از اخبار شما و مصیبت هایی که بر شما وارد می شود بر ما مخفی نخواهد بود...».

۲۸. اهل کوشش و تلاش

مسئولان نظام اسلامی باید همیشه آماده خدمت و تلاش بوده و هرگز در این راه از خود سستی نشان ندهند همان گونه که کارگزاران حضرت مهدی علیه السلام این گونه می باشند.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که درباره حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «یجمع الله له من أقاصی البلاد علی عده اهل بدر... کدّادون، مجدّون فی طاعته»؛(۲) «خداوند برای او از دورترین کشورها به تعداد اهل بدر [سیصد و سیزده نفر] جمع می کند، که همگی اهل کوشش و جدّیت در راه اطاعت او هستند.»

۲۹. گسترش علم

مسئولان نظام اسلامی باید برای گسترش علوم مختلف سرمایه گذاری کرده و بودجه خاصّی را برای آن در نظر گیرند همان گونه که یکی از کارهای مهم امام زمان علیه السلام بعد از ظهور، گسترش علم است.

از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که درباره حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «... یملأ الله عزّوجلّ به

۱- احتجاج، ص ۴۹۵.

۲- کمال الدین، ج ۱، ص ۲۶۸، باب ۲۴، بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۰.

الأرض نوراً بعد ظلمتها و عدلا بعد جورها و علماً بعد جهلها»؛(۱) «... خدای عزّوجلّ به واسطه او زمین را بعد از تاریکی پر از نور کرده و پس از ظلم پر از عدل نموده و پس از جهل پر از علم نماید.»

۳۰. فروتنی نسبت به برادران دینی

مسئولان در نظام اسلامی باید در مقابل ملّت متواضع بوده ولی در مقابل دشمنان ایستادگی نموده و تسلیم خواسته های نامشروع آن ها نشوند.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که درباره اوصاف حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «اذلّه علی المؤمنین، اعزّه علی الکافرین»؛(۲) «در برابر مؤمنان ذلیل و در مقابل کافران با عزّت است.»

۳۱. امانت داری

حاکمان اسلامی و عموم مردم باید امانت دار باشند همان گونه که حضرت مهدی علیه السلام چنین خواهد بود.

درباره آن حضرت آمده است: «... القائد العادل الحافظ لما استودع»؛(۳) «... رهبری عادل که نگه دار آن چیزی است که نزد او به امانت گذاشته شده است.»

۳۲. قوت قلب

دولت مردان نظام اسلامی باید در مقابل مشکلات و دشمنان استقامت داشته و با قوت قلب به مقابله با آن ها بپردازند.

از امام صادق علیه السلام درباره کارگزاران حضرت مهدی علیه السلام نقل شده که فرمود: «له... رجال کأنّ

۱- کمال الدین، ص ۲۶۰، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۲۵۲، باب ۴۱.
۲- غیبت، نعمانی، ص ۳۱۶، باب ۲۱، ح ۱۳.
۳- بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۶۹، ح ۱۵۸.

قلوبهم زبر الحدید...»؛(1) «برای حضرت... مردانی است که قلب هایشان همانند قطعه های آهن است...».

۳۳. روحیه شهادت طلبی

حاکم اسلامی باید افرادی را به عنوان وزیر و کاگزار انتخاب کند که روحیه جانفشانی برای اسلام و ملت داشته و با این حالت درصدد خدمت به مردم باشند.

از امام صادق علیه السلام درباره اصحاب و یاران حضرت مهدی علیه السلام نقل شده که فرمود: «و هم من خشیه الله مشفقون، یدعون بالشهاده، یتمنون ان یقتلوا فی سبیل الله، شعارهم یالثارات الحسین علیه السلام، اذا ساروا یسیر الرعب أمامهم مسیره شهر»؛(2) «و آنان از خشیت خداوند ترسانند، دعوت به شهادت می نمایند، و آرزو دارند که در راه خدا به شهادت برسند، شعار آنان "یالثارات الحسین علیه السلام " است، و چون حرکت کنند تا مسیر یک ماه، رعب و وحشت جلو آن ها حرکت خواهد کرد.»

ص:۲۰۵

۱- بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.
۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷ ; مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۱۴.

فصل یازدهم: آسیب شناسی

اشاره

ص:۲۰۷

برای هر فرهنگ و مجموعه معرفتی ممکن است آفت هایی روی دهد که مانع رشد و بالندگی آن فرهنگ باشد. فرهنگ دینی نیز گاهی به آفتهایی گرفتار می شود که حرکت رو به کمال آن را کُند می کند و بحث «آسیب شناسی دینی» عهده دار شناختن آن آفت ها و شیوه مقابله با آنهاست.

آسیب های فرهنگ مهدویت، مواردی است که غفلت از آنها موجب سستی اعتقاد مردم و به ویژه جوانان نسبت به اصل وجود امام مهدی علیه السلام و یا ابعاد مختلف شناخت آن بزرگوار است و گاهی نیز سبب گرایش به افراد یا مجموعه های منحرف می گردد. بنابراین آشنایی با این آسیب ها، منتظرانِ آن امام بزرگ را از کجروی در اعتقاد و عمل حفظ خواهد کرد.

به عنوان نمونه این امر در طول تاریخ، دچار آسیب هایی، از جمله مدعیان دروغین شده است. همین امر، دستاویزی برای برخی شده، تا اصل مهدویت و اعتقاد به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را زیر سؤال برند.

در اهمیت این مسئله همین بس که مولای متقیان حضرت علی علیه السلام می فرماید: «المصیبه بالدین اعظم المصائب؛ بزرگترین مصیبت، آفت در دین است» (۲). آری وقتی دینداری فرد دچار آفت شود، این بزرگ ترین مصیبت است.

شود که فرمود:

من لم یعرف مضرّه الشی لم یقدر علی الامتناع منه

هرکس آفت چیزی را نشناسد، قادر به خودداری و پیشگیری از آن نیست.

ما در اینجا مهمترین آسیب های فرهنگ مهدویت را در عنوان هایی جدا از یکدیگر مورد بحث قرار می دهیم:

۱. برداشت های غلط

از آسیب های مهم در فرهنگ مهدویت، تفسیرها و برداشت های نادرست از موضوعات

این فرهنگ اسلامی است. تحلیل نادرست و ناقص از روایات به دریافت غیر صحیح می انجامد که چند نمونه از آن را بیان می کنیم.

۱-۱. برداشت غلط از مفهوم «انتظار» سبب شده است که بعضی گمان کنند که چون اصلاح جهان از فسادها به دست امام عصرعلیه السلام خواهد بود ما در برابر تباهی ها و ناهنجاری ها هیچ وظیفه ای نداریم و بلکه ممکن است گفته شود که برای نزدیک شدن ظهور امام مهدی علیه السلام باید برای ترویج بدی ها و زشتی ها در جامعه اقدام کنیم!! این اندیشه نادرست در مقابل دیدگاه قرآن و اهل بیت علیهم السلام است که امر به معروف و نهی از منکر را از وظایف حتمی هر مسلمان می داند.

بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی رحمه الله در نقد این دیدگاه فرموده اند:

ما اگر دستمان می رسید، قدرت داشتیم باید برویم تمام ظلم ها و جورها را از عالم برداریم تکلیف شرعی ماست. منتهی ما نمی توانیم. این که هست این است که حضرت [امام مهدی علیه السلام] عالم را پر می کند از عدالت؛ نه شما دست بردارید از این تکلیفتان، نه این که شما دیگر تکلیف ندارید.(۱)

همچنین در ادامه بیانات خود فرموده اند:

[آیا] ما بر خلاف آیات شریفه قرآن دست از نهی از منکر برداریم؟ دست از امر به معروف برداریم و توسعه بدهیم گناهان را برای این که حضرت بیایند؟!(۲)

لازم به ذکر است که ما در ابتدای بحث «انتظار» درباره معنی صحیح انتظار سخن گفتیم.

۲-۱. یکی دیگر از برداشت های غلط در فرهنگ مهدویت، نشان دادن چهره خشونت آمیز از امام مهدی علیه السلام است.

بر خلاف تصوّر بعضی افراد که می اندیشند امام مهدی علیه السلام با شمشیر عدالت، دریایی

۱- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹۶.

۲- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹۶.

از خون به راه می اندازد و بسیاری را از دم تیغ عبور می دهد؛ امام عصرعلیه السلام مظهر رأفت و رحمت پروردگار است و مانند پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه وآله ابتدا همگان را با بیان روشن و دلائل آشکار به اسلام و قرآن می خواند و اکثر مردم دعوت آن حضرت را پاسخ می دهند و به او می پیوندند. بنابراین امام علیه السلام تنها با مخالفان سرسخت که آگاهانه از پذیرفتن حق سرباز می زنند و جز زبان شمشیر نمی فهمند با سلاح برخورد می کند.

۲. استعجال ظهور

یکی دیگر از آسیب های جدی در فرهنگ مهدویت، استعجال ظهور است. استعجال به معنی عجله کردن و خواستن چیزی قبل از رسیدن وقت آن و تحقّق زمینه های لازم برای آنست. انسان های عجول به خاطر ضعف نفس و کم ظرفیت بودن، متانت و سکون و آرامش خود را از دست می دهند و بدون در نظر گرفتن شرایط، خواهان تحقّق پدیده ها هستند.

در فرهنگ ناب مهدویت و در برخورد با مسئله انتظار امام غایب، انسانِ منتظر، پیوسته در طلب ظهور است و با تمام وجود و اشتیاق خواستار ظهور است و برای تعجیل امر فرج دعا می کند ولی هرگز عجله نمی کند و هر چه غیبت به درازا کشد و انتظار، طولانی شود. باز هم صبر و شکیبایی را از کف نمی دهد بلکه علیرغم شوق فراوان به ظهور، در برابر اراده پروردگار و خواست او کمال تسلیم را از خود نشان می دهد و برای تحقّق همه زمینه های لازم برای ظهور می کوشد و بردباری می کند.

عبدالرحمن بن کثیر گوید: خدمت امام صادق نشسته بودم که مهرم داخل شد و عرض کرد: قربانت گردم! به من خبر دهید این امری که در انظارش هستیم کی واقع می شود؟ امام فرمود: ای مهرم دروغ گفتند وقت گذاران و هلاک شدند شتاب کنندگان و نجات یافتند تسلیم شدگان.(۱)

۱- کافی ج ۲، ص ۱۹۱.

نهی از عجله و شتاب زدگی در امر ظهور به آن جهت است که به دنبال این پدیده، روحیه یأس و نومیدی در انسانِ منتظر، پیدا می شود؛ آرامش و صبوری را از دست می دهد و حالت تسلیم او به حالت گله مندی و شکایت تبدیل می گردد.

۳. تعیین زمان ظهور

از آسیب های فرهنگ مهدویت آن است که بعضی به دنبال تعیین زمان برای ظهور هستند. در حالی که زمان ظهور بر مردم مخفی است و در روایات پیشوایان دینی از تعیین وقت برای ظهور به شدت نهی شده است و وقت گذاران دروغگو شمرده شده اند.

از امام باقرعلیه السلام سؤال شد، آیا برای ظهور وقت (معینی) است؟

فرمود:

آنها که برای ظهور تعیین وقت می کنند دروغ می گویند. (و سه بار این جمله را تکرار کرد.)(۱)

با این حال بعضی آگاهانه یا ناآگاهانه برای ظهور تعیین وقت می کنند که کمترین اثر آن احساس یأس و ناامیدی برای کسانی است که این وعده های دروغین را باور کرده اند ولی خلاف آن را مشاهده کرده اند.

۴. تطبیق علائم ظهور بر مصادیق خاص

در روایات فراوان نشانه هایی برای ظهور امام مهدی علیه السلام بیان شده است امّا کیفیت دقیق و خصوصیات آنها روشن نیست و این بستری برای تحلیل ها و تفسیرهای شخصی و احتمالی گردیده است. هر چند گاهی بعضی در پی تطبیق علائم ظهور بر پدیده های موجود بر می آیند و بدینوسیله خبر از نزدیکی ظهور و احتمال قریب الوقوع بودن آن می دهند.

این جریان نیز از آسیب های فرهنگ مهدویت است که گاهی به یأس و ناامیدی از ظهور می انجامد. برای مثال وقتی شخصیت سفیانی به فردی خاصّ که در فلان منطقه است تفسیر

۱- غیبت طوسی، ح ۴۱۱، ص ۴۲۶.

شود و درباره دجّال، تحلیل های بی دلیل مطرح گردد و به دنبال آن بشارت ظهور در زمانی بسیار نزدیک، به همگان داده شود و پس از طی شدن سالیانی، امام علیه السلام ظهور نکند، عدّه ای به انحراف و اشتباه گرفتار می شوند و در اعتقادات صحیح خود دچار تزلزل و تردید می گردند.

۵. طرح مباحث غیرضروری

در فرهنگ ناب مهدوی معارف فراوانی است که پرداختن به آنها یک ضرورت شمرده می شود و نقش اساسی در جهت آگاهی بخشی به شیعیان دارد و برای ترسیم نحوه عملکرد آنها در زمان غیبت بسیار مهم است.

گاهی افراد و مجموعه ها در قالب گفتار و مقاله ها و نشریات و حتی کنفرانس ها به بحث هایی روی می آورند که هیچ ضرورتی برای طرح آنها احساس نمی شود و بلکه گاهی سبب ایجاد شبهه ها و سؤالات انحرافی در ذهن و اندیشه منتظران می گردد.

پرداختن به مباحثی از قبیل ازدواج حضرت و یا وجود فرزند برای آن بزرگوار و یا محل زندگی حضرت و مانند آن از نمونه های بحث های غیر ضروری است که بجاست جای خود را به مباحث کاربردی و تأثیرگذار در مسیر زندگی منتظران بدهد.

۶. مدّعیان دروغین

یکی دیگر از آسیب های معارف مهدویت، ظهور مدّعیان دروغین در این جریان مقدّس است. در طول سالیان غیبت امام مهدی علیه السلام افرادی به دروغ ادعا کرده اند که با آن حضرت، ارتباط خاص دارند و یا از سوی آن بزرگوار، به مقام نیابت خاص رسیده اند. در این باره در صفحات بعدی به تفصیل بحث خواهد شد.

۷. ملاقات گرایی

برخی تمام همّ خویش را در دیدار امام خلاصه کرده اند. اینان به دیگران نیز این گونه

القاء می کننـد، گویا هیـچ وظیفه ای جز دیدار امام ندارند. غافل از این که آنچه مهم است؛ توجه و عنایت امام است. خیلی ها امام زمان خویش را دیدنـد و بر امام شمشـیر کشـیدند. تـذکر دیگر این که گرچه عـده ای زیادی در طول تاریـخ خدمت امام رسـیده انـد. ولی فراموش نکنیم دوران، دوران غیبت است وقرار نیست همه به خدمت امام برسـند. بنابراین تأکید زیاد بر دیدار وملاک محبوبیت و معنویت را دیدار امام قرار دادن، باعث یأس و ناامیدی (در اثر عدم دیدار) و تکذیب باور مهدویت است.

دیدار امر مطلوبی است: اما آنچه مهم است و ویژگی منتظران امام است، انجام وظایفی است که برای او رقم زده اند.

مدعیان دروغین مهدویت، نیابت خاصه و عامه

همیشه کسانی بودهانـد که در مقابل گوهر ناب، بـدل آن را ارائه داده اند. در مقابل پیامبران، مدعیان دروغین پیامبری، قد علم کرده انـد. در بحث مهدویت نیز همیشه چنین بوده است. مخصوصاً با دست و حمایت دسـیسه بازان وسـیاست بازان، فرقه های متفـاوتی چون بهـائیت و... رخ نشـان داده انـد و مردمان بی بصـیرت را به وادی گمراهی کشانـده انـد. مـدعیان نیابت خاصه؛ ارتباط ویژه با امام، وکالت، پیام آوردن از امام و پیام نزد امام بردن، نیز به دلایل سیاسی یا هوی و هوس.

بر اسـاس واقعیت تاریخی، پس از رحلت پیامبر اسـلام، صـلی الله علیه و آله، و بویژه پس از شـهادت مولای متقیان امیر مؤمنان علیه السـلام، اسـلام از مسـیر اصلی و مستقیم خود خارج شد و تعصبات نژادی و اشرافیت ایرانی و رومی، دربار خلفای مسلمان را فراگرفت و روز به روز جامعه اسـلامی از شـعائر اسـلامی فاصله گرفت و عدالت اجتماعی رخت بربست و تفاخرات قومی و مذهبی به دنبال آن تبعیض های اجتماعی، سراسر جامعه اسلامی را فراگرفت.

رهایی از ظلم و جور حکام ستمگر بظاهر مسلمان و بازگشت به دوران بی آلایش و

ص:۲۱۳

معنوی و مساوات اسلامی صدر اسلام، آرمان همه دردمندان مسلمان از عالم و عامی بود.

برخی از آگاهـان بـا اطلاع از نارضایی عمومی جامعه و اعتقاد عموم شـیعیان به ظهور امام زمان علیه السـلام، ادعای مهـدویت نمودنـد تا با بسیج عمومی و غلیان احساسات پیروان خود، بساط ظلم و سـتم را برچینند. برخی نیز اعتقادات و احساسات پاک مردم را ابزاری برای کسب قدرت خود نمودند.

در سال ۶۶۵ ق. قیام بزرگ مردم فارس، تحت رهبری شیخ شرف الدین - که خود را مهدی خوانده بود - به وقوع پیوست که بشدت سرکوب شد.(۱) در سال ۸۴۵ ق. نیز قیام مشابهی در خوزسـتان ایجاد شـد که در راس آن سـید محمـد مشـعشع که از شیعیان افراطی (غالی) بود، قرار داشت. وی خود را «مقـدمه » ظهور امام غایب می خوانـد و پیشـگویی می کرد که وی بزودی ظهور خواهد کرد.(۲)

گذشـته از شـیعیان امامیه (اثنی عشریه) و سرزمین ایران، نهضت های سیاسی - اجتماعی متعددی توسط شیعیان غیر امامیه و نیز اهل سـنت، بر ضد دولتهای وقت به وقوع پیوست که رهبران آنها، داعیه مهدویت داشته اند که غالبا از پایگاه اجتماعی نیرومند و حمایتهای وسیع مردمی برخوردار شدند که به اختصار به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. عبدالله بن میمون (م. ۲۵۱ ق).، از اعراب خوزسـتان بود. وی به مقام «داعی » اسماعیلی نایل شد و از طرف امام مستور (امام زمان)، در خوزسـتان دعوت و تبلیغ می کرد. او ناگزیر پنهان شـد و نخست در بصـره پناهگاهی جست و سـپس به سـلامیه (در سوریه) گریخت و در آنجـا به تبلیغ پرداخت و مبلغـانی به اطراف گسـیل کرد. آنان به مردم می گفتنـد که بزودی امام مسـتور (صاحب الزمان)، مهدی موعود، ظهور خواهد کرد.

۲. در فاصله قرنهای سوم و چهارم هجری در سوریه (شامات)، داعیان اسماعیلی شایعاتی

۱- همو، اسلام در ایران، ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام، چاپ چهارم، ۱۳۵۴، ص ۳۷۳.

۲- همو، اسلام در ایران، ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام، چاپ چهارم، ۱۳۵۴، ص ۳۸۰ و ۳۸۱.

منتشر کردند که مهدی علیه السلام، ظهور کرده و همان عبیدالله، امام اسماعیلی است که نامش تا آن اواخر مستور بوده است.

۳ - عباس فاطمی که در اواخر سده هفتم هجری در مغرب ظهور کرد و خود را مهدی نامید و هواداران زیادی دور خود جمع کرد و کارش بالا گرفت و شهر مانس را تصرف کرد و بازار شهر را سوزاند و عاملان خود را به اطراف و اکناف فرستاد لکن پیش از آنکه دولتی تشکیل دهد کشته شد و دعوی او پایان یافت.(۱)

۴- محمدمهدی سنوسی که در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی/سیزدهم هجری در مغرب ادعای مهدویت کرد. اصل او از جبل سوس بود. پدرش شیخ محمد در ناحیه جغبوب (جربوب)، نزدیک واخه سیوا اقامت داشت و علاوه بر آنجا - که مقر اصلی او بود - نزدیک به ۳۰۰ زاویه در بلاد مغرب دایر کرده بود که به نشر تعالیم او می پرداختند. وی پیش از وفات خود اشاره کرده بود که مهدی منتظر بزودی ظهور خواهد کرد. و شاید پسرش باشد و ظهور او در آخر قرن سیزدهم خواهد بود. مهدی، مردی خردمند، مقتدر و سخت کوش بود و از کرامات مشهور او خیمه ای جادویی بود که در جنگها همراه می برد و پیروانش معتقد بودند که آن خیمه، هیچگاه از ذخایر و آذوقه تهی نمی شود.

۵ - محمد احمد سودانی، معروف به مهدی سودانی (۱۸۴۸ - ۱۸۸۵ م. /۱۲۶۴ - ۱۲۹۲ ق). از مهمترین و معروفترین مدعیان مهدویت بود. وی از قبیله دناقله بود و در سودان به دنیا آمد. پدرش عبدالله نام داشت و به قایق سازی مشغول بود. محمد احمد به تعلیم علوم دینی پرداخت و در ضمن مراتب طریقت را نیز گذراند و با نرمخویی، تیزهوشی و سخنوری خود و از همه مهمتر زهد و تقوای خویش که زبانزد همگان بود، مردم را به خود جذب کرد. او به امر به معروف و نهی از منکر پرداخت و مردم را به رعایت موازین شرعی دعوت نمود و

۱- همو، اسلام در ایران، ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام، چاپ چهارم، ۱۳۵۴، ص ۳۸۰ و ۳۸۱.

در سال ۱۸۸۱ م. /۱۲۹۷ ق. که زمینه دعوت خود را مهیا دید ادعای مهدویت کرد و خود را همان مهدی منتظر علیه السلام، نامید. آنچه موجب دعوی محمد احمد گردید به طور عمده به این شرح است:

الف) انتظار اکثر مسلمانان و از آن جمله مردم سودان برای ظهور مهدی علیه السلام ؛

ب) اعتقاد شیوخ قبایل و فقهای سودان بر اینکه مهدی علیه السلام، از میان آنان ظهور خواهد کرد و این عقیده خود را به روایاتی از ائمه حدیث (اهل سنت) مستند می کردند؛

ج) دریافت مالیات سنگین از مردم سودان که همراه با فشار، آزار و توهین به مالیات دهندگان بود. حتی از زنان و کودکان سودانی، مالیات گرفته می شد.

د) خرید و فروش مردم سودان به عنوان «برده »، تجارت پردرآمدی برای تجار سودانی بود.

مهدی سودانی چند بار با نیروهای مصری - انگلیسی جنگید و آنان را شکست داد و شهر خارطوم را به تصرف خود درآورد و دولت مستقلی تشکیل داد.

۶ - و بالاخره در ایران نیز در سال ۱۲۶۲ ق. یکی از شاگردان سیدکاظم رشتی به نام سید علی محمد شیرازی خود را نماینده (باب) امام زمان علیه السلام، دانست و پس از اینکه گروهی به او گرویدند، دعوی مهدویت کرد. علما با ادعای پوچ او مخالفت نمودند. و با فشار آنها در جلسه مناظره شرکت کرد اما از پاسخهای اولیه درماند و پس از آنکه چوب مفصلی خورد توبه کرد و آزاد شد اما بار دیگر دعوتش را ادامه داد و سپس دستگیر و در قلعه چهریق زندانی گردید. پیروانش با حمایت سفرای روسیه و انگلستان در گوشه و کنار کشور شورش ضد دولتی به راه انداختند. اما این شورشها با هوشیاری و مقاومت مردم و همکاری قشون دولتی سرکوب گردید و باب نیز اعدام شد.(۱) هر چند این حرکت خطرناک با مذهب بهائیت به نوع دیگری ادامه یافت.

۱- برای اطلاع از دعاوی باب، رجوع شود به فتنه باب، نوشته اعتضاء السلطنه که کمی پس از رفع آن فتنه نوشته است.

فصل دوازدهم: مهدویت و غرب

اشاره

ص:۲۱۷

موضوع مهـدویت، بعنوان یکی از انقلابی ترین اعتقادات اسـلامی، جهان غرب را در مورد آینده، به وحشت انداخته است. این وحشـت ناشــی از عمـق بحران هـایی اسـت کـه غرب، آن را بـا تمـام وجـود احسـاس می کنـد و البتـه بـا یگـانه هنر خـود که «ظاهرآرایی» است، تلاش می کند نه تنها چهره یک ورشکسـته را به خود نگیرد، بلکه در هیات یک جهاندار غالب ظاهر شود و افراد سـاده انـدیش و سـطحی نگر را بفریبـد. فروپاشـی نظـام خـانواده و بحران اخلاـقی- اجتماعی ناشـی از آن، بروز بحران زیست محیطی، بحران اقتصـادی که در شـکل تبعیض هـای وحشـتناک خود را نشـان می دهـد، سـیطره ظالمـانه رسانه ها و... بحران های امروز غرب است و اندیشمندان نظام سلطه گر غرب، بخوبی می دانند که اگر این وضع استمرار یابد، قطعا آینده از آن انـدیشه ای خواهـد بود که خلأـ معنویت جهـان را پر کنـد و اسـلام و تشـیع بـا اعتقاد بزرگ خود به مهـدویت، قطعا یگانه مکتبی خواهـد بود که بزودی ببر کاغذی غرب را در ساحت اندیشه و تفکر مچاله خواهد کرد و خود چونان موهبتی آسـمانی بر دل و جان مردم حاکم خواهد شد.

این خطری است که اندیشـمندان غربی آن را احساس کرده اند و راه گریز از این سرنوشت محتوم را در مقابله با اسلام و تشیع و بویژه مقابله با اعتقاد به مهدویت دیده اند، مقابله ای که هرگز با پاسخ درخوری از سوی مسلمانان همراه نشده است.

تبلیغات غرب علیه مهدویت

غرب به اسـتناد احسـاس خطری که از نـاحیه مهـدویت کرده، مـدتهاست که تبلیغات دامنه داری را در مقابله با آن آغاز نموده است. این تبلیغات با بهره برداری از آخرین تکنولوژی های

روز که دراختیـار غرب قرار دارد، انجام می شود. «دکتر سـعیدی»، جامعه شـناس، در این مورد به نکاتی جالب توجه اشاره می کنـد: «امروزه مـدرن ترین ابزار تبلیغاتی غرب، هالیوود است. ابزاری مـدرن، کارآ و نفوذکننـده که یکسـره در خدمت اندیشـه های تمامیت طلب غربی است. فیلم های جدید هالیوود که در آنها، بطور غیرمستقیم علیه مهدویت شیعی تبلیغ می شود، بسیار است. فیلم هـای ژانر علمی- تخیلی، در این مقوله می گنجنـد. فیلم هایی پیش بینی آینـده جهان را دسـتمایه سـناریو خود قرار داده و غرب را قبله نجات مردم از سـرسام تکنولوژی آینـده تبلیغ می کننـد، متاسـفانه بدون دقت، از سوی برخی از کشورهای اسـلامی دوبله شده و بنمایش درمی آیند. بعضـی دیگر از فیلم های هالیوود، بطور مستقیم به مقابله با مهدویت می پردازند که یکی از معروف ترین آنها، فیلم «نوسترادراموس» است که با تبلیغات شدیـد، بارها در جهان بنمایش درآمده و میلیونها سـی دی از آن در حال حاضر در دنیا توزیع شده است.»

اما تبلیغات غرب علیه مهـدویت، صـرفا درعرصه فیلم سازی خلاصه نمی شود. درهمه عرصه های تبلیغاتی غرب، می توان رگه هایی ازتبلیغ علیه مهدویت را مشاهده کرد. درواقع نظریه پردازان غربی با تهیه خوراک تبلیغاتی برای سـینما، کتاب، سـخنرانی، تئـاتر، تلویزیون و همه عرصه هـای هنری و فرهنگی، زمینه های تبلیغ علیه مهـدویت را فراهم می آورنـد. درحال حاضـر سایت های کامپیوتری زیادی وجوددارنـد که تبلیغات ضدمهـدویت را بعهده دارند و ذهن پاک جوانان را از این رهگذر، تحت تأثیر قرارمی دهند. درمیان این امواج توفنده تبلیغات سوء، ما مسلمانان برای تبلیغ مهدویت درجهان امروز چه کنیم؟

متأسـفانه فقر تکنولوژیک مسـلمانان، بسیاری از امکانات بالقوه را دراین مقوله، سلب کرده اما موضوع این است که ما حتی از داشـته هـای خود هم دراین راه بـدرستی اسـتفاده نمی کنیم و اگر به وظـایف منتظران درعصـر غیبت که تلاش درجهت آماده سـازی زمینه برای ظهـور حضـرت صـاحب الاـمر است، دقت کنیم، درخـواهیم یـافت که بخـاطر این رخوتهـا در راه تبلیغ برای فرهنگ مهدویت، هریک به فراخور امکاناتی که دراختیار داریم، ضامن خواهیم

بود و قطعاً مورد سؤال قرارخواهیم گرفت. بی اطلاعی و کم اطلاعی جوانان جامعه ما ازمقوله مهدویت، گناهی است که بخش عمده آن بردوش اندیشمندان، صاحب امکانات و مسئولان و دست اندرکاران جامعه ما سنگینی خواهدکرد. امروزه، جلوه های مظلومیت را می توان در موضوع مهدویت بخوبی مشاهده کرد.

غرب، سینما و آخرالزمان

این روزها «آخرالزمان»(۱) ترکیب سهل و ممتنعی است که در بسیاری از محافلِ دینی، هنری، تاریخی و سیاسی، به کرات مورد استفاده قرار می گیرد و این واژگان حتی در ادبیات شفاهی و فرهنگ فولکلوریک برخی اقوام و ملل جهت بیان یک حس مشترک بشری از پایان تاریخ به کار می رود. اکنون سؤال این است که در ورای این ترکیب کلی و تعریف مشترک، چه کلید واژه های مشخصی را می توان سراغ گرفت.

طبعا پیش از ورود به این بحث لازم است تعریفی کلی و اجمالی از مفهوم «آخرالزمان» عرضه داریم و طبیعتا محصول این تعریف، یک گزاره جامع و مانع یا به بیان دیگر یک «تعریف علمی» نخواهد بود. براساس این رویکرد، «آخرالزمان» یک باور مشترک بشری در خصوص فرجام کار عالم ناسوت است که عالم ماده را در نگاهی بُرداری و زمان مند، دارای نقاط ابتدا و انتهایی می داند. طبق این تعریف، عالم ماده ازلی وابدی نیست و همان گونه که در زمان معینی ایجاد شده، در وقت مشخصی نیز به پایان خواهد رسید. حال اگر عالم ماده را به یک کتاب قطور و سالهای عمر این عالم را به صفحات آن کتاب تشبیه کنیم، «آخرالزمان» آخرین فصل از کتاب ناسوت خواهد بود. از آنجا که خالق گیتی، کتاب خلقت عالم را بی غایت و بی هدف قلم نزده، لاجرم چکیده عمر عالم و همه مقصود از آفرینش، در واپسین فصل این کتاب ظهور خواهد کرد و همه قصه های ناتمام این کتاب، در آخرین فصل آن،

۱- Apocalypse

پایانی شایسته و مقبول خواهند یافت.

طبق آنچه گفته آمد، «آخرالزمان» پاسخ تمام سؤالهای ناتمام عالم هستی است و آنچه در آخرین فصل این کتاب به وقوع خواهد پیوست، هدف از خلقت عالم و آفرینش انسان را محقق و آشکار خواهد ساخت. به بیان دیگر، آخرالزمان، برهه ای از تاریخ است که طی آن عالم ناسوت، هویت لاهوتی خویش را باز خواهد یافت و در واپسین چالش میان حق و باطل، شناسنامه توحیدی عالم ماده دوباره پیدا و پدیدار خواهد شد.

باورمندی نسبت به مقوله «آخرالزمان» و شرایط آن، در میان همه ادیان و اقوام، به حدی عمیق و مشترک است که جز پذیرش فطری بودن این باور، راه دیگری باقی نمی گذارد. یعنی همان پدیده ای که «کارل گوستاو یونگ»(۱) آن را به عنوان قسمتی از «ضمیر ناخودآگاه مشترک»(۲) آدمی به رسمیت می شناسد و از آن با عنوان «کهن الگو»(۳) یاد می کند. در حقیقت «آخرالزمان» یک کهن الگوی عام و مشترک بشری است که آدمیان را صرف نظر از سرزمین و رنگ و نژاد، حول محور یک باور مشترک در خصوص پایان عمر دنیا گرد هم می آورد. براساس این باور، آخرالزمان به عنوان آخرین فصل کتاب عالم، به نوبه خود به سه مقطع زمانی قابل تقسیم است: مرحله اول، موعد آزمونهای سخت و فتنه های آخرالزمانی است. طی این مرحله که به «عصر عسرت»(۴) موسوم است، فتنه های آخرالزمانی یکی از پی دیگری آشکار می شوند و انسان را در ورطه ای از بلایای مافوق تصور غرق می کنند. مرحله دوم، مقطع «آشکار شدن منجی»(۵) و باز شدن دریچه امید است. در این مرحله جدال میان حق و

۱- Capl.G.Jung .

۲- Collective Uncoscious .

۳- Archetype .

۴- Tribulation Age .

۵- Revelation Age .

باطل به اوج می رسد و «نبرد نهایی»(۱) آغاز می شود. مرحله سوم، در پی غلبه حق بر باطل و هزیمت اهریمن از گیتی آغاز می شود و به «عصر طلایی»(۲) موسوم است. در این مرحله انسان به نهایت رشد و کمال نایل می شود و تمام ظرفیتهای نهفته عالم هستی بروز می کنند.

براساس یک الگوی آخرالزمانی مشترک، در تمامی ادیان الهی و بسیاری از اساطیر کهن اقوام و ملل، تقریبا همین روایت سه مرحله ای را می توان یافت و در اکثر این روایات یک ضد منجی یا «آنتاگونیست»(۳) مهم ترین مانع پیش روی منجی(۴) و یاران اوست که تمام تاریکیها و نیروهای اهریمنی در پشت سر او قرار گرفته اند. براساس اکثر روایات، نبرد نهایی میان خیر و شر، نبردی سهمگین و خونبار است که طی آن منجی و یارانش به امداد الهی بر لشکر اهریمن پیروز خواهند شد و بقیه السیف این نبرد، ظهور عصر طلایی یا آرمان شهر(۵) آخرالزمانی را شاهد خواهند بود.

آنچه بیان شد در حقیقت خویش به فطرت آدمی برمی گردد و همین الگوی فطری به دلیل برخورداری از ساختار اولیه درام (جدال خیر و شر و روایت فرازمانی) دستمایه بسیاری از رمانهای مشهور و فیلمنامه های سینمایی قرار گرفته است. حتی داستانها و فیلمهای کودکان نیز از این سوژه جذاب بی نصیب نمانده اند و همذات پنداری کودک با شخصیت منجی به عنوان مهم ترین عامل جذابیت این قبیل آثار برای کودکان و نوجوانان در نظر گرفته شده است.

طبعا نظام تصویری هالیوود(۶) نیز به عنوان بزرگ ترین امپراتوری سینمایی جهان، به دلایل عدیده این سوژه جذاب و جهانی را محور بسیاری از محصولات تصویری خویش قرار داده

۱- Final Conflict .

۲- Golden Age .

۳- Antagonist .

۴- Savior-Saviour .

۵- Utopia .

۶- Holywood .

است؛ تا جایی که هم اکنون در سینمای آمریکا، انواع مختلفی از آخرالزمان را می توان مشاهده نمود و به همان میزان منجیان آخرالزمانی نیز متکثر و متنوع انـد. این گونه های آخرالزمانی در یک طبقه بندی ساده عبارتند از: آخرالزمان تکنولوژیک(۱)، آخرالزمان طبیعی(۲)، آخرالزمان دینی(۳)، آخرالزمان علمی ـ تخیلی(۴) و آخرالزمان اسطوره ای(۵) که هر یک واجد شرایط و قهرمانان مختص خویش هستند.

در «آخرالزمان تکنولوژیک» آدمی با آفریده های تکنولوژیک خویش در جدال است و این مصنوع شوریده بر صانع، شرایط آخرالزمانی را برای انسان پدیـد می آورد. جرقه های آغازین این گونه را در آثاری مانند: «دکتر فرانکنشتاین»(۶) و تداوم آن را در «ترمیناتور۲»(۷) و «ماتریکس»(۸) می توان دیـد. در اکثر این آثار انسان در مقابل مصنوع و مخلوق خویش کم آورده و دچار بحران هویت است. منجی این قبیل آثار معمولاً یک انسان دانا و شجاع است که با درآمیختن دانش و شهامت در ضمیر خویش، پیروان انـدک خود را هـدایت و رهبری می کنـد. در پایـان نیز این تکنیسین اخلاق گرا، آنتاگونیست تکنولوژیک را شکست می دهد و بر نیروهای دشمن غلبه می کند.

در «آخرالزمان طبیعی» طبیعت صبور و مقهور انسان، به دلایل عمده (از جمله تخریب طبیعت به دست آدمی) بر علیه نسل بشر عصیان می کنـد و وقـایعیماننـد: گردبـاد، سیل، زلزلـه، آتشـفشان و برخـورد شـهاب سنگهای عظیـم بـه کره زمین، شرایط آخرالزمانی را پدید می آورند.

۱- Technological Apocalypse .

۲- Natural Apocalypse .

۳- Religious Apocalypse .

۴- Sciencefictional Apocalypse .

۵- Mithological Apocalypse .

۶- Dr. Frankenstein .

۷- Terminator-۲ .

۸- Matrix .

گـاهی نیز به دلیل دخالتهای نابجای انسان در پروسه های طبیعی و دسـتکاریهای ژنتیک، هیولاهای ناشـناخته ای از دل طبیعت پدیـدار می شونـد و حیـات بشـر را به مخاطره می افکننـد. فیلمهایی نظیر: «برخورد عمیق»(۱)، «آرماگدون»(۲)، «قله دانته»(۳)، «دنیای آب»(۴)، «گودزیلا»(۵) و «پارک ژوراسیک»(۶) هر یـک به سـهم خود، مصـادیقی از آخرالزمـان طبیعی محسوب می شوند.

«آخرالزمـان دینی» مهـم ترین و قابـل بحث ترین رویکرد سـینمای هـالیوود به بحث آخرالزمـان است که به دو شـیوه: پرداخت مسـتقیم یـا رویکرد نمـادین و اسـتعاری، شـرایط آخرالزمانی را به تصویر می کشـد. در این رویکرد آنتاگونیست در قالب یک ضد ارزش دینی (مثلاً: شیطان(۷)، ضد مسیح(۸) یا دجّال) در یک زمان خاص از زنـدان خود رها می شود و حیات بشـر را بر روی کره زمین مورد تهدیـد قرار می دهـد. طبعا در این قبیل آثار، منجی یک شخصـیت متـدین (مثلاً یک کشـیش(۹) یا یک قدیس)(۱۰) است که با تلفیقی از ایمان و شهامت و ایثار، آنتاگونیست را شکست می دهد و سحر شیطان را باطل می کند. در این قبیل آثار گاهی مسیح(۱۱) و گاهی پیروان او محور مقابله با شرارت اند و در پروسه ای تقدیری و حساب شده،

۱- Deep Impact .

۲- Aramageddon .

۳- Dantes peak .

۴- Water world .

۵- Godzilla .

۶- Jurassic park .

۷- Satan-devil .

۸- Antichrist .

۹- Priest .

۱۰- Saint .

۱۱- Jesus Christ-Nazarin .

شیطـان را مقهور و منکوب می کننـد. فیلمهایی نظیر، «جن گیر ۱و۲»(۱)، «طالع نحس۳»(۲) و «پایان روزگار»(۳) مصادیق این گونه آخرالزمانی به شمار می روند.

«آخرالزمـان علمی ــ تخیلی» سـوژه گروه دیگری از آثـار هـالیوودی اسـت کـه طی آن تلفیقی از خیـال و واقعیـت یـک خط آخرالزمـانی را پدیـد می آورنـد. در این الگوی روایی، آنتاگونیسـتها در قـالب موجودات فضـایی، از آن سوی کهکشـان و از اعماق تاریک فضا، پدیدار می شوند و حیات انسان را بر روی زمین مورد تهدید قرار می دهند. منجی این قبیل آثار با ترکیبی از دانش و مسائـل مـاوراءالطبیعه به جنـگ بیگانگان می رود و در نبردی سـخت و خونین، مهاجمان فضایی را از سـر راه برمی دارد. فیلمهـایی نظیر: مجموعه ۴ قسمتی «بیگانه»(۴)، «روز استقلال»(۵)، «عنصر پنجم»(۶) و مجموعه «جنگ سـتارگان»(۷) از جمله این قبیل آثارند.

«آخرالزمـان اسـطوره ای» دسـتمایه گونه ای دیگر از آثـار هـالیوودی است که طی آن، آنتاگونیست از آن سوی مرز واقعیت و رؤیـا و از دنیـای رمزآلـود افسـانه و اسـطوره هـای کهن سر برمی دارد و به دنیـای امروز پـا می گـذارد و پـارادوکس مـاهوی آنتاگونیست با دنیای مدرن امروز، شـرایط آخرالزمانی را پدید می آورد. در این گونه آثار، منجی و یاران او هیچ چاره ای جز سفر به دنیای اسـرارآمیز اسـطوره و خیال ندارند؛ زیرا هیچ سلاح و شیوه مدرنی بر آنتاگونیست ما قبل تاریخی کارگر نیست و صرفـا او را بـا تمهیـدات اسـرارآمیزی از جنس خـود او می تـوان از میـان برداشـت. سـرانجام بـا کشـف یـک طلسم یـا ابزاری سحرآمیز، قدرت جادویی آنتاگونیست

ص:۲۲۵

۱- ۱۲-The exporcist.

۲- The Omen .

۳- End of days .

۴- Alien .

۵- Independence day .

۶- The fifth element .

۷- Starwars .

باطل می شود و بحران فرو می نشیند. از مصادیق تصویری این گونه آخرالزمانی می توان به فیلمهای: «مومیایی»(۱)، «بازگشت مومیایی»(۲)، «عقرب شاه»(۳) و «ارباب حلقه ها»(۴) اشاره نمود.

علاوه بر آنچه ذکر شد، در سایر گونه های سینمایی نیز ردپایی از سوژه آخرالزمان و منجیان آخرالزمانی می توان مشاهده نمود. به بیان دیگر موضوع آخرالزمان، امروزه به چاشنی و مکمل برخی از گونه های دیگر سینمایی تبدیل شده که توضیح در این مقوله نیازمند مقاله جداگانه ای است.

اهداف غرب

در یک جمع بندی کلی به نظر می رسد که سیاست گذاران امپراتوری تصویری آمریکا و اعضای اتاق فکر هالیوود، با کشف جاذبه کم نظیر سوژه های آخرالزمانی و براساس چند هدف مشخص، تولید آثار سینمایی سالیان اخیر را در دستور کار خویش قرار داده اند: هدف اول، سوء استفاده از احساس نیاز فطری و کنجکاوی طبیعی انسان امروز در خصوص آخرالزمان در مسیر جلب سرمایه و کسب ثروت بیشتر است. به هر حال سوژه هایی از این دست در زمره پر فروش ترین محصولات سینمایی تاریخ سینما محسوب می شوند و این اقبال بیش از حد بینندگان طبعا از چشمان تیزبین ارباب سینما به دور نمانده است.

هدف دوم، ترویج نگاه آخرالزمانی مطلوب هالیوود و تعریف مفاهیمی نظیر: منجی، دجال و علائم پایان دنیا براساس آموزه های توراتی و انجیلی است. در این گونه آثار موضوعاتی از قبیل: شیطان، ضد مسیح، بهشت(۵) و دوزخ(۶) و نبرد نهایی خیر و شر همگی بر

۱- The mummy .

۲- The mummy returns .

۳- King scorpion .

۴- Wishmaster .

۵- Heaven .

۶- Hell .

مـدار توصـیفات کتاب مقـدس مطرح می شونـد و همین امر به ترویـج آموزه های بعضا تحریف شـده کتاب مقـدس منجر می گردد.

هدف سوم، از پرداختن به موضوع آخرالزمان ترسیم مغرضانه مختصات پیروان شیطان و نسبت دادن شر و پلیدی به بلاد مشرق زمین و کشورهـای اسـلامی است. در اکثر این آثـار، شـیطان یـا آنتـاگونیست ریشه و منشأ شـرقی دارد و بعضـا از یک کشور اسلامی برمی خیزد و نیمه غربی عالم را عرصه تاخت و تاز خود و یارانش قرار می دهد. جالب این که حتی موجودات فضایی چهره های شـرقی دارند و گاهی هم با مردم مشرق زمین ارتباط یا نسبتی برقرار کرده اند! طبعا در این قبیل آثار سینمایی، اتاق فکر هالیوود به صورت نمادین، خطوط اصلی نبرد آینده خود را با دنیای اسلام ترسیم می کند.

هدف چهارم، از تولید این قبیل محصولات تصویری و قریب الوقوع نشان دادن آخرالزمان، سعی در اخذ بیعت خوف و به بیان دیگر کسب اختیـار ویژه، در مـدیریت سیاسـی، نظـامی عـالم است. نکته جـالب این است که فیلمهـای هالیوود با بزرگ نمایی فجایع آخرالزمانی و توصـیف دقیق ابعاد هراس انگیز آن، بیننـدگان خود را به گونه ای شـرطی و فاقـد اختیار می سازنـد که با تمـامی ایـده هـا و راه حلهـای سازنـدگان فیلم در خصوص مقابله با خطرات آخرالزمانی موافقت نموده و هر عملی را به شـرط دافع خطر بودن، تأیید خواهند کرد.

اصولاً با مرور فیلمهای آخرالزمانی سالیان اخیر هالیوود، به نظر می رسـد که این قبیل آثار از حـد چند محصول سـرگرم کننده سینمایی فراتر رفته و به پروتکل نبرد آینـده دنیای مـدرن غرب با دنیای اسـرارآمیز مشـرق زمین و فرهنگ غنی اسـلامی تبدیل شـده اند. بینندگان میلیونی این قبیل آثار حتی اگر خود از ساکنان نیمه شـرقی عالم یا از پیروان آیین اسـلام باشـند، با مشاهده مکرر محصولات تصویری هالیوود، از فرهنگ بومی و قومی خویش دلزده شـده و اقتضائات دنیای مـدرن را به عنوان تنها راه مقابله با مشکلات و فتنه های آخرالزمانی به رسمیت خواهند شناخت. براساس این تحلیل هدف غایی سازندگان این قبیل آثار آن است تا

افکـار عمومی مردم جهـان، آمریکـا را به عنوان رهبر دنیـای جدیـد و سـر سلسـله نیروهـای خیر عـالم قلمـداد نموده و در قبـال تصـمیمات تجاوزگرانه و دیکتاتوری نظامی دولتمردان امروز آمریکا، از خود تساهل و تسامح بیشتری نشان دهند. طبعا در نبرد نهایی میان خیر و شـر، مختصـری خونریزی و خشونت (خصوصا اگر از جانب سـر سلسـله نیروهای خیر اعمال شـده باشد) قابل اغمـاض و چشم پوشـی خواهـد بود! و این همـان اختیـار تامی است که سـینمای هالیوود (به نیابت از دولت آمریکا) تلویحا در صدد کسب آن است.

کلام آخر آن که امروز نظام تصویری هالیوود، مشـخصا به عنوان بازوی تصویری سیاسـتمداران آمریکایی در صـدد است تا با مصادره به مطلوب مفاهیم خیر و شر و روایت مغرضانه معجونی از اسطوره و تاریخ، مقدمات رویارویی نهایی غرب را با دنیای اسلام فراهم آورد و در این میان مدیریت فرصت طلبانه «احساس قریب الوقوع بودن آخرالزمان» در عالم و موج سواری سیاسی در اقیانوس فطرت انسانها را وجهه همت خویش قرار داده است. ولی فارغ از تمام این معادلات شـیطانی، گردونه علام بر مدار رحمانی خویش می گردد و آخرالزمان حقیقی و منجی آخرالزمان (نه آن گونه که یاران شیطان می پسندند) در آستانه بروز و ظهورند و پایان این ماجرا را دست اراده الهی رقم خواهد زد.

غرب، یهود و مسیحیت صهیونیستی

شوق آتشـین باز آمـدن یا آمـدن منجی موعود، قرن ها است بشـر وامانده از عدالت، معنویت و آزادی را بی قرار ساخته است. هرچند افق نگاه مردمان، گونه های مختلفی به انتظار بخشـیده است(۱)، اما این واژه در معنای عام خود یکی از مشترکات بشـر وانسان معاصـر به حساب می آید. در این میان، ادیان ابراهیمی به این مسأله اهمیتی ویژه می دهند؛ چرا که ظهور موعود در هر یک از این ادیان به مفهوم تشکیل حکومت و سروری بر دیگران است. باتوجه به

۱- ر.ک به: علی موحدیان، گونه شناسی موعود در ادیان مختلف، مجله هفت آسمان، ش ۱۲و ۱۳

شرایط کنونی، آنچه دغدغه این نوشتار را فراهم ساخته است، نگاهی کوتاه به بازخوانی اندیشه موعود در جهان مسیحیت است. این مسأله از آنجا مهم و در خور اعتنا است که هم اینک بخشی از جهان مسیحیت با تکیه بر وعده های توراتی ــ انجیلی و فن آوری موجود در دنیای غرب به گونه ای خاص به تأویل و تفسیر آخرالزمان و اندیشه انتظار می پردازد و با ارائه نگاهی جنگ طلبانه، تمامی اهرم های خود را برای تحمیل نظریه خویش به کار می برد. از این رو، با گذری کوتاه بر اندیشه بازگشت مسیح، تلاش خواهیم نمود تا از زاویه ای دیگر به این ماجرا بنگریم.

مسیحیان و بازگشت مسیح

اندیشه بازگشت عیسی علیه السلام یکی از باورهای غالب جامعه مسیحیت است. این شوق و انتظار، در بخش های قدیمی تر عهد جدید مانند رساله اول و دوم پولس به تسالونیکیان به خوبی منعکس گشته است. اما در رساله های بعدی مانند رساله های پولس به تیموتاؤس و تیطس، همچنین رساله های پطرس به بعد اجتماعی مسیحیت توجه شده است. این مسأله از آنجا ناشی می شد که عیسویان با گذشت زمان پی بردند که بازگشت مسیح علیه السلام برخلاف تصور آنان نزدیک نیست.(۱) هرچند اقلیتی از آنان بر این عقیده باقی ماندند که عیسی به زودی خواهد آمد و حکومت هزارساله خود را تشکیل خواهد داد؛ حاکمیتی که به روز داوری پایان خواهد یافت. از همین رو، از دیر باز گروه های کوچکی به نام هزاره گرا در مسیحیت پدید آمده اند که تمام سعی و تلاش خود را صرف آمادگی برای ظهور دوباره عیسی در آخرالزمان می کنند.(۲) البته، وجود آیاتی در انجیل این حالت انتظار را تشدید می کند و با اشاره به عدم تعیین وقت ظهور، آن را ناگهانی معرفی می کنند. به عنوان مثال، در انجیل متّا از زبان عیسی

۱- حسین توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، چ اول، تهران، طه، سمت، مرکز جهانی علوم اسلامی، ص ۱۷۰.

۲- ر.ک به: حسین توفیقی، هزاره گرایی در فلسفه تاریخ مسیحیت، مجله موعود، شماره ۱۷، ص ۱۴ــ۲۰

این گونه نقل شده است: «شما نمی توانید زمان و موقع آمدن مرا بدانید؛ زیرا این فقط در ید قدرت خداست. هیچ بشری از آن لحظه (زمان ظهور) آگاهی ندارد حتی فرشتگان، تنها خدا آگاه است.»(۱) یا آن که در انجیل لوقا به نقل از مسیح چنین آمده است: «همیشه آماده باشید؛ زیرا که من زمانی می آیم که شما گمان نمی برید.»(۲)

روشن نگه داشتن چراغ انتظار در لابه لای انجیل به چشم می خورد: «کمرهای خود را بسته و چراغ های خود را افروخته بدارید، باید مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می کشند که چه وقت از عروسی مراجعت کند. تا هر وقت آید و در را بکوبد، بی درنگ در را برای او باز کنند. خوشا به حال آن غلامانی که آقای ایشان چون آید، ایشان را بیدار یابد. پس شما نیز مستعد باشید؛ زیرا در ساعتی که شما گمان نمی برید پسر انسان می آید.»(۳)

مسیحیت ضمن تأکید بر غیرمنتظره بودن بازگشت عیسی، هدف از این بازگشت را ایجاد حکومتی الهی در راستای حکومت الهی آسمان ها ارزیابی می کند.(۴) علاوه بر این، ظهور مسیح یگانه راه حل برای ادامه حیات و زندگانی برشمرده می شود(۵) و عیسی منجی انسان ها و پادشاهِ پادشاهان معرفی می گردد.(۶) وی براساس سخنان دانیال نبی، نظام اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، تربیتی و مذهبی جهان را عوض خواهد کرد و جهانی بر مبنای راه و روش خدا بنا می کند.(۷) مسیحیان همچنین علاماتی برای ظهور عیسی بن مریم قایل می باشند: «عنقریب بعد از آن آزمایش سخت، روزگاران خورشید تیره و تار می گردد و ماه نور خود را از دست خواهد داد

۱- انجیل متا، باب ۲۴: ۳۶.

۲- لوقا، باب ۱۲:۴۰

۳- لوقا، باب ۱۲: ۳۵_۴۰

۴- انجیل متا، باب ۶:۱۰

۵- انجیل متا، باب ۲۴:۲

۶- مکاشفه، باب ۱۷: ۱۴ و باب ۱۹: ۱۶

۷- دانیال، باب ۲: ۴۴_۴۵

و ستارگان افول خواهند کرد و قدرت های آسمانی نیز به لرزه درخواهند آمد و سپس آثار و علایم ظهور آن مرد آسمانی آشکار خواهد شد و سپس تمامی قبایل زمین نگران و غمگین می گردند و آن گاه عیسی از ابرهای آسمان با جلال و شکوه و قدرت فرو خواهد آمد.»(۱)

در انجیل مرقس نیز ضمن تأکید بر همین مضامین، به جمع آوری یاران توسط مسیح اشاره شده است: «سپس عیسی با شکوه و جلال و قدرت خواهد آمد و فرشتگان تحت امر خود را به اطراف و اکناف عالم روانه خواهد کرد و منتخبان خود را از چهارگوشه جهان از بالاترین نقطه آسمان تا پایین ترین نقطه زمین جمع خواهد کرد.»(۲) روایات اسلامی نیز بر آمدن مسیح علیه السلام صحه می گذارند. از جمله آن که، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «سوگند به آن که جانم به دست او است، به طور یقین عیسی بن مریم به عنوان داوری عادل و پیشوایی دادگر در میان شما فرود خواهد آمد.»(۳)

این مسأله به خودی خود می تواند زمینه های گفت وگو و هم اندیشی بین انتظار اسلامی و مسیحی را فراهم آورد. ناگفته نماند که حتی در برخی از انجیل های مورد پذیرش گروهی از پروتستان ها، به روشنی از ظهور نجات دهنده ای صحبت به میان می آید که از فرزندان پیامبر عربی است: مسیح در وصایای خود به شمعون پطرس می فرماید: «ای شمعون! خدای من فرمود، تو را وصیت می کنم به سید انبیا، که بزرگ فرزندان آدم و پیغمبران امی عربی است. او بیاید، ساعتی که فرج قوی گردد و نبوت بسیار شود و مانند سیل جهان را پر کند.»(۴)

ص:۲۳۱

۱- انجیل متا، باب ۲۴: ۲۹_۳۰.

۲- مرقس، باب ۱۳: ۲۴_۲۷، همچنین متا، باب ۲۴: ۳۱.

۳- علی کورانی عاملی، عصر ظهور، ص ۳۴۱ به نقل از ابن حماد، الفتن (خطی)، ص ۱۶۲

۴- همشهری، ۲۶/۱۰/۷۴، به نقل از مصلح جهانی به نقل از: آرمان شهر در ادیان، محمدعلی بزنونی، پگاه، ش ۲۴،ص ۲.

«مسیحیت صهیونیستی»

«مسیحیت صهیونیستی» جریانی «فرهنگی، سیاسی» است که با تکیه بر آموزه های توراتی، تمایلات سیاسی صهیونیستی و امکانات نظامی آمریکا سعی در کسب سلطه کامل بر جغرافیای فرهنگی و خاکی مسلمین (از نیل تا فرات) دارد.

این جریان موضوع زمینه سازی ظهور مقدس را بهانه حضور در خاورمیانه، حمایت از اسرائیل، تسلط بر عراق و... ساخته است.

این جریان «ظهور حضرت عیسی علیه السلام » را مشروط به تشکیل اسرائیل بزرگ، انهدام بیت المقدس، بنای هیکل سلیمان و بالاخره واقعه «آرماگدون» می شناسند و حذف عوامل مزاحم تحقق این استراتژی، مقابله با مسلمین و روحیه جهادی شیعیان، سلطه کامل بر ایران اسلامی و قتل عام مخالفان سلطه صهیونیسم بر سرزمینهای اسلامی را مقدمه لازم به شمار می آورد.

غرب در دهه های آخر قرن بیستم (به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی) دریافت که ایده «مهدوی» و فرهنگ ولایی اصیل که توسط شیعیان مطرح می شود از استعداد بالقوه و شگرفی برای تهدید فرهنگ و تمدن الحادی و سیاست استکباری غرب برخوردار است و به عنوان طرحی جایگزین «فرهنگ لیبرالیستی» می تواند جاذب عموم مردم سرخورده جهان امروز شود؛ از اینرو مخدوش ساختن چهره این فرهنگ، القاء این معنا که آینده از آن فرهنگ لیبرالیستی است و بیهوده جلوه دادن هرگونه تلاش برای تغییر وضع موجود در دستورکار گردانندگان نظام سلطه در بخشهای فرهنگی و سیاسی غربی قرار گرفته است.

متمسک شدن به موضوع «قریب الوقوع بودن ظهور حضرت مسیح علیه السلام » برای محتوم جلوه دادن سلطه یهودیت و مسیحیت بر کل جهان در هیأت حکومت جهانی، حکایت از طرحی زیرکانه، مُحرّف و سلطه جویانه دارد که عدم بازشناسی صبغه فرهنگی و سیاسی آن و همچنین مخفی ماندن زوایای این امر برای مخاطبان مسلمان موجب بروز انحراف فرهنگی

جوانان و تأثیرپذیری آنها از آموزه های منحرف غرب مسیحی و یهودی خواهد شد.

مسیحیت صهیونیستی با توسل و تمسک به این حیله و با استفاده از همه قوا سعی در حفظ قدرت غرب و استمرار حاکمیتش بر سرتاسر جهان دارد. به طوری که از اولین سالهای پیروزی انقلاب اسلامی شاهد ورود فیلمهایی چون «نوستر آداموس» و صدها فیلم دیگر از این دست بودیم که سعی در مخدوش ساختن چهره مقدس منجی آخرالزمان و موعود مسلمانان کرده است.

بازشناسی این جریان محرّف، نقد و رد عملکرد تبلیغاتی، سیاسی و نظامی آن در جهان و به ویژه سرزمینهای اسلامی مقدمه ای است برای مصونیت بخشیدن به جوانان، بیداری گردانندگان و حاکمان سرزمینهای اسلامی و متذکر شدن محققان و مبلغان برای نقد و مقابله جدی فرهنگی با این خطر بزرگ.

منتظران هارمجدون (آرماگدون)

منتظران هارمجدون (آرماگدون)(۱)

یکی از موضوعاتی که همواره در اندیشه انتظار مسیحیت و اسلام به عنوان چالش مطرح بوده، نبرد آخرالزمان است. با نگاهی به تاریخ اروپا و امریکا در مقاطعی حساس، رهبران آنان با اشاراتی کوتاه و بسیار مبهم مطالبی را بیان می داشتند که بیان گر اندیشه های درونی حاکم بر آنان بوده است. ناپلئون وقتی به دشت جرزال میان جلیله و سامریه در حوالی کرانه غربی رود اردن رسید، گفت: «این، میدان بزرگ ترین نبرد جهان است.»(۲) وی این مطلب را براساس آموزه های انجیلی ابراز داشت. اما به نظر نمی رسد هیچ پژوهشگر مسلمانی این گفتار وی را، که در تاریخ ثبت شده است، مورد توجه، تجزیه و تحلیل قرار داده باشد. بیش از صد

۱- ر.ك: آیا واقعه ارماگدون پایان جهان است؟، جرولدانست، فاطمه شفیعی سروستانی و فرشاد زاهد، موعود، ش ۳۲، ص ۲۰.

۲- تدارک جنگ بزرگ، گریس هال سل، ترجمه خسرو اسدی، ص ۵۰.

سال بعـد، هنگامی که فرانسه توانست با سوء اسـتفاده از ضـعف امپراطوری عثمانی، سوریه و لبنان را اشـغال کند، ژنرال گورو فرمانـده فرانسوی و فاتـح دمشق، در حـالی که پای خود را با تنفر و تکبر تمام بر مزار صـلاح الـدین ایوبی گذاشـته بود، اظهار داشت: «هان ای صـلاح الـدین ما بازگشتیم!» این رفتار متفرعنانه مخصوص این فرمانده فرانسوی نبود. آلن بی، ژنرال انگلیسـی نیز که خود در جنگی دیگر در زمان جنگ جهانی اول در هارمجدون پیروزی ارزشـمندی را به دست آورده بود، هنگام ورود به قـدس، سـرمست از پیروزی خویش در برابر کنیسه قیامت ابراز داشت: «امروز جنگ های صـلیبی به پایان رسـید.» این حادثه برای یهودیان از چنان اهمیتی برخوردار بود که اسرائیل زانگوئیل آن را «جنگ هشتم صلیبی» نامید.(۱)

در ادامه، خط سیر این اندیشه را در رفتار جنگ جویانه آیزنهاور رئیس جمهور امریکا، در دهه پنجاه پی می گیریم. وی اعلام کرد: «بزرگ ترین جنگی که در پیش داریم، جنگی است برای تسـخیر افکار انسان ها.»(۲) اما وی ابراز نداشت که سخن وی در واقع روشـی برای تحقق نظریه حمبس برونهـام، در کتـاب «مبـارزه برای جهان» است که نوشـته بود: «هـدف ما ایجاد دولت جهانی امریکایی است، به گونه ای که با دولت های جهان به رقابت برخیزد.»(۳)

در پی این اظهارات تنـد و مهار گسـیخته در دهه هشـتاد با جنگ سـتارگان ریگان، تفکر مذهبی وی در رابطه با مشـیت الهی، جنگ برای نابودی دشمنان خدا و حکومت هزارساله مسیح(۴) روبه رو می گردیم. پس از ریگان، بوش ـ پدر ـ با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، نظریه نظم نوین جهانی را مطرح می سازد و فرزندش پس از حوادث یازده سـپتامبر بار دیگر با نبش قبر اندیشه ها و انگیزه های مدفون مذهبی، سخن از جنگ های صلیبی به میان می آورد و

ص:۲۳۴

۱- نک: نقد و نگرش بر تلمود، ظفرالاسلام خان،محمدرضا رحمتی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ص ۷۱.

۲- احمد رزاقی، تبلیغات دینی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۲۰ و ۲۱

۳- احمد رزاقی، تبلیغات دینی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۲۰ و ۲۱

۴- گریس هال سل، پیشین، ص ۷۴.

کشورهای ایران، عراق و کره شمالی را محور شرارت می نامد. نگاه تفوق جویانه و نامداری غرب نسبت به مسلمانان، با فراز و نشیب هایی مصلحتی در طول چند قرن اخیر به خوبی روشن است.

حال، این پرسش مطرح می شود که آیا همه این اظهارنظرها اتفاقی است و از نگرش لیبرالیستی غرب ناشی می شود یا برآیندی است از ناگفته های ذهنی و عقیدتی غربیان، که با بیان های گوناگون ابراز می شود؟ از سوی دیگر، آیا این نگاه خصمانه در اندیشه انتظار منجی آخرالزمان نیز ردپایی از خود برجای گذاشته است یا خیر؟ گریس هال سل در جست وجوی پاسخ این پرسش ها، کتاب «تدارک جنگ بزرگ» را به رشته تحریر درآورده است. این نویسنده مسیحی _ امریکایی به ریشه یابی دشمنی های غرب پرداخته، با دلایل گوناگون و مستند این نظریه را اثبات می کند که برخی موضع گیری ها و رفتارهای خصمانه یا دوستانه برخی از سردمداران کشورهای قدرتمند مسیحی، ناشی از یک عامل عقیدتی است؛ عاملی که از سوی حرکت های راست افراطی مسیحی به شدت در جامعه مسیحی تبلیغ می گردد و تاکنون با اقبال خوبی روبه رو بوده است. این عامل چیزی جز «نبرد آخرالزمان» نیست؛ نبردی که در دره مجدون رخ خواهد داد. براساس این روایت عهد عتیق، پیکاری بزرگ بین ارتش دویست میلیونی شرق از یک سو، و ارتش یهودی مسیحی از سوی دیگر، به وقوع خواهد پیوست.

نبردهای مجدون همزمان با بازگشت مسیح روی خواهد داد. براساس تأویل های گروهی از کشیشیان پروتستان، در این جنگ از سلاح های هسته ای استفاده خواهد شد:(۱) «ای پسر انسان نظر خود را بر جوج، که از زمین مأجوج و رئیس روش و ماشک و توبال است، بدار و بر او نبوت نما و بگو خداوند «یهوه» چنین می فرماید «اینک من ای جوج رئیس روش و

۱- گریس هال سل، پیشین، ص ۷۴.

ماشک و تو بال بر ضد تو هستم و تو را برگرانیده قلاب خود بر چانه ات می گذارم و تو را با تمامی لشکرت بیرون می آورم. اسبان و سواران، که جمیع ایشان با اسلحه تمام آراسته، جمعیت عظیمی با پسرهاو مجنّ ها و همگی این ها شمشیر به دست گرفته. فارس و کوش و فوط با ایشان و جمیع ایشان با سپر و خود، جومرو تمامی افواجش و خاندان توجَرمه از اطراف شمال با تمامی افواجش و قوم های بسیاری همراه تو. پس مستعد شو و تو تمامی جمعیت که نزد تو جمع شده اند، خویشتن را مهیا سازید و تو مستحفظ ایشان باشد. پس از روزهای بسیار از تو تفقد خواهد شد و در سال های آخر به زمینی، که از شمشیر استرداد شده است، خواهی آمد که از میان قوم های بسیار بر کوه های اسرائیل، که به خرابه های دائمی تسلیم شده بود، جمع شده است و آن از میان قوم ها بیرون آورده شده و تمامی اهلش به امنیت ساکن می باشند.»(۱) علاوه بر این آیات، که به چگونگی تشکیل سپاهیان مهاجم و پایان خوش جنگ می پردازد، برخی دیگر جنبه های دهشت بار نبرد را روشن می سازند: «خداوند یهوه می گوید: در آن روز، یعنی در روزی که جوج به زمین اسرائیل برمی آید، همانا حدّت خشم من به بینیم خواهد برآمد... هر آینه در آن روز تزلزل عظیمی در زمین اسرائیل خواهد شد و ماهیان دریا و مرغان هوا و حیوانات صحرا و همه حشراتی که بر زمین می خزند و همه مردمانی که بر روی جهانند و به حضور من خواهند لرزید و کوه ها سرنگون خواهد شد و صخره ها خواهد افتاد و جمیع حصارهای زمین منهدم خواهد گردید.»(۲) در کتاب زکریای نبی، به چگونگی کشته شدن جنگاوران مهاجم اشاره شده است: «گوشت ایشان در حالتی که بر پای های خود ایستاده اند، کاهیده خواهد شد و چشمانشان در حدقه گداخته خواهد گردید و زبان ایشان در دهانشان کاهیده خواهد شد.»(۳) شدت حادثه و تعداد

۱- عهد عتیق، حزقیال نبی، باب ۳۸، آیات ۲_۸.

۲- عهد عتیق، حزقیال نبی، باب ۳۸، آیات ۱۸_۲۰.

۳- کتاب زکریا، باب ۱۴، آیه ۱۲.

کشتگان در این نبرد عظیم، چنان زیاد است که در مکاشفه یوحنا از آن به عنوان ضیافت خداوند برای پرندگان یاد می شود: «و دیدم فرشته ای را در آفتاب ایستاده که به آواز بلند تمامی مرغانی را که در آسمان پرواز می کنند ندا کرده، می گوید: بیایید و به جهت ضیافت عظیم خدا فراهم شوید. تا بخورید گوشت پادشاهان و گوشت سپه سالاران و گوشت جباران و گوشت اسبان و سواران آنها و گوشت همگان را چه آزاد، چه غلام و چه صغیر و چه کبیر.»(۱)

این روایات عهد عتیق و انجیل، شباهت بسیاری با واقعه و نبرد قرقیسیا(۲) در روایات شیعی دارد. برای مثال، از امام صادق علیه السلام در همین زمینه نقل شده است: «ان لله مائده بقرقیسیا یطلع مطلع من الماء...»(۳) «همانا برای خداوند در قرقیسیا سفره ای است که سروش آسمانی از آن خبر می دهد، پس ندا می دهد ای پرندگان و ای درندگان زمین! برای سیر گشتن از گوشت ستمکاران شتاب کنید.» امام باقر علیه السلام نیز ضمن تأکید بر شدت واقعه می فرمایند: «همانا واقعه ای برای فرزندان عباس و مروانی در قرقیسیا روی خواهد داد که نوجوان را پیر می کند و خداوند هرگونه یاری را از آنان دریغ داشته، به پرندگان آسمان و درندگان زمین الهام می کند تا از گوشت ستمگران سیر شوند.»(۴) براساس تحلیل های معتقدان نبرد آخرالزمان، ۳۲ جمعیت جهان طی وقایع و حوادث ظهور از بین خواهند رفت. «خداوند می گوید: "در تمامی زمین دو حصه منقطع شده، خواهند مُرد و حصه سوم در آن باقی خواهد ماند و حصه سوم را از میان آتش خواهم گذرانید و ایشان را مثل قال گذاشتن نقره قال خواهم گذاشت و مثل مصفا ساختن طلا ایشان را مصفا خواهم نمود و اسم مرا خواهند خواند و من ایشان را اجابت

۱- مکاشفه یوحنا، باب ۱۹: ۱۷_۱۸.

۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۶.

۳- محمدبن ابراهیم النعمانی، الغیبه، تهران بی نا، ۱۳۹۷ ه. ق، ج ۶۴ ص ۲۷۸.

۴- النعمانی، همان، ص ۳۰۳، ح ۱۲.

نموده، خواهم گفت: ایشان قوم من هستند و ایشان خواهند گفت که یهوه خدای ما می باشد."(۱) این نگاه نیز با روایات اسلامی مطابقت دارد؛ چرا که از امیرمؤمنان علیه السلام در این باره نقل شده است: «لا یخرج المهدی حتی یقتل ثلث و یموت ثلث و یبقی ثلث.»؛ مهدی زمانی خروج خواهد نمود که ۳۱ کشته می شوند، ۳۱ می میرند و ۳۱ باقی می مانند.(۲) روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام نیز بر همین مضامین تأکید دارد.(۳)

مجموع این روایات توراتی و انجیلی، دستاویزی قابل اعتنا به دست هزاره گرایان مسیحی و پیروان تندرو مشیت الهی داده است. البته، لازم به یادآوری است که پیروان این نظریه حتی به متحدان یهودی خود نیز رحم نمی کنند و ضمن آن که معتقدند میلیون ها نفر از یهودیان در این جنگ کشته می شوند. آینده عده باقی مانده را نیز چنین ترسیم می کنند: «پس از نبردهای مجدون، تنها صد و چهل و چهار هزار نفر یهودی زنده خواهند ماند؛ و همه آنان اعم از مرد، زن و کودک، در برابر مسیح سجده خواهند کرد و به عنوان مسیحیان نوآیین، خود به تبلیغ کلام مسیح خواهند پرداخت.»(۴) با وجود اصرار معتقدان به نبرد آخرالزمان بر واژه های مجدون، این کلمه تنها یک بار در انجیل مطرح شده است.(۵) با این حال، این تفسیر جنگ طلبانه در جوامع مسیحی به شدت بازتاب یافته است، به گونه ای که در سال ۱۹۸۵ م. این گونه تفسیرها، که در قالب برنامه های تلویزیونی ارائه می شد، تنها در امریکا حدود شصت میلیون مخاطب را به خود جذب نموده بود. همچنین فروش کتاب، «مرحوم سیاره بزرگ زمین» که در همین رابطه نوشته شده بود، به مرز هجده میلیون نسخه رسید و در سراسر دهه

۱- زکریا، باب ۱۳: ۸_۹.

۲- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۸۵ به نقل از کنزالعمال.

۳- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۸۵ به نقل از بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۳.

۴- تدارک جنگ بزرگ، ص ۵۴.

۵- مکاشفه یوحنا، باب ۱۶: ۱۶.

هفتاد پرفروش ترین کتاب پس از انجیل به شمار می رفت.(۱) هم اکنون امریکاییان به بیش از هزار و چهارصد ایستگاه رادیویی، که برنامه های مذهبی پخش می کنند، گوش فرا می دهند(۲) و هشتاد هزار کشیش بنیادگرای پروتستان روزانه از چهارصد ایستگاه رادیویی به تبلیغ مرام و مکتب خویش می پردازند. اکثریت آنها را هواخواهان مشیت الهی (نبرد پیروزمند مسیحیان در آخرالزمان) تشکیل می دهند.(۳) این مبلغان جنگ، که بیش تر درباره حمایت خداوند از مسیحیان و عظمت و آینده درخشان ایشان سخن می گویند، با استفاده از شبکه های تلویزیونی خویش هم اکنون حدود شصت کشور را تحت پوشش برنامه های خود قرار داده اند.

لازم به یادآوری است که یکی از ایستگاه های تلویزیونی مروج این نوع دیدگاه در جنوب لبنان حضور فعال دارد. یکی دیگر از فعالیت های درخور توجه این گروه تربیت یک صد هزار کشیش متعصب و مدافع مسیحیت جنگ طلب می باشد، که عمده فعالیت خود را در امریکا متمرکز نموده اند. جالب است بدانیم مفسران و نظریه پردازان این نظریه تا پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی واژگانی همچون روش، ماشک، توبال، فارس، جومر و توجرمه را، که به زعم اینان حریفان اصلی نبرد مجدون را تشکیل می دهند، به ترتیب بر روسیه، مسکو، توبولسک (یکی از شهرهای شوروی سابق)، ایران، شمال افریقا یا کشورهای اروپای شرقی و قزاق های جنوب روسیه تطبیق می کردند.(۴) این گروه نسبتا قدرتمند علاوه بر آن که، روابط خویش را با اسرائیل مستحکم می سازند و تشکیل رژیم صهیونیستی را مقدمه ظهور مسیح ارزیابی می کنند، در عین حال با توجه به اعتقادات خویش، با جریان صلح یا سازش خاورمیانه مخالفت می کنند. جری فال ول، که یکی از کشیشان معروف و از رهبران

۱- تدارک جنگ بزرگ، ص ۱۹.

۲- ر.ک به: زندگی در عیش، مردن درخوشی، نیل پستمن، ترجمه دکتر صادق طباطبایی، فصل هفتم، ص ۲۱۹.

۳- تدارک جنگ بزرگ، پیشین، ص ۲۶.

۴- تدارک جنگ بزرگ، پیشین، ص ۲۶.

این گروه های افراطی می باشد، درباره روند صلح خاورمیانه و پیمان کمپ دیوید می گوید: «به رغم انتظارهای خوش بینانه و دور از واقع بینی دولت ما، این قرارداد پیمان پایداری نخواهد بود. ما از صـمیم قلب برای صلح در اورشلیم دعا می کنیم، ما به یقین بالاترین احترام ها را برای نخست وزیر اسرائیل و ریاست جمهوری مصر قایل هستیم... اما شما و ما می دانیم تا روزی که خداونـدگار ما عیسـی بر روی تخت داوود در اورشـلیم (قـدس) جلوس نکننـد، صـلحی در خاورمیانه برقرار نخواهـد شد.»(۱) متأسـفانه بایـد اظهار داشت این دیـدگاه افراطی تنها به پژوهشـگران راست مسـیحی و برخی کشـیشان محـدود نمی شود، بلکه رسوبـات این طرز تلقی در یکی از مهم ترین نظریـات سیاسـی ــ راهبردی، یعنی نظریه جنگ تمـدن ها و در پیونـد با اهـداف درازمدت قدرت های بزرگ به خوبی قابل مشاهده است. نظریه جنگ تمدن ها، که اسـتخوان بندی سیاست خارجی و دفاعی امریکـا را شـکل داده است، در رابطه با آینـده جوامع بشـری به ویژه دو تمـدن اسـلام و غرب، نگاهی نزدیک به مشـیت طلبان مسیحی داشته و ابراز می دارد: «تقابل اصلی جوامع بشری برخورد فرهنگ اسلامی و فرهنگ غربی است.»(۲)

حاصل سخن

بـا جمع بنـدی آنچه گـذشت، می توان این حقیقت را دریـافت که در صـحنه انتظـار موعود رقبـایی سرسـخت و پرکار حضور دارند؛ اندیشه هایی که با ارائه تفاسیر خویش در تلاش هستند تا موجودیت سایر نگرش ها را به خطر اندازند. این مسأله زمانی جدی تلقی می شود که بدانیم هویت شـیعه پیوندی حیاتی با اندیشه انتظار داشـته و در ارتباط با این مفهوم قوام می یابد. ازاین رو، می توان با اطمینان اظهار داشت که بار گران تبیین اندیشه مهدویت بیش از هرجا بر دوش شـیعه دوازده امامی سنگینی می کند. حال، اگر این واقعیت را با وقوع انقلاب

۱- تدارک جنگ بزرگ، پیشین، ص ۵۹.

۲- هویت، ص ۲۶.

اسلامی و داعیه داری زمینه سازی ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف ملاحظه نماییم، عمق مسأله بیش از پیش آشکار خواهد شد. بی گمان فرا رسیدن هزاره سوم فرصتی کم نظیر و طلایی را فراروی مبلغان واقعی منجی آخرالزمان قرار داده است. استفاده هدفدار و روشمند از این موقعیت ممتاز با توجه به غنا و گیرایی اندیشه انتظار در شیعه، می تواند راه را بر اندیشه های رقیب بسته یا دست کم آنان را بی رقیب رها نکند. در برابر بی توجهی به فرصت های پیش آمده راه نفوذ و هجوم دیگری را برای دشمنان فراهم خواهد ساخت؛ دشمنانی که با اندیشه انتظار نیز برخوردی ابزاری خواهند داشت.

غربی در پیگیری مساله «آخر الزمان » به مراتب فعال تر از همه هستند. بازخوانی پرونده «میشل نوستر آداموس » از سوی اورسن ولز در فیلم «مردی که آینده را دید»، تنها یکی از حلقه های مشهور این تلاش است که اخیرا برخی جامعه شناسان و کارشناسان امور ارتباطی کشورمان هم بر آن تفطن یافته اند. حال آنکه این زنجیره حلقه های دیگری هم دارد که برخی به پیش از ساخت این فیلم - در دهه هشتاد - و بعض دیگر به حوادث قریب الوقوع ماه های آینده مربوط می شود. طراحی «جنگ ستارگان » از سوی دولت ریگان نیز از جمله حلقات مشهود این تئوری است که پس از روی کار آمدن دولت بوش پسر، دوباره در دستور کار مقامات کاخ سفید قرار گرفته است. در مقاله ای که چهار سال پیش ترجمه کردم (۱) و تا کنون و بدون اطلاع این نویسنده در چندین و چند جا به چاپ مجدد رسیده است، به این موضوع اشاره شده که مؤسسات دینی راستگرایان مسیحی از سال های دهه ۸۰ میلادی، مردم کشورهای غربی را به ایمان جمعی به وقوع حادثه ای بزرگ در سرزمین شام توجه داده اند. بنا به پیش بینی این گروه از مفسران که از جمله مشاوران عالی کاخ سفید محسوب می شوند، در آینده لشکری از به اصطلاح دشمنان مسیح که بدنه اصلی آن از میلیون ها نظامی تشکیل یافته، از عراق حرکت می کند و پس از گذشتن از رود خشک فرات به سوی قدس رهسپار می شود؛ اما نیروهای مؤمن به مسیح راه این لشکر را سد کرده، همگی در دره ای به نام

آرماگدون (یا همان هرمجدون) با همدیگر برخورد خواهند کرد. به پیشگویی و بلکه برنامه ریزی نظامی این دول و به منظور تسریع در روند ظهور مسیح یهودی، وقوع نبردی هسته ای در این منطقه اجتناب ناپذیر است. جنگی جهانی که به مرگ میلیون ها نفر غیر یهودی و غیر مسیحی بینجامد. چیزی شبیه اعتقاد غلط برخی افراد در کشور خود ما که تسریع ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف را به دامن زدن به فساد و تباهی منوط می دانند.

صهیونیسم یهودی و مسیحی از یک سو با معرفی چند سال آینده به عنوان دوران ظهور، سیستم سیاسی حاکم بر ایالات متحده را به عنوان یگانه منجی بشریت تبلیغ می کند و از سوی دیگر با تراشیدن موعودهای دروغین، اذهان خام ساده اندیشان را به سوی دست نشاندگان مزدور خود متوجه می سازد. تقابل بن لادن با ایالات متحده بی تردید یک بازی سیاسی است که نمونه نازل آن را در پیروزی موقت اعراب در صحرای سینا شاهد بودیم. پیروزی ظاهری و موقتی که نتیجه باطنی آن حاکمیت چند ساله انور سادات رئیس جمهور معدوم مصر و امضای قرارداد صلح کمپ دیوید بود. قرارداد صلحی که پیروزی صوری اعراب در جنگ با اسرائیل مقدمه الجیش آن و عامل خواب خرگوشی مسلمانان محسوب می شد. همین بازی در اثنای جنگ کویت تکرار شد و ساده اندیشی تحلیل گران ناآگاه که صدام و بوش پدر را در برابر هم می دیدند، به استقرار نیروهای نظامی غرب در کل منطقه خلیج و ترکیه انجامید....

ص:۲۴۲

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹